

فصلنامه گنجینه اسناد

سال سیام، دفتر سوم، پاییز ۱۳۹۹
شماره پیاپی ۱۱۹
شاپا (شماره استاندارد بین‌المللی پیاپیها): ۱۰۲۳-۳۶۵۲
شاپای الکترونیک: ۲۵۳۸-۲۲۶۸
شماره: ۱۰۰ نسخه



فصلنامه تحقیقات تاریخی طبق آیین‌نامه نشریات علمی مورخ ۱۳۹۸/۲/۹ به شماره
و مطالعات آرشیوی ۱۱/۲۵۶۸۵ فقط عنوان «علمی» برای نشریات علمی-پژوهشی ذکر می‌شود.

صاحب امتیاز: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران-پژوهشکده اسناد
مدیرمسئول: غلامرضا عزیزی greazizi@gmail.com

سر دبیر: دکتر سعید رضائی شریف آبادی srezaei@alzahra.ac.ir

هیئت تحریریه

دکتر ری ادموندسون، مدرس برنامه حافظه جهانی یونسکو، استرالیا / دکتر تری ایستوود، استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا، کانادا / دکتر فریبرز خسروی، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر سعید رضائی شریف آبادی، استاد دانشگاه الزهراء / دکتر سید امیرمسعود شهرام‌نیا، دانشیار دانشگاه اصفهان / دکتر غلامرضا فدائی، استاد دانشگاه تهران / دکتر عبدالحسین فرج پهلوی، استاد دانشگاه شهید چمران اهواز / دکتر ربابه معتقدی، استادیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر حسین میرجعفری، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر مرتضی نورائی، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر نرگس نشاط، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر محمدباقر وثوقی، استاد دانشگاه تهران

دبیر اجرایی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی m.sadat@yahoo.com

مترجم: دکتر ابراهیم افشارزنجانی
ویراستار انگلیسی: ری ادموندسون

ناشر: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

طراح نشانه و جلد: علیرضا حصارکی

صفحه آرا: مرتضی میرزائی

ویراستار فنی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی

چاپ و صحافی: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، ابتدای خ کوشا، ساختمان گنجینه اسناد ملی ایران، طبقه نهم، اتاق ۱۱.

صندوق پستی ۶۵۵-۱۹۹۳۵ | تلفن: ۰۲۱ ۲۶۴۰۵۶۲۱

وبگاه: ganjineh.nlai.ir

پيام‌نگار: ganjinehasnad@gmail.com

فروشگاه: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بلوار کتابخانه ملی، فروشگاه کتاب، تلفن: ۸۱۶۳۳۳۱۵

این نشریه در SID, ISC, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال (نظام نمایه سازی مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری) نمایه می‌شود.

www.ISC.gov.ir | www.sid.ir | www.ricest.ac.ir | www.researchgate.net | Scholar.google.com



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
پژوهشکده اسناد



فهرست مطالب

گنجینه اسناد

(علمی)

سال ۳۰، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۹

شماره پیاپی ۱۱۹

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲

شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

♦ تحقیقات تاریخی ♦

انعکاس تحولات تاریخی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی ایران در تمبرهای دوره رضاشاه
پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش) //

۶-۲۸ (۲۳)

سیده فروغ فتاحی، باقر علی عادل فر، عبدالرفیع رحیمی، محسن بهرام‌نژاد

۳۰-۵۳ (۲۴)

تحلیل نقش کمیسیون امنیت اجتماعی در جریان اصلاحات ارضی / سید محمود سادات‌بیدگلی

شرکت اتحادیه: از صراف‌ی تا چالش‌های تجارت (از خلال اسناد بایگانی اتحادیه) //

۵۴-۷۸ (۲۵)

سهیلا ترابی فارسانی

ناکامی برنامه‌های توسعه در استان کردستان (۱۳۲۷-۱۳۵۲) / سیداصغر آقامیرزایی، منیژه صدری،

۸۰-۱۰۳ (۲۴)

اسماعیل حسن‌زاده، منصور حیدری

♦ مطالعات آرشیوی ♦

ارزیابی یکپارچگی عملیات رقی‌سازی منابع دیداری-شنیداری در آرشیو سازمان صداوسیما

۱۰۴-۱۲۸ (۲۵)

جمهوری اسلامی ایران / امیررضا اصنافی، حمید قاضی‌زاده، شهرزاد اخوان‌بهبهانی

۱۳۰-۱۶۱ (۳۲)

ساختارشناسی دمه‌نامه‌های دوره قاجار / حسن زندیه، زهره احمدیان

۱۶۲-۱۸۹ (۲۸)

قصر احمتا؛ آغاز آرشیو در ایران / غلام‌رضا عزیزی، عمادالدین فیاضی، علی‌اکبر خدروی‌زاده

شرایط پذیرش مقاله

۱. هر مقاله علمی که در راستای تحقیقات تاریخی مبتنی بر اسناد، و مطالعات آرشیوی باشد، برای بررسی و چاپ در نشریه، پذیرفته می‌شود.
۲. در پذیرش مقالات، اولویت با مقالات پژوهشی است.
۳. مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله، بر عهده نویسنده است.
۴. مقاله، نباید پیش‌تر در نشریات فارسی زبان داخل یا خارج از کشور چاپ شده باشد.

ضوابط تهیه مقاله

۱. مقاله، در محیط Microsoft Word با قلم ۱۳ Blotus تهیه و به دفتر نشریه ارسال شود.
۲. چکیده ساختار یافته فارسی و انگلیسی مقاله، هر کدام حداکثر در ۲۰۰ کلمه ارائه شود.
۳. توضیحات، معادل‌های خارجی واژه‌ها و اصطلاحات علمی، به ترتیب استفاده در متن، با شماره‌گذاری پیاپی در هر صفحه درج گردد.
۴. حجم مقاله، از ۱۵ صفحه فراتر نرود.
۵. نام و مشخصات نویسنده/ نویسندگان، همراه با نشانی پیام نگار و وابستگی سازمانی در پانوشت ذکر شود.
۶. ملاک ارجاع‌دهی، شیوه‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا (A.P.A) است.

ملاحظات

۱. هیئت تحریریه نشریه، در قبول یا رد مقاله‌ها آزاد است.
۲. نشریه، در ویرایش، اصلاح و هماهنگ‌سازی اصطلاحات، آزاد است.
۳. ترتیب تنظیم مقالات تأیید شده برای چاپ، بنا به نظر هیئت تحریریه نشریه خواهد بود.
۴. مقالاتی که در اولویت چاپ قرار نمی‌گیرند، مسترد می‌شوند.

کوتاه‌نویسی‌ها

- نام مراکز آرشیوی کشور، به منظور ارجاع درون متنی به سند، به شیوه زیر در این فصلنامه سرواژه‌سازی شده است:
- ساکما (sākmā): سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
 - مارجا (mārjā): مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران.
 - کهام (kemām): کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
 - مَراسان (marāsān): مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 - استادوخ (estādux): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
 - مَتما (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
 - ساکماقی (sākmāq): سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
 - مپس (maps): مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
 - کمشا (kamšā): کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان.
 - ماد (mād): موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
 - مَکَم (mokamem): مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک.

Historical, Political, Economic, Cultural, and Social Developments of Iran under the Reigns of Reza Shah Pahlavi (1925-1941) as Reflected in Postal Stamps of the Time

Seyyede Fathollah Fathi¹ | BagherAli Adelfar² | Abdolrafi Rahimi³ | Mohsen Bahramnejad⁴

Abstract:

Purpose: Postal stamps were introduced Iran in the Qajarid era as a sign of modernity. Reza Shah Pahlavi government issued stamps to signal the commencement a modern time. This paper investigates the themes use in the design of postal stamps.

Method and Research Design: A comprehensive collection of postal stamps were used to categorize the themes.

Finding and Conclusion: Political events are more frequently makes the themes. Then the change of dressing style of the public from the traditional to the western as a government policy is reflected in the design of postal stamps.

Keywords: Reza Shah Pahlavi; Stamps; Surcharge; Iran.

Citation: Fathi, S., Adelfar, B., Rahimi, A., Bahramnejad, M. (2020). Historical, Political, Economic, Cultural, and Social Developments of Iran under the Reigns of Reza Shah Pahlavi (1925-1941) as Reflected in Postal Stamps of the Time. *Ganjine-ye Asnad*, 30(3), 6 -28 .
doi: 10.22034/ganj.2020.2575

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Ph.D. Student of the history, Imam Khomeini International University, Qazvin, I. R. Iran, (Corresponding Author) forughfathi@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, I. R. Iran Badelfar@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, I. R. Iran aghabeigom@yahoo.com

4. Associate Professor, Department of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, I. R. Iran bahramnejad1345@yahoo.com

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«119»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2020.2575

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 3, Autumn 2020 | pp: 6- 28 (23) | Received: 29, Nov. 2019 | Accepted: 26, Jul. 2020

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرش‌پوی

مقاله پژوهشی

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران، (نویسنده مسئول)
forughfathi@yahoo.com
۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران
Badelfar@yahoo.com
۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران
aghabeigom@yahoo.com
۴. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران
bahramnejad1345@yahoo.com
۵. Surcharge: چاپ عباراتی روی تمبرهای موجود برای تغییر قیمت یا تغییر کاربری تمبر یا در زمان تغییر حکومت (نوبت فرح‌بخش، ۱۳۸۰، ص ۹). در فارسی به معنی تغییر ارزش است و نوشته‌ای است که ارزش اولیه تمبر را تغییر می‌دهد (نیساری، ۱۳۴۱، ص ۱۴). تغییرات جدید با عباراتی بر روی تمبرها مهور می‌شوند. عبارتی که روی تمبرها مهر می‌شود، به عبارت سورشازی و این کار به سورشاز موسوم است.



انعکاس تحولات تاریخی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی ایران در تمبرهای دوره رضاشاه پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش)

سیده فروغ فتحی^۱ | باقرعلی عادل‌فر^۲ | عبدالرفیع رحیمی^۳ | محسن بهرام‌نژاد^۴

چکیده:

هدف: تمبر به عنوان نمادی از دنیای نوین در عصر قاجار وارد حیات اجتماعی ایران شد. رضاشاه از تمبر برای اعلام حکومت جدید سود جست. این مقاله اهداف حکومت رضاشاه در انتشار تمبر را بررسی می‌کند. **روش/رویکرد پژوهش:** با روش توصیفی تحلیلی و با ترسیم جدول و نمودارهای ستونی میزان انعکاس تحولات تاریخی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی ایران در تمبرها بررسی شده است. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** رویدادهای سیاسی بیش از دیگر مضمون‌ها در تمبرها منعکس است. موضوع تغییر لباس و فرهنگ در تمبرها منعکس است. مضمون‌های تاریخی و اقتصاد کمتر در تمبرهای این دوره دیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: رضاشاه پهلوی، تمبر، سورشاز^۵، ایران

استناد: فتحی، سیده‌فروغ، عادل‌فر، باقرعلی، رحیمی، عبدالرفیع، بهرام‌نژاد، محسن. (۱۳۹۹). انعکاس تحولات تاریخی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی ایران در تمبرهای دوره رضاشاه پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش). *گنجینه اسناد*، ۳۰ (۳)، ۲۸-۶ | doi:10.22034/ganj.2020.2575

گنجینه اسناد

«۱۱۹»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران- پژوهشکده اسناد
شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیک): ۲۵۳۸-۲۲۶۸
شناسانه برنمود رقمی (DOI): 10.22034/GANJ.2020.2575
نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir
سال ۳۰، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۹ | صص: ۶-۲۸ (۲۳)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۵

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

تمبر با تصاویر و نمادهای مختلف، کوچک‌ترین مدرک رسمی کشور و حامل تفکر سیاسی-فرهنگی حاکمانی است که نشر آن را مهیا می‌کنند. در این پژوهش موضوعات تاریخی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مطرح شده بر روی تمبرهای پستی منتشرشده طی ۱۶ سال حکومت رضاشاه بررسی شد تا اولویتهای حکومت پهلوی اول برای اطلاع‌رسانی به مردم و میزان اهمیت این اولویتهای باهم قیاس شود.

پژوهش تلاش می‌کند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

۱. تمبرهای دوره رضاشاه بیشتر به کدام بخش از تاریخ ایران پرداخته‌اند؟
 ۲. چگونه از تمبر برای اعلام اهداف سیاست سلسله حاکم استفاده شده‌است؟
 ۳. وقایع اقتصادی به چه میزان در تمبرهای پهلوی اول حضور دارند؟
 ۴. آیا نمادهای فرهنگی در تمبرهای این دوره مطرح شده‌اند؟
 ۵. کدام وقایع اجتماعی در تمبرهای رضاشاهی به تصویر کشیده شده‌اند؟
- برای پاسخ به این پرسش‌ها از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شد. به‌مدد ارقام جداول و نمودارهای ستونی، نوع و میزان طرح وقایع تاریخی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی ایران، در تمبرهای این دوره بررسی و باهم مقایسه شد.
- فرض بر این قرار گرفت که پهلوی اول هم، با ادامه شیوه نشر تمبر در دوره قاجار، اولویت را بر انعکاس وقایع سیاسی نهاده و سایر موضوعات را به حاشیه رانده‌است.
- در دوره پهلوی اول تمبر به خدمت اهداف حکومتی درآمد و تنها به موضوعات مکمل سیاست حاکم اجازه حضور بر روی تمبرها داده شد و سایر موضوعات در سایه سیاست کم‌رنگ شد.

۲. پیشینه پژوهش

توجه مجموعه‌داران به بُعد تجاری و تقنینی تمبر و اولویت‌دادن آن بر بُعد علمی و تاریخی تمبر از شکل‌گیری تألیفات گسترده علمی جلوگیری کرده‌است. چند مقاله و پایان‌نامه، اندک پژوهش علمی موجود درباره تمبر است. نگارنده در مقاله پیشین خود میزان حضور تاریخ در تمبرهای پهلوی دوم را از آغاز تا کودتای سال ۱۳۳۲ش به‌یاری نمودار سنجیده‌است. این سبک مقاله را برای تمبرهای سایر ادوار تاریخی ایران نیز می‌توان ادامه داد. کمبود منابع تخصصی، پژوهش علمی در زمینه تمبر را با مشکل مواجه کرده‌است؛ بنابراین کار در این زمینه تلاش بیشتری را می‌طلبد.



۳. معرفی انواع تمبرهای پستی دوره رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش)

۲۴ سری تمبرهای منتشر شده در کل دوره رضاشاه به ترتیب زمان انتشار:
۱ و ۲): قبل از چاپ تمبرهای پهلوی، دو سری تمبر قاجاری، با عبارات سورشارژی،
آغاز سلطنت پهلوی را اعلام کردند. ۶ قطعه از تمبرهای مالیاتی احمدشاه با عبارت «پست
حکومت موقتی پهلوی ۹ آبان ماه ۱۳۰۴ ۱۹۲۵» (تصویر ۱)؛ و ۴ قطعه تمبر احمدشاهی
بزرگ، با سورشارژ نقش شیروخورشید و عبارت سلطنت پهلوی و ذکر تاریخ ۲۵ آذر ۱۳۰۴،
و عبارت انگلیسی 1925 REGNE PAHLAVI این وظیفه را عهده‌دار شدند (نیساری، ۱۳۴۱،
صص ۸۰-۸۳).



تصویر ۱

سری پست حکومت موقتی پهلوی ۱۳۰۴ ش

۳): به پیشنهاد فرج‌الله بهرامی، رئیس دفتر شاهنشاهی، تمبرهای احمدشاهی منسوخ شد
و در تاریخ ۱۳۰۵/۲/۱۸ ش با رئیس کل مالیه برای نشر تمبرهای جدید مذاکره شد. سپس
نظمیه تمبرهایی با تصویر احمدشاه را از دفاتر پستی نابود کرد و وزارت مالیه و اداره
خزانه‌داری کل، ۱۰،۴۱۰،۰۰۰ قطعه تمبر شیروخورشیدی مشروطه را با ۱۶ بهای متفاوت
در سال ۱۳۰۵ ش جایگزین تمبرهای احمدشاهی کردند. با سورشارژ تمبرها با عبارت
سلطنت پهلوی ۱۳۰۵، ۱۹۲۶، به فارسی و لاتین، تمبرهای پهلوی هم آماده شد (اسناد
شماره ۷۱۸۵ و ۲۶۳۰، به نقل از یزدانی، ۱۳۷۸، صص ۵۷، ۵۸؛ انجمن تمبر ایران، ۱۳۹۷،
ص ۹۳).

۴ و ۵): اولین سری تمبر با تصویر رضاشاه با کلاه، در ۱۰ قطعه در ۲ تصویر و اندازه در سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۰۷ش در چاپ‌خانه تهران مجلس انتشار یافت. این سری را مهدی‌قلی خان هدایت مخبرالسلطنه طراحی و صنایع‌السلطان حکاکی کرده بودند. ۴ قطعه از این سری که منقش به تاج بودند، رتوش شدند و در سال ۱۳۰۷ش به چاپ دوم رسیدند (تصویر ۲)؛ وجه‌تمایز سری دوم (سری رتوش‌شده) روشن‌تر بودن آن است (نیساری، ۱۳۴۱، صص ۸۴، ۸۵). در چاپ تمبر با تصویر رضاشاه به دستور وزارت مالیه در اواخر سال ۱۳۰۵ش، علاوه بر جلب رضایت شاه، مختصات هم باید رعایت می‌شد تا از انتشار تمبرهای تقلبی جلوگیری شود؛ از این رو به کاغذ، نقاش، و دستگاه چاپ مخصوص نیاز بود (ساکما، ۳۱۰/۲۱/۴). مجلس با کمک متخصصان آلمانی و وارد کردن جدیدترین ماشین‌های چاپ به داخل کشور در سال ۱۳۰۵ش، چاپ تمبر در خارج از کشور را متوقف کرد و تصمیم نهایی برای چاپ تمبر در داخل کشور را به وزارت مالیه واگذار کرد (ساکما، ۳۱۰/۲۱/۱؛ ۳۱۰/۲۱/۵). پس از دیدار وزیر مالیه با شاه مقرر شد تا از این‌پس تمبرها در تهران چاپ شوند (ساکما، ۳۱۰/۲۱/۶، ۳۱۰/۲۱/۷)؛ ولی این موضوع به‌طور کامل محقق نشد. در هیچ‌کدام از تمبرهای چاپ دوره رضا شاه از فیلگران استفاده نشد (پلودن و همکاران، ۲۵۳۵، ص ۵).



تصویر ۲

سری رتوش‌شده پهلوی
۱۳۰۷ش

۶ الی ۸): تمبر پست هوایی نوآوری پستی این دوره بود. این تمبر برای افزایش سرعت انتقال مرسولات، و برای تأمین هزینه انتقال نامه‌ها با هواپیما، در کنار تمبر عادی ۶شاهی، و تمبر هوایی اقرانی بر پاکت چسبانده می‌شد. اولین سری را شرکت آنشده هلند در تاریخ ۱۳۰۵/۱۱/۱۸ش با چاپ مجدد تمبرهای شیروخورشید مشروطه، و سورشارژ عبارت «مخصوص پست هوایی» با تصویر هواپیما، در ۱۶ قطعه منتشر کرد. سری دوم و سوم، با سورشارژ عبارت «پست هوایی» به خط فارسی و فرانسوی و تصویر هواپیما بر روی

۱. Filigran: فیلگران یا ته‌نقش: نقوش درون کاغذ تمبر؛ نوشته یا علامتی در متن خمیر کاغذ (نویسن فرح‌بخش، ۱۳۸۰، ص ۸).



تمبرهای مالیاتی، در ۵ قطعه در تاریخ ۱۳۰۷/۳/۱۶ ش، و ۱۲ قطعه در ۲ اندازه، در سالهای ۱۳۰۷-۱۳۰۸ ش در چاپخانه مجلس چاپ شدند. تفاوت ۲ سری اخیر باهم نوع خط استفاده شده است؛ سری اول با خط نسخ، و سری دوم با خط نستعلیق سورشارژ شد (انجمن تمبر ایران، ۱۳۹۷، صص ۹۵، ۹۶).

۹: اولین سری تمبرهای یادگاری، به مناسبت تاج‌گذاری رضاشاه، در یک سری ۱۶ قطعه‌ای در ۲ اندازه و دو نوع تصویر، در چاپخانه هارلم آمستردام هلند، در سالهای ۱۳۰۸-۱۳۰۹ ش منتشر شد. تصویر شاه در قطع کوچک‌تر با کلاه و در قطع بزرگ‌تر با تاج و شل، نشسته بر تخت، با پرچم ایران، به چشم می‌خورد (عباسیان، ۱۳۷۰، ص ۳۸).

۱۰ و ۱۱: تمبرهای پست هوایی پهلوی، معروف به سری عقابی در ۱۷ قطعه، در شرکت آئشده هلند در تاریخ ۱۳۰۹/۴/۱۴ ش چاپ شدند. تصویر نیم‌رخ رضاشاه با کلاه و کوه دماوند با عقابی در حال پرواز، در دو طرف تمبرها به چشم می‌خورد (انجمن تمبر ایران، ۱۳۹۷، صص ۹۸، ۹۹). با تغییر نام رسمی کشور به ایران تمام ۱۷ قطعه مذکور، با مهر سیاه و با عبارت Iran در سال ۱۳۱۴ ش، سورشارژ شدند (نیساری، ۱۳۴۱، صص ۱۴۹، ۱۵۰).
۱۲: تمبرهای پستی با استفاده از تصویر رضاشاه، معروف به سری مجلس یا لیتوگراف، در ۱۱ قطعه در چاپخانه تهران مجلس در سال ۱۳۱۰-۱۳۱۱ ش چاپ شدند (انجمن تمبر ایران، ۱۳۹۷، صص ۹۹، ۱۰۰).

۱۳: با تغییر واحد پول ایران به دینار و ریال، سری دیناری با تصویر رضاشاه، در ۲ اندازه و ۲ نوع تصویر، در ۱۵ قطعه، در چاپخانه مجلس در سالهای ۱۳۱۲-۱۳۱۳ ش نشر و توزیع شد (نوبین فرح‌بخش، ۱۳۸۰، ص ۹۶).

۱۴: به مناسبت دهمین سال سلطنت، سری ترقیات در ۹ قطعه در شرکت آئشده هلند، در تاریخ ۱۳۱۳/۱۲/۳ ش منتشر شد. ۵ دینار با نشان عدلیه، ۱۰ دینار با دورنمای تخت جمشید، ۱۵ دینار با نشان فرهنگ، ۳۰ دینار با فرودگاه دوشان‌تپه، ۴۵ دینار با آسایشگاه سخت‌سر، ۷۵ دینار با کارخانه سیمان ری، ۹۰ دینار با ناو پلنگ، ۱ ریال با نقش پل و راه‌آهن روی رود کارون، و ۱/۵ ریال با ساختمان اداره پست تهران، تصاویر این تمبرها بودند. این سری آخرین سری تمبرهای دارای عبارت Postes Persanes هستند (نیساری، ۱۳۴۱، ص ۸۹)؛ (تصویر ۳).



تصویر ۳

سری دهمین سال سلطنت
 رضا شاه پهلوی / سری ترقیات
 ش ۱۳۱۳

۱۵ الی ۱۷): با تغییر رسمی نام کشور از Perse به Iran در تاریخ ۱۳۱۴/۱۰/۱۰ ش، بعضی از تمبرهای موجود بانام جدید و عبارت POSTES IRANIENNES در سال ۱۳۱۴ ش سورشارژ شدند. ۸ قطعه از سری تاج گذاری، ۹ قطعه از سری چاپ مجلس، و تمام ۱۵ قطعه سری دیناری، تمبرهایی بودند که با سورشارژ ایران، به جریان پست بازگشتند (نوبن فرح بخش، ۱۳۹۷، صص ۱۰۲-۱۰۵).

۱۸): آخرین سری تمبرهای رضاشاه با کلاه پهلوی، با حاشیه ای ستونی، به نام سری ستونی در ۱۴ قطعه و ۲ اندازه، در چاپخانه مجلس در سال ۱۳۱۴ ش چاپ شد (عباسیان، ۱۳۷۰، صص ۴۱، ۴۲).

۱۹ الی ۲۳): چاپخانه مجلس تمبر تصویر شاه را بدون کلاه و با حاشیه ستونی، در ۵ سری منتشر کرد. سری نخست در ۲ اندازه و ۱۵ قطعه، با زیرنویس فرانسوی در سال های ۱۳۱۴-۱۳۱۵ ش منتشر شد. سری دوم بدون زیرنویس، در سال های ۱۳۱۶-۱۳۱۷ ش، و به مناسبت شصتمین سال تولد شاه، با تاج پهلوی در بالای تمبر، در ۱۰ قطعه و ۳ سری بی دندان، دنداندار و بلوک یادگاری، در شرکت آئشده هلند در تاریخ ۱۳۱۶/۱۲/۲۴ ش چاپ شدند (نیساری، ۱۳۴۱، صص ۹۴-۹۷).

۲۴): به مناسبت عروسی ولیعهد و فوزیه، ۵ قطعه تمبر با تصویر زوج و تاج پهلوی، در چاپخانه کرووازیه سوئیس، در تاریخ ۱۳۱۸/۲/۴ ش منتشر شد (انجمن تمبر ایران، ۱۳۹۷، صص ۱۱۰، ۱۱۱): (تصویر ۴).



تصویر ۴

سری عروسی ولیعهد و فوزیه ۱۳۱۸ ش



۴. تحلیل تمبرهای دوره رضاشاه

در طی ۱۶ سال سلطنت پهلوی اول، ۲۴ سری تمبر پستی، برابر با ۲۷۱ قطعه تمبر وارد جریان پستی کشور شد. تمبرها در چاپخانه تهران مجلس، هلند و سوئیس چاپ شدند (نوین فرحبخش، ۱۳۸۰، صص ۸۸-۱۰۴). این ۲۴ سری عبارت بودند از: ۱۳ سری برابر با ۱۵۹ قطعه (۵۸/۶۷٪) چاپ اول؛ ۱ سری برابر با ۴ قطعه (۱/۴۷٪) چاپ دوم؛ ۱۰ سری برابر با ۱۰۸ قطعه (۳۹/۸۵٪) سورشاز از تمبرهای قاجار و پهلوی (جدول ۱ و نمودار ۱).

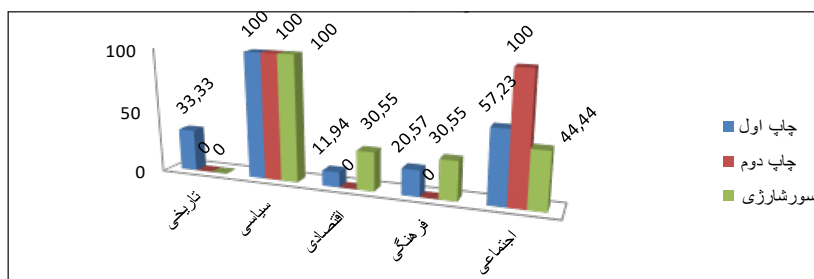
شماره	نوع	سری	عدد	درصد از کل	تاریخی	سیاسی	اقتصادی	فرهنگی	اجتماعی
۱	چاپ اول	۱۳	۱۵۹	۵۸/۶۷٪	۵۳ (۳۳/۳۳٪)	۱۵۹ (۱۰۰٪)	۱۹ (۱۱/۹۴٪)	۳۳ (۲۰/۷۵٪)	۹۱ (۵۷/۳۳٪)
۲	چاپ دوم	۱	۴	۱/۴۷٪	—	۴ (۱۰۰٪)	—	—	۴ (۱۰۰٪)
۳	سورشاز	۱۰	۱۰۸	۳۹/۸۵٪	—	۱۰۸ (۱۰۰٪)	۳۳ (۳۰/۵۵٪)	۳۳ (۳۰/۵۵٪)	۴۸ (۴۴/۴۴٪)
جمع	—	۲۴	۲۷۱	—	۵۳ (۱۹/۵۵٪)	۲۷۱ (۱۰۰٪)	۵۲ (۱۹/۱۸٪)	۶۶ (۲۴/۳۵٪)	۱۴۳ (۵۲/۷۶٪)

جدول ۱

مجموع و موضوع تمبرهای پستی چاپ
دوره رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش)

نمودار ۱

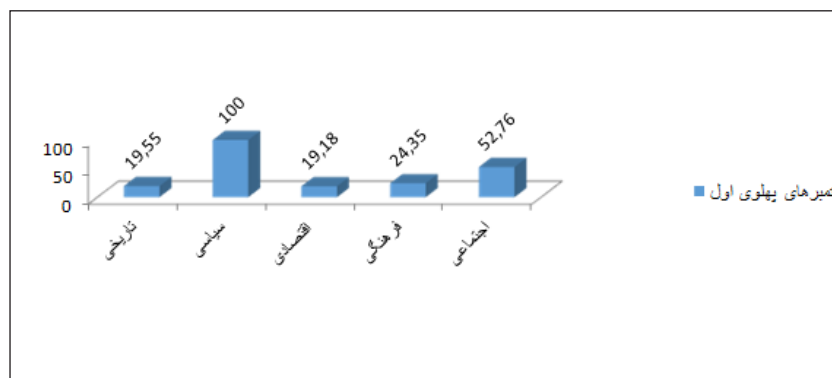
درصد تحولات تاریخی، سیاسی، اقتصادی،
فرهنگی واجتماعی در انواع تمبرهای دوره
رضاشاه



تمبرهای چاپ اول در ۱۳ سری در ۳ نوع پستی، یادگاری، هوایی در فاصله سالهای ۱۳۰۵-۱۳۱۸ش چاپ شدند که در ۴ سری از این تمبرها از نمادهای معماری ایران باستان، چون ستون و حجاری، برای تزیین حاشیه تمبرها استفاده شد. تصویر رضاشاه در اغلب تمبرها به همراه نمادهای سیاسی، چون تاج، پرچم شیروخورشید، و تخت سلطنت، به چشم می خورد. تنها در ۸ قطعه از سری تمبرهای دهمین سال سلطنت رضاشاه، نمادهای سیاسی، مستقیم حضور ندارند، ولی برای یادآوری خدمات حکومتی چاپ شده اند. باتوجه به موضوعات و نمادهای کاربردی، تمام تمبرهای چاپ اول با اهداف سیاسی چاپ شده اند. نمادهای اقتصادی نیز تنها در ۲ سری به چشم می خورند: سری دیناری که با هدف اعلام واحد پول جدید ایران چاپ شد؛ و در ۴ قطعه از سری یادگاری دهمین سال سلطنت که خدمات اقتصادی حکومت در زمینه توسعه صنعت و ارتباطات، به مدد احداث راه شوسه، راه آهن، پل، ناوگان دریایی و هوایی، معرفی شد. در سری دهمین سال سلطنت نیز ۲ قطعه تمبر دارای نمادهای فرهنگی اند. از تمثال الهه فرهنگ و بالهای فروهر به عنوان نماد نیروی هوایی استفاده شد. ۱۶ قطعه تمبری هم که برای اولین بار رضاشاه را بدون کلاه به تصویر کشیدند، با زیرنویس عبارت «پست ایران» به زبان فرانسوی گویای ادامه نفوذ فرهنگی فرانسه در ایران اند. تقویم شمسی روی ۲ سری پایانی تمبرهای یادگاری چاپ شد. اصلاحات اجتماعی عصر رضاشاه در زمینه پوشش زنان و مردان و کشف حجاب هم در تمبرها به یادگار ماندند. در ۶ سری از تمبرهای چاپ اول، رضاشاه کلاه پهلوی معروف را بر سر دارد. تمثالهای زنانه موجود در تمبرهای دهمین سال سلطنت، برای اولین بار به نقش زن در اجتماع اشاره دارند. در سری مربوط به ازدواج ولیعهد نیز برای اولین بار زنان درباری در تمبرها رخ نمودند (نوین فرح بخش، ۱۳۸۰، صص ۸۹-۱۰۴). تنها ۱ سری ۴قطعه ای از تمبرهای منتشرشده در عصر رضاشاه، برای دومین بار، در سال ۱۳۰۷ش با تصویر رتوش شده از رضاشاه با کلاه پهلوی، و روشن تر از چاپ اول تجدید چاپ شد (نیساری، ۱۳۴۱، ص ۸۵). عصر رضاشاه، ۱۰ سری، برابر با ۱۰۸ قطعه تمبر سورشازری را در کارنامه خود دارد. از این تعداد، ۶ سری از تمبرها، قاجاری است که ۳ سری آن برای پست هوایی مصرف شد (عباسیان، ۱۳۷۰، صص ۳۶-۳۸). با سورشازر تمبرهای سلسله پیشین، مبادلات پستی، بی وقفه تا نشر تمبرهای سلسله جدید ادامه یافت. سال ۱۳۱۴ش مبادلات پستی رونق زیادی داشت؛ چراکه تمام ۴ سری تمبر سورشازری از تمبرهای پهلوی، در این سال سورشازر شدند. ۱ سری ۸ عددی از سری تاج گذاری، ۱ سری ۹ عددی از سری چاپ مجلس، ۱ سری ۱۵ عددی از تمبرهای دیناری، و ۱ سری ۱۷ عددی از تمبرهای پست هوایی، مجموعه تمبرهای سورشازری در این سال هستند (انجمن تمبر



ایران، ۱۳۹۷، صص ۱۰۲-۱۰۴). از ۵ سری برابر با ۶۷ قطعه تمبری که برای پست هوایی در دوره رضاشاه توزیع شد، تنها ۱ سری آن در سال ۱۳۰۹ ش برای این منظور چاپ شده بود، که در سال ۱۳۱۴ ش نیز برای اعلام نام جدید کشور سورشارژ شد. ۳ سری دیگر این دسته از تمبرها، همه سورشارژ بر روی تمبرهای قاجاری بودند که با عبارت پست هوایی به خط زیبای نسخ و نستعلیق و تصویری از هواپیما سورشارژ شدند (نیساری، ۱۳۴۱، صص ۱۴۵-۱۵۰)؛ (جدول ۲ و نمودار ۲).^۱



نمودار ۲

درصد انعکاس تحولات تاریخی، سیاسی،
اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی، در مجموع
تمبرهای پهلوی اول

شماره	موضوع	نماد
۱	تاریخی	بنا و حجاریهای مربوط به تاریخ ایران باستان: دورنمای تخت جمشید؛ ستون؛ سرستون
۲	سیاسی	شاه؛ خاندان حکومتی؛ ولیعهد، عروس؛ شیر و خورشید؛ شمشیر؛ پرچم؛ تاج؛ تخت سلطنتی؛ تغییر نام کشور
۳	اقتصادی	تغییر واحد پول؛ صنعت؛ کارخانه؛ راه؛ هوایی، دریایی، زمینی (شوسه، آهن)
۴	فرهنگی	تندیس فرهنگ؛ کتاب؛ قلم؛ آنت؛ زبان و خط فرانسه؛ خط نستعلیق و نسخ؛ تقویم شمسی؛ فروهر
۵	اجتماعی	تندیس معارف و دادگستری؛ آسایشگاه؛ کلاه پهلوی؛ کشف حجاب؛ زنان اداره پست

جدول ۲

نماد تحولات تاریخی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی
و اجتماعی ایران، در تمبرهای عصر رضاشاه

تمبرهای عصر رضاشاه از همان آغاز به عنوان ابزاری مفید برای رساندن اخبار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اداری، به خدمت حکومت درآمدند. اعلام تغییر سلسله، اخبار خاندان حکومتی، خدمات حکومتی، اصلاحات اجتماعی در زمینه نوع پوشش جامعه، معرفی ایران با جاذبه‌های طبیعی و حیات وحش، و حضور زن از ابداعاتی بود که برای

۱. اعداد نمودار ۲، از ردیف آخر (مجموع)
جدول شماره یک گرفته شده است.

اولین بار در تمبرهای این دوره، رخ داد (انجمن تبر ایران، ۱۳۹۷، صص ۹۲، ۱۱۱)؛ (جدول ۳).

شماره	سال	نواوری
۱	۱۳۰۴-۱۳۰۵	استفاده از تمبر برای اعلام تغییر سلطنت؛ پست هوایی؛ پوشش جدید مردان: کلاه پهلوی
۲	۱۳۰۹، ۱۳۱۳	معرفی جاذبه‌های طبیعت ایران: کوه، رود، دریا، حیات وحش ایران
۳	۱۳۱۳	استفاده از تمثال‌های زنانه به عنوان نماد معارف و عدلیه؛ معرفی صنایع نوپا؛ خدمات ارتباطی زمینی، هوایی، دریایی؛ بناها و خدمات اداری، اجتماعی، آموزشی، نظامی
۴	۱۳۱۴	اعلام تغییر رسمی نام کشور به ایران
۵	۱۳۱۶	بزرگداشت روز تولد شاه؛ استفاده از تقویم شمسی در تمبرهای یادگاری
۶	۱۳۱۸	به تصویر کشیدن زنان درباری با تکیه بر کشف حجاب؛ اعلام اخبار خاندان حکومتی

جدول ۳

نواوری در تمبرهای دوره رضاشاه
 (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش)

۵. بررسی تحولات تاریخی در قاب تمبرهای دوره رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش)

پهلوی با تجلیل از شکوه تاریخی گذشته، موزه‌ها، آثار و محوطه‌های باستانی را به نشانه‌های ملی بدل کرد. نویسندگان از روایت تاریخ سنتی دست کشیدند و به تألیف تاریخی ملی‌گرایانه و علمی، با تأکید بر دوره هخامنشی، به مانند ریشه سیاسی دولت پرداختند. متون تازه تألیف، افزایش بیداری جدید تاریخی را در میان مردم علاقه‌مند به مطالعه در پی داشتند. به مدد شرق‌شناسان غربی، پژوهش‌های علمی در تاریخ ایران، و انتشار عالمانه تاریخ ایران روبه رشد نهاد (اشرف، ۱۳۹۵، صص ۲۰۹-۲۱۰). دل‌بستگی به تاریخ ایران باستان و شکوه گذشته در سیاست‌های آموزشی مطرح شد (کرونین، ۱۳۹۳، ص ۲۰۱) و در تمبرها هم نمود یافت. نمادهای تاریخ ایران باستان در تمبرها، از اواخر عصر قاجار آغاز شدند و در دوره پهلوی روبه رشد نهادند. از تصویر ستون‌های تخت جمشید به عنوان تزیین در حاشیه تمبرهای پستی با تصویر رضاشاه، در سری ستونی، و سری پهلوی بدون کلاه استفاده شد (نوبین فرح‌بخش، ۱۳۹۷، صص ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۶). تصاویر بناهای هخامنشی که عکس شاه را در تمبرها همراهی می‌کردند، همان وظیفه‌ای را ایفا می‌کردند که بناهای تخت جمشید در تمبرهای تاج‌گذاری احمدشاه داشتند (زیرتس، ۱۳۷۹، شهریور-مهر، صص ۴، ۵). در بین تمبرهای رضاشاه مجموعه دهمین سال سلطنت پهلوی بیشترین تنوع نمادهای تاریخ ایران باستان را دارد. در ۱ قطعه به طور کامل، و ۶



قطعه دیگر از این مجموعه، برای تزئین حواشی قاب تمبر از نمادهای حجاری تخت جمشید استفاده شد. تمبر ۱۰ دیناری با تصویری از تخت جمشید، تنها تمبری است که محوطه‌ای از ایران باستان را به تصویر می‌کشد. از نمادهای تاریخی مانند سرباز جاویدان، گل‌های نیلوفر، کاج، شیرهای بالدار با صورت‌های انسانی، بال‌های فروهر، کنگره و ستون و سرستون تخت جمشید در تزئین حاشیه تمبرهای ۵، ۱۰، ۱۵، ۳۰ و ۷۵ دیناری، و ۱ و ۱/۵ ریالی استفاده شد (انجمن تمبر ایران، ۱۳۹۷، ص ۱۰۱). باستان‌گرایی حاکم، به سکوت مطلق تمبرهای دوره رضاشاه درباره تاریخ ایران اسلامی انجامید و هیچ نشانی از نمادهای این دوره در تمبرها چاپ نشد. در تمبرهای پهلوی اول از نمادهای تاریخ ایران باستان تنها در ۵۳ قطعه (۳۳/۳۳٪) از تمبرهای چاپ اول برابر با ۱۹/۵۵٪ از مجموع کل تمبرهای پستی استفاده شد (جدول ۱ و ۲ و نمودار ۱ و ۲). باوجود رویدادهای تاریخی قابل تأمل در این دوره، مانند ثبت ۲۴۷ اثر تاریخی در کشور در سال ۱۳۱۱ش و لغو امتیاز حفر مناطق باستانی برای بیگانگان در سال ۱۳۰۶ش (ساکما، ۲۹۷/۷۲۲۵/۱)، بازهم این وقایع تاریخی از انعکاس در تمبرها جا ماندند.

۶. بررسی تحولات سیاسی در قاب تمبرهای دوره رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش)

شرایط سیاسی ناشی از جنگ جهانی اول، نظام سیاسی ایران را متأثر ساخت و زوال سلسله قاجار را سرعت بخشید. انگلیسی‌ها که به دنبال حفظ منافع سیاسی-اقتصادی خود در خاورمیانه بودند، با ترغیب احمدشاه به اخراج افسران روسی بریگاد قزاق در مهرماه ۱۲۹۹ش، غیرمستقیم راه را برای کودتاگران هموار کردند (کدی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۷). وقایع پس از کودتا نیز، زمینه را برای انتقال قدرت از قاجار به پهلوی مهیا کرد. پشتیبانی زیاد نخبگان طبقه متوسط جدید و تحصیل‌کردگان از رضاخان نیز از عوامل مؤثر در گسترش اقتدار او در سراسر کشور بود (کرونین، ۱۳۹۴، صص ۲۹، ۳۸). آغاز حاکمیت پهلوی، با گسترش، نوین‌سازی و تمرکز ارتش و بوروکراسی همراه بود (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲). تجدد، هدف رضاشاه بود و تمرکزگرایی، روش او بود که به نام ناسیونالیسم هر دو را مشروعیت می‌بخشید (کرونین، ۱۳۹۳، ص ۲۰۱). رضاشاه در پایان سلطنتش در سال ۱۳۲۰ش، با مخالفت چهار مرکز عمده در جامعه ایران مواجه شد. سیاستمداران اشرافی، قبایل بی‌ریس، روحانیون و روشن‌فکران جوان که از شاه به عنوان فردی دیکتاتور و ابزار دست انگلیس انتقاد می‌کردند. با تکیه بر نیروی ارتش و جاده‌های جدید، واکنش دولت به تمام این مخالفان، سرکوب بود (لیمبرت، ۱۳۹۰، صص ۱۵۰، ۱۵۱). با افزایش

نفوذ اقتصادی و فرهنگی آلمان در ایران و تردید رضاشاه در اخراج کارشناسان آلمانی، نیروهای متفقین در تاریخ ۱۳۲۰/۶/۳ش به ایران حمله کردند؛ و شاه به‌طور رسمی در ۱۳۲۰/۶/۲۵ش از سلطنت استعفا کرد و پسرش محمدرضا جانشین او شد (هدایت، ۱۳۷۵، ص ۴۲۰؛ آربری و همکاران، ۱۳۹۰، صص ۷۹۳، ۷۹۴).

پهلوی در آغاز از تمبرهای سورشارژی به‌عنوان ابزاری کارآمد برای اعلام شروع سلطنت خود، سود جست (انجمن تمبر ایران، ۱۳۹۷، ص ۹۲). تمبرهای نخستین به روال قاجار بر استفاده از نشان شیروخورشید پافشاری کردند (کسروی، ۱۳۷۸، صص ۵۵-۵۸؛ عبدلی‌فرد، ۱۳۷۸، صص ۳۵-۴۱)؛ نمادی کهن که از عصر شاه سوسه‌تر پادشاه میثانی (۱۴۵۰ ق.م) مورد توجه حکام بود (نیر نوری، ۱۳۴۴، ص ۷۸). این نشان در مهر سورشارژی بر روی تمبرهای قاجاری حضور یافت؛ هم‌چنین در سری تمبرهای دولتی در سال‌های ۱۳۱۹-۱۳۲۱ش نیز چاپ و استفاده شد (نوبین فرح‌بخش، ۱۳۸۰، صص ۸۸-۹۲، ۱۰۴). هدف در طراحی تمبرهای جدید، معرفی کشور به‌عنوان کشوری متمرکز و مدرن، با تکیه بر نمادهایی به نشانه آن بود (زبیرتس، ۱۳۷۹، شهریور-مهر، ص ۵). چاپ مجموعه تمبرهای دهمین سال سلطنت، به پیشنهاد وزارت پست، و با امضای علی‌اکبر داور، نخست‌وزیر محمود جم، محمدعلی دولتشاهی، محسن صدر، مصطفی قلی بیات و علی‌اکبر بهمن، در جلسه مورخ ۱۳۱۳/۱/۴ش به تصویب هیئت وزراء رسید (سند شماره ۱۲، به نقل از یزدانی، ۱۳۷۸، صص ۶۵، ۶۶). موضوعات این مجموعه، با هدف تصویرسازی سیاسی انتخاب شدند تا حیطه خدمات حکومتی سلسله جدید را معرفی کند. تلاش شد تا نشانه‌های پیشرفت در ابعاد مختلف، با ویرانه‌های تخت جمشید قیاس شود و استقلال کشور در زمینه نیروی هوایی و دریایی اعلام شود. تصاویر پیام دوگانه‌ای را دربر داشتند: یکی تحقق آمال دیرینه روشن‌فکران تجددگرا؛ و دیگری اعلام لوازم قدرت حکومت جدید (زبیرتس، ۱۳۷۹، شهریور-مهر، ص ۵). برای اولین بار، توان نظامی در شاخه هوایی با تصویری از فرودگاه دوشان‌تپه، و در نیروی دریایی با تصویری از ناو پلنگ، با توسل به تمبرهای این سری معرفی شد (نوبین فرح‌بخش، ۱۳۹۷، ص ۱۰۲). در کنار نشان شیروخورشید، نمادهای سیاسی دیگری، چون تصویر شاه، خاندان سلطنتی، و تاج، در طراحی غالب تمبرهای این دوره به چشم می‌خورد. تمامی تمبرهایی که در عصر رضاشاه در پست جریان داشتند، یا به شکل مستقیم از نمادهای سیاسی سود جسته‌اند و یا به یادمان مناسبتی سیاسی چون تاج‌گذاری، دهمین سال سلطنت، شصتمین سال تولد رضاشاه، و اعلام اخبار حکومتی چون ازدواج ولیعهد، و تغییر نام کشور، منتشر شدند. این موارد، گویای کارکردهای سیاسی تمبرهای این دوره‌اند. تمام تمبرهای این

1.sauetar



دوره، سهل‌ترین ابزار در جهت اهداف سیاسی بودند و پهلوی اول برای اعلام وقایع سیاسی از آن‌ها سود جست. با توجه به حضور نمادهای سیاسی در تمبرها، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ۱۰۰٪ تمبرهای این دوره سیاسی محسوب می‌شوند (جدول ۱ و ۲؛ نمودار ۱ و ۲). رونق و کساد در نشر تمبر، متأثر از شرایط سیاسی حاکم است. آشفتگی‌های سیاسی ناشی از جنگ جهانی دوم در ایران به کساد در نشر تمبر در دو سال پایانی حکومت پهلوی اول انجامید.

۷. بررسی تحولات اقتصادی در قاپ تمبرهای دوره رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش)

رضاشاه با تمرکز بر توسعه تجارت و صنعت تلاش کرد تا اقتصاد کشور را سامان بخشد. ابتدا با لغو خدمت مأموران بلژیکی، تأسیس بانک ملی و دادن حق انتشار اسکناس به آن، در جهت استقلال و توسعه اقتصادی ایران گام‌های نخستین برداشته شد (آبروی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۷۸۶). کارخانه‌ها بیشتر به صنایع سبک و تأمین نیازهای داخلی می‌پرداختند و کارخانه سیمان، مهم‌ترین مرکز صنعتی‌ای بود که نیازهای عمرانی کشور را تأمین می‌کرد (آبروی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۷۸۸). دولت جدید ثروتمندتر از قاجارها، با تکنولوژی مدرن، خواهان انجام تغییرات اقتصادی بود، از این‌رو به گسترش وسایل ارتباطی نیز توجه کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲). نقشه‌برداری و احداث ساختمان راه‌آهن به‌عنوان مهم‌ترین پروژه ارتباطی عصر رضاشاه در تاریخ ۱۳۰۴/۱۱/۲۰ ش به تصویب مجلس رسید تا در سایه سیستم ارتباطی منظم کشور، رونق صنعت و تجارت نیز میسر شود (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۵). شاه راه‌آهن سراسری (۱۳۰۶-۱۳۱۷ ش) را مظهر عظمت دولت، استقلال ملی، و توسعه اقتصادی خواند (فوران، ۱۳۹۴، ص ۳۳۸). تغییر واحد پول ایران به دینار نیز از دیگر تحولات اقتصادی این دوره بود که از اسفند سال ۱۳۰۸ ش آغاز شد و پس از تصویب مجلس در تاریخ ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ ش، از آغاز سال ۱۳۱۱ ش رسمیت یافت (خرازچی، ۱۳۸۱، مهر، ص ۵۷). افزایش منابع درآمد نفتی و مالیاتی بر اولویت‌های اقتصادی کشور تأثیر گذاشت و سرمایه‌گذاری دولت در صنعت و تجارت از ۱/۱٪ بودجه در سال ۱۳۰۷ ش، به ۲۴/۱٪ بودجه در سال ۱۳۲۰ ش رسید (فوران، ۱۳۹۴، ص ۳۳۷). صعود درآمد نفتی کشور و امنیت جاده‌ها به رونق تجاری و کاهش هزینه حمل‌ونقل انجامید و این موضوع بهبود اقتصاد ایران را به‌رمغان آورد. سروسامان دادن سازمان مالی کشور، بدهی‌های دولتی را کاهش داد، ولی بهبودی در توسعه اقتصادی کشور حاصل نکرد و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای را به‌همراه نداشت (کاتوزیان، ۱۳۹۱، صص ۱۳۵، ۱۳۶).

توجه به اقتصاد در تمبرهای پهلوی اول با پرداختن به رونق و توسعه صنعت حمل و نقل و ارتباطات، به عنوان مکمل رشد اقتصادی، با سه سری نخستین تمبرهای هوایی، و سورشارژ تصویر هواپیما در سالهای ۱۳۰۵-۱۳۰۸ ش مطرح شد (نوین فرح بخش، ۱۳۹۷، صص ۹۷، ۹۸). تمبرهای سری دیناری نیز با استفاده از واحد پول جدید، از سال ۱۳۱۲-۱۳۱۳ ش رونق دینار و ریال را سرعت بخشیدند (خرازچی، ۱۳۸۱، مهر، ص ۵۷). سری ترقیات با ۴ قطعه تمبر معرفی تنوع تحولات اقتصادی کشور را عهده دار شد و تمبرهای ۳۰، ۷۵، ۹۰ دیناری، و ۱ ریالی، کارخانه سیمان، و راههای هوایی، دریایی، و زمینی (شوسه و آهن) را به تصویر کشیدند (نیساری، ۱۳۴۱، ص ۸۹). به عبارتی ۱۹ قطعه (۱۱/۴۹٪) از تمبرهای چاپ اول، ۳۳ قطعه (۴۹/۲۵٪) از تمبرهای پست هوایی، و ۳۳ قطعه (۳۰/۵۵٪) از تمبرهای سورشارژی موضوع اقتصاد را مطرح کردند (جدول ۱ و ۲؛ نمودار ۱ و ۲).

۸. بررسی تحولات فرهنگی در قاب تمبرهای دوره رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش)

دولت-ملت پهلوی، براساس بزرگداشت ستایش شکوه گذشته با یادآوری تاریخی، متکی به نمادها، اساطیر، مراسم، موزه‌ها، و براساس الگوی فرهنگی مشترک در اوایل قرن ۲۰ م بنا شد (اشرف، ۱۳۹۵، ص ۲۰۹). رضاشاه با به کارگیری تحصیل کردگان دانشگاهی، نقش روحانیون را در تعلیم و تربیت کشور کم رنگ تر کرد. مراکز علمی متأثر از کشورهای غربی بودند و در دانشگاه‌ها و مدارس برنامه‌های آموزشی فرانسوی تدریس می شد. مشاوران آلمانی در مدارس فنی، و استادان خارجی در دانشگاه تهران به تدریس مشغول بودند (لیمبرت، ۱۳۹۰، ص ۱۴۹). بخشی از وقایع فرهنگی وقت، در تمبرها بازتاب یافت. زیرنویس پست ایران به زبان فرانسوی، در سری تمبرهای رضاشاه، بدون کلاه، در سال ۱۳۱۴-۱۳۱۵ ش (نوین فرح بخش، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱) گویای نفوذ فرهنگی فرانسه در نظام آموزشی کشور بود (کرونین، ۱۳۹۳، ص ۲۰۷).

هنر خوش‌نویسی به شکل خط نسخ و نستعلیق برای چاپ عبارات سورشارژی در سورشارژ ۳ سری از تمبرهای پست هوایی استفاده شد (انجمن تمبر ایران، ۱۳۹۷، صص ۹۵-۹۷). تلاش برای ترغیب جامعه به سوی نوین سازی با الگوپذیری از غرب، با مجسمه‌های عدالت و تربیت در ۲ قطعه از تمبرهای سری دهمین سال سلطنت نمود یافت (زیرتس، ۱۳۷۹، شهریور-مهر، ص ۵). تمبر ۱۵ دیناری، با نشان فرهنگ، با تمثال فرشته‌ای با بال‌هایی گسترده است که در پرتو انواری، کودکی را در آغوش دارد و کره



زمین زیر پایشان قرار دارد و هر دو در حال خواندن کتابی هستند. ساز چنگ، قلم‌مو، و آنتن بشقابی، به نشانه شاخه‌های هنر و تکنولوژیِ مورد توجه در این عصر در پایین این تمبر به چشم می‌خورد. تمبر ۳۰ دیناری نیز با استفاده از بال‌های فروهر در نماد نیروی هوایی پهلوی (عباسیان، ۱۳۷۰، ص ۴۰) نشان‌سازی با استفاده از سمبل‌های فرهنگی ایران باستان را به تصویر کشید، این کار نمونه‌ای از سیاست باستان‌گرایی حکومت بود.

جایگزینی تقویم شمسی به جای تقویم قمری، از سیاست‌های فرهنگی رضاشاه در جهت تقویت ناسیونالیسم ایرانی بود (لیمبرت، ۱۳۹۰، ص ۱۴۸). این تحول فرهنگی در شکل بلوکی در سری تمبرهای شصتمین سال تولد و در سری عروسی ولیعهد نمود یافت (انجمن تمبر ایران، ۱۳۹۷، صص ۱۰۹-۱۱۱). ۳۳ قطعه (۲۰/۷۵٪) از تمبرهای چاپ اول، و ۳۳ قطعه (۳۰/۵۵٪) از تمبرهای سورشازری، حاوی نمادهای فرهنگی بودند. درکل، ۶۶ قطعه (۲۴/۳۵٪) از مجموع تمبرهای رضاشاهی امور فرهنگی را به شکل مستقیم یا غیرمستقیم، مطرح کرده‌اند (جدول ۱ و ۲؛ نمودار ۱ و ۲). در عصر رضاشاه وقایع فرهنگی مهمی در کشور روی داد که جشن هزاره فردوسی در ۱۳۱۳/۷/۲۰ش از مهم‌ترین آن‌ها بود. مجلس مخارج بنای مقبره فردوسی را در بودجه سالانه کشور گنجاند (هدایت، ۱۳۷۵، ص ۴۰۴) و حتی به ریاست سید محمد تدین، به موجب مصوبه‌ای در تاریخ ۱۳۰۴/۱۱/۱ش به وزارت مالیه مجوز داد تا برای ساخت مقبره فردوسی از عواید خالص فروش تمبر به نام فردوسی استفاده کند («تمبر و قانون»، ۱۳۸۱، اردیبهشت، ص ۱۷)؛ ولی تمبری به مناسبت فردوسی در این دوره منتشر نشد. جشن هزاره فردوسی و ساخت مقبره‌ای نو در طوس (ساکما، ۲۹۷/۹۷۷۳/۱)، سنگ بنای دانشگاه تهران در ۱۳۱۳/۱۱/۱۵ش (ساکما، ۲۹۷/۳۷۰۳۸/۱)، احداث آرامگاه جدید برای خیام، حافظ، و سعدی، تأسیس فرهنگستان ادب فارسی (عاقلی و آشتیانی، ۱۳۸۹، ص ۷۷)، کودکستان، مدارس حرفه‌ای، و فرمان تحصیل رایگان (کرونین، ۱۳۹۳، ص ۱۸۹) از مواردی بودند که در قاب کوچک تمبرهای پهلوی اول نگنجیدند. شاه و مشاورانش با نادیده گرفتن فرهنگ دوره اسلامی، میراث فرهنگ پیش از اسلام را طبق الگویی اروپایی، و در قالب ملی‌گرایی، با فرهنگ بیگانه آمیختند (اوری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۳۵). تلاش در جهت تحقق اهداف سیاسی، خلأ بزرگی را در تمبرها برای حضور فرهنگ ایران اسلامی و نقش اسلام به عنوان پشتوانه فرهنگی این دوره ۱۴۰۰ ساله ایجاد کرد. در تمبرهای عصر محمدرضا پهلوی در قیاس با تمبرهای دوره حکومت پدرش، تغییراتی اعمال شد و اسلام و تاریخ ایران اسلامی در آن‌ها مطرح شد (رحیمی و فتاحی، ۱۳۹۶، زمستان، ص ۱۸).

۹. بررسی تحولات اجتماعی در قاب قهرهای دوره رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش)

رضاخان بعد از سفر ۲۳ روزه به ترکیه در تاریخ ۱۳۱۳/۳/۲۶ش، تحت تأثیر برنامه‌های آتاترک قرار گرفت (هدایت، ۱۳۷۵، ص ۴۰۳؛ مختاری اصفهانی، ۱۳۹۲، صص ۱۹۶، ۱۹۷). پس از این سفر سیاست‌های حکومت پهلوی بر اساس ناسیونالیسم ایرانی، و تجدد غربی به تقلید از دستاوردهای مادی غرب انجامید (لیمبرت، ۱۳۹۰، صص ۱۴۸، ۱۴۹). به تدریج، اصلاحات آموزشی و قضایی، در تغییرات اجتماعی جامعه نمود یافت و با تثبیت نظام آموزشی و قضایی مدرن، قدرت روحانیون رو به کاهش نهاد. با نوسازی قوانین قضایی در سال ۱۳۱۴ش، قضات تحصیل کرده با مدارک دانشگاهی، جایگزین قاضیان روحانی شدند. قوانین جدید برگرفته از مستندات اروپایی و اغلب فرانسوی بودند و مدارج دانشگاهی می‌طلبیدند (آبروی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۷۸۵). کشف حجاب هم یکی از سیاست‌های مدرن‌سازی رضاشاه بود. علی‌اصغر حکمت وزیر معارف محمدعلی فروغی، مأمور اجرای این سیاست شد (مختاری اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۴). با دستور رسمی دولت، از ۱۳۱۴/۱/۱ش امر شد تا مردان کلاه‌فرنگی بر سر بگذارند و زن‌ها نیز چادر را ترک کنند (هدایت، ۱۳۷۵، ص ۴۰۷). با وجود این که مقدمات کشف حجاب از دولت فروغی شکل گرفته بود، ولی این محمود جم بود که هم‌زمان در دو مسند وزارت داخله و نخست‌وزیری مجری این طرح شد (مختاری اصفهانی، ۱۳۹۲، صص ۲۰۷-۲۱۱). کشف حجاب در تمبر مراسم عروسی ولیعهد نیز خود را نشان داد (هدایت، ۱۳۷۵، ص ۴۱۳). برای پوشش مردان، کلاه‌فرنگی -موسوم به کلاه پهلوی- رسمی شد (هدایت، ۱۳۷۵، ص ۲۸۳). تصویر شاه با این کلاه بر تمبرها، حاوی پیامی سیاسی با تکیه بر نمادی اجتماعی بود که شاه را به‌عنوان قدرت مطلق دولتی مدرن معرفی می‌کرد (زیبرتس، ۱۳۷۹، شهریور-مهر، ص ۵). چاپ تصویر رضاشاه با کلاه در اولین سری تمبرهای پهلوی تأکیدی بود بر استفاده از کلاه پهلوی به‌عنوان نماد تغییر پوشش مردان ایرانی؛ این کار تا سال ۱۳۱۴ش در تمبرها ادامه یافت (عباسیان، ۱۳۷۰، صص ۳۷-۴۱). این تغییر پوشش در طی بخشنامه‌ای در سال ۱۳۰۷ش برای مستخدمان دولت و محصلان رسمیت یافت (ساکما، ۱۳۶۱/۲۴۰). پافشاری بر فرمان تغییر پوشش در بیشتر تمبرهای منقش به تصویر شاه هویداست؛ در ۸ سری از تمبرها، رضاشاه کلاه پهلوی را بر سر دارد. اصلاحات اجتماعی در زمینه پوشش در تمبرها به‌یادگار ماند. در سری دهمین سال سلطنت، تمبر ۵ دیناری با تندیس فرشته عدالت با ترازو و شمشیری در دست به اهمیت عدالت اجتماعی پرداخت. تمبر ۴۵ دیناری این سری با ساختمان آسایشگاه سخت‌سر و ۱/۵ ریالی با ساختمان اداره پست نیز بخشی از خدمات اجتماعی را به تصویر کشیدند (انجمن تمبر ایران، ۱۳۹۷).



صص ۹۴-۱۰۵). ولی جایگاه زنان در تمبرها خالی بود. تمثال زنانه فرهنگ و عدالت، و تصویر فوزیه عروس مصری دربار (مهدی قلی، ۱۳۷۹، تیر-مرداد، ص ۴) تنها زنانی بودند که برای اولین بار پایشان به تمبرهای ایران گشوده شد. در سری ازدواج ولیعهد هم، زنان درباری با تکیه بر کشف حجاب در تمبرها رخ نمودند (نیساری، ۱۳۴۱، ص ۹۷). ۹۱ قطعه (۵۷/۲۳٪) از تمبرهای چاپ اول، در تمام ۴ قطعه تمبر چاپ دوم، در ۴۸ قطعه (۴۴/۴۴٪) از تمبرهای سورشارژی، و در ۳۴ قطعه (۵۰/۷۴٪) از تمبرهای پست هوایی، و در مجموع در ۱۴۳ قطعه (۵۲/۷۶٪) از تمبرهای دوره رضاشاه نمادهای اجتماعی، به شکل مستقیم یا غیرمستقیم حضور دارند (جدول ۱ و ۲؛ نمودار ۱ و ۲). آبله کوبی مجانی در ۱۳۱۱ ش (ساکما، ۲۹۷/۷۲۵/۱) از مهم ترین خدمات اجتماعی این عصر بود که در تمبرها به فراموشی سپرده شد.

۱۰. نتیجه

در این پژوهش تلاش شد تا میزان حضور ۵ موضوع تاریخ، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، و اجتماع، در تمبرهای پهلوی اول بررسی شود و شیوه انعکاس وقایع مرتبط با موضوعات مطرح شده در تمبرها، با نمادهای مربوطه، تفکیک شود. برای قیاس این موارد از علم ریاضی و ابزارهای آماری و جداول استفاده شد تا اهداف جانبی نشر تمبر نمود یابد. با قیاس نمادهای تمبرها، نتایجی قابل توجه رخ نمود. سیاست با توسل به نمادهای حکومتی، مانند تصویر شاه، خاندان حکومتی، و تاج، بیشترین موضوع مطرح شده در تمبرهای رضاشاه است و این گویای غلبه تفکر سیاسی در جامعه آن زمان است. در راستای سیاست حاکم، برای تغییر پوشش جامعه، به عنوان نمادی اجتماعی، تمبر نقشی تبلیغاتی داشت. فرهنگ در شاخه های مختلف، به مدد نمادهای متعددی چون فروهر، کتاب، تقویم، قلم مو، و هنر خوش نویسی، سومین اولویت تمبرهای این دوره است. با وجود تأکید بر باستان گرایی، نمادهای تاریخ ایران باستان، مثل تخت جمشید و حجاری هایش، در رتبه چهارم جا گرفتند. سکوت تمبرها در برابر تاریخ ایران اسلامی، از بی توجهی سیاست حاکم به بخش اعظمی از تاریخ ایران پرده برمی دارد. تحولات اقتصادی کشور مانند تغییر واحد پول، و نمادهای اقتصاد ایران، به شکل مستقیم و غیرمستقیم، در بخش اندکی از تمبرها حضور دارند. این پژوهش نقش تبلیغاتی تمبر را به عنوان رسانه ای ارزان و در دسترس برای نشر اخبار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، به روشنی آشکار کرد. سایه سنگین سیاست در تمبرهای این دوره چنان مشهود است که از پرداختن به داشته های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بخش اعظمی از تاریخ ایران جلوگیری کرده است.

منبع

اسناد:

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ۲۴۰/۱۵۲۱۶/۱؛ ۲۹۷/۷۲۲۵/۱؛ ۲۹۷/۹۷۷۳/۱؛ ۲۹۷/۳۷۰۳۸/۱؛ ۳۱۰/۲۱/۷؛ ۳۱۰/۲۱/۶؛ ۳۱۰/۲۱/۵؛ ۳۱۰/۲۱/۴؛ ۳۱۰/۲۱/۱

کتاب

آربری، آج؛ و همکاران. (۱۳۹۰). *تاریخ اسلام: پژوهش دانشگاه کمبریج*. (پی.ام. هولت و آن. لمبتون، سرپرستان؛ احمد آرام، مترجم). تهران: امیرکبیر.

اشرف، احمد. (۱۳۹۵). *هویت ایرانی: از دوران باستان تا پایان پهلوی*. (حمید احمدی، مترجم). تهران: نی. انجمن تمبر ایران. (۱۳۹۷). *راهنمای تمبرهای ایران: ۱۳۹۷-۱۲۴۸: قاجار، پهلوی، جمهوری اسلامی*. تهران: آرویح ایرانیان.

اوری، پیترو؛ و همکاران. (۱۳۹۳). *تاریخ ایران کمبریج*. (ج ۳-۷). (گاوین هامبلی، چارلز ملویل، ویراستاران؛ تیمور قادری مترجم). تهران: مهتاب.

پلودن، لیدی و همکاران. (۲۵۳۵). *تمبر*. (جنیفر کوچران، سرپرست؛ حسین عطایی آشتیانی، مترجم). تهران: پدیده.

عاقلی، باقر؛ اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۸۹). *تاریخ ایران: تاریخ ایران پس از اسلام*. تهران: نامک.

عباسیان، سیدرضی. (۱۳۷۰). *راهنمای یک صد و بیست و سه ساله تمبرهای ایران*. تهران: عباسیان.

عبدلی فرد، فریدون. (۱۳۷۸). *تاریخ پست در ایران: تمبرهای شیر و خورشیدی اولیه ایران*. تهران: هیرمند.

فوران، جان. (۱۳۹۴). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۱۸۹۷ شمسی تا انقلاب*. (احمد تدین، مترجم). تهران: رسا.

کاتوزیان، محمدعلی (همایون). (۱۳۹۱). *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. (محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، مترجمان). تهران: مرکز.

کدی، نیکی. آر. (۱۳۹۶). *ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان*. (مهدی حقیقت خواه، مترجم). تهران: ققنوس.

کرونین، استفانی. (۱۳۹۳). *رضاشاه و شکل گیری ایران نوین*. (مرتضی ثاقب فر، مترجم). تهران: جامی.

کرونین، استفانی. (۱۳۹۴). *کلنل پسیان و ناسیونالیسم انقلابی در ایران*. (عبدالله کوثری، مترجم). تهران: ماهی.

کسروی تبریزی، احمد. (۱۳۷۸). *تاریخچه شیر و خورشید، تاریخچه چپوق و قلیان*. (عزیزالله علی زاده، کوشش گر). تهران: فردوس.

لیمبرت، جان. (۱۳۹۰). *ایران در مصاف با تاریخ*. (سعیده ناجیان تبریز، مترجم). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.



- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۷۶). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*. (ج ۲). تهران: دانشگاه تهران.
- مختاری اصفهانی، رضا. (۱۳۹۲). *پهلوی اول: از کودتا تا سقوط*. تهران: پارسه.
- نوبین فرحبخش، فریدون. (۱۳۸۰). *راهنمای تمبرهای ایران: قاجار، پهلوی، جمهوری اسلامی*. تهران: فرحبخش.
- نوبین فرحبخش، فریدون. (۱۳۹۷). *راهنمای تمبرهای ایران: قاجار، پهلوی، جمهوری اسلامی*. تهران: فرحبخش.
- نیرنوری، حمید. (۱۳۴۴). *تاریخچه بیرق ایران و شیر و خورشید*. تهران: مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- نیساری، سلیم. (۱۳۴۱). *تمبرهای ایران از بدو انتشار تا امروز، کاتالگ*. تهران: انجمن تمبرشناسی ایران.
- هدایت، حاج مهدی قلی (مخبر السلطنه). (۱۳۷۵). *خاطرات و خطرات*. تهران: زوار.
- یزدانی، مرضیه. (۱۳۷۸). *اسناد پست و تلگراف و تلفن در دوره رضاشاه*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

مقاله

- «تمبر و قانون». (۱۳۸۱، اردیبهشت). ماهنامه تمبر، ۳(۶)، ص ۱۷.
- خرازچی، احمد. (۱۳۸۱، مهر). «تحولات واحد پول و تمبر در ایران». ماهنامه تمبر، ۳(۷)، صص ۵۵-۵۷.
- رحیمی، عبدالرفیع؛ فتحی، سیده فروغ. (۱۳۹۶، زمستان). «تاریخ در قاب تمبرهای دوره نخست حکومت محمدرضا پهلوی (۱۳۲۰/۶/۲۶-۱۳۳۲/۵/۲۸) با تکیه بر آمار». فصلنامه گنجینه اسناد، ۲۷(۱۰۸)، صص ۱۹-۶.
- زیرتس، رومان. (۱۳۷۹، شهریور-مهر). «استفاده تبلیغاتی از تمبر در دوره پهلوی». ماهنامه تمبر، ۱(۴)، صص ۷-۳.
- مهدی قلی، مریم. (۱۳۷۹، تیر-مرداد). «چاپ تمبر از زنان». ماهنامه تمبر، ۱(۲ و ۳)، صص ۵-۴.

منابع لاتین

English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran): 240/15216/1; 297/7225/1; 297/9773/1; 297/37038/1; 310/21/1; 310/21/4; 21/6; 310/21/7. [Persian]

Books

Abbasian, Seyyed Razi. (1370/1991). “*Rāhnamā-ye yeksd-o-bišt-o-se sale-ye tambr-hā-ye Irān*” (The one-hundred-and-twenty-three-year old guide to Iranian



- stamps). Tehran: Abbasiān.[Persian]
- Abdolifard, Fereydoun. (1378/1999). "*Tāārix-e post dar Irān: Tambr-hā-ye šir va xoršidi-ye avvalie-ye Irān*" (The history of post in Iran: The early sun-and-lion stamps in Iran). Tehran: Hirmand.[Persian]
- Agheli, Bagher; & EghbalAshtiani Abbas. (1389/2010). "*Tārix-e Irān: Tārix-e Irān-e pas az eslām*" (History of Persia in Islamic period). Tehran: Nāmak.[Persian]
- "Anjoman-e tambr-e Irān" (Iran Philatelic Study Circle) (IPSC). (1397/2018). "*Rāhnamā-ye tambr-hā-ye Irān: 1248-1397: Qājār, Pahlavi, Jomhuri-ye Eslāmi*" (Iran stamps catalogue: Qajar, Pahlavi, Islamic republic, 1869-2018). Tehran: Ārvij-e Irāniān.[Persian]
- Arberry, A. J. et al. (1390/2011). "*Tārix-e eslām: Pažuheš-e danešgāh-e Kambrij*" (The Cambridge history of Islam). Supervised by Peter Malcolm Holt & Ann Katharine Swynford Lambton. Translated by Ahmad Aram. Tehran: Amir Kabir.[Persian]
- Ashraf, Ahmad. (1395/2016). "*Hoviat-e Irāni: Az dōwrān-e bāstān tā pāyān-e Pahlavi*" (Persian identity: From the antiquity until modern times ...). Translated by Hamid Ahmadi. Tehran: Ney.[Persian]
- Avery, Peter, et al. (1393/2014). "*Tārix-e Irān Kambrij*" (The Cambridge history of Iran) (vol. 3-7). Edited by Gavin Hambly & Charles Melville. Translated by Teymour Ghaderi. Tehran: Mahtāb.[Persian]
- Cronin, Stephanie. (1393/2014). "*Rezāšāh va šeklgiri-ye Irān-e novin*" (The making of modern Iran: State and society under Riza shah 1921 - 1941). Translated by Morteza Saghebfar. Tehran: Jāmi.[Persian]
- Cronin, Stephanie. (1394/2015). "*Kolonel Pesyān va nasyonālism-e enqelābi dar Irān*" (An experiment in revolutionary nationalism: The rebellion of Colonel Muhammad Taqi Khan Pasyan in Mashhad, April-October 1921). Translated by Abdollah Kosari. Tehran: Māhi.[Persian]
- Foran, John. (1388/2009). "*Moqāveemat-e šekanandeh: Tāix-e tahavvolāt-e e'temā'ee-ye Irān az sāl-e 1500-e milādi motābeq bā 897 šamsi tā enqelāb*" (Fragile resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution) (7th ed.). Translated by Ahmad Tadayyon. Tehran: Rasā. [Persian]

- Hedayat, Haj Mehdi Gholi (Mokhber Al-Saltaneh). (1344/1965). "*Xāterāt o xatarāt*" (Memries and dangers). Tehran: Zovvār. [Persian]
- KasraviTabrizi, Ahmad. (1378/1999). "*Tārixče-ye šir o xoršid, tārixče-ye čopoq o qaliān*" (The history of the lion and sun, the history of smoking pipe and hook-ah). Edited by Azizollah Alizadeh. Tehran: Ferdows. [Persian]
- Katouzian, Mohammad Ali (Homayun). (1386/2007). "*Eqtesād-e siāsi-ye Irān az mašrutiat tā pāyān-e selsele-ye Pahlavī*" (Political economics in Iran from constitutional revolution to the end of Pahlavid era). Translated by Mohammad Reza Nafisi & KambizAzizi. Tehran: Markaz. [Persian]
- Keddie, Nikki R. (1396/2017). "*Irān-e dōwṛān-e Qājārva bar-āmadan-e RezāXān*" (Qajar Iran and the rise of Reza Khan, 1796-1925). Translated by Mahdi Haghigh-atkhah. Tehran: Qoqnus.[Persian]
- Limbert, John W. (1390/2011). "*Irān dar masāf bā tārix*" (Iran, at war with history). Translated by Saeedeh Najian. Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center).[Persian]
- MahboubiArdakani, Hossein. (1376/1997). "*Tārix-e mo'assesāt-e ta maddoni-ye jaded dar Irān*" (History of the new civilization organizations in Iran) (vol. 2). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- MokhtariEsfahani, Reza. (1392/2013). "Pahlavi-ye avval: *Az kude tā tā soqut*" (Pahlavi I from rise to fall). Tehran: Pārseh.[Persian]
- Nayyer Nouri, Hamid. (1344/1965). "*Tārix-če-ye beiraq-e Irān va šir o xoršid*" (The history of the Iranian flag and the sun and lion). Tehran: Motāle'āt va Tahqiqāt-e Ejtemāee (Institute of Social Studies and Research).[Persian]
- Neysari, Salim. (1341/1962). "*Tambr-hā-ye Irān az badv-e entešār tā emruz, kātalog*" (Iranian stamps from the beginning to the present: A catalog). Tehran: Anjoman-e Tambr-šenāsi-ye Irān (Iran Philatelic Study Circle) (IPSC).[Persian]
- NovinFarahbakhsh, Fereydoun. (1380/2001). "*Rāhnamā-ye tambr-hā-ye Irān: Qājār, Pahlavī, Jomhuri-ye Eslāmi*" (Aguide to Iranian postage stamps: Qajar, Pahlavi, Islamic Republic). Tehran: Farahbaxš.[Persian]
- NovinFarahbakhsh, Fereydoun. (1397/2018). "*Rāhnamā-ye tambr-hā-ye Irān: Qājār,*

Pahlavi, Jomhuri-ye Eslāmi” (A guide to Iranian postage stamps: Qajar, Pahlavi, Islamic Republic). Tehran: Farahbaxš.[Persian]

Plowden, Lady at al. (2535/1956). “*Tambr*” (Stamp). Supervised by Jennifer Cochran. Translated by Hossein AtayiAshtiani. Tehran: Padideh.[Persian]

Yazdani, Marzieh. (1378/1999). “*Asnād-e pošt va telegrāf va telefon dar dowre-ye RezaŠāh*” (Some records of post, telegraph and telephone during Reza shahs reign). Tehran: Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān (Sākmā) (National Archives of Iran).[Persian]

Articles

Kharrazchi, Ahmad. (1381, Mehr/2002, October). “Tahavvolāt-e vā hed-e pul va tambr dar Irān” (Currency and postage stamp developments in Iran). *Māhnāme-ye Tambr*, 3 (7), p. 55-57.[Persian]

Mehdi Gholi, Maryam. (1379, Tir-Mordād/ 2000, July-August). “Čāp-e tambr az zanān” (Print stamps of women). *Māhnāme-ye Tambr*, 1 (2 & 3), pp. 4-5.[Persian]

“Tambr va qānun” (Postage stamp and the law). (1381, Ordibehešt/2002, May). *Māhnāme-ye Tambr*, 3 (6), p. 17.[Persian]

Rahimi, Abd Al-Rafi’; & Fathi, SeyyedehForough. (1396, Zemestān/2017, Winter). “Tārix dar qāb-e tambr-hā-ye dowre-ye noxost-e hokumat-e Mohammad RezaPahlavi (1320/6/26 – 1332/5/28) bā tekyeh bar āmār” (Iranian postal stamps as graphic narrators of history). *Ganjine-ye Asnād*, 27 (108), pp. 6-19.[Persian]

Zibertes, Roman. (1379, Šahrivar-Mehr/2000, September-October). “Estefāde-ye tabliqāti az tambr dar dowre-ye Pahlavi” (Advertising use of stamps in the Pahlavi period). *Māhnāme-ye Tambr*, 1 (4), pp. 3-7.[Persian]





The Role of Social Security Commission in 1960s Land Reform of Iran

Seyyed Mahmoud Sadat Bidgoli¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: The Iranian government in the early 1960s implemented a thorough land reform policy. Opposition to the policy increased due to hasty implementation of the law and the lack of justification of the target community. The government used the Social Security and Exile Commission to suppress the opposition.

Method and Research Design: A wide range of archival documents and published resources, were used to collect data.

Finding and Conclusion: The Commission exile punishment to suppress the opposition. The main reason for that was the fact that landlords did not receive their share of harvest and disruption occurred in agricultural activities. The number of exiles diminished as opposition ceased to continue except in few cases as both landlords and farmers accepted new conditions. A bill passed the national parliament to pardon those who were exiled. Overall, the performance of the Social Security Commission was successful in its mandate.

Keywords: Land Reform ; Iran; Social Security Commission; Landlords; Farmers.

Citation: Sadat Bidgoli, Seyyed Mahmoud . (2020). The Role of Social Security Commission in 1960s Land Reform of Iran. *Ganjine-ye Asnad*, 30(3), 30 -53. doi: 10.22034/ganj.2020.2576

1. Assistant Professor, Department of History, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, I. R. Iran

sadat@ri-khomeini.ac.ir

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Ganjine-Ye Asnad

«119»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2020.2576

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 3, Autumn 2020 | pp: 30- 53 (24) | Received: 28, jul. 2018 | Accepted: 27, Jan. 2019

Historical research



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

تحلیل نقش کمیسیون امنیت اجتماعی در جریان اصلاحات ارضی

سید محمود سادات بیدگلی^۱

چکیده:

هدف: حکومت ایران در اوایل دههٔ چهل به دنبال اجرای اصلاحات ارضی برآمد. اجرای این قانون مخالفت‌هایی را به دنبال داشت که میزان آن به دلیل عجلهٔ مجریان قانون و توجه نبودن جامعهٔ هدف، زیاد بود. حکومت از ابزار تبعید به دست کمیسیون امنیت اجتماعی برای تنبیه مخالفان استفاده کرد. هدف این مقاله پاسخ به این پرسش‌هاست: ۱. آیا کمیسیون امنیت اجتماعی توانست با استفاده از ابزار تبعید بر نحوهٔ اجرای قانون اصلاحات ارضی تأثیر بگذارد؟ ۲. مؤلفه‌های تبعید مخالفان قانون اصلاحات ارضی چه بود؟
روش/رویکرد پژوهش: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده گسترده از اسناد و مدارک آرشیوی و منابع اصلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: کمیسیون امنیت اجتماعی از ابزار تبعید برای تنبیه مخالفان حکومت استفاده می‌کرد. سرعت اجرای قانون اصلاحات ارضی باعث گسترش مخالفت‌ها و لزوم استفاده از کیفر تبعید برای مخالفان این قانون هم شد. علت عمدهٔ تبعیدها، ندادن بهرهٔ مالکانه، و ایجاد اخلاف در امر زراعت بود. کنش سیاسی تبعیدیان بعد از پایان مدت تبعید نشان می‌دهد که جز در موارد استثنایی، مالکان و زارعان شرایط جدید را پذیرفتند. کاهش تعداد تبعیدها بعد از سال ۱۳۴۲ نشان می‌دهد که از میزان مخالفت‌ها کاسته شده و به تبع آن تعداد تبعیدها هم کم شده است. بخشش تبعیدیان و تصویب ماده قانونی برای این کار نشان می‌دهد که حکومت فقط برای اجرای آسان‌تر قانون اصلاحات ارضی، به دنبال دورکردن موقتی مخالفان این قانون از محل زندگی خود بوده و این تبعیدها جنبهٔ پیشگیرانه داشت. عملکرد کمیسیون امنیت اجتماعی در جریان اصلاحات ارضی در مجموع مثبت ارزیابی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اصلاحات ارضی؛ کمیسیون امنیت اجتماعی؛ تبعید؛ تبعیدیان؛ مالک؛ زارع.

۱. استادیار تاریخ پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران
sadat@ri-khomeini.ac.ir

استناد: سادات بیدگلی، سید محمود. (۱۳۹۹). تحلیل نقش کمیسیون امنیت اجتماعی در جریان اصلاحات ارضی.

گنجینهٔ اسناد، ۳۰ (۳)، ۳۰ - ۵۳ | doi: ۱۰,۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰,۲۵۷۶



گنجینهٔ اسناد

«۱۱۹»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکدهٔ اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانهٔ برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۰,۲۵۷۶

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۰، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۹ | صص: ۳۰- ۵۳ (۲۴)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۶ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۷

تحقیقات تاریخی

۱. بیان موضوع

انجام برخی از اصلاحات در جامعه، مخالفت‌هایی را به دنبال دارد؛ وقتی این اصلاحات به حوزه مالکیت افراد وارد شود، واکنش‌ها شدیدتر می‌شود. حکومت ایران در اوایل دهه چهل، به دنبال تغییراتی در نظام مالکیت زمین‌های زراعی و خرید زمین‌های مالکان و تقسیم آن بین زارعان برآمد. اجرای این قانون مخالفت‌هایی را به وجود آورد که میزان آن به دلیل عجله مجریان این قانون و توجیه‌نبودن جامعه زیاد بود. ابزار حکومت برای سرکوب مخالفان اصلاحات ارضی، کمیسیونی به نام کمیسیون امنیت اجتماعی بود. این کمیسیون در زمان مصدق برای سرکوب مخالفان ایجاد شده بود و در ابتدا قرار بود به مسائل امنیتی بپردازد؛ ولی اضافه‌شدن بندهایی به قانون تأسیس آن، رسیدگی به جرائم مرتبط با اصلاحات ارضی را هم در حوزه شمول آن آورد. کیفری که کمیسیون برای تنبیه مخالفان از آن استفاده می‌کرد تبعید بود.

این پژوهش به دنبال آن است تا با استفاده گسترده از اسناد و مدارک آرشیوی باقی مانده از پرونده‌های اصلاحات ارضی، و منابع اصلی به پاسخ به این پرسش‌ها بپردازد که آیا کمیسیون امنیت اجتماعی توانست با استفاده از ابزار تبعید بر نحوه اجرای قانون اصلاحات ارضی تأثیر بگذارد؟ مؤلفه‌های تبعید مخالفان قانون اصلاحات ارضی چه بود؟

۲. پیشینه پژوهش: در زمینه اصلاحات ارضی آثار بسیاری تألیف و ترجمه شده است

که به روند اجرای این قانون و اثرات آن بر جامعه روستایی پرداخته‌اند؛ ولی درباره تبعیدیان اصلاحات ارضی، هیچ پژوهشی تاکنون انجام نشده است.

اصلاحات ارضی، اصلاحاتی از بالا به پایین بود که برای اجرای آن باید زمینه اجتماعی آماده می‌شد و جامعه هدف توجیه می‌شد؛ ولی دولت به جای توجیه جامعه هدف، به گسترش دامنه شمول وظایف و اختیارات کمیسیون امنیت اجتماعی افزود. وظیفه ابتدایی کمیسیون امنیت اجتماعی رسیدگی به موارد امنیتی بود؛ ولی با اصلاح قانون، وظیفه برخورد با مخالفان و منتقدان اصلاحات ارضی هم به وظایف این کمیسیون اضافه شد.

انجام اصلاحات از بالا به پایین از ویژگی‌های حکومت‌های رانتیر است. اداره این نوع حکومت‌ها براساس مالیاتی که جامعه می‌پردازد نیست؛ بنابراین این نوع حکومت‌ها به مردم پاسخگو نیستند. این حکومت‌ها با فروش نفت و سایر منابع خام درآمد کسب می‌کنند و بدون پشتوانه اجتماعی اصلاحاتی را تدارک می‌بینند که برای اجرای آن با مخالفت‌هایی روبه‌رو می‌شوند.



۳. اصلاحات ارضی

آمریکایی‌ها در انتهای دهه ۱۳۳۰ در ایران مطالعاتی انجام دادند و جامعه ایران را دچار بحران دیدند. در این مقطع زمانی، کشورهای غربی نگران بودند که در پی نارضایتی‌های دهقانی در کشورهای دنیا اندیشه کمونیسم گسترش یابد؛ بنابراین برای پیشگیری از این موضوع انجام اصلاحات ارضی و تغییرات مالکیت زمین را در مصر، سوریه، عراق، پاکستان، ونزوئلا و ایران برنامه‌ریزی کردند. اصلاحات ارضی در کشورهایی که کمونیست‌ها حاکم شده بودند در قالب مصادره زمین‌های مالکان و ایجاد مزارع اشتراکی انجام شده بود. صاحبان زمین در چین، ویتنام و شوروی اعدام شده بودند و زمین‌های آن‌ها مصادره شده بود.^۱

آمریکا هم طرح‌هایی را برای اصلاحات ارضی در کشورهای تحت سلطه خود در آمریکای لاتین اجرا کرد؛ ولی در آنجا با شکست مواجه شد (تحلیلی از شرایط جامعه روستایی...، ۱۳۵۷، ص ۳۵). هانتینگتون معتقد است: «روستاییان زمانی انقلابی می‌شوند که اوضاع مالکیت زمین، اجاره‌دادن، کار، مالیات و قیمت‌ها برایشان تحمل‌ناپذیر باشد» (هانتینگتون، ۱۹۶۸، ص ۵۴۱).

در ایران نیز محمدرضا شاه در پی اصلاحاتی در نظام مالک و زارع و زمین‌داری و کشاورزی برآمد که سرانجام به برنامه اصلاحات ارضی منجر شد. یکی از علل تهیه این طرح در ایران، فعالیت‌های گسترده حزب توده در روستاها بود. توده‌ای‌ها تبلیغ می‌کردند که نظام ارباب‌رعیتی باید از بین برود. شعبات حزب توده در روستاها تشکیل می‌شدند و تبلیغ می‌کردند که چرا رعیتی که در تمام ۲۴ ساعت در آفتاب تابستان و سرمای زمستان با مشقت کار می‌کند، باید دسترنج خود را به شخص دیگری تقدیم کند. البته همه مالکان هم به استثمار رعیت نمی‌پرداختند؛ بعضی مهربان بودند و با رعایای خود مماشات می‌کردند؛ ولی بعضی هم زورگو بودند و مماشات نمی‌کردند (سالور، ۱۳۹۴، ص ۱۹)؛ ولی حزب توده علیه همه مالکان تبلیغات می‌کرد. دومین علت اجرای اصلاحات ارضی، اقدامات پیشه‌وری در آذربایجان بود. او حقوق مالکان را ملغی کرد. عده‌ای از مالکان تسلیم شدند و برخی هم که تسلیم نشدند از آذربایجان و زنجان فرار کردند. این کار در روستاهای دیگر نیز تبلیغ می‌شد که می‌توان مالکان را فراری داد و زمین‌ها را تصاحب کرد؛ به‌طوری‌که از این‌پس بسیاری از مالکان، جرئت ماندن در روستای خود را نداشتند و دورادور و از طریق مباشران خود، ده را اداره می‌کردند. گرچه هنوز مالکیت از بین نرفته بود، ولی پایه آن در سراسر کشور سست شده بود. تحت فشار دهقانان «لایحه قانونی ازدیاد سهم کشاورزان و سازمان عمران کشاورزی» در تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۳۱ در ۳۸ ماده و

۱. برای اطلاع بیشتر ر. ک: ویلسون، آندرو. (۱۳۵۹). کمونیسم: وعده و عمل. تهران: نهضت آزادی رهبری ایران، صص ۷۲-۵۵؛ همچنین برای اطلاع بیشتر از ضرورت اجرای برنامه اصلاحات ارضی در هندوستان، عراق و مصر رجوع کنید به: ژوکف ی. و دیگران. (۱۳۵۷). ضرورت اصلاحات ارضی و اجتماعی در جهان سوم. (حسین اسدپور پیرانفر، مترجم). تهران: بی‌نا: سازمان چریک‌های فدائی خلق. (۱۳۵۸). مسأله ارضی در ویتنام. تهران: انتشارات سازمان چریک‌های فدائی خلق.

۳ تبصره به تصویب دولت دکتر مصدق رسید. ماده اول این قانون اخذ عوارض اضافی را ممنوع کرد و مالک فقط می‌توانست بهره مالکانه دریافت کند (تحلیلی/از شرایط جامعه روستایی...، ۱۳۵۷، ص ۳۱). شاه می‌خواست اصلاحات ارضی را در اواخر دهه ۱۳۳۰ اجرا کند؛ ولی مخالفت آیت‌الله بروجردی مانع از اجرای آن شد. سالور که مجری اصلاحات ارضی بوده است می‌نویسد: «از قراری که بنده اطلاع دارم آیت‌الله العظمی بروجردی در سال ۱۳۳۸ با ارسال نامه‌ای به دربار با این قضیه مخالفت ضمنی کرده بودند. ایشان در نامه خود نوشته بودند که اگر قصد چنین کاری دارید، بایستی به مالکین املاک، قیمت عادلانه بپردازید. این بود که موضوع مسکوت ماند و تا زمانی که ایشان در حیات بودند کاری در این زمینه صورت نگرفت» (سالور، ۱۳۹۴، ص ۴۴).

ارسنجانی اجرای این اصلاحات را ضروری می‌دانست. «مالکین و اربابان بزرگ که دشمنان من هستند، باید این حقیقت را درک کنند که اگر اصلاحات ارضی را در مملکت اجرا نمی‌کردیم، جبر تاریخ آن را اجرا می‌کرد» (ارسنجانی، ۱۳۴۱، ص ۱۵۵). علی‌امینی منکر ارتباط اصلاحات ارضی با آمریکایی‌هاست و آن را فکر خودش می‌داند که با انقلاب سفید نیز ارتباطی نداشته است (خاطرات دکتر علی‌امینی، ۱۹۸۶، ص ۳۹)؛ ولی این ادعا صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا اصلاحات ارضی جزئی از اصول انقلاب سفید بوده است. امینی چون می‌دانست که زمین‌دارانی بزرگ در مجلس شورای ملی هستند و با قانون اصلاحات ارضی مخالفت خواهند کرد، اصلاحات ارضی را به فرارندوم گذاشت. او در گفت‌وگو با دونالد ویلبر گفت که مجالس چه خوب چه بد سد راه اصلاحات هستند (Prime Minister Ali Amini, 1963, p126). اصلاحات ارضی بخش عمده انقلاب سفید شاه را تشکیل می‌داد و شامل چند مرحله بود. در اولین مرحله زمین‌داران بزرگ می‌بایست تمام زمین‌های خود را به‌استثنای یک روستا به دولت می‌فروختند تا میان دهقانانی که بر روی زمین کار می‌کردند تقسیم شود. براساس مرحله دوم، مالکان یک روستا می‌توانستند یا باقی‌مانده املاک خود را به دهقانان بفروشند یا املاک خود را در میان دهقانان تقسیم کنند (راهنمای مأموران اصلاحات ارضی، ۱۳۴۴، ص ۱۱).

قانون اصلاحات ارضی در ۱۹ دی ۱۳۴۱ تصویب شد. این قانون در ظاهر، صورت اصلاح‌شده قانون سال ۱۳۳۹ بود؛ ولی در عمل همانند قانونی کامل و جدید به حساب می‌آمد (Lambton, 1969, p63). قیمت زمین را براساس مالیات‌هایی که مالک تا ۱۹ دی‌ماه ۱۳۴۱ پرداخته بود، تعیین کردند. زارعان خریدار زمین باید قیمت زمین را پس از گذشت دوره معافیت یک‌ساله در ۱۵ سهم مساوی سالانه و در هنگام برداشت محصول می‌پرداختند (هوگلند، ۱۹۸۲، ص ۱۰۸).



هانتینگتون معتقد است که آنچه را که شاه به نام اصلاحات ارضی انجام داد «بهبود فنون کشاورزی، تجهیزات کشاورزی، کود، آیش، تناوب کشت، آبیاری و بازاریابی» (هانتینگتون، ۱۹۶۸، ص ۵۴۳) نبود، بلکه تقسیم اراضی بود؛ ولی او نام آن را اصلاحات ارضی گذاشت. اصلاحات ارضی بدون تقسیم اراضی ممکن است بازدهی اقتصادی را افزایش دهد؛ ولی پایداری نظام سیاسی را کم می کند؛ ولی تقسیم اراضی بدون در نظر گرفتن شرایط دیگر به معنی دگرگونی در نحوه تصرف زمین با روش های غیرانقلابی است (هانتینگتون، ۱۹۶۸، ص ۵۴۳). تقسیم اراضی، روستاییان را از نیروی بالقوه انقلاب درمی آورد و به نیروی اجتماعی محافظه کار تبدیل می کند (هانتینگتون، ۱۹۶۸، ص ۵۴۴). این موضوع خود را در انقلاب ۵۷ نشان داد؛ چون روستاییان در پیروزی انقلاب اسلامی نقش کمی داشتند و انقلاب ایران، انقلابی شهری بود. شاه با انجام اصلاحات ارضی به دنبال گسترش نفوذ خود تا روستاها بود و از این طریق می خواست تا روستاییان زمیندار شده را به جمع هواداران خود اضافه کند (هوگلند، ۱۹۸۲، صص ۱۰۰-۱۰۲). هانتینگتون اصلاحات ارضی امینی-ارسنجانی را شدیدترین صورت اصلاحات ارضی از بالا به شمار می آورد که هدف آن بسیج روستایی برای تداوم برنامه اصلاحات ارضی بود؛ مشارکت دائم روستاییان موفقیت این برنامه را تضمین می کرد (هانتینگتون، ۱۹۶۸، ص ۵۶۰).

گزارش سازمان اصلاحات ارضی هم مؤید این مطلب است. تا شهریور ۱۳۴۲ تعداد ۸۰،۰۴۲ روستا به زارعان واگذار شد (سازمان اصلاحات ارضی، ۱۳۴۲، صص ۶-۷)؛ ولی کل روستاهای خریداری شده در فاصله مهر ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۴ کمتر از ۸ ماه اول اجرای اصلاحات ارضی بود (سازمان اصلاحات ارضی، ۱۳۵۰، صص ۵-۱۰).

۴. کمیسیون امنیت اجتماعی

برای حفظ نظم و امنیت عمومی در هر حوزه فرمانداری، هیئتی دائمی به نام «کمیسیون امنیت اجتماعی» مرکب از فرماندار، دادستان، رئیس دارایی و شهربانی و فرمانده ژاندارمری و در صورت غیبت، با حضور معاونان آنان تشکیل می شد و فرمانداران مکلف بودند در مواقعی که استقرار نظم و امنیت و حفظ حقوق مالکان و رعایا و رفع اختلاف بین آنها ایجاب می کرد فوراً کمیسیون را با دعوت از اعضای آن تشکیل دهند.

کمیسیون در ابتدا فقط برای هماهنگی ادارات انتظامی بود و مصوبات آن صورت قانونی نداشت. در سال ۱۳۲۹ رزم آرا رئیس ستاد ارتش درخواست کرد تا کمیسیون هفتگی تشکیل شود؛ ولی وزیر کشور مخالفت کرد و تأکید کرد که کمیسیون فقط برای هماهنگی است و نه تبعید اشخاص (ساکما، ۱۳۹۴-۲۹۳).

با وجود آنکه براساس قانون، تمام لوایح مصوب دوره آقای دکتر مصدق ملغی شد، ولی مجلس سنا و مجلس شورا به علت کارایی لایحه قانونی حفظ امنیت اجتماعی در ۹ مرداد ۱۳۳۴ این قانون را قابل اجرا دانستند (ساکما، ۶۵۰۲۹-۲۹۳).

طبق این لایحه و متمم آن در سال ۱۳۳۶ کمیسیون با عضویت نماینده نخست وزیر، رئیس دادگاه شهرستان یا بخش، دادستان، رئیس شهربانی و فرمانده ژاندارمری تشکیل می شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۴۷۷).

چون کمیسیون برای موارد فوریت دار تشکیل می شد، افراد برای تسریع در پرونده شان، درخواست می کردند که کمیسیون تشکیل شود و این باعث می شد تا احکامی صادر شود و مشکل ایجاد کند؛ درحالی که افراد محلی می توانستند با کدخدانشی آن مسائل را حل و فصل کنند. اتابکی، وزیر کشور، در نامه مورخ ۱۳۳۸/۹/۱۵ از فرمانداری قم درخواست کرد تا در ابتدا دعوی اشخاص از طریق کدخدانشی حل شود و در صورتی که امکان این کار وجود نداشت، کمیسیون تشکیل شود (ساکما، ۳۰۸۳۷-۲۹۳).

برای تشکیل کمیسیون در جاهایی که دادگاه نداشت پرونده ها را جمع می کردند و بعد از دادستان دعوت می کردند تا در جلسه کمیسیون حضور یابد. در جایی که دادگاه شهرستان نداشت رئیس دادگاه بخش در جلسات حضور پیدا می کرد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۴۷۷). نمایندگان دادگستری باید در هنگام صدور حکم، در کمیسیون حضور می داشتند تا مصوبات کمیسیون قانونی باشد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۴۷۷).

مهم ترین اقدام علی امینی در زمان نخست وزیری، انجام اصلاحات ارضی بود؛ برنامه ای که نظم هزار ساله مالک و زارع در ایران را در هم می ریخت و منافع عده ای را به خطر می انداخت. اجرای برنامه ای به این گستردگی که نزدیک به ۷۵ درصد جمعیت کشور را تحت تأثیر قرار می داد، مخالفانی سفت و سخت داشت. برای شروع این برنامه باید عده ای از متنفذان محلی موقتاً از منطقه تحت نفوذ خود خارج می شدند تا مانعی بر سر راه این برنامه ایجاد نکنند. دولت علی امینی برای انجام این کار از ظرفیت کمیسیون امنیت اجتماعی که مصوب زمان دکتر مصدق بود استفاده کرد. مصوبات این کمیسیون همانند حکم بدوی محاکم قضایی بود و در مواقع فوریت دار استفاده می شد. طبق مصوبات کمیسیون، کسانی که در برابر اصلاحات ارضی مخالفت می کردند یا بهره مالکانه را نمی پرداختند و یا زارعان را به نپرداختن بهره مالکانه تحریک می کردند، به صورت موقت تبعید می شدند.

پشتوانه امینی در این نوع برخورد با مخالفان، استفاده از ظرفیت کمیسیون بود. رسیدگی به مخالفت عده ای از مالکان و زارعان با قانون اصلاحات ارضی جزء وظایف اولیه کمیسیون نبود؛ بنابراین با ایجاد ماده قانونی، دایره وظایف کمیسیون را گسترش دادند و کمیسیون



موظف شد تا به این نوع مخالفت‌ها هم رسیدگی کند. بند ب ماده ۲ قانون حفظ امنیت اجتماعی بدین صورت اصلاح شد: «رسیدگی به عمل شخص یا اشخاصی که کشاورزان را به امتناع عمل کشت یا جلوگیری از ورود مالک به ملک خود یا ممانعت از مداخلات و عملیات او در ملک مطابق حق مالکیت یا قسمی که مانع از انجام وظیفه مأمورین دولت باشد وادار نمایند» (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۴۷۷).

طبق ماده شش قانون حفظ امنیت اجتماعی، کمیسیون امنیت اجتماعی وظیفه داشت تا به گزارش‌های رسیده از طرف مأموران انتظامی درباره اشخاصی که پیوسته در شهرها و دهات مردم را به ضدیت با یکدیگر تحریک می‌کردند، رسیدگی کند. طبق ماده ۷، مرتکبان به شش ماه تا یک سال بازداشت یا به اقامت اجباری در محلی که کمیسیون تعیین می‌کرد، محکوم می‌شدند (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۰۸۴۷، ۱۳۴۱/۴/۲۳، ص ۱). امینی مخالفان اصلاحات ارضی را به تبعید از تهران تهدید کرد. روزنامه اراده آذربایجان هم با انتقاد از امینی در این باره نوشت: «منظور جناب دکتر امینی از ادای آن جمله معروف که مخالفین را به بندرعباس تبعید خواهند کرد چیست؟» (روزنامه اراده آذربایجان، شماره ۴۵۸، ۱۳۴۱/۴/۲۳، ص ۱). روزنامه دیپلمات هم اظهار امیدواری کرد که اظهارات امینی فقط در حد تهدید باقی بماند (روزنامه دیپلمات، شماره ۴۰۷، ۱۳۴۱/۵/۳، ص ۱).

طبق بند ب ماده ۳ قانون حفظ امنیت اجتماعی، وظایف کمیسیون امنیت اجتماعی در زمینه اصلاحات ارضی عبارت بود از: «سعی و کوشش در رفع اختلاف بین مالک و رعیت با رعایت اصل مالکیت و احترام به سعی و عمل زارع و تعیین سهم مالک و کشاورز مطابق عرف و عادت محل، طبق مقررات لایحه قانونی ازدیاد سهم کشاورزان و سازمان عمرانی کشاورزی و همچنین رسیدگی به امور دیگری که مربوط به عمل زراعت و رابطه بین مالک و زارع است». طبق ماده ۴ این قانون اشخاصی که کشاورزان را به ندادن حق مالکانه وادار می‌کردند یا از عمل کشت جلوگیری می‌کردند یا از ورود مالک به ملک خود جلوگیری می‌کردند یا از مداخلات و عملیات او در ملک مطابق سلطه قانونی ممانعت می‌کردند یا کشاورزان را به رفتار برضد مأموران دولت وادار می‌کردند، به وسیله مأموران انتظامی دستگیر و با گزارش و مدارک اتهام تسلیم کمیسیون می‌شدند. این اشخاص به شش ماه تا یک سال بازداشت یا تبعید و اقامت اجباری در محلی که کمیسیون تعیین می‌کرد محکوم می‌شدند.

طبق ماده ۱۲، رأی کمیسیون باید فوراً به محکوم ابلاغ می‌شد و او حق داشت تا ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رأی کمیسیون، به دادگاه استانی که جرم در حوزه آن واقع شده بود، شکایت کند و دادگاه استان فوراً و خارج از نوبت به شکایت مذکور رسیدگی

کند. محکومان پس از گذشتن یک چهارم از مدت محکومیت خود می‌توانستند عفو خود را تقاضا کنند؛ در این صورت پرونده به کمیسیون عفو ارجاع می‌شد (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۰۵۵۶، ۱۳۴۰/۴/۲۶، ص ۱).

اصلاحات ارضی مانند هر اصلاح دیگری به تمرکز و گسترش قدرت در نظام سیاسی نیاز داشت (هانتینگتون، ۱۹۶۸، ص ۵۵۶). امینی قبل از انجام اصلاحات ارضی نیز از ظرفیت کمیسیون امنیت اجتماعی برای تهدید مخالفان خود استفاده و جبهه ملی را تهدید کرده بود که با کمک کمیسیون جلوی تظاهرات آن‌ها را خواهد گرفت (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۰۵۵۷، ۱۳۴۰/۴/۲۷، ص ۱).

دولت و وزارت کشاورزی قصد داشتند تا به هیچ قیمتی درباره ادامه کار اصلاحات ارضی کوتاهی نشان ندهند و این برنامه را به شدت و سرعت تمام اجرا کنند. «گفته می‌شود افرادی که در این باره اخلاص کنند، توقیف و تبعید خواهند شد و هم‌اکنون در چند نقطه، چند تن از این افراد تبعید شده‌اند و پرونده سایر اخلاص‌گران، نیز در کمیسیون امنیت اجتماعی مطرح شده و چنانچه افراد مورد اتهام واقعاً در کار اصلاحات ارضی اخلاص کرده باشند، تبعید خواهند شد» (روزنامه مرد مبارز، شماره ۵۴۵، ۱۳۴۱/۲/۲۹، ص ۴). در اسفند ۱۳۴۹ سه نفر از اهالی درگزین به درخواست اداره کل اصلاحات ارضی همدان به مشکین شهر تبعید شدند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۷).

زارعان به علت نپرداختن بهره مالکانه هم تبعید می‌شدند. یکی از علل نپرداختن بهره مالکانه این بود که زارعان منتظر بودند تا برنامه اصلاحات ارضی به روستای آن‌ها هم برسد؛ بنابراین بهره مالکانه را نمی‌پرداختند (هوگلند، ۱۹۸۲، ص ۱۱۳)؛ بدین لحاظ مشمول کیفر تبعید می‌شدند. یکی از عللی که باعث شد تا شاه به برکناری ارسنجانی راضی شود، این بود که تغییرات در روستاها می‌توانست به راحتی از میزانی که برای بقای حکومت شاه لازم بود بیشتر شود (James, 1972, p144). به احتمال زیاد تعداد زیاد تبعیدی‌ها از نقطه‌ای به نقطه دیگر باعث ایجاد تغییر در بافت روستاها و برهم خوردن توازن تاریخی میان مالکان و زارعان می‌شد.

ارسنجانی در مصاحبه‌ای کوتاه در ۱۳۴۱/۱۱/۱۶ گفت: «به کلیه استانداران و فرمانداران دستور داده شده است، فوراً کسانی را که به نحوی از انحاء با قطع درخت و طرق دیگر در اجرای قانون اصلاحات ارضی و در نظم دهات اخلاص می‌کنند، از دهات تبعید نمایند» (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۱۰۱۷، ۱۳۴۱/۱۱/۱۶، ص ۱۳). این تلگراف را سازمان کل اصلاحات ارضی به ادارات اصلاحات ارضی استان‌ها فرستاد (روزنامه کیهان، شماره ۵۸۶۹، ۱۳۴۱/۱۱/۱۶، ص ۱۲)؛ ولی این سازمان فقط صادرکننده این تلگراف بود و



برای تبعید قدرتی نداشت. کمیسیون امنیت اجتماعی، مخالفان اصلاحات ارضی را تبعید می‌کرد و ارسنجانی هم که در مصاحبه خود گفته بود به تمام استانداران و فرمانداران دستور داده شده‌است، مقصودش از طرف کمیسیون بود. این کمیسیون پس از رسیدگی به تخلف افرادی که به اخلال در امور زراعی می‌پرداختند، متهم را به دو تا شش ماه اقامت اجباری در محل‌های مذکور در تصویب‌نامه شماره ۶۵۵ مورخ ۲۳ مهر ماه ۱۳۴۵ محکوم می‌کرد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۴۷۷).

طبق تبصره ۱ الحاقی به ماده ۳ قانون مصوب ۲۱ دی ۱۳۴۹ بقیه مدت محکومیت افرادی که از تبعیدگاه فرار می‌کردند، به بازداشت موقت تبدیل شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۵۵۸). این قانون در سال ۱۳۵۲ مجدداً اصلاح شد و شدت برخورد با متخلفان بیشتر شد. بند الف ماده ۳ بدین صورت اصلاح شد: «در موارد مذکور در ماده ۲، کمیسیون امنیت اجتماعی فوراً رسیدگی [می‌کند] و متخلف را پس از ثبوت تقصیر، طبق ماده ۱۶ قانون کیفر عمومی به اقامت اجباری در محلی که مقتضی بداند محکوم می‌نماید» (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۳).

۵. تبعید مخالفان اصلاحات ارضی

گروه‌های سیاسی و مطبوعات به تبعید مخالفان اصلاحات ارضی اعتراض کردند. روزنامه اتحاد ملی، به اعضای کمیسیون انتقاد کرد که اگر دامنه وظایف کمیسیون اضافه شود، ممکن است روزی دامن خودشان را هم بگیرد؛ همچنان‌که دامن واضع این قانون یعنی دکتر مصدق را گرفت (روزنامه اتحاد ملی، شماره ۱۷۱۸، ۲۶/۴/۱۳۴۱، ص ۴). گفتنی است که دکتر مصدق که خودش واضع این قانون بود، طبق مفاد همین قانون تبعید شد. یکی از علل استفاده گسترده از کیفر تبعید برای مخالفان اصلاحات ارضی، عجله مجریان بود؛ زیرا راهبرد ارسنجانی برای دستیابی به هدف سرعت بود (Warriner, 1969, p117). او معتقد بود که سرعت باعث پیشگیری از امکان مخالفت می‌شود؛ در حالی که سرعت، باعث گسترش مخالفت‌ها و لزوم استفاده از کیفر تبعید شد. روش ضربتی ارسنجانی، آمریکا، شاه و امینی را مضطرب کرد. مأموری آمریکایی گزارش داد: «من به‌طور دائم از او می‌پرسم دلیل فوریت برنامه اصلاحات ارضی چیست؟ و ارسنجانی در پاسخ گفت: ماهیت بیماری چنان است که درمانی فوری می‌طلبد» (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۷). امینی سال‌ها بعد در خاطراتش این سرعت را باعث نابودی اصلاحات ارضی دانست. «ما قرار نبود با این عجله برویم؛ [ولی شاه] گفت: «نه، باید کلک این‌ها را بکنیم»؛ ولی کلک اصلاحات ارضی را کندیم» (خاطرات دکتر علی امینی، ۱۹۸۶، ص ۴۱).

در زنجان، محمد صالح آیتی غفاری، نماینده فطن السلطنه مجد، به علت اخلاف در کار اصلاحات ارضی در روستاهای حومه خرم دره، طبق رأی مورخ ۱۳۴۱/۷/۲۰ کمیسیون به چهار ماه اقامت اجباری در سمنان محکوم شد و رأی صادره اجرا شد (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۰۹۲۲، ۱۳۴۱/۷/۲۲، ص ۱).

محمود مهدوی، مالک قریه آزادمون، به اتهام ایجاد اخلاف در راه اجرای قانون اصلاحات ارضی و تیراندازی به کشاورزان دستگیر شد و کمیسیون در ۱۳۴۱/۹/۴ او را به مناطق بدآب و هوا تبعید کرد (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۰۹۵۸، ۱۳۴۱/۹/۴، ص ۱). بعد از تبعید مهدوی، ژاندارمری حفظ نظم این روستا را به عهده گرفت و مأموران اصلاحات ارضی نیز کار خود را در آن محل به پایان رساندند (روزنامه کیهان، شماره ۵۸۱۰، ۱۳۴۱/۹/۴، ص ۱). در ۶ بهمن ۱۳۴۱، هشت نفر از کشاورزان منطقه جوانمرد مهاباد وارد قریه گنبد از توابع بوکان شدند و در کار رفراندوم انقلاب سفید اخلاف ایجاد کردند و دو نفر از مالکان، بخشدار و رئیس فرهنگ بوکان را مضروب کردند. این هشت نفر به مدت سه ماه به نائین تبعید شدند (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۱۰۱۹، ۱۳۴۱/۱۱/۱۸، ص ۱).

بیشتر تبعیدیان کمیسیون زارعانی بودند که بر سر پرداخت بهره مالکانه و سایر موارد مربوط به عمل زراعی با مالک اختلاف داشتند. موارد مهم اختلاف عبارت بودند از: (۱) درباره زمین زراعتی؛ (۲) درباره آب؛ (۳) درباره باغات و قلمستان ها و خانه های روستایی؛

۶. درباره بهره مالکانه

بررسی اسناد و مدارک نشان می دهد که بیشتر اختلافات بر سر بهره مالکانه و شامل این موارد بوده است: الف) اختلاف بر سر میزان بهره مالکانه؛ ب) زارعان ادعای ملکیت مالک را قبول نداشتند؛ ج) زارعان سند عادی اجاره زمین را قبول نداشتند؛ د) ادعای مالک مبنی بر دریافت نکردن بهره مالکانه سال های قبل؛ ه) ادعای مالک مبنی بر تأمین بذر و آب برای زارعان و کشت نکردن از سوی آنان؛ و) ادعای زارعان در خصوص انجام عمل کشت و لی سبز نشدن گیاه به علت بی آبی یا آفت (نیازمند شیرازی، ۱۳۴۴، صص ۸۹-۹۰).

زارعان حاضر نبودند بهره مالکانه را پرداخت کنند؛ زیرا آن قدر از زمین عایدی نداشتند که بخواهند بهره مالکانه آن را بپردازند. مالک فقط سر خرمن می رسید و بقیه مشکلات کشت و زرع با کشاورز بود. مشخصات زارعان مشخص نبود و محلی ها هم حاضر نبودند تا اسامی آن ها را به مأموران بدهند؛ بنابراین از ظرفیت کمیسیون برای تبعید زارعان استفاده می شد (ساکما، ۱۳۹۴/۲۹۳/۹۱).



در فصل هفتم قانون اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوب دی ماه ۱۳۴۰ به وظایف مالک و زارع پرداخته شده است. طبق این فصل وظایف مالک عبارت بودند از:

(۱) پرداخت مخارج مرمت و نگهداری قنوات؛ (۲) پرداخت مخارج موتورپمپ؛ (۳) تهیه بذر؛ (۴) کوشش در بهبود بذر؛ (۵) انجام سایر تکالیف طبق عرف هر محل. طبق این فصل وظایف زارع عبارت بودند از: (۱) انجام عملیات زراعی؛ (۲) تهیه بذر در مناطقی که این کار برعهده زارع بود. همچنین ۵ وظیفه (۱) نگهداری قنوات و چاه؛ (۲) پرداخت هزینه کود شیمیایی و دفع آفات؛ (۳) پرداخت حقوق کدخدای، دشتبان و میراب؛ (۴) مراقبت از اشجار و مؤسسات و ابنیه عمومی؛ و (۵) دادن اطلاعات به مأموران کشاورزی به صورت مشترک برعهده مالک و زارع گذاشته شد (فرمان همایونی...، ۱۳۵۱، صص ۵۲-۵۳). ماده ۳۳ لایحه قانون اصلاحات ارضی هم حل اختلاف مالک و زارع در امور مربوط به کشاورزی را به مأموران اصلاحات ارضی محول کرد و مأموران ژاندارمری را مکلف کرد تا دستورات رئیس اصلاحات ارضی هر منطقه را اجرا کنند (فرمان همایونی...، ۱۳۵۱، صص ۷۱).

مالکان و زارعان بر سر مقدار بهره مالکانه اختلاف داشتند. این اختلاف با کدخدامنشی و یا در دادگاه صالحه حل می شد؛ ولی باوجود کمیسیون و نفوذ مالکان و استفاده از کیفر تبعید، میزان بهره مالکانه طبق نظر مالک زمین به زارعان تحمیل می شد. ورود کمیسیون و استفاده از زور در مباحث تخصصی اختلاف مالک و زارع به حل مسئله کمک نمی کرد و کار را پیچیده تر می کرد. با بروز اختلاف درباره مبلغ اجاره بهای قریه شمس آباد الیگودرز که موضوعی کاملاً صنفی و تخصصی بود کمیسیون وارد موضوع شد (ساکما، ۱۳۳۵/۹۱/۲۹۳/۱۸۹۴). میزان بهره مالکانه در نقاط گوناگون کشور متفاوت بود. در سال ۱۳۳۵ بهره مالکانه هر درخت مرکبات را ۲۰ ریال تعیین کردند (ساکما، ۱۳۳۵/۹۱/۲۹۳/۱۸۹۴). در سال ۱۳۳۸ بین خلعتبری ها از ملاکان تنکابن و زارعان بر سر بهره مالکانه اختلاف به وجود آمد. حکم تبعید ۱۰ نفر از زارعان صادر شد و باینکه فرمانداری نداشتن بودجه را بهانه تبعیدنکردن آنان قرار داد، ولی با فشار مالک، حکم تبعید ۶ نفر از آنان در پژوهش خواهی در دادگاه استان تأیید شد و آنان به مدت ۶ ماه به یزد، رضائیه، کرمانشاه، اصفهان، اراک و کاشان تبعید شدند (ساکما، ۱۳۳۵/۹۱/۲۹۳/۱۸۹۴). تحریک زارعان به ندادن بهره مالکانه جزء مصادیقی بود که کمیسیون امنیت اجتماعی کیفر تبعید را برای مرتکبان آن در نظر می گرفت. صدور حکم تبعید برای ندادن بهره مالکانه از سال ۱۳۴۱ شروع شد و اوج آن را می توان در سال ۱۳۴۲ مشاهده کرد. در بیشتر موارد مدت تبعید دو ماه بود و تبعیدگاه را استان های مجاور تعیین می کردند (ساکما، ۱۳۴۲/۹۱/۲۹۳/۱۸۹۴؛ ۱۳۴۲/۹۱/۲۹۳/۱۸۹۴؛ ۱۳۴۲/۹۱/۲۹۳/۱۸۹۴؛ ۱۳۴۲/۹۱/۲۹۳/۱۸۹۴).

۲۹۳-۹۹؛ ۱۲۹۷۶-۲۹۳؛ ۳۸۵۲۹-۲۹۳). مدت تبعید و انتخاب تبعیدگاه نشان می‌دهد که هدف از تبعید، سربراه کردن زارعان و وادار کردن آنان به پذیرش اصلاحات ارضی و پرداخت بهره مالکانه بوده است. البته این گونه نبود که قانون در تمام کشور اجرا شود. در سال ۱۳۴۲ زارعان کرمانشاه بهره مالکانه را نمی‌پرداختند و حکومت هم به علت کمبود نیروی ژاندارمری نمی‌توانست بهره را وصول کند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۹۲۴)؛ در عوض، دادگاه استان احکامی را که در سال ۱۳۴۲ به بعد مبنی بر تبعید زارعان به دلیل نپرداختن بهره مالکانه یا اخلاف در امر زراعی صادر شده بود تأیید کرد (ساکما، ۲۹۳-۲۹۸-۹۹؛ ۹۱/۲۹۳/۱۸۹۴). دادگاه در مواردی مدت تبعید بیش از دو ماه را به دو ماه کاهش داده؛ ولی اصل احکام را تأیید کرده است (ساکما، ۱۲۹۷۳-۲۹۳؛ ۵۵۴۶۲-۲۹۳).

گاهی کمیسیون برای ایجاد آرامش برای اجرای اصلاحات ارضی، به درگیری‌های محلی وارد می‌شد که خارج از وظایفش بود. بعد از اجرای اصلاحات ارضی مناسبات مالک و زارع به هم ریخت؛ به این صورت که هر دو در قبال تکالیف خود کوتاهی می‌کردند و فقط حقوق خود را مطالبه می‌کردند. زارعان در مواردی حقوقی بیش از قانون مطالبه می‌کردند و از ورود مالکان یا خرده مالکان به زمین خود جلوگیری می‌کردند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۸۱۳) که حکم هر دو کار طبق رأی کمیسیون، تبعید بود (ساکما، ۲۴۷۰۹-۲۹۳). در قانون اصلاحات ارضی آمده بود که در صورتی که زمین‌ها به صورت مکانیزه کشت شوند، از شمول اصلاحات ارضی خارج‌اند؛ بنابراین برخی از مالکان با خرید تراکتور و یا نصب یک موتور پمپ در زمین خود، آن را مکانیزه جلوه می‌دادند تا از شمول قانون خارج شوند (ساکما، ۱۰۰۵۱-۲۹۳-۹۸). هم‌چنین در قانون مزبور ماده‌ای وجود داشت که براساس آن مالکان هر مقدار زمینی را که با تراکتور شخم می‌زدند، زراعت مکانیزه تلقی می‌شد و متعلق به خودشان بود (سالور، ۱۳۹۴، ص ۲۷). این قانون بعداً اصلاح شد و مالک علاوه بر شخم زدن، در سایر مراحل کاشت و برداشت هم باید فعال می‌بود تا زمین به او تعلق بگیرد. در نهایت و پس از تصویب مرحله دوم قانون، مالک فقط می‌توانست ۲۰۰ هکتار زمین مکانیزه داشته باشد (سالور، ۱۳۹۴، ص ۲۷).

اگر زمین به صورت مکانیزه کشت نمی‌شد، باید بین زارعان تقسیم می‌شد؛ بنابراین برخی از زارعان از انجام کشت مکانیزه جلوگیری می‌کردند و حتی مالک را به زمین خودش راه نمی‌دادند؛ کمیسیون در این موارد، زارعان را تبعید می‌کرد. تبعید ۹ نفر از زارعان از شیراز به رفسنجان به مدت دو ماه در ۱۳۴۲/۳/۲۵ (ساکما، ۳۸۵۲۹-۲۹۳)؛ ۹ نفر از مرودشت به رفسنجان به مدت دو ماه در ۱۳۴۲/۳/۲۵ (ساکما، ۱۷۵۵-۲۹۳-۹۹)؛ و ۶ نفر از کرمانشاه به نهاوند در تاریخ ۱۳۴۲/۷/۲۹ به مدت ۶ ماه (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۹۲۶) نمونه‌هایی از این نوع تبعید است.



با شروع مقدمات اجرای مرحله دوم قانون اصلاحات ارضی شامل آمارگیری از روستاها، زارعان در کار این مأموران اخلاص ایجاد می کردند تا آمار و اطلاعات درستی به دست مأموران نرسد؛ کمیسیون این افراد را تبعید می کرد. تبعید فردی از شهرضا به رفسنجان (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۵۰۰۴) و نیز درخواست برخورد با ۵ نفر در الیگودرز به همین علت بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۸۹۴). حتی برای انجام سریع تر قانون، از ادارات کشاورزی خواستند تا کشاورزانی را که حاضر نیستند همکاری کنند و یا بهره مالکانه را نمی دهند، معرفی کنند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۴۷۷؛ ۹۱/۲۹۳/۱۸۹۴) تا برای تبعید آنان اقدام شود. گاهی تبعید موقع برداشت محصول انجام می شد و باعث می شد تا نتیجه زحمات یک ساله کشاورز به هدر برود. رئیس اصلاحات ارضی لرستان بارها درخواست کرد تا کشاورزان در موقع برداشت محصول تبعید نشوند و معتقد بود که «با نصیحت می توان کشاورزان را از جهالت درآورد» (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۸۱۳). ادارات اصلاحات ارضی از کشاورزان تعهد می گرفتند تا علیه اصلاحات ارضی کاری انجام ندهند و به برداشت محصول پردازند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۸۱۳). هم چنین به علت رسیدن فصل برداشت، درخواست شد تا تعدادی از تبعیدیان الیگودرز عفو شوند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۸۱۳).

طبق ماده ۵ قانون حفظ امنیت اجتماعی، تبعیدی می توانست بعد از گذشت یک چهارم از مدت زمان محکومیتش درخواست آزادی کند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۸۳۲). شاه به صورت تکی و یا کلی، این گونه تبعیدیان را عفو می کرد؛ بدین نحو که کشاورزان و یا خانواده آنها به شاه نامه می نوشتند و درخواست عفو می کردند (ساکما، ۹۸/۲۹۳/۸۴۶۱). در ۲۳ شهریور ۱۳۴۴ وزیر کشاورزی در گزارش حضوری خود به شاه درباره اصلاحات ارضی، برای زارعان، روستاییان و خرده مالکانی که با حکم کمیسیون تبعید شده بودند درخواست عفو کرد و شاه هم با این درخواست موافقت کرد (ساکما، ۹۱-۲۹۳-۴۱۳). در مهر ۱۳۴۴ فرمان عفو کلی این تبعیدیان صادر شد و از شهرستان ها خواسته شد تا این افراد آزاد شوند (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۵۲۸۶؛ ۹۱/۲۹۳/۱۸۰۲). موقع برگزاری جشن های تاج گذاری نیز مقامات محلی از شاه برای بخشودگی بقیه مدت تبعید تبعیدیان درخواست می کردند (ساکما، ۷۸۰۴-۲۹۳-۹۹؛ ۳۲۲۰-۲۹۳-۹۹). هم چنین همیاری این افراد در اجرای قانون و جمع آوری بهره مالکانه هم باعث می شد تا آنان عفو شوند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۸۳۲). هدف از این نوع تبعید، فقط تنبیه متمردان و اخلاص گران در اجرای قانون اصلاحات ارضی بود و با نوشتن ندامت نامه و درخواست عفو، این هدف حاصل می شد و این افراد آزاد می شدند. وجود ماده قانونی برای عفو پس از گذشت یک چهارم از زمان محکومیت باعث می شد تا از کارایی تبعید کاسته شود؛ در این زمینه مواردی از تحریک مجدد رعایا و زارعان علیه

اصلاحات ارضی، در اسناد دیده می‌شود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۰۸؛ ۹۱/۲۹۳/۲۵۷۴).

۷. تحلیل مؤلفه‌های تبعید

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، بیشتر تبعیدیان از استان فارس بوده‌اند؛ استان کرمان هم تبعیدگاه عمده تبعیدیان اصلاحات ارضی بوده است. فارس استانی پرچالش در زمینه اصلاحات ارضی بود که حتی قتل ملک عابدی رئیس اصلاحات ارضی فیروزآباد هم در آن اتفاق افتاد. قتل او را می‌توان یک مقاومت بالقوه مالکانه در مقابل برنامه اصلاحات ارضی دانست؛ بنابراین صرف نظر از اتفاقی بودن یا عمدی بودن این قتل -که به گواهی اسناد برای حکومت وقت نیز این ابهام وجود داشته است- حکومت پهلوی با استفاده گسترده تبلیغی از این واقعه به عنوان «اقدامی ارتجاعی»، ضمن برخورد شدید با محرکان اصلی سعی کرد تا فرصت هرگونه بهره‌برداری از این واقعه را از مخالفان اصلاحات ارضی بگیرد (قلی‌زاده، سعیدی‌نیا، شهوند، ۱۳۹۷، ص ۷۹). بیشترین تبعید در سال ۱۳۴۲ انجام شد. مدت تبعید بیشتر تبعیدیان هم دو ماه بود. کمیسیون‌های امنیت اجتماعی در استان‌های شمال غرب کشور، هم تبعیدگاه‌های دورتری را انتخاب می‌کردند و هم مدت زمانی بیش از دو ماه را. همان‌طور که پیشتر هم گفته شد بیشترین میزان تبعید در سال ۱۳۴۲ انجام شده است؛ زمانی که ارسنجانی با سرعت در حال اجرای اصلاحات ارضی بود. بعد از برکناری او در اسفند ۱۳۴۲ و جانشینی سپهد اسماعیل ریاحی از سرعت اصلاحات ارضی کاسته شد و طبعاً از میزان مخالفت‌ها هم کاسته شد و تبعیدی‌ها هم کمتر شدند.

شاید کاهش تعداد تبعیدیان در سال‌های پس از ۱۳۴۲ را بتوان به دلیل تغییر وضعیت رسیدگی به تخلفات زارعان و مالکان در کمیسیون امنیت اجتماعی و ارجاع آن‌ها به خانه‌های انصاف برای رسیدگی به اختلافاتشان هم دانست. اولین خانه انصاف در آذرماه ۱۳۴۲ در قریه مهیار اصفهان تشکیل شد و از آن تاریخ به بعد این خانه‌ها در بقیه جاهای کشور هم تشکیل شدند (پهلوی، بی‌تا، ص ۱۷۰). اختلافات، در این خانه‌ها به صورت کدخدامنشی حل می‌شد؛ بنابراین تعداد پرونده‌های دادگستری کاهش می‌یافت. آمار گزارش‌های واصله از ۲۶۱ خانه انصاف در سال ۱۳۴۴ حاکی است که قریب ۱۸۰۰۰ دعوای مختلف در این خانه‌ها طرح و تصفیه شده‌اند و تعداد پرونده‌های تصفیه شده در پنج ماهه اول سال ۱۳۴۵ نزدیک به ۱۲۰۰۰ عدد بوده است (پهلوی، بی‌تا، صص ۱۷۰-۱۷۱). تا شهریور ۱۳۵۲ تعداد ۶۴۷۴ خانه انصاف در کشور تشکیل شد که هر کدام بین دو تا چهار روستا را پوشش می‌دادند (کیهان/اینترنشنال تهران، ۳ فوریه ۱۹۷۳، ص ۱۲).



تاریخ تبعید	زادگاه	تبعیدگه	مدت تبعید (ماه)
۱۳۴۱	زنجان	بیرجند	۶
۱۳۴۲	اردکان	رفسنجان	۲
۱۳۴۲	اردکان فارس	رفسنجان	۲
۱۳۴۲	اردکان فارس	رفسنجان	-
۱۳۴۲	بیضا	رفسنجان	۲
۱۳۴۲	رامهرمز	شهرضا	۴
۱۳۴۲	سنندج	یزد	۵
۱۳۴۲	شیراز	رفسنجان	۲
۱۳۴۲	شیراز	رفسنجان	۲
۱۳۴۲	شیراز	رفسنجان	۲
۱۳۴۲	شیراز	رفسنجان	۲
۱۳۴۲	شیراز	رفسنجان	۲
۱۳۴۲	شیراز	رفسنجان	۲
۱۳۴۲	شیراز	رفسنجان	۲
۱۳۴۲	شیراز	رفسنجان	-
۱۳۴۲	شیراز	نیریز	۲
۱۳۴۲	شیراز	نیریز	۲
۱۳۴۲	شیراز	نیریز	۲
۱۳۴۲	شیراز	نیریز	۲
۱۳۴۲	کازرون	نیریز	۲
۱۳۴۲	کرمانشاه	نهاوند	۶
۱۳۴۲	مرودشت	رفسنجان	۲
۱۳۴۲	مرودشت	نیریز	۲
۱۳۴۳	قم	دامغان	۳
۱۳۴۴	بیضا	نیریز	۲
۱۳۴۴	شیراز	نیریز	-
۱۳۴۴	همدان	گلپلیگن	۵
۱۳۴۴	همدان	گلپلیگن	۴
۱۳۴۴	الیگودرز	فردوس	-
۱۳۴۵	فارسان	بافت	۶
۱۳۴۷	کرج	تویسرکان	-
۱۳۴۷	کرج	خلخل	-
۱۳۴۷	کرج	مشکین شهر	-

جدول ۱

مؤلفه‌های تبعید مخالفان اصلاحات ارضی



تاریخ تبعید	زادگاه	تبعیدگاه	مدت تبعید (ماه)
۱۳۴۸	تبریز	شهریلک	۶
۱۳۴۸	رفسنجان	برازجان	۶
۱۳۴۹	تویسرکان	ایلام	۱۲
۱۳۴۹	فسا	تویسرکان	۶
۱۳۴۹	فسا	تویسرکان	۶
۱۳۴۹	فسا	خلخل	۶
۱۳۴۹	فسا	مشکین شهر	۶
۱۳۵۰	اردکان فارس	بافت	۶
۱۳۵۰	شهریلک	آذربایجان	-
۱۳۵۱	خور	فومن	۹
۱۳۵۱	مشکین شهر	بافت	۶
۱۳۵۲	ملایر	شهریلک	-

ادامه جدول ۱

مؤلفه‌های تبعید مخالفان اصلاحات ارضی

(مأخذ: ساکما: ۱۲۹۷۵-۲۹۳-۱۲۹۷۶؛ ۲۹۳-۲۳۳۳۲؛ ۲۹۳-۳۵۵۲۹؛ ۲۹۳-۳۸۵۲۹؛ ۲۹۳-۶۰۰۴؛ ۲۹۳-۳۵۰/۲۸۵۸؛ ۹۱/۲۹۳/۳۷۲؛ ۹۱/۲۹۳/۴۷۷؛ ۹۱/۲۹۳/۵۶۴؛ ۹۱/۲۹۳/۱۹۲۴؛ ۹۱/۲۹۳/۲۵۰۸؛ ۹۱/۲۹۳/۵۲۸۶؛ ۹۷/۲۹۳/۵۴۶۵؛ ۹۷/۲۹۳/۱۶۶-۳۶۴؛ ۹۷-۱۷۵۴-۲۹۳-۹۸-۷۳۴۷-۲۹۳-۹۸-۹۲۷-۲۹۳-۹۹؛ ۹۹-۱۳۱۱-۲۹۳-۹۹؛ ۹۹-۱۳۱۳-۲۹۳-۹۹؛ ۹۹-۳۲۲۰-۲۹۳-۹۹؛ ۳۸۱۰-۲۹۳-۹۹؛ ۶۲۴۷-۲۹۳-۹۹؛ ۶۵۳۳-۲۹۳-۹۹؛ ۹۷۹۲-۲۹۳-۹۹؛ ۲۹۲۳-۲۹۸-۹۹).

با اصلاحات ارضی مناسبات جافتاده مالک و زارع به هم ریخت و ارتباط عاطفی مالک با زارعان که گاهی با آن‌ها در حکم پدر رفتار می‌کرد، از میان رفت. در ۱۳۴۱/۱۲/۱۸ تنها مرجع تشخیص روابط خرده مالکان و دهقانان سازمان اصلاحات ارضی معرفی شد (ساکما، ۱۰۰۱۲-۲۹۳-۹۹). در این قانون از مناسبات انسانی حرفی نبود و فقط بحث مالکیت مطرح بود و وظیفه حمایت‌های زراعی از زارعان که قبلاً مالکان آن را انجام می‌دادند، برعهده شرکت‌های تعاونی گذاشته شد.

زارعان صاحب زمین قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی روی زمین کار می‌کردند و بعد از آن هم همان کار را انجام می‌دادند و تفاوتی ایجاد نشده بود؛ جز اینکه اسماً این زمین‌ها طبق اسناد به آن‌ها تعلق داشت. پس از مرگ زارع، ورثه نمی‌توانستند زمین را بین خود تقسیم کنند و باید با هم شریک می‌شدند و زمین را کشت می‌کردند؛ و گرنه زمین به کشاورز دیگری واگذار می‌شد (بازیار، ۱۳۵۰، ص ۲۴). این نشان می‌دهد که مالکیت زارعان بر روی زمین کامل نبود و طبق سیاست دولت تغییر می‌کرد.



۸. نتیجه گیری

کمیسیون امنیت اجتماعی از کیفر تبعید برای تنبیه مخالفان حکومت استفاده می کرد. در زمان اجرای اصلاحات ارضی، دایره وظایف کمیسیون به زارعان و مالکان مخالف این قانون هم گسترش یافت. یکی از علت های استفاده گسترده از تبعید برای مخالفان اصلاحات ارضی، عجله مجریان بود. راهبرد ارستجانی برای اجرای اصلاحات ارضی سرعت بود. او معتقد بود که سرعت باعث پیشگیری از امکان مخالفت می شود. در حالی که سرعت باعث گسترش مخالفت ها و لزوم استفاده از کیفر تبعید شد. علت عمده تبعید های اصلاحات ارضی ناشی از نپرداختن بهره مالکانه، و ایجاد اخلال در امر زراعت بود. تعداد تبعید های انجام شده و کنش سیاسی تبعیدیان بعد از پایان مدت تبعید نشان می دهد که جز در موارد استثنایی، مالکان و زارعان شرایط جدید را پذیرفته اند که بخشی از آن به علت جذابیت های اجرای قانون اصلاحات ارضی بوده است و پاره ای دیگر به عملکرد کمیسیون بر می گردد؛ زیرا تبعید افراد در حین اجرای قانون می توانسته است آن ها را از مزایای اجرای قانون محروم کند. این تبعید ها از سال ۱۳۴۱ شروع شد و در سال ۱۳۴۲ به اوج رسید. در اکثر موارد مدت تبعید دو ماه بود و تبعیدگاه را استان های مجاور تعیین می کردند. مدت تبعید و انتخاب تبعیدگاه نشان می دهد که هدف از تبعید، سربراه کردن زارعان و وادار کردن آن ها به پذیرش اصلاحات ارضی و پرداخت بهره مالکانه بوده است. کاهش میزان تبعید ها بعد از سال ۱۳۴۲ نشان می دهد که چون از میزان مخالفت ها کاسته شده است، به تبع آن میزان تبعید ها هم کم شده است.

هدف از این نوع تبعید فقط تنبیه متمردان و اخلال گران در اجرای قانون اصلاحات ارضی بوده است. ابراز ندامت این افراد، بخشش در هنگام جشن تاج گذاری و در ادامه وجود ماده قانونی برای عفو پس از گذشت یک چهارم از زمان محکومیت نشان می دهد که حکومت فقط به دنبال دور کردن موقتی مخالفان اصلاحات ارضی از محل برای اجرای آسان تر این قانون بوده است و این تبعید ها جنبه پیشگیرانه داشته است و با اجرای قانون لازم نبوده است این افراد در تبعید بمانند. در مجموع عملکرد کمیسیون امنیت اجتماعی در تبعید مخالفان اصلاحات ارضی مثبت ارزیابی می شود. اگر این کمیسیون و این کیفر نبود، با توجه به سرعت مجریان، واکنش ها خشن تر می شد و اجرای قانون را با مشکل مواجه می کرد. این حد از خشونت برای اجرای قانون اصلاحات ارضی لازم بوده است؛ موضوعی که هانتینگتون هم به آن اذعان دارد.

منبع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ۲۹۳-۶۹۰۴؛ ۲۹۳-۱۲۹۷۳؛ ۲۹۳-۱۲۹۷۵؛ ۲۹۳-۱۲۹۷۶؛ ۲۹۳-۲۳۳۳۲؛ ۲۹۳-۲۴۷۰۹؛ ۲۹۳-۳۰۸۳۷؛ ۲۹۳-۳۵۵۲۹؛ ۲۹۳-۳۸۵۲۹؛ ۲۹۳-۵۵۴۶۲؛ ۲۹۳-۶۰۰۴؛ ۲۹۳-۶۵۰۲۹؛ ۲۹۳-۳۵۰/۲۸۵۸؛ ۲۹۳/۱۳؛ ۲۹۳/۱۰۷؛ ۲۹۳/۳۷۲؛ ۲۹۳-۴۱۳؛ ۲۹۳/۴۷۷؛ ۲۹۳/۵۶۴؛ ۲۹۳/۱۵۵۸؛ ۲۹۳/۱۸۰۲؛ ۲۹۳/۱۸۱۳؛ ۲۹۳/۱۸۳۲؛ ۲۹۳/۱۸۹۴؛ ۲۹۳/۱۹۲۴؛ ۲۹۳/۱۹۲۶؛ ۲۹۳/۲۵۰۸؛ ۲۹۳/۲۵۷۴؛ ۲۹۳/۵۰۰۴؛ ۲۹۳/۷۳۴۷؛ ۲۹۳-۱۶۶-۳۶۴؛ ۲۹۳/۱۲۰۶؛ ۲۹۳/۵۲۸۶؛ ۲۹۳/۵۴۶۵؛ ۲۹۳-۱۷۵۴؛ ۲۹۳-۷۳۴۷؛ ۲۹۳-۱۰۰۵۱؛ ۲۹۳-۹۸-۲۹۳-۹۲۷؛ ۲۹۳-۱۳۱۱؛ ۲۹۳-۹۹-۱۳۱۳؛ ۲۹۳-۱۷۵۵؛ ۲۹۳-۹۹-۲۹۲۳؛ ۲۹۸-۹۹-۳۲۲۰؛ ۲۹۳-۳۸۱۰؛ ۲۹۳-۶۲۴۷؛ ۲۹۳-۹۹-۶۵۳۳؛ ۲۹۳-۹۹-۷۸۰۴؛ ۲۹۳-۹۷۹۲؛ ۲۹۳-۹۹-۹۹.

کتاب

ارستجانی، حسن. (اسفند ۱۳۴۱). *اولین کنگره ملی شرکت‌های تعاونی روستایی ایران*. تهران: انتشارات سازمان اطلاعات وزارت جهاد کشاورزی.

اشرف، احمد؛ بنوعیزی، علی. (۱۳۸۸). *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب ایران در ایران*. (سهیلا ترابی فارسانی، مترجم). تهران: نیلوفر.

بازیار، هماتاج. (۱۳۵۰). *شاه و انقلاب سفید جلد ۳: اصلاحات ارضی، شرکت تعاونی روستایی، شرکت سهامی زراعی*. تهران: انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.

پهلوی، محمدرضا. (بی‌تا). *انقلاب سفید*. بی‌جا: بی‌نا.

تحلیلی از شرایط جامعه روستایی در ایران، مبارزین راه آرمان کارگر. (۱۳۵۷). بی‌جا: بی‌نا.

خاطرات دکتر علی امینی. (۱۹۸۶). بنیاد مطالعات ایران برنامه تاریخ شفاهی. مصاحبه‌کننده هرمز حکمت، پاریس.

راهنمای مأموران اصلاحات ارضی. (۱۳۴۴). تهران: انتشارات سازمان اصلاحات ارضی کل کشور.

ژوکف، یوری آلکساندروویچ؛ و دیگران. (۱۳۵۷). *ضرورت اصلاحات ارضی و اجتماعی در جهان سوم*. (حسین اسدپور پیرانفر، مترجم). تهران: بی‌نا.

سازمان اصلاحات ارضی. (۱۳۴۲). *گزارش اول بهمن ۱۳۴۰ تا پایان شهریور ۱۳۴۲*. تهران: سازمان اصلاحات ارضی.

سازمان اصلاحات ارضی. (۱۳۵۰). *گزارش سال ۱۳۵۰-۱۳۴۰*. تهران: سازمان اصلاحات ارضی.

سازمان چریک‌های فدائی خلق. (۱۳۵۸). *مسئله ارضی در ویتنام*. تهران: انتشارات سازمان چریک‌های فدائی خلق.



سالور، عباس. (۱۳۹۴). *گفت و گویا عباس سالور*. (مرتضی رسولی پور، تدوین گر). تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

فرمان همایونی راجع به تقسیم املاک سلطنتی به انضمام مجموعه قوانین و مقررات مربوط به اصلاحات ارضی و وظائف وزارت تعاون و امور روستاها. (۱۳۵۱). تهران: بی نا.

ویلسون، آندرو. (۱۳۵۹). *کمونیسم: وعده و عمل*. تهران: نهضت آزادی رهبری ایران.

هانتینگتون، ساموئل. (۱۹۶۸). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*. (چ ۵). (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: نشر علم.

هوگلند، جیمز اریک. (۱۹۸۲). *زمین و انقلاب در ایران*. (فیروزه مهاجر، مترجم). تهران: پردیس دانش.

مقاله

قلی زاده، محمدرضا؛ سعیدی نیا، حبیب الله؛ شهوند، علی. (۱۳۹۷ زمستان). «یک نمونه از موانع بر سر راه اصلاحات ارضی: قتل رئیس اصلاحات ارضی فیروزآباد در آبان ۱۳۴۱». *گنجینه اسناد*، سال ۲۸، شماره ۴، صص ۵۲-۸۷.

نیازمند شیرازی، یدالله. (۱۳۴۴). «موارد اختلاف مالک و زارع». چاپ شده در کتاب *راهنمای مأموران اصلاحات ارضی*. تهران: سازمان اصلاحات ارضی.

روزنامه

روزنامه *اتحاد ملی*، شماره ۱۷۱۸، ۱۳۴۱/۴/۲۶.

روزنامه *اراده آذربایجان*، شماره ۴۵۸، ۱۳۴۱/۴/۲۳.

روزنامه *اطلاعات*: شماره ۱۰۵۵۶، ۱۳۴۰/۴/۲۶؛ شماره ۱۰۵۵۷، ۱۳۴۰/۴/۲۷؛ شماره ۱۰۸۴۷، ۱۳۴۱/۴/۲۳؛ شماره ۱۰۹۲۲، ۱۳۴۱/۷/۲۲؛ شماره ۱۰۹۵۸، ۱۳۴۱/۹/۴؛ شماره ۱۱۰۱۷، ۱۳۴۱/۱۱/۱۶؛ شماره ۱۱۰۱۹، ۱۳۴۱/۱۱/۱۸.

روزنامه *دیپلمات*، شماره ۴۰۷، ۱۳۴۱/۵/۳.

روزنامه *کیهان/یترنشال* تهران، ۳ فوریه ۱۹۷۳.

روزنامه *کیهان*، شماره ۵۸۱۰، ۱۳۴۱/۹/۴؛ شماره ۵۸۶۹، ۱۳۴۱/۱۱/۱۶.

روزنامه *مرد مبارز*، شماره ۵۴۵، ۱۳۴۱/۲/۲۹.

منابع لاتین

James, Alban, Bill. (1972). *The politics of Iran: groups, classes and modernization*. Columbus, Ohio: Merrill.

Lambton, Ann K. S. (1969). *The Persian Land Reform, 1962–1966*. Oxford: Clarendon Press.

“Prime Minister Ali Amini”. (1963). Quoted in Donald Newton Wilber, *Contemporary Iran*. New York: praeger.

Warriner, Doreen. (1969). *Land reform in principle and practice*. Oxford: Clarendon Press.

English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketāābxāāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran):

293-6904; 293-12973; 293-12975; 293-12976; 293-23332; 293-24709; 293-30837; 293-35529; 293-38529; 293-55462; 293-60004; 293-65029; 350/2858; 91/293/13; 91/293/107; 91/293/372; 91-293-413; 91/293/477; 91/293/564//; 91/293/1558; 91/293/1802; 91/293/1813; 91/293/1832; 91/293/1894; 91/293/1924; 91/293/1926; 91/293/2508; 91/293/2574; 97/293/5004; 97-364-166; 97/293/1206; 97/293/5286; 97/293/5465; 98-293-1754; 98-293-7347; 98/293/8461; 98-293-10051; 99-293-927; 99-293-1311; 99-293-1313; 99-293-1755; 99-298-2923; 99-293-3220; 99-293-3810; 99-293-6247; 99-293-6533; 99-293-7804; 99-293-9792.[Persian]

Books

Arsanjani, Hassan. (1341, Esfand / 1963, March). “*Avvalin kongere-ye melli-ye šerkat-hā-ye ta’āvoni-ye rustāyi-ye Irān*” (The first national congress of rural cooperatives of Iran). Tehran: Enteshārāt-e Sāzmān-e Ettelā’āt-e Vezārat-e Jahād-e Kešāvarzi (Ministry of Agriculture -Jahad).[Persian]

Ashraf, Ahmad; & BanouAzizi, Ali. (1388/2009). “*Tabaqāt-e ejtemāee, dowlat va enqelāb-elrān dar Irān*” (Social classes, state and revolution in Iran: A collection of essays). Translated by Soheila TorabiFarsani. Tehran: Nilufar.[Persian]

Baziyar, Homataj. (1350/1971). “*Šāh va enqelāb-e sefid, jeld-e 3: Eslāhāt-e arzi, šerkat-e ta’āvoni roustāyi, šerkat-e sahāmi-ye zerāee*” (Shah and the White



- Revolution, Volume 3: Land reform, rural cooperative company, agricultural joint stock company). Tehran: Enteshārāt-e Edāre-ye koll-e Negāresh-e Vezārat-e Farhang va Honar (Publications of the Ministry of Culture and Arts).[Persian]
- “Farmān-e homāyouni rāje’ be taqsim-e amlāk-e saltanati be enzemām-e majmou’e qavānin va moqarrarāt marbut be Eslāhāt-e arzi va vazāyef-e vezārat-e tā’āvon va omur-e rustā-hā”** (The royal decree on the division of royal property, including the set of laws and regulations related to land reform and the duties of the Ministry of Cooperatives and Rural Affairs). (1351/1972). Tehran: n. p.[Persian]
- Hooglund, Eric James. (1982). **“Zamīn va Enqelāb dar Irān”** (Land and revolution in Iran, 1960 - 1980). Translated by Firouzeh Mohajer. Tehran: Pardis-e Dāneš. [Persian]
- Huntington, Samuel P. (1968). **“Sāmān-e siāsi dar javāme’-e dastxoš-e degarguni”** (Political order in changing societies) (5th ed.). translated by Mohsen Solasi. Tehran: Našr-e ‘Elm.[Persian]
- James, Alban, Bill. (1972). **The politics of Iran: Groups, classes and modernization**. Columbus, Ohio: Merrill.
- Lambton, Ann K. S. (1969). **The Persian land reform, 1962–1966**. Oxford: Clarendon Press.
- Pahlavi, Mohammadreza. (n. d.). **“Enqelāb-e sefid”** (The White Revolution). [n. p.]: n. p.[Persian]
- “Rāhnamā-ye Ma’murān-e Eslāhāt-e arzi”** (A guide for land reform officers). (1344/1965). Tehran: Enteshārāt-e Sāzmān-e Eslāhāt-e Arzi-ye Koll-e Kešvar (Publications of the Land Reform Organization).[Persian]
- Salour, Abbas. (1394/2015). **“Goftegu bā Abbās-e Sālur”** (Interview with Abbas Salour). Edited by Morteza Rasoulipour. Tehran: Mo’assese-ye Motāle’āt-e Tārix-e Mo’āser-e Irān (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies).[Persian]
- Sāzmān-e Eslāhāt-e Arzi (Land Reform Organization). (1342/1963). **“Gozāresh-e avval-e Bahman tā pāyān-e Šahrivar-e 1342”** (The report of Bahman first, 1340 (January 21st, 1962) to the end of Shahrivar, 1342 (September, 1963)). Tehran:

- Sāzmān-e Eslāhāt-e Arzi (Land Reform Organization).[Persian]
- Sāzmān-e Eslāhāt-e Arzi (Land Reform Organization). (1350/1971). *“Gozāreš-e sāl-e 1340-1350”* (The report of the year 1961 to 1971). Tehran: Sāzmān-e Eslāhāt-e Arzi (Land Reform Organization).[Persian]
- Sāzmān-e Čerik-hā-ye Fadāee-ye Xalq (The Organization of Iranian People's Fedai Guerrillas). (1358/1979). *“Mas’ale-ye arz idar Vietnām”* (Land issue in Vietnam). Tehran: Sāzmān-e Čerik-hā-ye Fadāee-ye Xalq (The Organization of Iranian People's Fedai Guerrillas).[Persian]
- “Tahlili az šarāyet-e jāme’e-ye roustāyi dar Irān, mobārezin-e rāh-e ārmān-e kārgar”* (An analysis of the conditions of the rural society in Iran, fighters of the worker's gaols). (1357/1978). [n. p.]: n. p.[Persian]
- Warriner, Doreen. (1969). *Land reform in principle and practice*. Oxford: Clarendon Press.
- Wilson, Andrew. (1359/1980). *“Komonism: Va’deh va amal”* (Communism: Promise and practice). Tehran: Nehzat-e Āzādi-ye Rahbari-ye Irān (Freedom Movement of Iran) (FMI). [Persian]
- “Xāterāt-e doktor Ali Amini”* (Dr Ali Amini's memoirs). (1986). Interviewed by Hormoz Hekmat, Paris.[Persian]
- Zhukor, Iurri Aleksandrovich et al. (1357/1978). *“Zarurat-e eslāhāt-e arzi va ejtemāee dar jahān-e sevvom”* (Необходимость земельной и социальной реформы в странах третьего мира) [The need for land and social reform in the Third World]. Translated by Hossein Asadpour Piranfar. Tehran: n. p.[Persian]

Articles

- Gholizadeh, Mohammadreza; Saeedinia, Habibollah; & Shahvand, Ali. (1397/2019, Winter). “Yeknemunehazmavāne’-e bar sar-e rāh-e Eslāhāt-e arzi: Qatl-e raees-e Eslāhāt-e arzi-ye Firouzabaddar Ābān-e 1341” (Barriers to land reform based in Iran: The case of the murder of government official Malek Aabedi). *Ganjine-ye Asnād*, 28(4), pp. 52-87.[Persian]
- Niazman Shirazi, Yadollah. (1344/1965). “Mavāred-e extelāf-e mālek va zāre” (Cases



of dispute between owner and farmer). In “*Rāhnamā-ye Ma’murān-e Eslāhāt-e arzi*” (A guide for land reform officers). Tehran: Sāzmān-e Eslāhāt-e Arzi (Land Reform Organization). [Persian]

“Prime Minister Ali Amini”. (1963). Quoted in Donald Newton Wilber, *Contemporary Iran*. New York: Praeger.

Newspapers

Erāde-ye Āzarbāyejān, issue number: 458 (1341/4/23 – 1962/7/14). [Persian]

Ettehād-e Melli newspaper, issue number: 1718 (1341/4/26 – 1962/7/17). [Persian]

Ettelā’ā newspaper, issue number: 10556 (1340/4/26 – 1962/7/17); 10557 (1340/4/27 – 1962/7/18); 10847 (1341/4/23 – 1962/7/14); 10922 (1341/7/22 – 1962/10/14); 10958 (1341/9/4 – 1962/11/25); 11017 (1341/11/16 – 1963/2/5); 11019 (1341/11/18 – 1963/2/7). [Persian]

Diplomat newspaper, issue number: 407 (1341/5/3 – 1962/7/25). [Persian]

Keyhān Internašnāl newspaper, issue number: February 3, 1973. [Persian]

Keyhān newspaper, issue number: 5810 (1341/9/4 – 1962/11/25); 5869 (1341/11/16 – 1963/2/5). [Persian]

Mard-e Mobārez newspaper, issue number: 545 (1341/2/29 – 1962/5/19). [Persian]



Ettehadiyeh Company: From Currency Exchange to Engagement in Foreign Trade

Soheila Torabi Faresani¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: Integration into the world economy since the beginning the 20th century provided plenty of opportunities for Iranian merchants to set up their own companies. This paper reports the history of activities as well as changes faced by one such companies, namely Ettehadiyeh.

Method and Research Design: This research is based on private archival documents held by ettehadiyyeh family.

Findings and Conclusion: After the 1906 Constitutional Revolution, Ettehadiyeh company diversified and expanded its activities. The company in early steps operated as the agents of foreign enterprises. However, later when it grew in size and capital, the company entered in completion with foreign partners.

Keywords: Ettehadiyeh Company; Trade; Money Exchange; Foreign Trade; Iran.

Citation: Torabi Faresani, S. (2020). Ettehadiyeh Company: From Currency Exchange to Engagement in Foreign Trade. *Ganjine-ye Asnad*, 30(3), 54-78. doi: 10.22034/GANJ.2020.2577

1. Associate Professor, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, I. R. Iran

tfarsani@yahoo.com

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«119»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2020.2577

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 3, Autumn 2020 | pp: 54- 78 (25) | Received: 20, Sep. 2019 | Accepted: 9, Feb. 2020

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

شرکت اتحادیه: از صرافی تا چالش‌های تجارت (از خلال اسناد بایگانی اتحادیه)

سهیلا ترابی فارسانی^۱

چکیده:

هدف: ادغام ایران در اقتصاد جهانی، عصر امتیازات و ورود سرمایه‌های بیگانه، پیروزی جنبش مشروطه، جنگ جهانی اول و روی کار آمدن دولت پهلوی هر کدام چالش‌ها و فرصت‌های بسیاری را برای تجار و مؤسسان شرکت‌های تجاری فراهم کرد. پژوهش حاضر به دنبال بررسی فعالیت‌های صرافی و تجاری شرکت اتحادیه و چالش‌های پیش روی این شرکت است. **روش/ رویکرد پژوهش:** این پژوهش مبتنی بر روش اسنادی و با تکیه بر اسناد آرشیو خصوصی شرکت اتحادیه انجام شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: شرکت اتحادیه با پیروزی جنبش مشروطه، فعالیت خود را متنوع و گسترده کرد و در دورانی نیز به واسطه‌گری برای شرکت‌های خارجی پرداخت. این شرکت در ادامه به توان مالی خود افزود و کوشید با سرمایه‌های خارجی به رقابت بپردازد.

کلیدواژه‌ها: شرکت اتحادیه؛ تجارت؛ صرافی؛ شرکت‌های تجاری؛ قاجار.

استناد: ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۹۹). شرکت اتحادیه: از صرافی تا چالش‌های تجارت (از خلال اسناد بایگانی اتحادیه).

گنجینه اسناد، ۳۰ (۳)، ۵۴-۷۸ | ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰.۲۵۷۷ | doi:

۱. دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد،
دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران
tfarsani@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۱۹»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۰.۲۵۷۷

نمایه در Researchgate, Google Scholar, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۰، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۹ | صص: ۵۴-۷۸ (۲۵)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۹ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

چند دهه پیش از جنبش مشروطه، تجار ایرانی براساس ضرورت‌های اجتماعی-اقتصادی، شرکت‌های تجاری تأسیس کردند. مصادرهٔ اموال، ناامنی، بی‌قانونی و آشفتگی محاکم قضایی از یک‌سو و گسترش روابط تجاری و نفوذ سرمایه‌های بیگانه و در دست گرفتن بازارهای ایران توسط بیگانگان از سوی دیگر، فضایی نامساعد برای فعالیت‌های تجاری ایجاد کرده بود. ضعف حکومت مرکزی و وابستگی دولت به قدرت‌های بزرگ سیاسی شرایطی را بر آن تحمیل می‌کرد که در اثر آن نه تنها از سرمایه‌های داخلی حمایتی نمی‌شد، بلکه در مواردی در مقابل آن‌ها جبهه‌گیری هم می‌شد. این مسائل موجب نارضایتی تجار شد و واکنش آن‌ها را در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی برانگیخت.

موفقیت اروپاییان در تجارت و پیشرفت‌های علمی و فنی آن‌ها در صنعت که به برتری و تسلط آن‌ها بر اقتصاد، امور مالی و تجارت جهانی منجر شد، گروهی از تجار ایرانی را به این اندیشه واداشت تا با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین تجاری از شکل فردی معمول در بازار سنتی خارج شوند و سرمایه‌های کوچک را به صورت گروهی در قالب شرکت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری کنند. تجار تأسیس شرکت‌ها یا کمپانی‌های مالی و تجاری را به عنوان راه‌حلی در مقابل نفوذ و هجوم اقتصادی بیگانگان برگزیدند. شرکت اتحادیه از جمله این گونه شرکت‌ها بود که به این شیوه با شرایط جهانی سازگار شد.

دربارهٔ این شرکت اسنادی از مکاتبات مالی حاج‌رحیم اتحادیه در کتاب *صراف‌ها: منتخبی از اسناد حاج‌رحیم اتحادیه به قلم منصوره اتحادیه و سعید روحی* (۱۳۹۵) منتشر شده است. همین‌طور در کتاب *تجار، مشروطیت و دولت مدرن از سهیلا ترابی فارسانی* (۱۳۸۴) هم شرکت اتحادیه به طور مختصر در کنار دیگر شرکت‌های تجاری پیش از مشروطه معرفی شده است. پژوهش حاضر براساس اسناد آرشیو خصوصی شرکت اتحادیه دنبال خواهد شد. اسناد این آرشیو مجموعه‌ای از برات‌ها، نامه‌ها و دیگر مدارک پراکنده‌ای است که به جز بخشی از برات‌ها و تعدادی از نامه‌ها، بقیه دسته‌بندی و طبقه‌بندی نشده‌اند. موضوع‌بندی‌نشده و شماره‌گذاری‌نشده و ویژه بایگانی اسناد، ارجاع شماره‌گذاری شده به این اسناد را مشکل می‌کند. علامت اختصاری این آرشیو در این مقاله به صورت (آ.ا.ت) و علامت اختصاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی به صورت (ساکما) خواهد بود.



۲. تأسیس شرکت اتحادیه و فعالیت‌های صرافی آن

شرکت اتحادیه را در سال ۱۳۰۵ ق/ ۱۸۸۷ م گروهی از صرافان و تجار از جمله حاج علی کوزه‌کنانی و برادران، حاج سیدمرتضی صراف، حاج لطف‌علی صراف و تعدادی دیگر تشکیل دادند (جمال‌زاده، ۱۳۳۵، ص ۹۸). شعبه اصلی این شرکت در تبریز بود. علاوه بر آن در تهران نیز شعبه داشت که سرپرستی آن را حاج لطف‌علی صراف و پسرش رحیم به عهده داشتند. تاریخ تأسیس شرکت در سال ۱۳۱۵ ق/ ۱۸۹۷ م احتمالاً مربوط به شعبه تهران آن است (تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران، [بی تا]، صص ۴۸-۵۵).

حاج محمدباقر امین‌الضرب اتحادیه تبریزی فرزند حاج لطف‌الله تبریزی بود. حاج لطف‌الله و برادرش حاج‌هاشم در بازار تبریز حجره داشتند. آنان در پی مسافرت به روسیه و آشنایی با شیوه نوین بانکداری در صدد برآمدند تا در تبریز بانکی به سبک روسیه ایجاد کنند. بدین منظور حاج محمدباقر فرزند ارشد حاج لطف‌الله برای بررسی شیوه‌های نوین بانکداری، مدتی در روسیه به سربرد و پس از بازگشت به کشور، نتیجه بررسی و مذاکراتش با کارشناسان روسی را در اختیار پدر و عموی خود گذاشت و کارهای مقدماتی تشکیل بانک را آغاز کرد و برای اجرای آن با تعدادی از صرافان و تجار تبریزی مذاکره کرد. ولی در این هنگام حاج لطف‌الله فوت کرد و حاج‌هاشم به علت تألمات روحی، از تأسیس بانک منصرف شد. حاج محمدباقر پس از مرگ پدر و عمویش دارالضرب تبریز را تأسیس کرد و سکه‌هایی نقره به نام ولیعهد ضرب و وارد بازار کرد و پس از آن به نام حاج محمدباقر امین‌الضرب تبریزی معروف شد. او پس از این توفیق به فکر ایجاد بانک افتاد و پس از تلاش بسیار، صرافان تبریزی را متحد کرد و شرکت اتحادیه را با کمک گروهی از صرافان و تجار در تبریز پایه‌ریزی کرد.

فرزند ارشد حاج محمدباقر، یعنی حاج لطف‌علی، و پسرش رحیم به عنوان نمایندگان شرکت به تهران رفتند و پس از مدتی، به دلیلی نامشخص که شاید نارضایتی از سوددهی شرکت بود، سهام خود را از شرکت پس گرفتند. حاج لطف‌علی تا مدتی امور شرکت را در تهران می‌گرداند. او در سال ۱۳۱۶ ق/ ۱۸۹۸ م پیمان خود را با شاخه شرکت در تبریز فسخ کرد؛ ریاست شاخه تبریز با حاج علی کوزه‌کنانی از معتبرترین سهام‌داران شرکت بود. شعبه تبریز به دلیل شرایط بد اقتصادی در سال ۱۳۳۱ ق/ ۱۹۱۳ م تعطیل شد. علت شکست شرکت صرافی اتحادیه در تبریز به احتمال زیاد ناتوانی این مؤسسه در رقابت با بانک شاهنشاهی بوده است. حاج لطف‌علی و پسرش رحیم هم‌چنان در تهران باقی ماندند و مجدداً شرکتی را بانام اتحادیه در تهران تأسیس کردند که تا زمان فوت حاج رحیم در سال ۱۳۱۳ ش/ ۱۹۳۴ م برقرار بود (اتحادیه، ۱۳۷۷ ج، صص ۳۳۵-۳۴۹).

این شرکت در ابتدا با سرمایه‌ای بالغ بر صد هزار تومان برای مقابله با عملیات بانک شاهنشاهی و در اندیشه ایجاد بانک و فعالیت‌های صرافی به وجود آمد (Picot, 1897, p114). شرکت اتحادیه در سال اول تأسیس مقدار زیادی از اسکناس‌های بانک شاهنشاهی را جمع‌آوری کرد و برای تعویض با وجه نقره به بانک عرضه کرد و چون بانک نتوانست در مقابل این اسکناس‌ها قران نقره بپردازد ارزش اسکناس‌هایش سی درصد تنزل کرد؛ بانک به ناچار شرکت اتحادیه را در تجارت نقره با خود سهیم کرد (تاریخچه سی ساله...، بی تا، ص ۵۳).

یکی از مسائلی که تجار همواره خواهان رهایی از آن بودند اعمال نفوذ بانک‌های خارجی و اجحاف‌هایی بود که به آنان روا داشته می‌شد. بانک شاهنشاهی خدمات پولی مورد نیاز تجار را تأمین می‌کرد و ضامن اعتباری خوبی برای آنان بود (ساکما، ۷۸۴-۴۴؛ آ.ا.ت، سند ش ۱)؛ ولی در بسیاری از موارد عملکرد بانک با منافع مالی صرافان و تجار همخوانی نداشت و آنان را به مقابله برمی‌انگیخت. اسکناس‌های بانک شاهنشاهی فقط در محلی که نام آن روی اسکناس‌ها چاپ شده بود، اعتبار داشت و حتی بانک مرکزی در تهران هم، اسکناس‌های مربوط به شعبه‌های دیگر را فقط در مقابل گرفتن وجه اضافی به اسکناس‌های محلی تبدیل می‌کرد. این موضوع سیر مبادلات پولی و بروات را دچار مشکل می‌کرد. این امور موجب شد تا سلسله‌مذاکراتی برای تفسیر امتیازنامه بانک بین تجار و رئیس بانک شاهنشاهی انجام شود (آ.ا.ت، سند ش ۲). بانک می‌توانست هر روز نرخ ارز خود را تغییر دهد و این تغییر مظنه پول ایران در مقابل پول‌های خارجی و نوسان‌هایی که بانک اعمال می‌کرد، آسیب‌های زیادی به معاملات تجار می‌زد. حاج عبدالرضا اصفهانی در نامه‌ای به رحیم اتحادیه از شیوه بانک ابراز نارضایتی می‌کند و عملکرد بانک را این گونه توصیف می‌کند:

«باوجودی که اساس نرخ خیلی سست است، برای این که اذیتی به تجار بکند و ضرری به آن‌ها برساند هرروزه نرخ خود را در صورتی که نمی‌فروشد، ترقی می‌دهد که پس از معامله، مظنه را به میزان خود بدهد که تجار گرفتار خسارت شوند. خداوند یک مشت ضعف را از شر داخلی و خارجی محفوظ فرماید. گله بی‌شعور غافل است و گرگ در کمین؛ بلکه در غارت» (آ.ا.ت، سند ش ۳).

نبض معاملات تجاری و بازار در دست بانک شاهنشاهی بود و تجار آن را زائده‌ای تحمیلی و بیگانه می‌دیدند. از این رو شرکت اتحادیه در ابتدای تأسیس خود برای مقابله با بانک به فعالیت‌هایی دست زد که در درازمدت تأثیری در عملکرد بانک نگذارد.



۳. توسعه روابط تجاری شرکت اتحادیه در سال‌های پس از مشروطه

پس از جنبش مشروطه، شبکه‌های ارتباطی مابین تجار هم‌چون سابق فعال بود و به همان شکل سنتی عمل می‌کرد. از مجموعه مکاتبات موجود در آرشیو اتحادیه به‌خوبی نظام این شبکه‌ها مشخص می‌شود. تجار در ورود کالاهای جدید غربی بر یکدیگر پیشی می‌گرفتند؛ ولی با وجود این ترقی‌خواهی و نوگرایی، در دوران پس از مشروطه در ساختار درونی شبکه‌های ارتباطی خود هیچ تغییر محسوسی ایجاد نکردند. در واقع آنان به بازسازی و تجهیز تشکیلاتی خود برای مواجهه با مسائل نوین نپرداختند.

شرکت اتحادیه در سال‌های پس از جنبش مشروطه حواله‌های پولی ارسال می‌کرد و نقش امین و رابط مالی را ایفا می‌کرد. در آرشیو اتحادیه حواله‌ها و قبض‌های رسید بسیاری موجود است که بابت مستمری افراد پرداخت می‌شده‌است. برای نمونه مجموعه‌ای از قبض‌های رسیدی وجود دارد که حاج رحیم اتحادیه به‌جهت امام جمعه مجتهد خویی بابت ماهانه حسن علی خان پسر صغیر مرحوم قوچ علی خان موفق الدوله در ماه‌های مختلف سال ۱۳۳۵ ق/ ۱۹۱۷ م پرداخت کرده‌است. شرکت اتحادیه هم‌چنین با تجارت‌خانه‌های متعددی در سراسر کشور ارتباط و مکاتبه داشت. از جمله این شرکت‌ها می‌توان از شرکت‌های مسعودیه، و محمودیه در اصفهان نام برد که در امر قماش و دیگر کالاها با اتحادیه مرادیه داشتند (آ.ا.ت، سند ش ۴ و ۵). برخی نامه‌های مبادله‌شده با حاج رحیم اتحادیه که به‌صورت جدولی تنظیم شده‌است به‌خوبی گسترش شبکه‌های ارتباطی این شرکت را نشان می‌دهد (ر.ک به جدول شماره ۱).

شرکت اتحادیه از این طریق طلبش در شهرهای دیگر را وصول می‌کرد یا قروض خود را می‌پرداخت. حاج رحیم اتحادیه برای معاملات خارج از کشور خود نیز رابط‌هایی داشت که نه تنها درباره «مظنه جات و بروات» که در نوع جنس مورد نیاز برای ارسال یا خرید هم به او خبر می‌دادند (آ.ا.ت، سند ش ۶). از مکاتبات حاج رحیم اتحادیه مشخص می‌شود که او در استانبول با حاج آقا حریر فروش و حاج سید محمد تنباکوفروش ارتباط‌هایی داشته‌است؛ آن‌ها خبر تأسیس تجارت‌خانه خود در استانبول را به حاج رحیم داده بودند. میرزا علی اکبر اسماعیل زاده در استانبول برای فروش و ارسال حواله به لندن رابط‌هایی را به حاج رحیم معرفی کرد (آ.ا.ت، سند ش ۷). از جمله کسانی که در بمبئی با اتحادیه روابط تجاری و بازاریابی داشت، محمد تقی افشار بود که درباره معامله چای با اتحادیه مکاتبه می‌کرد (آ.ا.ت، سند ش ۸). یکی دیگر از این افراد حاج محمد کازرونی بود که درباره ارسال برنج رشت به هند و هم‌چنین خشکبار از جمله کشمش، زیره، مویز، بادام نجف آباد، و مغز بادام به اتحادیه پیشنهاد می‌داد (آ.ا.ت، سند ش ۹). عبدالحسین کازرونی نیز در زمینه تجارت

پوست، صابون، چای، قماش، عطریات، روغن و عینک با حاج رحیم مکاتبه داشت و از بمبئی برای تجارت خانه اتحادیه، قماش ارسال می کرد. او شخصی به نام رومانسکی ساکن پاریس را به حاج رحیم معرفی کرد تا رابط آنها برای مبادلات کالا باشد و دارو و عطر از طریق او از پاریس به ایران وارد شود (آ.ا.ت، سند ش ۱۰).

رحیم اتحادیه نمونه ای از تاجران بزرگی بود که تا اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی نیز به فعالیت های تجاری خود ادامه دادند. عملکرد او الگویی مشخص از چگونگی روابط تجاری این گونه شرکت هاست. اتحادیه از شرکت های خارجی خرید می کرد و کالاهایش را با شرکت های حمل بار منتقل می کرد. شرکت اتحادیه به طور مستمر با بمبئی، روسیه و استانبول در ارتباط بود و کالاهای انگلیسی و فرانسوی را از طریق بمبئی به جنوب ایران وارد می کرد. شرکت های حمل بار درازای کالایی که حمل می کردند، مسئولیت داشتند و در صورت صدمه یا کسر کالا با تحویل بارنامه غرامت می پرداختند. برای نمونه اگر کالایی هزار روپیه قیمت داشت، در صورت کمبود یا خسارت ۵۰۰ روپیه آن را می پرداختند (آ.ا.ت، سند ش ۱۱). از این نمونه شرکت ها می توان از کمپانی جهازات نام برد که مسئولیت حمل بار و تحویل آن را به عهده داشت؛ این شرکت در زمینه مبادله کالا بین بمبئی و جنوب ایران فعالیت می کرد (آ.ا.ت، سند ش ۱۲). علاوه بر شرکت ها، تجار نیز در حمل کالاهای یکدیگر همکاری داشتند. حاج فتح الله فتاحی به حاج رحیم اتحادیه درباره فرستادن کالا از کارخانه های لندن و ورود آن به اهواز و ترتیب حمل آن از طریق اداره امانات گزارش می داد (آ.ا.ت، سند ش ۱۳). کالاهای وارداتی از پاریس هم، از طریق بمبئی وارد ایران می شد (آ.ا.ت، سند ش ۱۴).

در حمل کالا مشکلات بسیاری وجود داشت؛ از جمله تفاوت در اوزان و مقیاس ها در شهرهای مختلف ایران. در نامه ای از حاج محمد علی به حاج رحیم اتحادیه به تفاوت اوزان در شیراز و بوشهر اشاره شده است (آ.ا.ت، سند ش ۱۵). مشکل دیگر کندی ارتباطات بود؛ بیشتر تلگراف ها یا به مقصد نمی رسیدند یا اگر می رسیدند، خیلی طول می کشیدند. برای نمونه عبدالحسین کازرونی به اتحادیه می نویسد: تلگراف از تهران به بوشهر حدود ده تا دوازده روز طول کشیده تا به مقصد برسد (آ.ا.ت، سند ش ۱۶). بیمه کردن کالاها تقریباً در اواخر دوران قاجار مطرح شد که تاحدودی توانست حس امنیت را برای شرکت های تجاری ایجاد کند.



۴. جنگ جهانی اول و چالش‌های تجاری شرکت اتحادیه

بروز جنگ بین‌المللی، نامساعد بودن اوضاع تجاری، کاهش قیمت کالاهای صادراتی هم‌چون تریاک و قالی و افزایش محصولات وارداتی مثل قند، افزایش قیمت ارزاق و بسته‌شدن راه‌های مبادلاتی موجب کاهش عایدات گمرک و افزایش فشارهای مالیاتی بر تجار شد (حبیل‌المتین، ش ۲۱، ربیع‌الاول ۱۳۳۲، ص ۵). علاوه‌براین، مداخله بیگانگان در امور تجاری به‌بانه جنگ و نامساعد بودن وضعیت داخلی، تجار را به‌سمت همکاری با شرکت‌های خارجی کشاند. در این دوران تجار ایرانی بیش‌ازپیش نقش دلال و واسطه را برای شرکت‌های تجارتی خارجی بازی کردند. حاج‌رحیم اتحادیه مقارن سال‌های جنگ عنوان تاجرباشی دولت ایتالیا را به‌دست آورد. سفارت ایتالیا او را به‌سمت «تاجرباشی‌گری تجارت و تجار ایتالیا در تهران» تعیین کرد و دولت ایران هم این مقام را تصدیق کرد و گفته شد این امر به توسعه و ترقی تجاری بین تجارت‌خانه‌های ایتالیا و ایران خواهد انجامید (آر.ا.ت، سند ش ۱۷). عنوان تاجرباشی به شخصی داده می‌شد که نقش نماینده تجاری دولتی خارجی را به‌عهده می‌گرفت و بر امور تجارتی و مسائل تجار آن کشور نظارت می‌کرد. علاوه‌براین قراردادی مابین حاج‌رحیم اتحادیه و کمپانی لیمیتد چرچیل^۱ مستقر در منچستر منعقد شد که طبق آن، اتحادیه وکیل آن شرکت در ایران شد تا سفارش‌های ادارات و تجار دیگر را به کمپانی بفرستد و شرایط ارسال سفارش‌ها را فراهم کند. در این قرارداد شرکت اتحادیه صدی سه به‌عنوان حق‌العمل سفارش‌ها می‌گرفت و موظف بود «بروات و اوراق را به‌توسط بانک یا هرکس را در ممالک اروپ معین فرماینده حواله وکیل [کمپانی لیمیتد چرچیل]» کند (آر.ا.ت، سند ش ۱۸). جنگ جهانی اول شیوه دلالی را گسترده‌تر کرد و تجار و شرکت‌هایی که قدرت خود را ازدست داده بودند، در بحران این جنگ ارتباطشان با شرکت‌های خارجی بیشتر شد و به‌عنوان رابط آن شرکت‌ها در ایران عمل کردند.

امور تجاری با افزایش دامنه جنگ مختل شد. انگلیسی‌ها در جنوب ایران قوا پیاده کردند تا هم از تأسیسات نفتی محافظت کنند و هم از فعالیت آلمان‌ها در سراسر کشور و به‌ویژه در بین عشایر جلوگیری کنند. انگلیسی‌ها در امور تجاری نیز دخالت می‌کردند و کار به جایی رسید که فهرستی معروف به «لیست سیاه ایران» را منتشر کردند. فهرستی که اسامی تجار ایرانی و شرکت‌های خارجی و داخلی‌ای را که با دشمنان انگلیس به‌ویژه آلمانی‌ها معامله داشتند برملا می‌کرد. این فهرست به‌صورت علنی انتشار یافت و هرچند وقت یک‌بار تغییراتی در آن داده می‌شد و اسامی برخی افراد از آن حذف یا به آن اضافه می‌شد. اولین فهرست موجود در ۲۰ مارس ۱۹۱۶ منتشر شد؛ دیگری در ۳ فوریه ۱۹۱۷ و فهرست سوم

Churchill Limited Company



بدون تاریخ بود. افرادی که نامشان از فهرست حذف می‌شد یا در منطقه نفوذ انگلیسی‌ها قرار داشتند و ناچار بودند متعهد شوند با آلمانی‌ها معامله نکنند و یا به تدریج از پیشرفت آلمانی‌ها مأیوس می‌شدند و با انگلیسی‌ها سازش می‌کردند (اتحادیه، ۱۳۷۷ الف، صص ۳۶۳-۳۷۲).

انگلستان و روسیه نیازهای مالی خود در ایران را از طریق بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی برآورده می‌کردند؛ درحالی‌که آلمانی‌ها این امکان را نداشتند و به تجارت و تجارت‌خانه‌های ایرانی متوسل می‌شدند. از این نمونه شرکت اتحادیه بود که در آغاز جنگ قراردادی مخفیانه با آلمانی‌ها منعقد کرد که برطبق آن، آلمانی‌ها با پرداخت ارز به این شرکت در خارج از ایران، پول موردنیاز خود در داخل ایران را تأمین می‌کردند. بعد از آنکه انگلستان از این معاملات آگاهی یافت نام شرکت اتحادیه را در فهرست سیاه قرار داد و تمام دارایی‌های این شرکت در انگلستان و بمبئی را توقیف کرد و به اتباع آن کشور اعلام کرد با شرکت اتحادیه هیچ‌گونه معامله‌ای انجام ندهند. اتحادیه برای لغو ممنوعیت‌ها مجبور شد مذاکره کند و انگلستان شرط آزادکردن اموال ضبط‌شده و رفع ممانعت‌های قانونی را معامله‌نکردن شرکت با دشمنان انگلستان در داخل و خارج از ایران اعلام کرد. اتحادیه تهدید شد که در صورت رعایت‌نکردن این موارد، اموالش در هند و بریتانیا ضبط خواهند شد و این شرکت نیز حق هیچ‌گونه شکایتی نخواهد داشت. شرکت هم‌چنین می‌بایست وثیقه‌ای به مبلغ بیست هزار لیره به‌عنوان ضمانت در لندن و بمبئی می‌سپرد تا در صورت سرپیچی از مفاد تعهدنامه، دولت انگلستان آن مبلغ را ضبط کند و شرکت مزبور حق هیچ‌گونه اعتراض و شکایتی نداشته باشد (اتحادیه، ۱۳۷۷ الف، صص ۳۶۷).

شرکت اتحادیه موظف بود گزارش دفتر روزنامه معاملات خود را برای آگاهی دولت انگلستان به سفارت‌خانه آن کشور اعلام می‌کرد تا طرف‌های تجاری‌اش به‌طور مرتب بررسی شوند. هم‌چنین می‌بایست اسامی مشتریان و عاملان خود در مناطق مختلف را نیز به سفارت می‌فرستاد. اتحادیه طبق تعهدنامه‌ای رسمی تمام این قیود را برای رفع موانع تجاری خود و حذف نامش از فهرست سیاه پذیرفت.

انگلستان عملیات تجاری بیشتر شرکت‌ها و تجارت‌خانه‌ها را زیرنظر داشت و هرچند ماه یک‌بار تغییراتی در فهرست سیاه ایجاد می‌کرد (اتحادیه، ۱۳۷۷ الف، صص ۳۷۱-۳۷۲). برای نمونه در ۲۵ آوریل ۱۹۱۶ به اتحادیه اجازه داده شد با حاجی محمد و عبدالحسین تهرانی تسویه حساب کند، چون به‌تازگی نام آن‌ها در فهرست قرار گرفته بود. اتحادیه برای انجام هرگونه معامله مجبور بود از سفارت اجازه بگیرد. برای نمونه شرکت برای معامله با امین‌التجار اصفهانی اجازه خواست و سفارت اعلام کرد هنوز به او و حاجی

مهدی سمسار اصفهانی ظنین است و نمی‌تواند درباره آن‌ها به‌طور کامل مطمئن باشد. اتحادیه حتی برای ارسال حواله‌های پولی خود مجبور بود از سفارت انگلیس اجازه بگیرد. شرکت در ژانویه ۱۹۱۷ اجازه خواست مبلغی پول به حساب امیر بهادر در سوئیس واریز کند و سفارت به‌شرطی اجازه داد که این مبلغ به‌نفع دشمنان انگلستان به‌کار برده نشود. بالاخره دولت انگلیس در ماه مه ۱۹۱۹ وثیقه مالی اتحادیه را به شرکت بازگرداند و اموال ضبط‌شده شرکت در لندن و بمبئی را آزاد کرد (اتحادیه، ۱۳۷۷ الف، صص ۳۶۷-۳۷۰). مجموعه این مکاتبات بیانگر آن است که شرکت اتحادیه نیز هم‌چون دیگر شرکت‌ها و تجارت‌خانه‌های ایرانی در سال‌های جنگ جهانی اول چالش‌های بسیاری در امور تجاری داشته و هرچه‌بیشتر به قدرت‌های بیگانه وابسته بوده‌است. انگلیسی‌ها به‌بهانه جنگ، نظارت و دخالت خود را در بدیهی‌ترین حقوق تجار ایرانی افزایش دادند و بدین‌ترتیب امکان فعالیت مستقل این‌گونه شرکت‌ها را مسدود ساختند و به‌جای تجارت واسطه‌گری را تقویت کردند. به علت کمبود نقدینگی، کسادى بازار تجارت، نوسانات پولی، حمایت‌نکردن دولت از تجارت و شرکت‌های ایرانی، و بحران و بی‌ثباتی سیاسی کشور گرایش به دلالتی برای شرکت‌های خارجی بیشتر تقویت می‌شد. امین‌التجار به حاج‌رحیم پیشنهاد کرد که درقبال فروش محموله‌های قند روسی در بوشهر، درصدی معین به‌عنوان «حق‌العمل» دریافت کند (آر.ا.ت، سند ش ۱۹ و ۲۰).

۵. سرمایه‌گذاری‌های تجاری و صنعتی

شرکت اتحادیه در سال‌های پس‌از جنگ جهانی اول، به همان شکل سنتی پیشین به امور تجاری می‌پرداخت، با این تفاوت که در این دوره امور تجاری مشخصه‌های خاص دوران پس‌از جنگ را داشت؛ مشخصه‌هایی نظیر رواج دلالتی تجار ایرانی برای شرکت‌های خارجی، کمبود نقدینگی، ورشکستگی گروهی از تجار و تجارت‌خانه‌ها، رواج قاچاق کالا، و گریز از پرداخت مالیات. حاج‌رحیم توانست بحران سال‌های جنگ را پشت سر گذارد و با حفظ شبکه‌های ارتباطی خود در شهرهای مختلف و رابط‌هایی که در این شهرها داشت مبادلات تجاری‌اش را ادامه دهد. او با بسیاری از شهرها هم‌چون تبریز، باکو، زنجان، اصفهان، شیراز، بروجرد، کاشان، رشت، خوانسار، مشهد، همدان، قزوین، تهران، و عراق عجم، درزمینه مظنه برات، پوند، روپیه و حواله‌های پولی مکاتبه داشت؛ همین‌طور با دیگر کشورها و شهرها هم‌چون بمبئی، روسیه، برلن، هامبورگ، کراچی و با شرکت‌هایی مثل زیگلر و طومانیانس نیز روابط تجاری و مکاتبه داشت که اسناد آن دربین مجموعه‌نامه‌ها و برات‌های بایگانی شرکت اتحادیه موجود است. حاج‌رحیم اتحادیه برای

دستیابی به بازارهای صادراتی جدید با رابط‌های خود در مناطق ذکر شده، مشورت می‌کرد. برای نمونه او با علی نمازی در بمبئی درباره امکان ارسال قند و شکر روسیه به هندوستان تبادل نظر کرد و «مظنه بازار را سنجید» (آ.ا.ت، سند ش ۲۱ و ۲۲).

از آنجاکه این گونه شرکت‌ها برای انجام معاملات خود از حمایت‌های قانونی نهادهای مدنی برخوردار نبودند، معمولاً خودشان این قبیل خدمات را تدارک می‌دیدند؛ گاه انجام این گونه خدمات براساس قراردادی تنظیم می‌شد تا وظایف طرفین مشخص‌تر شود. برای نمونه حاج رحیم اتحادیه با چند تن از تجار زنجان دربارۀ کترات توتون قراردادی منعقد کرد که شامل چند ماده دربارۀ چگونگی مبادله کالا بین اتحادیه و تجار زنجان بود (آ.ا.ت، سند ش ۲۳).

این قراردادها با تأیید یکی از علما جنبه شرعی و قانونی می‌یافت. علاوه بر آن، وکالت‌نامه‌های تجاری هم که در آن به نقش رابط و وکیل تجاری اشاره می‌شد به همین شیوه تأیید می‌شد. گاه برای محکم‌کاری و تحکیم تعهدات مالی یک تاجر یا شرکت، تعهدنامه‌ای را به شهادت و امضای یکی از دولتمردان مقتدر و صاحب نفوذ می‌رساندند تا برای تاجر مدیون نوعی تعهد اخلاقی یا ضمانت در پرداخت دین خود ایجاد کند (آ.ا.ت، سند ش ۲۴ و ۲۵).

جنگ جهانی اول به ورشکستگی بسیاری از شرکت‌ها و تجارت‌خانه‌های بزرگ منجر شد. ورشکستگی تجارت‌خانه لیانازوف و ناتوانی‌اش در بازپرداخت بدهی‌های خود موضوع مجموعه‌نامه‌هایی است که طی سال‌های ۱۳۴۰ق/۱۹۲۲م تا ۱۳۴۴ق/۱۹۲۶م با شرکت اتحادیه ردوبدل شده است. اتحادیه برای وصول طلب‌هایش طی نامه‌های بسیاری از ریاست وزرا کمک می‌خواهد. این شرکت وصول‌نشدن طلبش از لیانازوف‌ها را سهل‌انگاری وزارت فواید عامه دانست. اتحادیه به جای طلبش یک دستگاه ماشین الکتریک تحویل گرفت که به دلیل نبودن راه مناسب فقط بخشی از آن به تهران حمل شد، ولی بعد وزارت فواید عامه مانع فروش و ورود بقیه لوازم شد. اتحادیه از عملکرد وزارت فواید عامه به دلیل توقیف ماشین آلات مزبور شکایت کرد و رضاخان دستور رسیدگی به این موضوع را به وزارت‌های فواید عامه، خارجه و مالیه صادر کرد (ساکما، اسناد ش ۱۰-۲).

شرکت اتحادیه در سال‌های پس از جنگ در امور صنعتی نیز فعال شد. حاج رحیم اتحادیه، برای خرید یک کارخانه نساجی از طریق علی اتحادیه که در لندن حضور داشت و نیز کنسول ایران مذاکره کرد و کوشید در این زمینه اطلاعاتی به دست آورد. به او گفته شد که به اشخاص متخصص یعنی «دو نفر مکانیک و مهندس» احتیاج داد؛ هم‌چنین پیش از سفارش



و خرید، مکان کارخانه به تشخیص مهندسی آگاه تعیین شود (آ.ا.ت، سند ش ۲۶). در اوایل دوران پهلوی و در اواخر دوره فعالیت این شرکت، حاج رحیم اتحادیه از وزارت فلاح و تجارت برای احداث کارخانه شیشه‌سازی مجوز گرفت. او برای تأسیس این کارخانه با مارترس آقارونیان در ۱۴ سپتامبر ۱۹۲۷ قرارداد همکاری امضا کرد (آ.ا.ت، سند ش ۲۷). گرایش شرکت به فعالیت‌های صنعتی عمدتاً از اوایل دوره پهلوی به چشم می‌خورد.

۶. سرمایه‌گذاری در زمین‌های کشاورزی و مستغلات

یکی از گرایش‌های عمده تجار در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، تمایل آن‌ها به خرید زمین و سرمایه‌گذاری در بخش زمین‌داری بود. افزایش سود مبادلات تجاری، اطمینان از حفظ سرمایه شرکت، و هم‌چنین فروش زمین‌های خالصه از طرف دولت از عمده‌ترین عوامل این گرایش بود.

در بین مجموعه اسناد مربوط به خاندان اتحادیه قبایله‌های متعددی در زمینه خرید و فروش یا اجاره املاک و مستغلات وجود دارد که به تدریج تا اواخر دوره قاجار بر تعداد آن‌ها افزوده شده است. از مجموعه این اسناد چنین برمی‌آید که اتحادیه به تدریج به زمین‌داری روآورده است. هرچه تاریخ نگارش نامه‌های این مجموعه جلوتر می‌آید و بر میزان دارایی، املاک و مستغلات اتحادیه افزوده می‌شود، لحن نامه‌های ارسالی به اتحادیه متفاوت می‌شود؛ حاکی از آنکه با مقامی بزرگ و منبع سخن گفته می‌شود. به کاربرد عبارات و واژه‌هایی چون «این که امر مبارک در ارسال... به تعویق افتاد» و واژه‌هایی چون «حسب الامر»، «مقدر فرمایید»، «امر مطاع»، «امر العالی مطاع مطاع»، حاکی از جایگزین شدن آداب اشراف زمین‌دار به جای فرهنگ ساده‌تر تجار است. در بین این نامه‌ها مسائل متعددی مطرح می‌شود؛ از جمله: اجاره زمین، آب و قنات، گرفتن سهم مالکانه از زمین‌های زیر کشت، پیشنهاد خرید مزرعه به قیمت نازل در ازای بدهی افراد (آ.ا.ت، سند ش ۲۸)، شرح ثبت املاک اتحادیه در نصرآباد، رضاآباد، ینگه‌امام (آ.ا.ت، سند ش ۲۹) و گزارش مباحثان اتحادیه از عملکرد زارعان و درگیری‌ها و اختلاف‌های ملکی با حکام محلی (آ.ا.ت، سند ش ۳۰ و ۳۱)، سران نظامی، مدعیان خصوصی و حتی اهالی یا زارعان یک روستا که بر سهم مالکانه اعتراض داشته‌اند، و سرانجام شکایت از نپرداختن اجاره‌بها از سوی مستأجران که در بین اسناد متأخرتر این مجموعه وجود دارد (آ.ا.ت، سند ش ۳۲، ۳۳ و ۳۴).

گستره سرمایه‌گذاری بر روی زمین، از سیاهه املاک و مستغلات حاج رحیم اتحادیه آشکار می‌شود. این املاک و دارایی‌ها شامل قهوه‌خانه، استخر، خبازخانه، آسیاب، مغازه، حمام، کالسکه‌خانه، باغ، خانه، قنات (که آب آن به صورت ساعتی اجاره داده می‌شد)، قریه

(از چند دانگ تا شش دانگ)، اراضی کشاورزی، یونجه‌زار، صیفی‌کاری، توتستان و گاراژ بود. این املاک و دارایی‌ها سراسر کشور را دربر می‌گرفت و در هر شهر شخصی معتمد سرپرستی این املاک را به‌عهده داشت. برای نمونه حاج‌رحیم اتحادیه در رشت تعدادی مغازه داشت که حاج‌آقا کوچصفهانی سرپرستی اجاره آن‌ها را برعهده داشت (آ.ا.ت، سند ش ۳۵).

تجار گاهی املاک و مستغلات را از دولت می‌خریدند و گاهی درازای بدهی افراد، املاکی به آن‌ها واگذار می‌شد؛ در مواردی هم زمین درازای مبلغی وام به وثیقه گذارده می‌شد و در صورت نپرداختن دین به مالکیت تجار درمی‌آمد یا به اجاره تجار درمی‌آمد تا بدهی مدیون پاک شود. برای نمونه هنگامی که محمدحسن خان افتخاردیوان، «مالک میانج» از سالارلشکر اجازه گرفت تا مبلغ پنج هزار تومان از حاج‌رحیم اتحادیه قرض کند، قرار شد مبلغ را یک‌ماهه بازگرداند و اگر نتوانست حاج‌رحیم بتواند منافع ملک را به خودش منتقل کند و پس از انقضای مدت اجاره و پاک‌شدن حساب پنج هزار تومان، ملک را به صاحبش برگرداند (آ.ا.ت، سند ش ۳۶). هم‌چنین حاج‌رحیم اتحادیه طی وکالت‌نامه‌ای رسمی، شخصی به‌نام سیدابوالفضل خان را وکیل قانونی خود قرار داد تا در «محصول سهم اربابی» از قریه فرحزاد و تعیین اسامی و تعداد رعایا و سایر حقوق اربابی در محل اقدام کند (آ.ا.ت، سند ش ۳۷).

۷. اجاره‌داری و بهره‌برداری از معادن

گرفتن امتیاز و اجاره‌کردن برخی از خدمات دوایر دولتی، نوع دیگری از فعالیت‌های اقتصادی تجار در سال‌های بحران‌زده پس از جنگ اول جهانی بود. در این دوران و به‌ویژه در دوران رئیس‌الوزرای رضاخان، تجار به گرفتن امتیاز از دولت بیشتر رغبت نشان می‌دادند. شرکت اتحادیه در فاصله سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۴۵ ق/ش ۱۳۰۲-۱۳۰۵ ش طی مکاتباتی با وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه، درخواست کرد تا امتیاز کارخانه‌های چراغ‌برق قم، بارفروش مازندران، سلطان‌آباد عراق عجم، قزوین، همدان و زنجان به او واگذار شود؛ تا این‌که بالاخره امتیاز انحصاری کارخانه چراغ‌برق در ۱۱ مهر ۱۳۰۴/۱۳ کتبر ۱۹۲۵ به این شرکت واگذار شد. امتیاز انحصاری کارخانه در ۲۳ ماده تنظیم شد و بین دولت ایران و حاج‌رحیم منعقد شد. مدت این امتیاز بین ۱۰ تا ۲۰ سال بود و در صورتی که امتیازگیرنده تا یک سال پس از انعقاد قرارداد نمی‌توانست آن را دایر کند امتیاز از درجه اعتبار ساقط می‌شد. امتیازگیرنده موظف بود یک‌دهم از درآمد خالص کارخانه را به وزارت فواید عامه بپردازد. فروش و واگذاری این امتیاز به اتباع بیگانه ممنوع بود. در صورت ادامه تخلف



صاحب امتیاز بعد از دو بار تذکر، امتیاز لغو می‌شد (آ.ا.ت، سند ش ۳۸).

با فراهم شدن زمینه‌های فعالیت بیشتر برای تجار، سرمایه‌گذاری در حوزه معادن و خدمات دولتی نیز گسترش یافت. حاج‌رحیم اتحادیه در بهره‌برداری از معادن زهرآباد و سماور مشارکت داشت. او با اداره کل معادن نمک طارمین علیا و سفلا درباره اجاره معادن زیتورآباد مکاتباتی کرده است (آ.ا.ت، سند ش ۳۹ و ۴۰). هم‌چنین معین‌التجار به او پیشنهاد کرد تا امتیاز مالیات کردستان را به‌طور شراکت به‌دست آورند (آ.ا.ت، سند ش ۴۱). حاج‌رحیم اتحادیه دخانیات کردستان را نیز اجاره کرد. او درازای پرداخت ۱۴۱ هزار تومان، اداره دخانیات کردستان را به‌مدت سه سال از اول جدی ۱۲۹۸ خورشیدی از دولت اجاره کرد (آ.ا.ت، سند ش ۴۲). در اول میزان ۲۳/۱۲۹۹ سپتامبر ۱۹۲۰ در اثر گزارش اداره‌های دولتی مبنی بر این‌که اجاره دخانیات به‌ضرر دولت است، برحسب تصویب‌نامه دولتی به تاریخ ۲۷ سنبله ۱۸/۱۲۹۹ سپتامبر ۱۹۲۰ واگذاری اجاره دخانیات در سراسر کشور لغو شد. در پی لغو امتیاز اجاره‌داری دخانیات کردستان، حاج‌رحیم اتحادیه به دولت اعتراض کرد و به‌دنبال آن اختلاف‌های مالی او با وزارت مالیه آغاز شد. حاج‌رحیم در نامه‌ای به ریاست وزراء، عملکرد دولت ایران را با دولت‌های اروپایی قیاس کرد و به انتقاد پرداخت. او در این نامه به لزوم اعتبار دولت و اعتماد به آن اشاره کرد و این‌گونه اعمال را موجب آن دانست که دیگر تاجر ایرانی وارد «معاملات دولتی» نشود (آ.ا.ت، سند ش ۴۳). اتحادیه بارها از واژه‌هایی چون «وضع قانون»، «حدود قانون»، «مجسمه قانون» و «قانون‌طلبی» استفاده کرد و در نامه‌های بعدی از دولت خواست که لااقل این ماجرا را «مطابق عدالت» خاتمه دهد (آ.ا.ت، سند ش ۴۴). طلب‌های وزارت مالیه، رسیدن موعد پرداخت قسط سوم اجاره و نیز لغو امتیاز اجاره دخانیات به‌طور هم‌زمان، موجب اختلال مالی در کار شرکت اتحادیه شد و به شکایت اتحادیه به مراجع قانونی انجامید. کشمکش حاج‌رحیم اتحادیه و وزارت مالیه و اداره دخانیات طی سال‌های متمادی ادامه یافت تا بالاخره با اعلام حکم نهایی در ۳ دی ۱۳۱۱/۲۴ دسامبر ۱۹۳۲، اجرای اجاره دخانیات خاتمه یافت (اتحادیه، ۱۳۷۷، صص ۴۰۱-۴۲۰).

این‌گونه امتیازها به‌دلایل متعدد در عمل با موفقیت همراه نبودند. در ساختار فاسد اداری و دیوانی، دولت مردان توقع داشتند که امتیازگیرنده درصدی از درآمد خود را به آن‌ها بپردازد. علاوه بر آن حسادت‌های صنفی و کارشکنی رقبای نیز امکان فعالیت بی‌دغدغه را دشوار می‌کرد.

گفتنی است که براساس اسناد موجود شرکت اتحادیه، این شرکت در جریان‌های سیاسی قبل و بعد از جنگ جهانی اول و قدرت‌گیری رضاخان فعال نبوده‌است. تنها ردپای موجود این شرکت در امور سیاسی ذکر نام حاج‌رحیم اتحادیه در بین اسامی تجاری است که در مراسم جشن تاج‌گذاری رضاشاه شرکت کرده‌اند (آ.ا.ت، سند ش ۴۵). شرکت اتحادیه با فوت حاج‌رحیم در سال ۱۳۱۳ ش/ ۱۹۳۴ م عملاً به فعالیت‌های خود پایان داد. درواقع نسل پس از حاج‌رحیم اتحادیه از فرهنگ تجاری و سنتی بازار فاصله گرفتند و بیشتر برای تحصیل به خارج از کشور رفتند.

۸. نتیجه

شرکت اتحادیه در زمره شرکت‌های بزرگی بود که از امور صرافی در دهه‌های پیش از مشروطیت آغاز کرد و در ادامه با گسترش فعالیت خود به تجارت، صنعت، زمین‌داری، اجاره‌داری، معدن‌داری و گرفتن امتیاز از دولت هم پرداخت. این شرکت با وجود فراز و فرودهای متعدد سیاسی، اجتماعی و چالش‌های بسیاری که در مسیر فعالیت خود داشت، توانست در دوران پس از مشروطه خود را حفظ کند و از بحران‌های متعدد مالی و اقتصادی سال‌های جنگ جهانی اول نیز گذر کند. اوج فعالیت این شرکت در دوران حاج‌رحیم اتحادیه بود. این شرکت هرچند در آغاز با صرافی شروع به کار کرد، ولی با گسترش کار خود در تهران به تدریج حوزه فعالیت خود را متنوع و گسترده کرد. مهارت مرد قدرتمند این شرکت (حاج‌رحیم) در امر صرافی او را در فعالیت‌های تجاری موفق کرد. صاحبان این شرکت در امور سیاسی چندان فعال نبودند که این می‌تواند به پیشینه صرافی آن‌ها مرتبط باشد. بدیهی است که بررسی دیگر شرکت‌های تجاری این دوران می‌تواند به ابعاد گوناگون تاریخ اقتصادی ایران یاری رساند.

منبع

اسناد

آرشیو خصوصی شرکت اتحادیه (آ.ا.ت)

ش ۱: از بانک شاهنشاهی به حاج‌رحیم اتحادیه، ۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۳۶، پرونده مربوط به نامه‌های سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۳۶ ه.ق.

ش ۲: صورت‌جلسه‌ای با رئیس بانک شاهنشاهی و وزیر مالیه، ۱۶ دی ۱۳۰۷.

ش ۳: از حاج‌عبدالرضا اصفهانی به حاج‌رحیم اتحادیه، ۲۶ جمادی‌الاول ۱۳۴۰، نامه‌های سال ۱۳۴۰ ه.ق.

ش ۴: نامه شرکت اتحادیه به کمپانی مسعودیه، ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۱۶، نمره ۲۴/۱.



- ش ۵: نامه شرکت اتحادیه به کمپانی محمودیه، ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۱۷، نمره ۱۶/۱۰۱.
- ش ۶: نامه حاج ابراهیم انطیقه‌چی به حاج رحیم اتحادیه، استانبول، ۴ ذی‌حجه ۱۳۳۹.
- ش ۷: نامه میرزا علی اکبر اسماعیل زاده، استانبول، ۱۹ ذی‌حجه ۱۳۳۹.
- ش ۸: محمد تقی افشار به حاج رحیم اتحادیه، بمبئی، ۲۲ رجب ۱۳۴۵.
- ش ۹: حاج محمد کازرونی به رحیم اتحادیه، بمبئی، ۱۵ رجب ۱۳۵۰.
- ش ۱۰: عبدالحسین کازرونی به رحیم و لطف‌علی اتحادیه، ۳۱ رمضان ۱۳۳۹.
- ش ۱۱: کازرونی به اتحادیه، بمبئی، ۶ رمضان ۱۳۴۰.
- ش ۱۲: کازرونی به اتحادیه، بمبئی، ۵ صفر ۱۳۴۱.
- ش ۱۳: حاج فتح‌الله فتحی به حاج رحیم و حاج لطف‌علی اتحادیه، بمبئی، ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۹.
- ش ۱۴: عبدالحسین کازرونی به اتحادیه، بمبئی، ۲ جمادی‌الاول ۱۳۴۰.
- ش ۱۵: حاج محمد علی به حاج رحیم اتحادیه، تهران، ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۴۰.
- ش ۱۶: عبدالحسین کازرونی به اتحادیه، بمبئی، ۹ ربیع‌الاول ۱۳۴۰.
- ش ۱۷: نامه سفارت ایتالیا به حاج رحیم آقا اتحادیه، ۹ ژانویه ۱۹۱۳.
- ش ۱۸: قرارداد مابین حاج رحیم اتحادیه و کمپانی لیمیتد چرچیل، ۱۲ صفر ۱۳۳۲/۱۰ ژانویه ۱۹۱۴.
- ش ۱۹: سید محمد تقی امین‌التجار و پسر به حاج رحیم اتحادیه، ۶ ذی‌حجه ۱۳۴۶.
- ش ۲۰: سید محمد تقی امین‌التجار به حاج رحیم اتحادیه، ۷ ذی‌قعدة ۱۳۴۶.
- ش ۲۱: علی نمازی به حاج رحیم اتحادیه، اول رمضان ۱۳۴۶.
- ش ۲۲: مجموعه نامه‌های امین‌التجار به حاج رحیم اتحادیه، ۷ ذی‌قعدة ۱۳۴۶ و ۶ ذی‌حجه ۱۳۴۶، (مجموعه نامه‌های سال ۱۳۴۶ ق).
- ش ۲۳: قرارداد مابین حاج رحیم اتحادیه، و آقامشهدی اکبر و آقامطلب (تاجران زنجان)، ۱۹ شوال ۱۳۳۸.
- ش ۲۴: حاج یوسف قزوینی به حاج رحیم اتحادیه، نمره ۴۶۵، ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۴۰.
- ش ۲۵: حاج یوسف قزوینی به حاج رحیم اتحادیه، نمره ۴۷۶، ۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۴۰.
- ش ۲۶: علی اتحادیه به حاج رحیم اتحادیه، ۲۰ نوامبر ۱۹۲۶.
- ش ۲۷: وزارت فواید عامه به حاج رحیم اتحادیه، ۲۷ بهمن ۱۳۰۵.
- ش ۲۸: علی اکبر صراف به حاج لطف‌علی صراف، نمره ۱۰، ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۱۶.
- ش ۲۹: نامه‌های امجدالسلطان در خصوص املاک حاج رحیم اتحادیه در ینگه‌امام، ۲۲ مرداد ۱۳۱۰، ۹ مهر ۱۳۱۰، ۲۵ مهر ۱۳۱۰.
- ش ۳۰: حکم دادگاه استیناف در خصوص دعاوی حاج رحیم اتحادیه و فرمانفرما، ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۴۹.
- ش ۳۱: نامه حاج رحیم به اداره ثبت، ۸ رجب ۱۳۴۴.
- ش ۳۲: نامه علی اکبر صراف به حاج لطف‌علی صراف، ۴ جمادی‌الاول ۱۳۱۶.

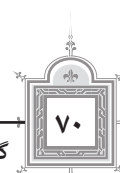
۱. عتیقه‌چی: عتیقه‌خر. انتیقه (antika): عتیقه، کهنه و به‌دردنخور. فرهنگ سخن این واژه را از فرم ترکی واژه فرانسوی antique تلقی کرده‌است.

- ش ۳۳: گزارش مباشر اتحادیه از عملکرد زارعان، اول شهریور ۱۳۱۱.
- ش ۳۴: سواد حکم استیناف شکایت حاج رحیم آقا اتحادیه از میرزا حسن خان مستوفی الممالک درخصوص ادعای ۴ دانگ قریه فرحزاد، ۲۹ مرداد ۱۳۰۸.
- ش ۳۵: از حاج آقا کوچصفهانی به حاج رحیم اتحادیه، ۸ ذی قعدة ۱۳۴۷، (از مجموعه نامه‌های سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۴۷ ه.ق).
- ش ۳۶: احمد تفرشی به حاج رحیم اتحادیه، ربیع الثانی ۱۳۳۷.
- ش ۳۷: وکالت‌نامه رسمی به سید ابوالفضل خان، ۲۸ تیر ۱۳۱۳.
- ش ۳۸: امتیاز انحصاری کارخانه چراغ برق، ۱۱ مهر ۱۳۰۴.
- ش ۳۹: مشارکت در بهره‌برداری از معادن زهرآباد و سماور، ۱۲ جدی ۱۳۰۲.
- ش ۴۰: گزارش حسین از معادت زیتورآباد، درخصوص شورش یاغیان و ادعای مالکیت معادن، ۲۶ ثور ۱۳۰۳.
- ش ۴۱: از معین‌التجار به حاج رحیم اتحادیه، ۱۹ جدی ۱۲۹۸.
- ش ۴۲: اجاره‌نامه بین وزارت مالیه و حاج رحیم اتحادیه، نمرة ۳۲۹۷۱/۹۰۵، اول جدی ۱۲۹۷.
- ش ۴۳: حاج رحیم اتحادیه به ریاست وزرا، ۲۲ صفر ۱۳۳۹.
- ش ۴۴: حاج رحیم اتحادیه به ریاست وزرا، ۲۸ محرم ۱۳۳۹.
- ش ۴۵: اسامی تجار شرکت‌کننده در جشن تاج‌گذاری رضاشاه، [بی‌تا].

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

اسناد نخست‌وزیری:

- ۱: ریاست وزرا به حاج‌امین‌الضرب، ۲۹ فروردین ۱۳۰۴، ۴۴-۷۸۴.
- ۲: از شرکت اتحادیه به ریاست وزرا، ۱۰ ذی قعدة ۱۳۴۲، نمرة ۴/۹-۵۰.
- ۳: از ریاست وزرا به لیانازوف، بابت طلب تجارت‌خانه از دیویزیون قزاق، ۸ جمادی‌الآخر ۱۳۳۹، نمرة ۷۸۴۰.
- ۴: از فرمانده قشون گیلان به ریاست وزرا، ۶ نوامبر ۱۹۲۰، نمرة ۵۰۶.
- ۵: از حاج رحیم به ریاست وزرا، ۴ صفر ۱۳۴۰، نمرة ۱۱۷۴۹.
- ۶: از وزارت فلاحت به ریاست وزرا، ۱۷ حوت ۱۳۰۱، نمرة ۸۰۸۱.
- ۷: از اتحادیه به ریاست وزرا، ۱۰ ذی قعدة ۱۳۴۳، نمرة ۳۸۳۳۰.
- ۸: از وزارت فواید عامه به ریاست وزرا، ۲۴ ثور ۱۳۳۹، نمرة ۵۴۹۶.
- ۹: از لیانازوف به ریاست وزرا، ۱۶ مارس ۱۹۲۱، نمرة ۱۲۸۴۰.
- ۱۰: از وزارت فواید عامه به معین‌التجار، ۱۷ عقرب ۱۳۳۸.



کتاب

اتحادیه، منصوره؛ روحی، سعید. (۱۳۹۵). *صرافی و صراف‌ها: منتخبی از اسناد حاج رحیم اتحادیه*. تهران: تاریخ ایران.

تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران (۱۳۰۷-۱۳۳۷). [بی تا]. تهران.

ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۸۴). *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*. تهران: تاریخ ایران.

جمال‌زاده محمدعلی. (۱۳۳۵). *گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران*. برلین.

مجموعه مقاله

اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۷ الف). «فهرست سیاه ایران در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴م-۱۹۱۸م)». چاپ شده در

کتاب: *اینجا طهران است... مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۴۴-۱۲۶۹ ه.ق*. تهران: تاریخ ایران.

اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۷ ب). «ماجرای اجاره مالیات توتون و تنباکوی کردستان در ۱۳۳۳ ه.ق». چاپ شده

در کتاب: *اینجا طهران است... مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۴۴-۱۲۶۹ ه.ق*. تهران: تاریخ ایران.

اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۷ ج). «مسائل صرافی از خلال سطور نامه‌های یک صراف». چاپ شده در کتاب:

اینجا طهران است... مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۴۴-۱۲۶۹ ه.ق. تهران: تاریخ ایران.

روزنامه

حبل‌المتین، سال ۲۲، ش ۲۱، ربیع‌الاول ۱۳۳۲.

منبع لاتین

Picot, H. (1897). *Biographical Notices of Members of the Royal Family, Notables, Merchants and Clergy*. London.

English Translation of References

Documents

Ārshiv-e xosusi-ye šerkat-e Ettehādieh (Ār. E. T) (Ettehadieh company Private Archive):

No. 1: “*Az Bānk-e Šāhanšāhi be Hāj Rahim-e Ettehādieh*” (From the Imperial Bank of Persia to Haj Rahim Ettehadieh), 13 Dhu Al Qāda 1336 AH (20 August 1918 AD), “*Parvande-ye marbut be nāme-hāye sāl-hā-ye 1331-1336 AH*” (The file re-



lated to the letters of the years 1913-1918 AD).

- No. 2: *“Surat jalase-ee bā ra’ces-e bank-e Šāhanšāhi va vazir-e mālieh”* (Minutes with the president of the Imperial Bank of Persia and the Minister of Finance), 16 Dey 1307 / 6 January 1929.
- No. 3: *“Az HājAbd-or-Rezā Esfahāni be Hāj Rahim-e Ettehādieh”* (From Haj Abd Al-Reza Esfahani to Haj Rahim Ettehadiéh), 26Jumada Al Ula 1340 / 25 January 1922, “Nāme-hā-ye sāl-e 1340 AH” (Letters of the year 1922 AD).
- No. 4: *“Nāme-ye šerkat-e Ettehādieh be kompāni-ye Mas’udieh”* (A letter from Ettehadiéh company to Mas’oudieh company), 7Jumada al-thani 1316 / 23 October 1898, no. 16/24.
- No. 5: *“Nāme-ye šerkat-e Ettehādieh be kompāni-ye Mahmudieh”* (The letter from Ettehadiéh company to Mahmpudieh company), 17 Dhu Al Qāda 1317 / 19 March 1900, no. 16/101.
- No. 6: *“Nāme-ye HājEbrāhim-e Antiqe-či to Hāj Rahim Ettehādieh”* (A letter from Haj EbrahimAntighechi to Haj Rahim Ettehadiéh), Istanbul, 4Dhu al-Hijjah 1339 / 9August 1921.
- No. 7: *“Nāme-ye Mirzā Ali Akbar-e Esmā’eel-zādeh”* (A letter from Mirza Ali Akbar Esmāeelzadeh), Istanbul, 19Dhu al-Hijjah 1339 / 24 August 1921.
- No. 8: *“MohammadTaqi Afšār be Hāj Rahim-e Ettehādieh”* (Mohammad TaghiAfshar to Haj Rahim Ettehadiéh), Mumbai, 22 Rajab 1345 / 26 January 1927.
- No. 9: *“Hāj Mohammad-e Kāzeruni be Rahim-e Ettehādieh”* (Haj Mohammad Kazerouni to Rahim Ettehadiéh), Mumbai, 15 Rajab 1350 / 26 November 1931.
- No. 10: *“Abd-ol-Hossein-e Kāzeruni be Rahim vaLotf-Ali-ye Ettehādieh”* (Abd Al-Hossein Kazerouni to Rahim and Lotf Ali Ettehadiéh), 31 Ramadan 1339 / 8 June 1921.
- No. 11: *“Kāzeruni be Ettehādieh”* (Kazerouni to Ettehadiéh), Mumbai, 6 Ramadan 1340 / 3 May 1922.
- No. 12: *“Kāzeruni be Ettehādieh”* (Kazerouni to Ettehadiéh), Mumbai, 5 Safar 1341 / 27 September 1922.
- No. 13: *“HājFathollāh-e Fathi be Hāj Rahim va HājLotf-Ali-ye Ettehādieh”* (Haj



- FathollahFathi to Haj Rahim and Haj Lotf Ali Ettehadieh), Mumbai, 5 Rabi' al-thani 1339 / 17 December 1920.
- No. 14: "*Abd-ol-Hossein-e Kāzeruni be Ettehādieh*" (Abd Al-Hossein Kazerouni to Ettehadieh), Mumbai, 2Jumada al-awwal 1340/ 1 January 1922.
- No. 15: "*Hāj Mohammad Ali be Hāj Rahim-e Ettehādieh*" (Haj Mohammad Ali to Haj Rahim Ettehadieh), Tehran, 12Jumada al-awwal 1340 / 11 January 1922.
- No. 16: "*Abd-ol-Hossein-e Kāzeruni be Ettehādieh*" (Abd Al-Hossein Kazerouni to Ettehadieh), Mumbai, 9Rabi' al-awwal 1340 / 10 November 1921.
- No. 17: "*Nāme-ye sefārat-e Itāliā be Hāj Rahim ĀqāEttehādieh*" (A letter from the embassy of Italy to Haj Rahim Agha Ettehadieh), 9 January 1913.
- No. 18: "*Qarārdādmā-bein-e Hāj Rahim-e Ettehādievakompāni-ye limited-e Čerčil*" (The contract between Haj Rahim Ettehadieh and Churchill limited company), 12 Safar 1332 / 10 January 1914.
- No. 19: "*Seyyed Mohammad Taqi-ye Amin-ot-Tojjārvapesar be Hāj Rahim-e Ettehādieh*" (Seyyed Mohammad Taghi Amin Al-Tojjar and his son to Haj Rahim Ettehadieh), 6Dhu al-Hijjah 1346 / 26 May 1928.
- No. 20: "*Seyyed Mohammad Taqi-ye Amin-ot-Tojjār be Hāj Rahim-e Ettehādieh*" (Seyyed Mohammad Taghi Amin Al-Tojjar to Haj Rahim Ettehadieh), 7Dhu Al Qa'da 1346 / 27 April 1928.
- No. 21: "*Ali Namāzi be Hāj Rahim-e Ettehādieh*" (Ali Namazi to Haj Rahim Ettehadieh), 1 Ramadan 1346 / 22 February 1928.
- No. 22: "*Majmu'enāme-hā-ye Amin-ot-Tojjār be Hāj Rahim-e Ettehādieh*" (Collections of Amin Al-Tojjar's letters to Haj Rahim Ettehadieh), 7Dhu Al Qa'da 1346 / 27 April 1928, and 6 Dhu al-Hijjah1346 / 26 May 1928, "Majmu'enāme-hā-ye sāl-e 1346 AH" (Letter collections in the year 1928).
- No. 23: "*Qarārdād mā-bein-e Hāj Rahim-e Ettehādieh, va ĀqāMašhadi Akbar va ĀqāMotalleb: Tājerān-e Zanjāni*" (The contract between Haj Rahim Ettehadieh, and Agha Mashhadi Akbar and Agha Motalleb: Zanjani merchants), 19Shawwal 1338 / 6 July 1920.
- No. 24: "*HājYusof-e Qazvini be Hāj Rahim-e Ettehādieh*" (Haj YousofGhazvini to



- Haj Rahim Ettehadieh), no. 465, 23Jumada al-awwal 1340 / 22 January 1922.
- No. 25: *“HājYusof-e Qazvini be Hāj Rahim-e Ettehādīeh”* (Haj YousofGhazvini to Haj Rahim Ettehadieh), no. 476, 27Jumada al-awwal 1340 / 26 January 1922.
- No. 26: *“Ali Ettehādīeh be Hāj Rahim Ettehādīeh”* (Ali Ettehadieh to Haj Rahim Ettehadieh), 20 November 1926.
- No. 27: *“Vezārat-e favāyed-e āmmeh be Hāj Rahim-e Ettehādīeh”* (Ministry of Public Works to Haj Rahim Ettehadieh), 27 Bahman 1305 / 17 February 1927.
- No. 28: *“Ali Akbar-e Sarrāf be HājLotf-Ali-ye Sarrāf”* (Ali Akbar Sarraf to Haj Lotf Ali Sarraf), no. 10, 24Rabi ‘Al-Awal 1316 / 12 August 1898.
- No. 29: *“Nāme-hā-ye Amjad-os-Soltān dar xosus-e amlāk-e Hāj Rahim-e Ettehādīeh dar Yengeh-Emām”* (Amjad Al-Soltan’s letters on Haj Rahim Ettehadieh’s properties in YengehEmam), 22 Mordād 1310 / 14 August 1931, 9 Mehr 1310 / 2 October 1931, 25 Mehr 1310 / 18 October 1931.
- No. 30: *“Hokm-e dādgāh-e estīnāf dar xosus-e da’āvi-ye Hāj Rahim-e Ettehādīeh va Farmān-farmā”* (Judgment of the Court of Appeals regarding the lawsuits of Haji RahimEttehadieh and Farmanfarma), 19Jumada al-awwal 1349 / 12 October 1930.
- No. 31: *“Nāme-ye Hāj Rahim be Edāre-ye Sabt”* (Haj Rahim’s letter to registry office), 8 Rajab 1344 / 22 January 1926.
- No. 32: *“Nāme-ye Ali Akbar-e Sarrāf be HājLotf-Ali-ye Sarrāf”* (Ali Akbar the banker’s letter to Haj Lotf Ali the banker), 4Jumada al-awwal 1316 / 20 September 1898.
- No. 33: *“Gozāreš-e mobāšer-e ettehādīeh az amalkard-e zāre’ān”* (The report of the Ettehadieh’s steward on farmers’ performance), 1 Šahrivar 1311 / 23 August 1932.
- No. 34: *“Savād-e hokm-e estīnāf-e šekāyat-e Hāj RahimĀqā Ettehādīeh az MirzāHasan Xān-e Moštowfi-ol-Mamālek dar xosus-e edde’ā-ye čahār dāngq ary-ye Farahzād”* (The transcript of Haj Rahim Agha Ettehadieh’slawsuit against Mirza Hassan Khan Mostowfi Al-Mamalek regarding the claim of 4 shares offarahzad village), 29 Mordād 1308 / 20 August 1929.
- No. 35: *“Az HājĀqāKuč-Esfahāni be Hāj Rahim-e Ettehādīeh”* (From Haj Agha



- Kouchesfahani to Haj Rahim Ettehadieh), 8Dhu Al Qa'da 1347 / 18 April 1929), "Azmajmu'ênāme-hā-ye sāl-hā-ye 1345-1347 AH" (From the letter collections in the years 1927-1929).
- No. 36: "*Ahmad Tafreshi be Hāj Rahim-e Ettehādīeh*" (Ahmad Tafreshi to Haj Rahim Ettehadieh), Rabi' al-thani 1337 / January 1919.
- No. 37: "*Vekālat-nāme-ye rasmi be Seyyed Abolfazl Xān*" (Official power of attorney to Seyyed Abolfazl Khan), 28 Tir 1313 / 19 July 1934.
- No. 38: "*Emtiāz-e enhesāri-ye kārkhāne-ye čerāq-e barq*" (The concession of electric lamp factory), 11 Mehr 1304 / 3 October 1925.
- No. 39: "*Mošārekat dar bahre-bardāri az ma'āden-e Zohrābād va Samāvar*" (Partnership in the exploitation of Zohrabad and Samavar mines), 12 Jiddy 1298 / 3 January 1920.
- No. 40: "*Gozāreš-e Hossein az ma'āden-e Zeitourābād, dar xosus-e šureš-e yāqīān va edde'ā-ye mālekiat-e ma'āden*" (Hossein's report on the Ziturabad mines, regarding the insurgents' uprising and the ownership claim of the mines), 26 Thur 1303 / 16 May 1924.
- No. 41: "*Az Mo'een-ot-Tojjār be Hāj Rahim-e Ettehādīeh*" (From Mo'een Al-Tojjar to Haj Rahim Ettehadieh), 19 Jiddy 1298 / 10 January 1920.
- No. 42: "*Ejāre-nāmebein-e vezārat-e mālieh va Hāj Rahim-e Ettehādīeh*" (Lease between the Ministry of Finance and Haj Rahim Ettehadieh), no. 32971/905, 1 Jiddy 1297 / 23 December 1918.
- No. 43: "*Hāj Rahim-e Ettehādīeh be riāsat-e vozarā*" (Haj Rahim Ettehadieh to the Prime Minister), 22 Safar 1339 / 5 November 1920.
- No. 44: "*Hāj Rahim-e Ettehādīeh be riāsat-e vozarā*" (Haj Rahim Ettehadieh to the Prime Minister), 28 Moharram 1339 / 12 October 1920.
- No. 45: "*Asāmi-ye tojjār-e šerkat-konandeh dar jašn-e tāj-gozāri-ye Rezā Šāh*" (Name list of the merchants participating in Reza Shah's coronation ceremony), (n. d.). [Persian]
- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran)



“Asnād-e noxost-vaziri” (Prime Ministerial documents):

1. “*Riāsat-e vozarā be Hāj Amin-oz-Zarb*” (Prime Minister to Haj Amin Al-Zarb), 29 Farvardin 1304 / 18 April 1925, 784-44.
2. “*Az šerkat-e Ettehādieh be riāsat-e vozarā*” (From Ettehādieh company to the Prime Minister), 10Dhu Al Qaḍa 1304 / 13 June 1924, no. 4/9-50.
3. “*Az riāsat-e vozarābe Liānāzof, bābat-e talab-e tejārat-xānehaz division-e qazzāq*” (From the Prime Minister to Lyanazov, regarding the trading house’s loan to the Cossack Brigade), 8Jumada Al-Akhirah 1339 / 17 February 1921, no. 7840.
4. “*Az farmānde-ye qoṣun-e Gilān be riāsat-e Vozarā*” (From the commander of the Gilan army to the Prime Minister), 6 November 1920, no. 505.
5. “*Az Hāj Rahim be riāsat-e vozarā*” (From Haj Rahim to the Prime Minister), 4 Safar 1340 / 7 October 1921, no. 11749.
6. “*Az vezārat-e falāhat be riāsat-e vozarā*” (From the ministry of agriculture to the Prime Minister), 17 Hut 1301 / 9 March 1923, no. 8081.
7. “*Az Ettehādieh be riāsat-e vozarā*” (From Ettehādieh to the Prime Minister), 10Dhu Al Qaḍa 1343 / 2 June 1925, no. 38330
8. “*Az vezārat-e favāyed-e āmmeh be riāsat-e vozarā*” (From the ministry of public works to the Prime Minister), 24Thur 1339 / 14 May 1960, no. 5496.
9. “*Az Liānāzof be riāsat-e vozarā*” (From Lyanazov to the Prime Minister), 16 March 1921, no. 12840.
10. “*Az vezārat-e favāyed-e āmmeh be Mo’een-ot-Tojjār*” (From the ministry of public works to Mo’een Al-Tojjar), 17Aqrab 1338 / 9 November 1959.[Persian]

Books

- Ettehādieh, Mansoureh; & Rouhi, Saeed. (1395/2016). “*Sarrāfi va sarrāf-hā: Montaxabi az asnād-e Hāj Rahim-e Ettehādieh*” (Money exchange and bankers: A selection of Haj Rahim Ettehādieh’s documents). Tehran: Tārix-e Irān.[Persian]
- Jamalzadeh, Mohammad Ali. (1335/2005). “*Ganj-e Šāygān: Owzā’-e eqtesādi-ye Irān*” (The worthy treasure). Berlin. [Persian]



Picot, H. (1897). *Biographical notices of members of the royal family, notables, merchants and clergy*. London.

“*Tārix-čē-ye si-sāle-ye bank-e melli-ye Irān 1307-1337*” (A history of the first thirty years of Bank Melli Iran 1928 - 1958). (n. d.). Tehran.[Persian]

TorabiFarsani, Soheila. (1384/2005). “*Tojjār, mašrutiat va dowlāt-e modern*” (Merchants, constitutionalism and the modern state) (1st ed.). Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]

Documents

Ettehadieh, Mansoureh. (1377alef/1998a). “Fehrest-e siāh-e Irān dar jang-e jahāni-ye avval (1914-1918 AD)” (Iran’s blacklist in World War I (1914-1918)). In “*In jā Tehrān ast...: Majmu’e maqālātī darbāre-ye Tehrān, 1269-1344 AH*” (This is Tehran ...: A collection of articles about Tehran 1853-1925). Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]

Ettehadieh, Mansoureh. (1377be/1998b). “Mājarā-ye ejāre-ye māliāt-e tutun va tanbāku-ye Kordestān dar 1333 AH” (The account of renting the tobacco tax in Kurdistan in 1333 AH / 1915 AD). In “*In jā Tehrān ast...: Majmu’emaqālātī darbāre-ye Tehrān, 1269-1344 AH*” (This is Tehran ...: A collection of articles about Tehran 1853-1925). Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]

Ettehadieh, Mansoureh. (1377jim/1998c). “Masā’el-e sarrāfi az xelāl-e sotur-e nāme-hā-ye yek sarrāf” (Exchange issues as embodied between the lines of a banker’s letters). In “*In jā Tehrān ast...: Majmu’emaqālātī darbāre-ye Tehrān, 1269-1344 AH*” (This is Tehran ...: A collection of articles about Tehran 1853-1925). Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]

Newspapers

Habl-ol-Matin newspaper, year 22, issue number 21, Rabi ‘Al-Awal 1332 / February 1914.[Persian]



شهر	نام تاجر یا تجارت‌خانه مکاتبه‌کننده با حاج‌رحیم اتحادیه	تاریخ نامه‌های مکاتبه‌شده با اتحادیه
اصفهان	تجارت‌خانه حاجی فتح‌الله فتحی و خواجه اسدالله عصاۃ دزفولی	۲۴ شعبان ۱۳۳۹/۱۳۴۱
اصفهان	حاجی سید محمد تقی امین‌التجار	۲۶ محرم ۱۳۴۵/۲۰ محرم ۱۳۴۴
اصفهان و بمبئی	حاج سید محمد کازرونی و اولاد	۱۵ رجب ۱۳۵۰/۳۱ شهریور ۱۳۳۱
اهواز	حاجی فتح‌الله فتحی دزفولی و اخوان	۱۷ صفر ۱۳۴۰/۶ جمادی الاول ۱۳۴۲
بادکوبه	برادران کریم‌اف و ستاراف	۹ شوال ۱۳۴۳/۲۴ رمضان ۱۳۴۱
بوشهر	حاج میرزا غلام حسین کازرونی و اولاد	۱۰ جمادی الاول ۱۳۳۹/۲۸ ذی‌حجه ۱۳۴۲
تبریز	تجارت‌خانه حاج علی کمپانی	۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۴۵
تبریز	حاج یوسف قزوینی	۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۴۵
تهران	شرکت تجارتی (اولین کارخانه شیمی در ایران)	اول ماه مه ۱۹۲۷
تهران	حاج محمد قاسم طهرانی و پسران	(بی‌تا)
تهران	تجارت‌خانه برادران حاجی رسول وهاب‌زاده	۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۵۱
رشت	تجارت‌خانه حاجی محمد عبدالهیان اردبیلی	۶ جمادی‌الثانی ۱۳۴۸
رشت	تجارت‌خانه محمد باقر جورابچی و برادران	۱۳۱۲/۶/۲۵ (نامه تسلیت فوت حاج‌رحیم)
شیراز	محمد امین‌التجار شیرازی	۲۲ رمضان ۱۳۴۵
شیراز	حاج میرزا محمد رضا و میرزا محمد علی تاجران شیرازی	۳ رجب ۱۳۴۰
قزوین	حاج سید مصطفی اصفهانی رضوی	مکاتباتی در سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ قمری
کرمان	تجارت‌خانه احمد دیلمقانی	۳ رمضان ۱۳۴۳
کاشان	تجارت‌خانه حاجی آقا تقی کاشانی	۲۰ شوال ۱۳۴۳
لاهیجان	حاج میرهاشم کهنوبی	۹ جمادی‌الثانی ۱۳۵۳
مشهد	حاج محمد حسین تبریزی	مجموعه مکاتباتی در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۰ قمری
همدان	حاج محمد نراقی و پسران	۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۴۶
یزد/بمبئی	افشار یزد/محمد تقی افشار	۱۴ محرم ۱۳۴۰/۲۲ رجب ۱۳۴۵/۶ بهمن ۱۳۰۵
یزد/بمبئی	کمپانی ارامیان	۱۶ اوت ۱۸۹۹
یزد/بمبئی	تجارت‌خانه شرکت/هنچیان	۱۳۱۳/۱۲/۱

جدول ۱

(اطلاعات جدول از مجموعه نامه‌های موجود در آرشیو اتحادیه استخراج شده است)



Failure of Development Programs in Kurdistan Province of Iran (1949-1973)

Seyed Asghar Aghamirzaee¹ | Manizheh Sadri² | Ismail Hassanzadeh³ | Mansoor Heyderi⁴

Abstract:

Purpose: To investigate social and economic development programs undertaken in Kurdistan province over the course of 25 years.

Method and Research Design: Archival documents and library materials were consulted to gather data for this study.

Finding and Conclusion: Five development did not achieve goals. By the end of the 4th development plan literacy rate in Kurdistan remained 22% in rural and 52% in urban areas. With regard to medical services, access to clean water, public spaces in urban areas, roads, telecommunications, balanced development of industry and agriculture, living standards Kurdistan were poor. However, the plans caused change in the relation between the government and citizens. Through educational and economic programs, the regime increased its influence in rural areas and made the population more dependent.

Keywords: Development plans; economic development; social development; Kurdistan province (1949-1973).

Citation: Aghamirzaee, Seyed Asghar., Sadri, M., Hassanzadeh, I., heyderi, M. (2020). Failure of Development Programs in Kurdistan Province of Iran (1949-1973). *Ganjine-ye Asnad*, 30(3), 80-103. doi: 10.22034/ganj.2020.2578

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. PhD Student of History,
Department of History, Shabestar
Branch, Islamic Azad University,
Shabestar, I. R. Iran

aghamirzaee711@gmail.com

2. Assistant Professor, Department
of History, Shabestar Branch, Islamic
Azad University, Shabestar, I. R.
Iran, (Corresponding Author)

msadri@iaushab.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of
History, Faculty of literature, Alzahra
University, Tehran, I. R. Iran
e.hassanzadeh@alzahra.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of
Education, Hamedan University of
Medical Sciences, Hamedan, I. R. Iran
mansoor.hidary@yahoo.com

Copyright © 2020, NLAI (National
Library & Archives of I. R. Iran).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«119»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2020.2578

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 3, Autumn 2020 | pp: 80- 103 (24) | Received: 16, Jan. 2019 | Accepted: 28, Apr. 2019

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

ناکامی برنامه‌های توسعه در استان کردستان (۱۳۲۷-۱۳۵۲)

سیداصغر آقامیرزایی^۱ | منیژه صدری^۲ | اسماعیل حسن‌زاده^۳ | منصور حیدری^۴

چکیده:

هدف: بررسی تغییرات اجتماعی و اقتصادی بعد از اجرای برنامه‌های توسعه برنامه‌محور در استان کردستان (۱۳۲۷-۱۳۵۲ ش).

روش/ رویکرد پژوهش: داده‌های این پژوهش از مدارک آرشیوی و کتابخانه‌ای به دست آمده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: اهداف پیش‌بینی شده از اجرای این برنامه‌ها محقق نشد. از جمله در پایان اجرای برنامه چهارم توسعه در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی کردستان، میزان باسواد در روستاها به ۲۲ درصد و در شهرها به ۵۲ درصد رسید. با بررسی این برنامه‌ها در زمینه‌های بهداشت و درمان و خدمات پزشکی، آب آشامیدنی، ایجاد فضای شهری، شبکه ارتباطات (راه‌ها، مخابرات)، و رشد متوازن بین صنعت و کشاورزی، و بهبود ارتقای استانداردهای لازم برای زندگی، اقداماتی که به تحولات بنیادین منجر شود و چهره استان کردستان را تغییر دهد دیده نمی‌شود؛ ولی در نمای کلی اجرای برنامه‌ها سبب تغییر در رابطه دولت و شهروندان شد و با اجرای برنامه‌های آموزشی و اقتصادی، حاکمیت نفوذ خود را در میان روستاییان افزایش داد و آن‌ها را به خود وابسته کرد.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌های عمرانی؛ راه و ارتباطات؛ تغییرات اقتصادی و اجتماعی؛ استان کردستان (۱۳۲۷-۱۳۵۲ ش).

استناد: آقا میرزایی، سید اصغر، صدری، منیژه، حسن‌زاده، اسماعیل، حیدری، منصور. (۱۳۹۹). ناکامی برنامه‌های توسعه در استان کردستان (۱۳۲۷-۱۳۵۲). *گنجینه اسناد*، ۳۰(۳)، ۸۰-۱۰۳. doi: ۱۰,۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰,۲۵۷۸

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران
aghamirzaee711@gmail.com
۲. استادیار تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران
msadri@iaushab.ac.ir
۳. دانشیار تاریخ، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
e.hassanzadeh@alzahra.ac.ir
۴. استادیار گروه معارف، دانشگاه علوم پزشکی، همدان، ایران
mansoor.hidary@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۱۹»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۰,۲۵۷۸

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۰، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۹ | صص: ۸۰-۱۰۳ (۲۴)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۸

مطالعات تاریخی

۱. مقدمه

پژوهش علمی در زمینه تاریخ تحولات اجتماعی کردستان در دوره پهلوی، بسیار اندک است. آثار پژوهشی درباره استان کردستان بیشتر مربوط به جنبش‌ها و اتفاقات ریزودرشت سیاسی و نظامی است. با وجود این که ریشه بسیاری از رویدادهای سیاسی و نظامی در تحولات اجتماعی نهفته است، ولی این موضوع در تاریخ‌نویسی کردستان مغفول مانده است. نبود مراکز معتبر علمی پژوهشی و دانشگاهی یکی از دلایل کم‌رنگ بودن پژوهش در زمینه تاریخ اجتماعی اقتصادی کردستان است. مهم‌ترین منبع ما در پژوهش حاضر اسناد آرشیوی است. دانستن این که تا ۱۳۴۵، تنها چهار کتاب‌خانه در استان کردستان وجود داشته است و تا ۱۳۵۲ دانشگاه و مرکز صنعتی و تولیدی مهمی در آن وجود نداشته است و دغدغه اصلی مردم بزرگ‌ترین شهر آن (سنندج) آب‌لوله‌کشی بوده است، به فهم تحولات سیاسی کمک خواهد کرد.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش درباره کردستان بیشتر در زمینه تاریخ سیاسی و نظامی انجام شده است.^۱ تنها منبع مربوط در زمینه تحولات اجتماعی کردستان مقاله مختاری و همکارانش است (مختاری و دیگران، ۱۳۹۶، صص ۶۴-۸۱). این مقاله به بررسی تحولات جمعیتی و دگرگونی کیفی آموزشی و جنسی شهر سنندج در بازه زمانی ۱۳۲۰-۱۳۵۷ ش پرداخته است. محدوده جغرافیایی مقاله مختاری به شهر سنندج محدود است؛ ولی پژوهش حاضر به کل استان پرداخته و تمرکز آن بر مؤلفه‌هایی متفاوت از مؤلفه‌های مقاله مذکور است.

دهه سی و چهل شمسی آغاز دوره نوسازی و رشد شهرنشینی در استان کردستان محسوب می‌شود. کردستان در تقسیمات سیاسی کشور، در ۱۳۳۷ از فرمانداری کل به استانداری ارتقا پیدا کرد؛ ولی ارتقای جایگاه کردستان در تقسیمات کشوری با توسعه همه‌جانبه آن همراه نبود و نتوانست امکانات بیشتری برای تغییر ساختارهای بنیادین آن جذب کند. درآمد سرشار نفت و وام‌های خارجی در دهه چهل، پشتوانه اجرایی برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی محمدرضا شاه بودند. در برنامه سوم توسعه (۱۳۴۱-۱۳۴۶) کشور از نظر الگوی برنامه‌ریزی موقعیتی متفاوت پیدا کرد؛ زیرا برنامه سوم توسعه اولین برنامه پنج‌ساله عمرانی بود. شاخص بارز برنامه سوم توسعه اجرای انقلاب سفید بود. برنامه‌های توسعه می‌بایست در جهت اهداف «انقلاب شاه و مردم» صورت می‌گرفتند. در کردستان هم مانند سایر استان‌های ایران انتظار می‌رفت که برنامه‌های توسعه عمرانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اجرا شوند و نمودهای عینی خود را به نمایش بگذارند.

۱. در این باره نگاه کنید به: قزاز، رمزی. (۱۳۸۱). تحلیل تاریخی و جامعه‌شناختی بر جنبش‌های سیاسی و فرهنگی کرد: از اواخر سده نوزدهم تا اواسط سده بیستم. (مسعود ایزدی، مترجم). تهران: آزاداندیشان؛ کلهو، محمد. (۱۳۸۳). زمینه‌های تاریخی بحران سیاسی در کردستان (از مشروطیت تا پایان جنگ جهانی اول). تهران: آنا؛ جلالی‌پور، حمیدرضا. (۱۳۷۲). کردستان: علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸-۱۳۷۰. تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات؛ زکی، محمدامین. (۱۳۴۵). کرد و کردستان. (دفتر تحقیقات و بررسی‌های سیاسی استانداری کردستان، مترجم). (بی‌جا): (بی‌نا).



۳. پرسش پژوهش

مهم‌ترین پرسش مقاله حاضر عبارت است از: اجرای برنامه‌های چهارگانه توسعه تا چه اندازه موجب تحولات بنیادین در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی در استان کردستان شد؟

۴. پرسش‌های فرعی

تحولات اجتماعی صورت گرفته در استان کردستان، از نظر کمی و کیفی به چه میزان بوده است؟
تحولات اجتماعی از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۲ چه تأثیری در تغییر سیمای شهری در کردستان داشت؟

برنامه‌های اقتصادی چه تأثیری در تحولات بنیادین در کردستان داشت؟
این مقاله بر آن است تا تحولات اجتماعی و اقتصادی صورت گرفته در کردستان بعد از اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی را در زمینه‌های (عمرانی، بهداشتی، مدیریت شهری، توسعه و بهبود راه‌های ارتباطی، گسترش آموزش عمومی، بالابردن سطح استانداردهای زندگی، و کشاورزی مکانیزه) ارزیابی کند.

۵. برنامه‌های توسعه اقتصادی و تحولات عمرانی

در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی به‌ویژه برنامه‌های توسعه سوم تا پنجم و براساس چشم‌انداز انقلاب شاه و مردم، پروژه‌های عمرانی و زیرساختی مانند ایجاد راه‌ها، خیابان‌ها، میدان‌ها پارک‌ها، و موارد مشابه به توسعه کالبد شهری منجر شد. این برنامه در روستاها با توزیع زمین‌های کشاورزی، گسترش شبکه ارتباطی راه‌ها، کشاورزی مکانیزه، بهداشت عمومی، و آموزش رسمی، همراه بود. نوسازی سبب تغییر اساسی در ساختار اعتقادات و ارزش‌های اجتماعی مردم می‌شود. جنبه‌های اصلی نوسازی، شهرنشینی، صنعتی شدن، دموکراسی، تعلیم و تربیت، و مشارکت رسانه‌ها در فرایند توسعه است (علم، ۱۳۹۳، ص ۵) که در نهایت به افزایش جمعیت در شهرها می‌انجامد و این افزایش جمعیت نیز می‌تواند در سرمایه‌گذاری عمرانی بیشتر دولت و بخش خصوصی در یک منطقه مؤثر باشد. در نوشتار حاضر، برای عینی‌ساختن پژوهش، تحولات عمرانی، اقتصادی و اجتماعی را در چند محور زیر از جمله راه‌های ارتباطی و خیابان‌سازی، آسفالت، فضا سازی، بهبود استانداردهای زندگی، گسترش آموزش و پرورش رسمی، و بهبود بهداشت و درمان بررسی کرده‌ایم.

از سال ۱۳۰۱ برای ساخت راه و بهره‌برداری از آن سازمانی بانام «اداره کل طرق و شوارع» در وزارت «فلاحت و تجارت و فوائد عامه» تشکیل شد. پیش از این دوره راه‌های ارتباطی کشور محدود بود. از این سال با دعوت از مهندسان و متخصصان راه‌سازی، احداث راه‌های شوسه برای حمل‌ونقل وسایل نقلیه آغاز شد. در این دوران عمده برنامه‌های دولت در بخش راه‌سازی در راه‌های بندر انزلی، قزوین، همدان، کرمانشاه و قصر شیرین متمرکز بود (احتشامی، ۱۳۸۱، ص ۲۷). در ۱۹ بهمن ۱۳۰۴ با تصویب لایحه‌ای در مجلس، دریافت باج راه در «راهدارخانه»ها ممنوع شد و مقرر شد از وزن غیرخالص صادرات و واردات کشور مالیاتی به نام مالیات راه دریافت شود و به این ترتیب میزان اعتبار سالانه برای راه‌سازی به پانزده میلیون ریال رسید. در اواخر اسفند ۱۳۰۸، قانون تأسیس وزارت طرق و شوارع در مجلس تصویب شد. با تأسیس وزارت طرق و شوارع کار راه‌سازی در ایران گسترش یافت. در ۱۳۱۵ش نام این وزارت‌خانه به وزارت راه و بعدها در ۱۳۵۲ به وزارت راه و ترابری تغییر یافت (احتشامی، ۱۳۸۱، ص ۲۸).

ایجاد ارتباط بین شهرستان‌ها و مراکز استان از وظایف اصلی وزارت راه بود. تا پایان برنامه چهارم توسعه (۱۳۵۲) حدود ۵۶,۰۰۰ کیلومتر راه آسفالت و ۱۱,۰۰۰ کیلومتر راه روستایی در کشور ساخته شد (پیشرفت‌های ایران در دوران برنامه عمرانی سوم، ۱۳۴۶، ص ۴)؛ ولی سهم استان کردستان در بخش راه روستایی و مناطق مرزی (به ویژه روستاهای مناطق مرزی) در حد صفر بود و راه‌های این استان همچنان مال‌رو باقی ماندند. در زمینه راه‌های ارتباطی شهرستان‌های استان با سنندج و سایر استان‌ها وضعیت ناامیدکننده بود. از جمله، راه‌های ارتباطی سنندج-همدان، سنندج-سقز، بیجار-گروس به استان همدان، بیجار-گروس به زنجان و بیجار-گروس به تکاب در آذربایجان غربی، سقز به بانه و سقز به مریوان همچنان شوسه باقی ماندند. در زمینه پل‌سازی هم فقط پل ارتباطی سنندج-کرمانشاه بر روی رودخانه قشلاق، پل صلوات آباد بر روی رودخانه قزل‌اوزن، پل ارتباطی دیوان‌دره-سنندج و پل‌های ارتباطی همدان-سنندج ساخته شدند.

۶. راه و راه‌سازی در کردستان

راه همواره مهم‌ترین مسئله عمرانی استان کردستان بوده است (ساکما، ۱۳۳۰/۲۹۰)؛ چون به علت کوهستانی بودن و رودخانه‌های پرآب، راه‌سازی در این استان همیشه با مشکل همراه بوده است. پیش از اجرای برنامه‌های توسعه، راه‌های بین شهری در کردستان شوسه و کم‌عرض و فاقد زیرسازی حداقلی بودند؛ اکثر روستاها هم راه فرعی نداشتند. طبق نامه شماره ۱۷۷/۴ / ۱۳۳۷/۱۲، هیئت دولت پس از ماجرای فرقه دموکرات، برای جلوگیری



از شورش و رفع احتمالی نیازمندی‌های ضروری و حیاتی استان هیئتی مرکب از کارمندان عالی‌رتبه چند وزارت‌خانه از جمله راه را برای تهیه گزارشی مستند به کردستان اعزام کرد. این هیئت با بازدید از شهرستان‌های مختلف کردستان گزارشی محرمانه از وضعیت و نیازهای منطقه تنظیم کرد. طبق گزارش «هیئت بررسی بهبود امور مناطق کردنشین از تاریخ ۱۳۳۷/۲/۷ تا ۱۳۳۷/۳/۱۵» بهترین راه این استان راه سنندج-همدان بود که سالی چهار ماه در گردنه معروف صلوات‌آباد مسدود بود. راه‌های بین‌شهری کردستان، برای مقاصد نظامی ساخته شده بودند و کیفیت لازم را نداشتند. طبق همین گزارش بدون احداث راه هیچ‌گونه نقشه اصلاحی‌ای در کردستان عملی نبود. منوچهر اقبال، در نطق خود در مجلس شورای ملی تأکید کرد: «در کردستان چیزی که جالب توجه است و بایستی رسیدگی بشود اول موضوع راه‌ها است» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۹، ج ۲۱۳، مورخ ۱۳۳۷/۴/۱۰). درواقع، به دلیل کوهستانی‌بودن استان کردستان عبور و مرور در آن دشوار بود و نبود یا خرابی جاده یکی از علل توسعه‌نیافتگی این استان بود. راه‌های بین شهرها و روستاها آسفالت نبودند. باوجود اهمیت اقتصادی جاده بانه به سقز، تنها ۶۰ کیلومتر از این راه شوسه بود. دو رشته راه برای ارتباط با مرکز استان کردستان و روستاهای سنندج و کامیاران اهمیت اقتصادی زیادی داشتند. این دو راه حدود ۸۰ الی ۱۰۰ آبادی را با جمعیت تخمینی ۱۰۰ هزار نفر شامل می‌شدند. اولی کامیاران را از طریق پلنگان به پایگلان و بیساران و سرهویه به آویهنک و از آن‌جا به تودار در راه اصلی مریوان به سنندج وصل می‌کرد. دومی کامیاران را از طریق پلنگان به پایگلان و ژنین و آریان به دوآب در همان راه اصلی می‌رساند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳).

امین آزاد -استاندار کردستان- در تاریخ ۱۳۴۱/۹/۱۱ طی نامه‌ای از مدیرعامل سازمان برنامه خواست تا ده میلیون ریال اعتبار برای مرمت ۱۵۸ کیلومتر راه و ساخت ۲۰ کیلومتر راه در کردستان تصویب و اعلام کنند تا در سه‌ماهه آخر همان سال عملیات اجرایی آن به‌صورت امانی و با نظارت سازمان عمران کردستان انجام شود. براساس گزارش نمایندگان اعزامی، هزینه ترمیم راه به‌طور متوسط کیلومتری (۴۰) هزار ریال و هزینه ساخت راه کیلومتری (۲۰۰) هزار ریال برآورد شد (ساکما، ۲۲۰/۱۴۷۱۹).

در برنامه سوم عمرانی، بیست قطعه راه فرعی به‌طول ۷۵۳ کیلومتر برای کردستان مصوب شد؛ که تا سال ۱۳۴۵ حدود ۶۶ درصد (سیزده قطعه به‌طول ۵۰۲ کیلومتر) از آن اجرا شد. مهم‌ترین موضوع در پروژه‌های عمران روستایی، راه فرعی بود که طول آن در کردستان تا سال ۱۳۴۲، برابر ۴۲۸ کیلومتر بود. روستاهایی که راه مناسبی نداشتند، در سایر پروژه‌های عمرانی نیز از اولویت خارج می‌شدند (امکانات توسعه صنعتی...، بی تا،

ص ۲۷). وزارت کشور در ۱۳۴۸/۷/۱۵ به وزارت دربار اعلام کرد که راه سقز-بانه به‌طور اساسی ساخته نشده‌است و مشخصات فنی و مهندسی آن با استاندارد راه‌های شوسه کشور مطابقت نمی‌کند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۱۰). در گزارش سازمان برنامه‌کردستان به استانداری در ۱۳۵۰/۵/۲۳ از اهم و اولویت کارها قبل از پیاده‌کردن هر طرح دیگر، احداث راه‌های فرعی ذکر شده‌است تا دهات را به جاده اصلی متصل کنند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳). تا ۱۳۵۲ روستاهای نوار مرزی جاده ماشین‌رو نداشتند. وضعیت این راه‌ها به‌گونه‌ای بود که در بیشتر فصل زمستان، رفت‌وآمد بین دهات و شهرها در آن‌ها قطع می‌شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). بسیاری از راه‌های منطقه، کوهستانی و صعب‌العبور بودند؛ بنابراین برای حمل‌ونقل از چهارپایان استفاده می‌شد. از آنجاکه مسیر سنندج-همدان می‌بایست از گردنه دشوارگذار صلوات‌آباد عبور می‌کرد و در این مسیر تونل‌ها و پل‌های زیادی ساخته می‌شد، همین موضوع موجب کندی عملیات راه‌سازی شده بود و نارضایتی مردم قروه را در سال ۱۳۵۲ به‌دنبال داشت (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸). بین سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۲، راه‌های فرعی روستایی زیادی در مریوان احداث شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۷۹۰). باوجود رودخانه‌های پرآب، کمبود یا نبود پل مشکل مضاعف راه‌سازی در کردستان بود. در دوره رضاشاه چند پل ساخته شده بود (مشروح مذاکرات مجلس...، دوره ۱۸، ج ۱۵۷، ۱۳۳۴/۷/۱۶). ساخت پل بزرگ شهر سنندج که جاده کرمانشاه را به آذربایجان وصل می‌کرد در ۱۳۳۳ رو به پایان بود (مارجا کردستان، ۱۶۶۴۸). در سال ۱۳۳۸، بیشتر پل‌های راه سنندج-همدان، سنندج-مریوان و گردنه صلوات‌آباد نزدیک سنندج به همدان با اعتبار ۱۷/۵ میلیون ریال از محل پذیره نفت ساخته شدند (مارجا کردستان، ۸۳۰۶۲؛ مشروح مذاکرات مجلس...، دوره ۱۹، ج ۳۸۴، ۱۳۳۸/۱۲/۳). در منطقه بیجار و تکاب و دیوان‌دره در طول ۱۸۰ کیلومتری دو رودخانه قزل‌اوزن و پل کشی حداقل تا ۱۳۴۷، هیچ پلی وجود نداشت (مارجا کردستان، ۱۰۰۱۶۸۷۷). در سال ۱۳۵۲ راه سقز به میاندوآب و مهاباد، در امتداد شاه‌راه غرب، آسفالت شد؛ ولی هنوز راه سقز به بانه و سقز به مریوان شوسه بود و در زمستان به‌دلیل کولاک و برف معمولاً بسته می‌شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۰۳). در پایان برنامه چهارم توسعه عمرانی راه‌های ارتباطی اصلی استان کردستان هم‌چنان شوسه بود. مناطق مرزی و روستاها از جاده «ماشین‌رو» محروم بودند. در طول اجرای برنامه‌های توسعه عمرانی و اقتصادی، پل بزرگ شهر سنندج-کرمانشاه و پل‌های راه سنندج-همدان و سنندج-مریوان در سال ۱۳۳۸ و پل‌های ارتباطی شهرستان بیجار گروس به تکاب در آذربایجان غربی، و بیجار-دیوان‌دره در سال ۱۳۴۷ ساخته شدند. تا پایان برنامه چهارم عمرانی در سال ۱۳۵۲ در ساخت راه‌های ارتباطی شهرستان‌های استان کردستان با مرکز

استان و با استان‌های همسایه مثل زنجان، همدان، آذربایجان و کرمانشاه اقداماتی مؤثر در ساخت پل‌های ارتباطی انجام شد؛ ولی در زمینه راه روستایی و آسفالت جاده‌های اصلی اقداماتی چشم‌گیر انجام نشد.

۷. خیابان‌سازی، آسفالت و فضا سازی

شهر سنندج در طول سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ اهمیت خود را در مقام حاکم‌نشین منطقه از دست داد. در دوره رضاشاه، سنندج بخشی از استان پنجم (کرمانشاهان) بود. تا سال ۱۳۳۷ که سنندج به‌صورت مرکز استانی مستقل به‌اسم کردستان درآمد، شهرنشینی در آن ایستا بود؛ ولی از این دوره به‌بعد شهر از حالت ایستایی خارج شد و وارد مرحله شهرنشینی سریع شد. با اجرای اصلاحات ارضی، ساختار اجتماعی-اقتصادی سنندج همانند بسیاری از شهرهای دیگر ایران دستخوش تغییراتی جدی شد؛ یعنی آهنگ رشد آن سریع و شتابان شد. هم‌چنین حاشیه‌نشینی بین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ در سنندج نمایان‌تر شد. بیشتر شهرهای کردستان تا قبل از ۱۳۵۰، به‌شدت نیازمند خیابان‌سازی، آسفالت و فضا سازی بودند. تا این زمان اغلب کوچه‌های شهرهای کردستان آسفالت نبود، مانند شهر سقز و مریوان، و در برخی شهرها مثل بیجار گروس تا دهه چهل اثری از فضاهای شهری و خیابان‌کشی وجود نداشت و بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین بلوار آن در سال ۱۳۴۸ ش در زمان استانداری آقای رئوفی اجرا شد. شهرداری‌های شهرهای کردستان در دوره پهلوی دوم به‌دنبال آسفالت، جدول‌سازی، توسعه برق، ایجاد خیابان و ساخت میدان بودند (ساکما، ۱۳۹۵/۲۹۳/۹۱). تاریخ آسفالت خیابان‌های عمده شهر سنندج مربوط به ۱۳۳۳ است (ساکما، ۱۳۹۵/۵۶۱۲/۲۹۰؛ مارجا کردستان، ۱۳۶۴/۱۶۶). خیابان‌سازی در شهرهای کردستان اغلب کند پیش می‌رفت و موجب زحمت مردم می‌شد که گزارش نمونه‌ای از مشکلات ناشی از احداث خیابان در شهرستان بیجار گروس در روزنامه اطلاعات آمده است (روزنامه اطلاعات، ش ۸۷۵، مورخ ۱۳۳۴/۹/۱۵، ص ۷). اقدامات شهرداری سقز در سال ۱۳۴۸ عبارت بود از:

خاک‌ریزی، احداث خیابان، جدول‌بندی، نصب چراغ‌های گازی و لاک‌پشتی و بلواری، درخت‌کاری و گل‌کاری، بلوارسازی، موزاییک‌کاری دو طرف پیاده‌رو، و مجرا سازی خیابان سرلشکر ضرغام و محله مسجد (روزنامه اطلاعات، ش ۸۷۵، ۱۳۳۴/۹/۱۵). در گزارش محرمانه شهربانی استان کردستان در ۱۳۵۰/۱۰/۱۲، به نیاز مبرم شهر سنندج به احداث خیابان در نقاط مختلف شهر، تأکید شده است (ساکما، ۱۳۹۵/۲۹۳/۹۱). هزینه آسفالت کوچه‌ها و خیابان‌ها زیاد بود و شهرداری‌های کردستان به‌ناچار از

دولت کمک می‌خواستند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۴۹۵). به‌علت محدودیت کمک‌های دولتی به شهرداری‌ها و زمان‌بر بودن آن، اجرای طرح‌های آسفالت با مشکل مواجه بود (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲). شهربانی سقز به‌علت تسطیح آسفالت چند خیابان و چند کار عمرانی دیگر، در گزارشی به وزارت کشور در ۱۳۴۷ از شهردار تشکر کرد. سنندج حداقل تا ۱۳۵۰، به احداث خیابان‌های متعدد، آسفالت کوچه‌ها و خیابان‌ها و ترمیم آن‌ها نیاز مبرم داشت. اهم فعالیت‌های عمرانی شهرداری‌های مختلف کردستان در این قبیل موارد بود. در سال ۱۳۵۰ در بلوار ولیعهد مریوان، میدانی ساخته شد و پیکره‌رضا شاه روی آن نصب شد. این بلوار ۶۰ متر عرض، و ۲/۵ کیلومتر طول داشت. در یک طرف آن ۲۰ متر فضای سبز پیش‌بینی شده بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳).

باوجود اقدامات عمرانی هنوز مشکلات مردم پابرجا بود و این اقدامات به‌حدی اندک بود که کفاف شهرهای کوچک را نمی‌داد چه برسد به شهر بزرگی چون سنندج. آسفالت‌نبودن خیابان‌ها و کوچه‌ها موجب ناراحتی و گلایه مردم قروه شده بود (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲).

اکثر روستاهای استان کردستان فاقد آب لوله‌کشی سالم برای آشامیدن بودند و در شرق کردستان به‌علت شرایط جغرافیایی و کمبود بارش سالیانه آب جاری بسیار کم بود و سیمای بیشتر روستاها فاقد درخت بود (ساکما، ۲۲۰/۱۴۷۱۹). طرح تأسیس ایستگاه احیا و جنگل‌کاری در سنندج، در جلسه کمیته فرعی کشاورزی مطرح شد و نمایندگان انگلیس موافقت کردند که آقای «اندرسن» -کارشناس جنگل- را در اردیبهشت و خرداد ۱۳۴۳ به کردستان بفرستند تا پس از مطالعه و تصویب پروژه از کمک‌های دولت انگلستان استفاده و ایستگاه نامبرده تأسیس شود (ساکما ۲۲۰/۱۴۷۱۹). در مریوان تا ۱۳۵۰، پارک شهر و پارک کودک، ساخته شد که یکی از آن‌ها استخر هم داشت؛ ولی صندلی برای نشستن نداشت (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳). پارک ۲۵ هکتاری سقز، بزرگ‌ترین پارک شهرهای کردستان بود که برای آبیاری آن از دو حلقه چاه نیمه‌عمیق با موتورپمپ لیستر استفاده می‌شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲).

۸. ساختمان‌سازی نوین شهری و روستایی

خانه‌های روستایی کردستان از دیرباز با خشت‌وگل یا سنگ و گل ساخته می‌شدند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳)؛ استحکام این ساختمان‌ها خیلی کم بود. از اوایل دهه‌چهل برخی از خانه‌های شهرهای آبادتر کردستان مثل سنندج، سقز و قروه به‌شیوه جدید و مبتنی بر رعایت حداقل اصول فنی و بهداشتی ساخته شدند؛ ولی در شهرهای کوچک‌تر مثل



مربیان و بانه اغلب ساختمان‌ها هنوز هم قدیمی و گلی بودند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲). ساختمان‌سازی مدرن به مصالح جدید نیاز داشت که مهم‌ترین آن‌ها سیمان و آجر بودند که هر دو گران بودند و هزینه حمل آن‌ها از تهران یا تبریز به کردستان، قیمت‌ها را بالاتر می‌برد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۳۶۶)؛ به‌همین علت احداث کوره و کارخانه آجری ضرورت پیدا کرد. سنندج و سقز در سال ۱۳۴۳ مرکز تولید آجر در کردستان شدند (مکانات توسعه صنعتی در کردستان و کرمانشاهان، بی‌تا، صص ۱۰۳-۱۰۴). یکی از مشکلات شهرهای کردستان، کمبود ساختمان‌های اداری و خدماتی بود. ساختمان زندان شهربانی سنندج، حداقل تا اواخر ۱۳۴۲، در مجتمع استیجاری غیرمستحکمی قرار داشت که دارالتأدیب، بازداشتگاه، زندان زنانه، حمام و آشپزخانه نداشت. به‌همین دلیل سرهنگ کمانگر-سرپرست شهربانی‌های استان کردستان- از ریاست سازمان عمران کردستان، چهار میلیون ریال بودجه برای ساخت زندان تقاضا کرد (ساکما، ۲۲۰/۱۴۷۱۹). گزارش روزنامه اطلاعات از زندان سنندج در خرداد ۱۳۴۲ وضعیت مذکور را تأیید می‌کند. ساختمان فرمانداری سقز در سال ۱۳۴۸، استیجاری و متعلق به شهرداری بود که طبق قرارداد باید ماهیانه ۸۰۰ تومان پرداخت می‌شد؛ ولی به دلیل نبود اعتبار، هیچ مبلغی پرداخت نشده بود. ساختمان عمارت متعلق به فرمانداری به‌کندی در حال ساخت بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). ساختمان شهربانی و زندان سقز روی گورستان شهر بنا شدند. این گورستان به‌دستور شهرداری با بولدوزر تخریب شده بود و استخوان‌های روآمده مردگان، موجب ناراحتی اهالی شده بود (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲). سنندج حداقل تا ۱۳۴۷، هتلی مناسب برای پذیرایی از مقامات عالی‌رتبه نداشت. به‌همین دلیل استاندار کردستان در تاریخ ۴۷/۲/۳۱ به‌هنگام ورود دنیس رایت، سفیر ملکه انگلستان، و دکتر باخ، نماینده شورای فرهنگی بریتانیا مجبور شد در عمارت استانداری از آن‌ها پذیرایی کند. معروف‌ترین هتل استان کردستان در این زمان هتل رئوف بود که وضعیت مناسبی نداشت (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۹۹۵).

رشد شهرنشینی در ایران و به‌ویژه از دهه چهل شمسی به‌بعد، تقاضا برای مسکن را چندبرابر کرد. در شهرهای کردستان این تقاضا به علت تعداد اندک ساختمان‌های مناسب، و حضور کارمندان غیربومی و گرانی مصالح، زیاد بود. در دوره محمدرضا شاه وضعیت مسکن در تمام شهرهای استان کردستان نامطلوب بود. مأموران دولتی این استان که اغلب غیربومی بودند به علت نبود مسکن مناسب و گرانی کرایه منزل به‌طور جدی در مضیقه بودند (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲). به‌همین علت دولت ناگزیر شد زمین مرغوب با قیمت کم به آن‌ها واگذار کند تا کارکنان دولت بتوانند با استفاده از زمین ارزان‌قیمت برای خود خانه‌ای بسازند؛ ولی این کار به رونق ساخت‌وساز و حل مشکل مسکن کمک نمی‌کرد، زیرا

اغلب آن‌ها بعد از چند سال و پایان مأموریت کاری‌شان، زمین خود را به چندبرابر قیمت می‌فروختند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). شهردار سقز در سال ۱۳۴۸ نیم هکتار زمین به ارزش بیشتر از ۵۰۰ هزار تومان را از دست زمین‌خواران پس گرفت (ساکما ۹۱/۲۸۲۶/۲۹۳). روند روبه‌رشد قیمت زمین در شهرهای کردستان و نبود نظارت موجب شد تا مسئله زمین‌خواری خود را نشان دهد.

در گزارش محرم‌انۀ شهربانی استان کردستان در ۱۳۵۰/۱۰/۱۲ قید شده‌است: «وضع مسکن در سطح استان نامطلوب بوده و مردم و به‌ویژه کارمندان دولت از لحاظ نبودن مسکن و گرانی کرایه‌خانه شدیداً ناراحت هستند» (ساکما ۹۱/۵۶۱۲/۲۹۱). شهرداری مریوان تا ۱۳۵۰، زمین زیادی از مالکان خریده بود و بعد از تغییر کاربری، به قیمت متری ۱۰ تا ۱۵ ریال به کارمندان به اقساط فروخته بود و سند آن‌ها را هم واگذار کرده بود؛ ولی تا آن زمان خانه‌ای در این زمین‌ها ساخته نشده بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳). علاوه بر ساختمان‌سازی و واگذاری زمین به کارمندان، پرداخت وام به کارگران برای ساخت مسکن کارگری، و ساخت منازل سازمانی و شهرک‌سازی نیز دو راه دیگر وزارت مسکن و آبادانی برای بهبود وضعیت مسکن در استان کردستان از اوایل دهه پنجاه شمسی بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۰۳؛ ۹۱/۲۹۳/۲۷۹۰). در شهر سقز که کرایه‌خانه از شهرهای دیگر استان بیشتر بود، در ۱۳۵۲ سیزده باب خانه سازمانی به کارمندان تحویل داده شد و عملیات ده ساختمان دیگر نیز آغاز شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۰۳).

۹. بهداشت و درمان

بهداشت و درمان همواره یکی از محورهای اساسی مطرح در توسعه پایدار کشورهاست. داشتن جامعه‌ای سالم و پویا یکی از اولویت‌های مهم توسعه در هر کشور است. محیط سالم و پاکیزه در داخل و بیرون منزل موجب نشاط و پویایی افراد جامعه خواهد شد. بهداشت و سلامت با توسعه پایدار شهری ارتباطی تنگاتنگ دارند. اهمیت رعایت بهداشت محیطی، و نظافت عمومی و شخصی در توسعه پایدار شهری اصلی علمی است و توسعه بدون تأمین سلامت مردم دشوار و حتی غیرممکن است. یکی از مشکلات اساسی در این زمینه علاوه بر کمبود مراکز درمانی، نبود پزشکان متخصص در زمینه‌های مختلف بود.

۱۰. بهداشت محیطی

شهرها و روستاهای کردستان در دهه سی و چهل به دلیل کمبود زیرساخت‌های بهداشتی و نیروی انسانی دوره‌ای دشوار را پشت سر گذاشتند. جمعیت رو به افزایش، نیازهای



درمانی را افزایش می‌داد. نبود حمام‌های عمومی در روستاها و منازل قبل از ۱۳۴۰، حتی نبود مکانی مناسب برای شست‌وشو در منازل شخصی، موجب وضعیت بد بهداشت محیطی در اغلب روستاهای کردستان شده بود. در روستاها همواره می‌شد انباشتی از پهن را در وسط قریه و مسیر آب چشمه‌ها دید که با جمع‌شدن آب، محل تولید میکروب می‌شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳). در خرداد ۱۳۴۲ سه مرکز ثابت تلقیح در بهداری‌های سقز، بیجار و قروه برای مبارزه با بیمارهای واگیردار دیفتی، کزاز، سیاه‌سرفه، حصبه و آبله افتتاح شد (روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۰۹۶، ۱۳۴۲/۲/۳۰، ص ۱۰). طبق اسناد از ۳۳۰ روستای شهرستان سقز در ۱۳۴۸، تنها ۳ روستا حمام داشت (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). در ۱۳۵۲/۱۲/۱۲ قرارداد تکمیل ۸ باب حمام در روستاهای خوشه‌درة، کیچل‌مندگان، چوملو، عرب‌اوغلی، سرچشمه، گل‌تپه، کریم‌آباد، و مزره شهرستان سقز به مبلغ ۷۰۱,۸۸۰ ریال بین اداره کل آبادانی و مسکن کردستان و آقای محمد صالح سعیدی منعقد شد. قرارداد دیگری هم برای تکمیل ۱۰ باب حمام روستایی در شهرستان قروه به مبلغ ۷۸۹,۱۶۰ ریال در ۱۳۵۲/۱۲/۱۴ بین اداره کل آبادانی و مسکن کردستان و آقای ابراهیم مرادی بسته شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۷۹۰).

در ساختمان‌سازی و شهرسازی در شهرها نیز اصول بهداشتی مثل کاشی‌کاری اماکن بهداشتی و فاضلاب‌سازی رعایت نمی‌شد. نانوایی‌ها و قصابی‌ها و قهوه‌خانه‌ها غیربهداشتی بودند. طبق آئین‌نامه کمک بلاعوض به انجمن‌های دهات، ۹ طرح عمرانی در جلسه ۱۳۴۳/۱۲/۱۳ در استانداری کردستان تصویب شد که چند طرح آن تأمین و بهداشتی کردن آب روستایی بود (ساکما، ۹۱/۲۹۷/۶۴۵). تا اواخر دهه چهل شمسی، اکثر نانوایان کردستان، برای تخمیر و طبخ نان از آب حوض مساجد و دیگر جاها استفاده می‌کردند؛ هم‌چنین دیوار نانوایی‌ها کاشی‌کاری نبود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). کاشی‌کاری دکان‌های قصابی شهر سقز در ۱۳۴۸ انجام شد (ساکما، ۹۱/۲۹۷/۶۴۵). فاضلاب شهر سقز حداقل تا شهریور ۱۳۴۸، به‌صورت روباز به داخل رودخانه سقز رها می‌شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲).

۲.۹. مسائل درمانی

مهم‌ترین نیاز استان کردستان در موضوع درمان، تأمین نیروی انسانی متخصص بود که به‌نسبت جمعیت استان اندک بود. شهرستان‌های استان کردستان حداقل تا اواخر دوره پهلوی به‌دلیل نبود پزشک متخصص و جراح دچار مضیق بودند (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲). در تیرماه ۱۳۳۴ از طرف سازمان برنامه پنج میلیون ریال برای تکمیل بیمارستان نیم‌سوخته

لشکر سندج اختصاص یافت (روزنامه/اطلاعات، ش ۸۷۱۶، تیر ۱۳۳۴، ص ۷). امان‌الله خان اردلان (حاج عزالمالک) -نماینده سندج در مجلس هجدهم شورای ملی- خواستار حضور نخست‌وزیر برای پاسخ به معطل ماندن تکمیل بیمارستان نیم‌سوخته شد (مشروح مذاکرات مجلس...، دوره ۱۸، ج ۱۷۴، مورخ ۱۳۳۴/۹/۲). بیمارستان سندج سال ۱۳۳۷ دستگاه عکاسی داشت، ولی دکتري که بتواند عکس برداری کند نداشت (مشروح مذاکرات مجلس...، دوره ۱۹، ج ۲۴۸، ۱۳۳۴/۹/۲۵). در گزارش روزنامه/اطلاعات در ۱۳۴۱/۱۱/۷ قید شده است که پزشک متخصص و قابله در شهر سقز موجود نیست (روزنامه/اطلاعات، ش ۱۱۰۰۹، ۱۳۴۱/۱۱/۷، ص ۷). بهداری قروه در سال ۱۳۴۱ تنها یک پزشک داشت که در روز حدود ۲۵۰ بیمار را معاینه می‌کرد (روزنامه/اطلاعات، ش ۱۰۸۳۳، ۱۳۴۱/۴/۶، ص ۱۴). نبود قابله تحصیل کرده در بیجار در سال ۱۳۴۲، موجب نگرانی بانوان حامله این شهر شده بود (روزنامه/اطلاعات، ش ۱۱۲۳۸، ۱۳۴۲/۸/۱۶، ص ۱۰). هنگام بارش برف در زمستان و مسدود شدن راه‌های ارتباطی، روستاها با کمبود دارو و خدمات پزشکی مواجه بودند. اداره بهداری و سپاه بهداشت معمولاً در جاهایی درمانگاه ایجاد می‌کردند که از راه مناسب برخوردار بودند و روستاهای فاقد جاده مناسب از این امکانات محروم بودند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳). در فصل زمستان به دلیل قطع یا محدودیت ارتباط روستا با شهر در استان کردستان، پیش‌بینی تأمین کالاهای مورد نیاز روستاییان و تجهیز اکیپ‌های بهداشتی به وسایل دارویی و امدادی ضرورت پیدا می‌کرد تا در صورت نیاز خدمات لازم به مردم عرضه شود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲). سه بیمارستان شهناز پهلوی بیجار، ۲۵ تخت‌خوابی مریوان، و ۲۵ تخت‌خوابی بانه با حضور دکتر آموزگار -وزیر بهداری- در مرداد سال ۱۳۴۳ افتتاح شد (ایران نوین، ش ۲۹، ۱۳۴۳/۵/۲۰، ص ۴؛ ش ۳۱، ۱۳۴۳/۵/۲۲، ص ۴). تا سال ۱۳۴۸ از مجموع ۳۳۰ روستای شهرستان سقز، تنها سه روستای ترجان، چاغرلو، و سنته درمانگاه داشتند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). کشتارگاه سقز در سال ۱۳۴۸ و کلینیک دامپزشکی آن در سال ۱۳۵۲ افتتاح شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۰۳).

شهرستان قروه تا سال ۱۳۵۲، بیمارستان، زایشگاه و درمانگاه داشت. بیمارستان قروه به عنوان مسیحی شناخته می‌شد و اتفاقاً در آنجا تبلیغ مسیحیت هم می‌شد. درمانگاه‌های دل‌بران و دهگلان پزشک نداشتند. در همین سال ۱۳۵۲ برای احداث ساختمان درمانگاه شیروخورشید سرخ قروه و تأمین اعتبار برای احداث خانه پزشک آن هم اقدام شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸). تا پایان برنامه چهارم توسعه اجتماعی و اقتصادی (۱۳۵۱ ش)، در تمام کردستان ۳۴ پزشک متخصص و ۹۰ پزشک عمومی مشغول عرضه خدمات پزشکی بودند که ۸۵ درصد آن‌ها خارجی بودند. از ۱۸۰۰ روستای استان کردستان فقط در ۲۲



روستا خانه بهداشت تأسیس شد و ۱۷ مرکز بهداشت شهری هم به وجود آمد. هیچ‌گونه دانشکده یا دانشگاه پزشکی در کردستان به وجود نیامد. امکانات بهداشتی و خدمات پزشکی روستاها هم بسیار کمتر از شهرها بود (قدیمی، طیب، مصاحبه، ۱۳۹۳/۱۱/۲۱، خبرگزاری تسنیم).

۱۰. خدمات شهری و روستایی

۱.۱۰. آب آشامیدنی

آب آشامیدنی شهرهای کردستان تا دهه چهل از نظر بهداشتی و لوله‌کشی وضعیت قابل قبولی نداشت و مردم از این وضعیت بسیار ناراضی بودند؛ تاجایی که دغدغه مردم بزرگ‌ترین شهر استان کردستان (سنندج) تأمین آب آشامیدنی سالم بود. در سال ۱۳۴۴ آب‌لوله‌کشی شهر سنندج از چاه تأمین می‌شد (ساکما، ۳۷۰/۹۵۰۱). آب بعد از خروج از چاه داخل منبع ذخیره روباز می‌ریخت؛ به همین علت با وجود کلریزه کردن روزانه، باز هم احتمال آلودگی آب وجود داشت (روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۲۸۱، ۱۳/۱۰/۱۳۴۲، ص ۱۰). آب آشامیدنی شهر سقز مشکلات خاص خود را داشت؛ زیرا آب شرب سقز از تصفیه آب رودخانه به دست می‌آمد. آب رودخانه ملقرنی بالوله‌کشی به منبع آب هدایت می‌شد و پس از تصفیه فیزیکی و شیمیایی، برای شرب در لوله‌های شهر جاری می‌شد. یکی از مشکلات مربوط به آب آشامیدنی در شهرهای سردسیر کردستان مثل سقز، یخبندان در فصل زمستان و قطع آب‌لوله‌کشی بود؛ به گونه‌ای که شهربانی سقز در دی‌ماه ۱۳۵۱ مجبور شد آب مصرفی زندانیان را با آب کردن برف تأمین کند. این قبیل مشکلات موجب اعتراض مردم و نگرانی مسئولان بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۴۸). در اسفند ۱۳۵۲، هنوز مردم سقز از لحاظ آب آشامیدنی در مضیقه بودند و چون تجهیز چاه جدید نیز کفایت نمی‌کرد، بایستی دو حلقه چاه دیگر حفر می‌کردند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۰۳). سال ۱۳۴۸ سیستم لوله‌کشی شهر سقز حدود ۴۰۰ انشعاب داشت که نه کفاف تقاضای شهروندان را می‌داد و نه ظرفیت انشعاب بیشتری داشت. فیلترهای این تأسیسات به دلیل استفاده مداوم و در نتیجه مستعمل شدن، به هنگام بارندگی و سیل قادر نبودند آب را تصفیه کنند. در این زمان قیمت هر متر مکعب آب ۴ ریال بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). شهر قروه سال ۱۳۴۴، آب‌لوله‌کشی نداشت و مردم آن از آب چاه استفاده می‌کردند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲). آب آشامیدنی قروه تا اوایل دهه پنجاه، با دو موتور پمپ هریک به قدرت ۳۱ اسب بخار از چاه به شبکه پمپاژ وارد می‌شد و مازاد آن در منبع ۳۰۰ متر مکعبی ذخیره می‌شد. اغلب خانه‌ها لوله‌کشی نداشتند و تا سال ۱۳۵۰ با احتساب شیرهای عمومی مساجد و غسل‌خانه‌ها ۷۵ انشعاب آب در شهر وجود داشت (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲).

تا سال ۱۳۴۹، مرحله اول لوله‌کشی شهر بانه تمام شده بود. تابستان ۱۳۴۹، بانه با کمبود آب مواجه بود و مسئولان وقت، چاره کار را حفر چاه نیمه عمیق دانستند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۴۹۵). ظرفیت منبع آب شهر مریوان در سال ۱۳۵۰، سیصد مترمکعب بود که برای نیاز شهر کافی نبود. به همین دلیل با پمپ آب را از دریاچه آریامهر (زریوار) به داخل شهر انتقال می دادند. علاوه بر این، دو رشته قنات در شمال شهر و چاههایی در جنوب احداث شد که آب آن‌ها با موتور به منبع آب که در قسمت مرتفع شهر قرار داشت، پمپاژ می شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳). آب آشامیدنی شهر مریوان به دلیل توسعه شهر در نیمه دوم سال ۱۳۵۱ دچار کمبود اساسی شد. اجاره قنات خصوصی هم چاره ساز نشد و در نهایت شهرداری یک حلقه چاه عمیق را در سه کیلومتری شهر از وزارت آب و برق خرید و به شبکه آب شهری وصل کرد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۱۰).

در حالی که شهرهای کردستان از لحاظ آب آشامیدنی مشکل جدی داشتند، بدیهی بود که در روستاها مشکل بیشتر باشد. طبق گزارش کارشناس دفتر برنامه ریزی سازمان برنامه استان کردستان (مرداد ۱۳۵۰)، اورمان تخت در شهرستان مریوان با بیشتر از ۲۰۰۰ نفر جمعیت چنان با مشکل بی آبی روبه رو بود که فقط چند نفر در قریه مشاهده شدند. در روستاهایی که چشمه آب در پایین دست روستا بود، امکان لوله کشی بدون پمپاژ نبود و این کار را پرهزینه می کرد. مشکل دیگر برای تأمین آب روستاها مالکیت خصوصی برخی از چاههای آب بود که برای مردم و دولت دردسر داشت (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳).

۲.۱۰. برق

سابقه تأمین برق در شهرهای کردستان به اوایل دهه سی شمسی برمی گردد. در این زمان تأمین آب و برق به درخواست اول مردم شهرهای کردستان تبدیل شد. در سال ۱۳۴۲ حق اشتراک برق در شهرهای استان کردستان پنج هزار ریال بود. قیمت برق هر کیلووات شش ریال بود. علاوه بر این، هر مشترک باید ده ریال عوارض ماهانه هم پرداخت می کرد. این حق اشتراک و هزینه برق مصرفی نسبت به درآمد مردم بسیار زیاد بود و موجب نارضایتی مردم شد (روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۰۹۶، ۱۳۴۲/۲/۳۰، ص ۱۰). در سال ۱۳۳۴، از طرف سازمان برنامه یک دستگاه کارخانه برق در بانه نصب شد (روزنامه اطلاعات، ش ۸۸۱۱، ۱۳۳۴/۷/۱۱، ص ۱۰)؛ ولی در سال ۱۳۴۶ حدود دوسوم مردم شهر هنوز برق نداشتند (روزنامه اطلاعات، ش ۱۲۳۶۹، ۱۳۴۶/۶/۷، ص ۱۵). در شهریورماه ۱۳۴۷ موتور برق ۴۰۰ کیلوواتی بانه در شرف اقدام بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۱۰). برق شهر بانه از چهار مولد برق به قدرت تقریبی شش صد و پنجاه کیلووات تأمین می شد که



یک مولد چهارصدکیلوواتی آن اوایل سال ۱۳۴۹ نصب شده بود، ولی شبکه انتقال شهر کیش انتقال این نیرو را نداشت (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۴۹۵). برق بانه در تابستان ۱۳۴۹، به علت خرابی سیم خیلی افت داشت. مدیرکل آبادانی و مسکن کردستان -ایرج مهاجر- در ۱۳۴۹/۴/۲۹، تعداد ۲۰۰ اصله تیر و ۱۰۰ تن سیمان برای انجام عملیات برق و بهسازی محیط و راه‌سازی بانه ارسال کرد. در این زمان از نظر اداری، برق بانه زیر نظر اداره برق سقز بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۶۰۱). شهر سقز در سال ۱۳۴۸، با وجود ۴ مولد برق به قدرت ۸۵۰ کیلووات، به خرید یک دستگاه مولد برق ۴۰۰ کیلوواتی هم نیاز داشت. وضع شبکه و چراغ‌های معابر و خیابان‌ها خوب بود. در سه نقطه شهر سه پست ترانسفورماتور به قدرت‌های ۵۰۰ و ۳۵۰ و ۲۵۰ کیلووات نصب شده بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). طبق اسناد، حداقل تا اسفند ۱۳۵۲، هنوز برق شهر سقز محدودیت داشت و موجب نارضایتی مردم بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۰۳). قدرت برق شهر سنندج تا ۱۳۴۷، حدود ۲۵۰۰ کیلووات بود که با ساخت نیروگاه جدید و نصب دو مولد دیزلی ۱۲۰۰ کیلوواتی در همین سال، انتظار می‌رفت که به حدود ۵۰۰۰ کیلووات برسد؛ هزینه این طرح بالغ بر ۴۱/۲۹۴/۰۰۰ ریال پیش‌بینی شده بود؛ ولی این مبلغ برای اتمام طرح توسعه کلی برق سنندج کافی نبود و هزینه بیشتری صرف این کار شد و این طرح با مبلغ ۶۹/۱۱۷/۰۰۰ ریال به سرانجام رسید (ساکما، ۳۷۰/۹۵۰۱).

برق مریوان طبق اسناد حداقل تا ۱۳۵۰، فوق‌العاده ضعیف بود و در اکثر ساعات کار نمی‌کرد. کارشناس دفتر برنامه‌ریزی سازمان برنامه استان کردستان، در گزارش مأموریت کاری خود به مریوان در ۱۳۵۰/۵/۲۳، موتور برق ۵۰۰ کیلوواتی را برای این شهر نیاز ضروری تشخیص داد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳). وزارت آب و برق اوایل سال ۱۳۵۱ موتور درخواست‌شده را به مریوان فرستاد؛ ولی چون ساختمان آن آماده نبود، موتور بیشتر از هشت ماه در فضای آزاد و بدون هیچ‌گونه سرپوشی نگهداری شد. در گزارش فرمانداری احتمال خرابی مولد برق و وسایل آن آمده و پیش‌بینی شده است که به دلیل استهلاک مولدهای برق شهرداری احتمال خاموشی شهر می‌رود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۷۹۶). این پیش‌بینی محقق شد و کوچه‌ها و خیابان‌های مریوان شب‌ها روشنایی نداشتند. شهرداری مریوان، سال ۱۳۵۲، فروش امتیاز برق را محدود کرد که موجب نارضایتی مردم شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲). قروه حداقل تا سال ۱۳۵۰، حدود ۶۰۰ انشعاب برق داشت. وضعیت برق شهر نامساعد بود و کفاف شهر را نمی‌داد. وضع روشنایی در شب به قدری خراب بود که بیشتر مردم از چراغ نفتی استفاده می‌کردند (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲). مردم قروه در سال ۱۳۵۲، از نصب نشدن موتور برق‌های جدید خریداری شده ناراضی بودند (ساکما،

۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸). برق بیجار ۱۵ بهمن ۱۳۴۰ شبانه روزی شد (روزنامه اطلاعات، ش ۱۱۰۲۵، ۱۳۴۱/۱۱/۲۸، ص ۱۰). روستاهای کردستان هم چنان تا پایان دهه ۴۰ از برق محروم بودند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲).

۳.۱۰. تلفن و ارتباطات

در دهه سی شمسی اغلب تلگراف‌های شهرستان‌های استان کردستان زودتر از ده روز به مقصد نمی‌رسید (ساکما، ۲۳۰/۷۴۹۱). وضعیت تلفن تمام شهرهای کردستان بد بود. با وجود این که تقاضا برای اشتراک زیاد بود، ولی سرمایه‌گذاری دولت در این بخش سودده اصلاً کافی نبود. برای نمونه، گزارش وضعیت تلفن بیجار در ۱۳۳۴ به نقل از روزنامه اطلاعات خواندنی است (روزنامه اطلاعات، ش ۸۹۳۷، ۱۳۳۴/۱۲/۱۲، ص ۷). مردم سقز در ۱۳۴۶ از وضعیت تلفن شهر ناراضی بودند و شرایط را بدتر از ۱۳۲۰ توصیف می‌کردند. شبکه تلفن سقز در سال ۱۳۴۸، تعداد ۶۵۰ شماره داشت (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲، روزنامه اطلاعات، ش ۱۲۳۵۷، ۱۳۴۶/۵/۲۴، ص ۱). ارتباط تلفنی مریوان با سنندج حداقل تا ۱۳۵۲، اغلب قطع بود یا به علت تماس با سروآباد اشغال بود. استاندار کردستان در ۱۳۵۲/۲/۸ طی نامه‌ای محرم‌مانه به ریاست اداره کل مخابرات استان کردستان خواستار شد تا ارتباط تلفنی مریوان-سروآباد با خط جداگانه انجام شود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲). مرکز تلفن سه‌کانالی هیتاچی شهر قروه با یک کانال به‌طور اتوماتیک و بلافاصله با تمام شهرهایی که ماکروویو داشتند، ارتباط برقرار می‌کرد و از دو کانال دیگر با کمی تأخیر از طریق سنندج برای ارتباط با سایر شهرستان‌ها استفاده می‌کرد. مرکز تلفنی ۴۰۰ شماره‌ای نیز تا اواخر ۵۲ در شهر قروه آماده بهره‌برداری شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸). تا ۱۳۴۲ ادارات پست، دستگاه‌های تلگراف، تلفن دولتی و بی‌سیم در سنندج، مریوان، بانه و سقز دایر بودند (امکانات توسعه صنعتی در کردستان و کرمانشاهان، بی‌تا، ص ۲۷). در سال ۱۳۴۸ ساختمان پست سروآباد مریوان مشغول به کار بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۶۰۱). خط هوایی سنندج-تهران فروردین ۱۳۴۰ افتتاح شد و سه‌شنبه‌ها برنامه پرواز به تهران داشت (روزنامه اطلاعات، ش ۱۰۴۶۹، ۱۳۴۰/۱/۱۵، ص ۱۴). براساس برنامه‌های توسعه عمرانی و اقتصادی و اجتماعی که از برنامه سوم می‌بایست همگام با اهداف انقلاب سفید اجرا می‌شدند، انتظار می‌رفت کردستان در زمینه ایجاد زیرساخت‌های صنعتی و خدماتی، بهداشت، درمان، راه، مخابرات، و فضای شهری دچار تحولات بنیادین شود؛ ولی براساس اسناد معتبر، بیشتر شهرستان‌های استان کردستان تا پایان برنامه چهارم هنوز به‌طور کامل از نعمت برق برخوردار نبودند و بیشتر شهرستان‌های این استان در دهه ۵۰ برق‌دار شدند. روستاهای استان هم هم چنان از



«برق، مخابرات، راه، پست، تلفن، تلگراف، و حداقل استانداردهای زندگی» محروم بودند. تنها فرودگاه استان هم، در شهر سنندج تأسیس شده بود؛ ولی نیمه‌فعال بود.

۴.۱۰. اصناف

رشد شهرنشینی موجب شد تا در وضعیت اصناف تغییراتی پیدا شود. شهر، اصناف خود را به‌وجود می‌آورد؛ برای نمونه در دههٔ چهل شمسی ارابه جای خود را به تاکسی داد و رانندگی تاکسی به مشاغل شهرها اضافه شد. سرویس تاکسی‌رانی سقز در سال ۱۳۴۶ با شش دستگاه ماشین دایر شد و تا سال ۱۳۴۸ به هشت تاکسی افزایش پیدا کرد. لباس تاکسیرانان سنندج در سال ۱۳۴۶ متحدالشکل شد و رانندگان از کلاه مخصوص و علامت شناسایی رانندگی استفاده می‌کردند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲؛ روزنامهٔ اطلاعات، ش ۱۲۲۴۲، ۱۳۴۶/۱۲، ص ۱۱).

شغل اصلی مردم کردستان «کشاورزی و دامداری» بود که معمولاً بیشتر از نصف سال بی‌کار بودند؛ به‌همین علت صنایع دستی در کردستان به‌عنوان شغل دوم بازار گرمی داشت. واردات بی‌رویه و حمایت نکردن دولت موجب شد تا صنایع دستی در دههٔ چهل به‌سرعت رو به افول بگذارند. بافندگان قالی و جاجیم، و دوزندگان کفش نمونه‌هایی از این اصناف بودند (امکانات توسعهٔ صنعتی...، بی‌تا، صص ۱۶۷-۱۶۸). زمانی که شرایط جوی برای کشت و کار مناسب نبود، مردم کردستان دچار اضطراب و نگرانی می‌شدند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸). شغلی که در دههٔ چهل، به‌سرعت رشد کرد نانوايي بود. مردم اغلب شهرهای کردستان ابتدا در خانه‌های خود نان می‌پختند و چند نانوايي هم در هر شهر بیشتر برای رفع نیاز مأموران دولتی و مسافران مشغول کار بودند. در برخی از شهرهای کردستان نان کیفیتی نداشت. مردم بانه مجبور شدند چند نفر نانوا از سنندج و سقز بیاورند که تاحدودی به بهبود کیفیت نان این شهر کمک کرد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۴۹۵). نان اهالی سقز بیشتر از غلهٔ دهات تأمین می‌شد و در سال‌هایی که غله دچار آفت می‌شد، گندم مورداحتیاج از بیجار وارد می‌شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). سقز در سال ۱۳۴۸، تعداد ۲۴ دکان نانوايي داشت که فروش هفتگی هرکدام، ۱۵۰ الی ۲۰۰ کیلو بود. این فروش کم، مشکل بزرگی برای نهاد نظارتی نانوايي‌ها در آن زمان یعنی شهرداری‌ها به‌وجود آورد؛ زیرا نانواها به‌دلیل فروش کم، به‌ناچار از کیفیت و کمیت نان می‌زدند و متعاقب آن شهرداری مجبور بود به‌دلیل کم‌فروشی آن‌ها را موردپیگرد قرار دهد (روزنامهٔ اطلاعات، ش ۸۷۶۲، ۱۳۳۴/۶۷، ص ۷). گزارش نمونه‌ای از اعتراض مردم سنندج به کیفیت کم نان در روزنامهٔ اطلاعات درج شده‌است (روزنامهٔ اطلاعات، ش ۸۷۶۲، ۱۳۳۴/۶۷، ص ۷). در شهرهای

کردستان نان لواش و سنگک پخت می شد. نان لواش با پنجاه درصد آرد سفید، هر کیلو ۹/۵ ریال و نان سنگک هر کیلو ۷/۵ ریال بود (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). مردم قروه نان مورد نیاز خود را اغلب در خانه تهیه می کردند. تا ۱۳۵۰ تنها دو نانواپی در این شهر باز بودند که یکی سنگک و دیگری لواش می پخت. به دلیل پخت کم و در نتیجه قیمت زیاد، نان نسبت به درآمد کشاورزی منطقه گران بود (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲). صنف دیگری که در شهرهای کردستان رونق گرفت قصابی بود. قبل از دهه چهل، بیشتر نیاز گوشت خانوارها را خود آن ها تأمین می کردند؛ ولی رشد شهرنشینی و تغییر در سبک زندگی، مردم شهرنشین را مجبور کرد تا دام ها را از شهرها خارج کنند. شهر سقز در سال ۱۳۴۸، تعداد ۲۰ باب دکان گوشت فروشی داشت. گوشت با استخوان هر کیلو ۸ تومان و گوشت بدون استخوان هر کیلو ۱۰ تومان فروخته می شد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲). در قروه، روزانه به طور متوسط ۱۰ الی ۱۱ رأس گوسفند شیشک نر کشتار می شد که بازرس بهداشت آن را مهر می کرد. گوشت اغلب با وسایل غیر بهداشتی حمل می شد. در سال ۱۳۴۸ گوشت با استخوان هر کیلو ۷/۵ تومان و بی استخوان ۹/۵ تومان بود (ساکما، ۲۹۰/۵۶۱۲).

شهرستان های استان کردستان از لحاظ اقتصادی به تهران، همدان و سنندج وابسته بودند. کاسب کاران معمولاً اجناس خود را از این سه شهر تهیه می کردند. بیشتر روستاییان که در واقع تنها تولیدکنندگان شهرستان های کردستان بودند، کالاهای خود را در بازار بزرگ همدان عرضه می کردند. کمیسیون نظارت بر قیمت ها در ۱۳۵۲، با توجه به فاکتورهای خرید و فروش تلاش می کرد از افزایش قیمت ها جلوگیری کند؛ ولی واقعیت بازار یا با این قیمت های دستوری انطباقی نداشت یا علاقه به کسب سود بیشتر، عمده فروشان را به این سمت برده بود که یا فاکتور فروش به مشتری تحویل ندهند و یا در صورت تحویل فاکتور، قیمت ها را در آن صوری و کمتر از مبلغ توافق شده بنویسند. گزارش سری فرمانداری قروه در ۱۳۵۲ از گرانی و روند افزایش قیمت ها و تأثیر آن در تشویش مردم حکایت دارد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸). قیمت ارزاق عمومی مدام ترقی می کرد؛ در نتیجه شهرداری مریوان در سال ۱۳۵۲ تصمیم گرفت قیمت مایحتاج عمومی را کنترل و بر آن نظارت کند که در این کار موفق نشد. قند و شکر در انحصار دولت بود و به همین دلیل نحوه توزیع آن خیلی اهمیت داشت. وقتی که اداره کل دارایی کردستان در ۱۳۳۲ تصمیم گرفت آقای فاضلیان - رئیس اداره دارایی سقز - را منتقل کند، رؤسای طوایف و ایلات آن جا مانند طایفه فیض الله بیگی، ایل خورخوره، ایل گورک، طایفه وکیلی و... به دلیل عملکرد عادلانه او در زمینه توزیع قند و شکر طی نامه ای به وزیر دارایی خواستار شدند که او در سقز باقی بماند (ساکما، ۲۳۰/۷۴۹۱). در نیمه اول ۱۳۵۲ قند و شکر در سقز گران و احتکار شد. شرکت فرش بیجار به مناسبت جشن های ۲۵۰۰ ساله،



به بافنده‌های فرش پارچه و قند هدیه می‌داد (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۲۵۶۵)

۱۱. نتیجه

استان کردستان به دلیل موقعیت مرزی و مسائل قومی جذابیت زیادی برای آثار پژوهشی دارد؛ ولی به دلیل همین ویژگی، بیشتر آثار علمی مربوط به آن در موضوعات سیاسی و نظامی منحصر شده و حوزه اجتماعی مغفول مانده است. مهم‌ترین بخش عمرانی در این استان، راه‌سازی بوده است. آنچه که در طول سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۲ طی پروژه‌های راه‌سازی محقق شد ناچیز بود. دلیل این ناکامی علاوه بر بودجه ناکافی، مدیریت ناکارآمد، و شرایط جغرافیایی نیز بود. تا ۱۳۳۲ در تمام استان حتی یک بیمارستان مناسب وجود نداشت. تا سال ۱۳۵۲، چندین بیمارستان در شهرهای مختلف کردستان ساخته شد؛ ولی نبود یا کمبود متخصص موجب شد تا مشکل درمانی در این استان تداوم داشته باشد. مسکن، آب، برق و تلفن در طول دهه سی و چهل در شهرهای کردستان رشد نسبی داشتند؛ ولی باین حال مسئله خدمات شهری در کردستان کاملاً حل نشد. آهنگ تحولات عمرانی و بهداشتی کردستان از میانگین کشور کندتر بود. تحولات محقق شده، با رشد جمعیت و رشد شهرنشینی در دیگر مناطق کشور تناسبی نداشت؛ به همین دلیل به لحاظ اقتصادی شهرهای پر جمعیت و فعالی در استان کردستان شکل نگرفتند؛ در حالی که شهرهای استان‌های همجوار (کرمانشاه و همدان) بیشتر رشد کردند.

منبع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

۹۱/۲۹۳/۱۰۱۲۲؛ ۹۱/۲۹۳/۱۰۱۱۰؛ ۳۷۰/۹۵۰۱؛ ۲۹۰/۸۳۳۰؛ ۲۹۰/۵۶۱۲؛ ۲۳۰/۷۴۹۱؛ ۲۲۰/۱۴۷۱۹
۹۱/۲۹۳/۲۶۰۱؛ ۹۱/۲۹۳/۲۵۶۵؛ ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳؛ ۹۱/۲۹۳/۲۴۹۵؛ ۹۱/۲۹۳/۲۳۳۶؛ ۹۱/۲۹۳/۱۰۷۹۶
۹۱/۲۹۳/۹۶۰۳؛ ۹۱/۲۹۷/۶۴۵؛ ۹۱/۲۹۳/۲۹۹۵؛ ۹۱/۲۹۳/۲۸۴۸؛ ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲؛ ۹۱/۲۹۳/۲۷۹۰
۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸؛ ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸

مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران (مارجا)، کردستان، شماره اسناد: ۱۶۶۴۸؛ ۸۳۰۶۲؛ ۱۰۰۰۱۶۸۷۷

کتاب

احتشامی، منوچهر. (۱۳۸۱). *راه و راه‌سازی در ایران*. (ج ۱). تهران: انتشارات دانشگاه آزاد.

امکانات توسعه صنعتی در کردستان و کرمانشاهان. (بی تا). (بی جا): سازمان برنامه.



پیشرفت‌های ایران در دوران برنامه عمرانی سوم. (۱۳۴۶). سازمان برنامه. دفتر اطلاعات و گزارش‌ها.
جلائی‌پور، حمیدرضا. (۱۳۷۲). *کردستان: علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی*. ۱۳۵۸-۱۳۷۰.
تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات.
زکی، محمدامین. (۱۳۶۵). *کرد و کردستان*. (دفتر تحقیقات و بررسی‌های سیاسی استانداری کردستان، مترجم). (بی‌جا): (بی‌نا).
قزاق، رمزی. (۱۳۸۱). *تحلیل تاریخی و جامعه‌شناختی بر جنبش‌های سیاسی و فرهنگی کرد: از اواخر سده نوزدهم تا اواسط سده بیستم*. (مسعود ایزدی، مترجم). تهران: آزاداندیشان.
کلهر، محمد. (۱۳۸۳). *زمینه‌های تاریخی بحران سیاسی در کردستان (از مشروطیت تا پایان جنگ جهانی اول)*. تهران: آنا.

مقاله

علم، محمدرضا. (۱۳۹۳). «برنامه تجدد و نوسازی ایران در عصر رضاشاه پهلوی». *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم شماره اول، بهار و تابستان ۹۳.
مختاری و دیگران. (۱۳۹۶). «دگرگونی‌های ساختاری شهر سنندج با تکیه بر ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی (۱۳۲۰-۱۳۵۷ش)». فصل‌نامه گنجینه اسناد، سال بیستم و هفتم، دفتر سوم، (پاییز ۱۳۹۶).

روزنامه و مجله

روزنامه اطلاعات، شماره‌های: ۸۷۱۶ (تیر ۱۳۳۴)؛ ۸۷۶۲ (۱۳۳۴/۶/۷)؛ ۸۸۱۱ (۱۳۳۴/۷/۱۱)؛ ۸۸۷۵ (۱۳۳۴/۹/۱۵)؛ ۸۹۳۷ (۱۳۳۴/۱۲/۱۲)؛ ۱۰۴۶۹ (۱۳۳۴/۱۰/۱۵)؛ ۱۰۸۳۳ (۱۳۴۰/۱/۶)؛ ۱۱۰۰۹ (۱۳۴۱/۱۱/۷)؛ ۱۱۰۲۵ (۱۳۴۱/۱۱/۲۸)؛ ۱۱۰۹۶ (۱۳۴۱/۱۲/۳۰)؛ ۱۱۲۳۸ (۱۳۴۲/۱/۱۶)؛ ۱۱۲۸۱ (۱۳۴۲/۱۰/۱۳)؛ ۱۲۲۴۲ (۱۳۴۲/۱۲/۱۲)؛ ۱۲۳۵۷ (۱۳۴۶/۵/۲۴)؛ ۱۲۳۶۹ (۱۳۴۶/۶/۷)؛ ۱۲۳۷۵ (۱۳۴۶/۷/۱۱)؛ ۱۲۳۸۱ (۱۳۴۶/۸/۱۶)؛ ۱۲۳۹۷ (۱۳۴۶/۹/۲۰)؛ ۱۲۴۰۳ (۱۳۴۶/۱۰/۲۴)؛ ۱۲۴۱۹ (۱۳۴۶/۱۱/۲۸)؛ ۱۲۴۳۵ (۱۳۴۶/۱۲/۳۰)؛ ۱۲۴۵۱ (۱۳۴۷/۱/۱۶)؛ ۱۲۴۶۷ (۱۳۴۷/۲/۱۹)؛ ۱۲۴۸۳ (۱۳۴۷/۳/۲۰)؛ ۱۲۴۹۹ (۱۳۴۷/۴/۲۲)؛ ۱۲۵۱۵ (۱۳۴۷/۵/۲۴)؛ ۱۲۵۳۱ (۱۳۴۷/۶/۲۶)؛ ۱۲۵۴۷ (۱۳۴۷/۷/۲۸)؛ ۱۲۵۶۳ (۱۳۴۷/۸/۳۰)؛ ۱۲۵۷۹ (۱۳۴۷/۹/۱)؛ ۱۲۵۹۵ (۱۳۴۷/۱۰/۳)؛ ۱۲۶۱۱ (۱۳۴۷/۱۱/۵)؛ ۱۲۶۲۷ (۱۳۴۷/۱۲/۷)؛ ۱۲۶۴۳ (۱۳۴۸/۱/۹)؛ ۱۲۶۵۹ (۱۳۴۸/۲/۱۱)؛ ۱۲۶۷۵ (۱۳۴۸/۳/۱۳)؛ ۱۲۶۹۱ (۱۳۴۸/۴/۱۵)؛ ۱۲۷۰۷ (۱۳۴۸/۵/۱۷)؛ ۱۲۷۲۳ (۱۳۴۸/۶/۱۹)؛ ۱۲۷۳۹ (۱۳۴۸/۷/۲۱)؛ ۱۲۷۵۵ (۱۳۴۸/۸/۲۳)؛ ۱۲۷۷۱ (۱۳۴۸/۹/۲۵)؛ ۱۲۷۸۷ (۱۳۴۸/۱۰/۲۷)؛ ۱۲۸۰۳ (۱۳۴۸/۱۱/۲۹)؛ ۱۲۸۱۹ (۱۳۴۸/۱۲/۳۱)؛ ۱۲۸۳۵ (۱۳۴۹/۱/۳)؛ ۱۲۸۵۱ (۱۳۴۹/۲/۵)؛ ۱۲۸۶۷ (۱۳۴۹/۳/۷)؛ ۱۲۸۸۳ (۱۳۴۹/۴/۹)؛ ۱۲۸۹۹ (۱۳۴۹/۵/۱۱)؛ ۱۲۹۱۵ (۱۳۴۹/۶/۱۳)؛ ۱۲۹۳۱ (۱۳۴۹/۷/۱۵)؛ ۱۲۹۴۷ (۱۳۴۹/۸/۱۷)؛ ۱۲۹۶۳ (۱۳۴۹/۹/۱۹)؛ ۱۲۹۷۹ (۱۳۴۹/۱۰/۲۱)؛ ۱۲۹۹۵ (۱۳۴۹/۱۱/۲۳)؛ ۱۳۰۱۱ (۱۳۴۹/۱۲/۲۵)؛ ۱۳۰۲۷ (۱۳۵۰/۱/۲۷)؛ ۱۳۰۴۳ (۱۳۵۰/۲/۲۹)؛ ۱۳۰۵۹ (۱۳۵۰/۳/۳۱)؛ ۱۳۰۷۵ (۱۳۵۰/۴/۳)؛ ۱۳۰۹۱ (۱۳۵۰/۵/۵)؛ ۱۳۱۰۷ (۱۳۵۰/۶/۷)؛ ۱۳۱۲۳ (۱۳۵۰/۷/۹)؛ ۱۳۱۳۹ (۱۳۵۰/۸/۱۱)؛ ۱۳۱۵۵ (۱۳۵۰/۹/۱۳)؛ ۱۳۱۷۱ (۱۳۵۰/۱۰/۱۵)؛ ۱۳۱۸۷ (۱۳۵۰/۱۱/۱۷)؛ ۱۳۲۰۳ (۱۳۵۰/۱۲/۱۹)؛ ۱۳۲۱۹ (۱۳۵۱/۱/۲۱)؛ ۱۳۲۳۵ (۱۳۵۱/۲/۲۳)؛ ۱۳۲۵۱ (۱۳۵۱/۳/۲۵)؛ ۱۳۲۶۷ (۱۳۵۱/۴/۲۷)؛ ۱۳۲۸۳ (۱۳۵۱/۵/۲۹)؛ ۱۳۲۹۹ (۱۳۵۱/۶/۳۱)؛ ۱۳۳۱۵ (۱۳۵۱/۷/۳)؛ ۱۳۳۳۱ (۱۳۵۱/۸/۵)؛ ۱۳۳۴۷ (۱۳۵۱/۹/۷)؛ ۱۳۳۶۳ (۱۳۵۱/۱۰/۹)؛ ۱۳۳۷۹ (۱۳۵۱/۱۱/۱۱)؛ ۱۳۳۹۵ (۱۳۵۱/۱۲/۱۳)؛ ۱۳۴۱۱ (۱۳۵۲/۱/۱۵)؛ ۱۳۴۲۷ (۱۳۵۲/۲/۱۷)؛ ۱۳۴۴۳ (۱۳۵۲/۳/۱۹)؛ ۱۳۴۵۹ (۱۳۵۲/۴/۲۱)؛ ۱۳۴۷۵ (۱۳۵۲/۵/۲۳)؛ ۱۳۴۹۱ (۱۳۵۲/۶/۲۵)؛ ۱۳۵۰۷ (۱۳۵۲/۷/۲۷)؛ ۱۳۵۲۳ (۱۳۵۲/۸/۲۹)؛ ۱۳۵۳۹ (۱۳۵۲/۹/۳۱)؛ ۱۳۵۵۵ (۱۳۵۲/۱۰/۳)؛ ۱۳۵۷۱ (۱۳۵۲/۱۱/۵)؛ ۱۳۵۸۷ (۱۳۵۲/۱۲/۷)؛ ۱۳۶۰۳ (۱۳۵۳/۱/۹)؛ ۱۳۶۱۹ (۱۳۵۳/۲/۱۱)؛ ۱۳۶۳۵ (۱۳۵۳/۳/۱۳)؛ ۱۳۶۵۱ (۱۳۵۳/۴/۱۵)؛ ۱۳۶۶۷ (۱۳۵۳/۵/۱۷)؛ ۱۳۶۸۳ (۱۳۵۳/۶/۱۹)؛ ۱۳۶۹۹ (۱۳۵۳/۷/۲۱)؛ ۱۳۷۱۵ (۱۳۵۳/۸/۲۳)؛ ۱۳۷۳۱ (۱۳۵۳/۹/۲۵)؛ ۱۳۷۴۷ (۱۳۵۳/۱۰/۲۷)؛ ۱۳۷۶۳ (۱۳۵۳/۱۱/۲۹)؛ ۱۳۷۷۹ (۱۳۵۳/۱۲/۳۱)؛ ۱۳۷۹۵ (۱۳۵۴/۱/۳)؛ ۱۳۸۱۱ (۱۳۵۴/۲/۵)؛ ۱۳۸۲۷ (۱۳۵۴/۳/۷)؛ ۱۳۸۴۳ (۱۳۵۴/۴/۹)؛ ۱۳۸۵۹ (۱۳۵۴/۵/۱۱)؛ ۱۳۸۷۵ (۱۳۵۴/۶/۱۳)؛ ۱۳۸۹۱ (۱۳۵۴/۷/۱۵)؛ ۱۳۹۰۷ (۱۳۵۴/۸/۱۷)؛ ۱۳۹۲۳ (۱۳۵۴/۹/۱۹)؛ ۱۳۹۳۹ (۱۳۵۴/۱۰/۲۱)؛ ۱۳۹۵۵ (۱۳۵۴/۱۱/۲۳)؛ ۱۳۹۷۱ (۱۳۵۴/۱۲/۲۵)؛ ۱۳۹۸۷ (۱۳۵۵/۱/۲۷)؛ ۱۴۰۰۳ (۱۳۵۵/۲/۲۹)؛ ۱۴۰۱۹ (۱۳۵۵/۳/۳۱)؛ ۱۴۰۳۵ (۱۳۵۵/۴/۳)؛ ۱۴۰۵۱ (۱۳۵۵/۵/۵)؛ ۱۴۰۶۷ (۱۳۵۵/۶/۷)؛ ۱۴۰۸۳ (۱۳۵۵/۷/۹)؛ ۱۴۰۹۹ (۱۳۵۵/۸/۱۱)؛ ۱۴۱۱۵ (۱۳۵۵/۹/۱۳)؛ ۱۴۱۳۱ (۱۳۵۵/۱۰/۱۵)؛ ۱۴۱۴۷ (۱۳۵۵/۱۱/۱۷)؛ ۱۴۱۶۳ (۱۳۵۵/۱۲/۱۹)؛ ۱۴۱۷۹ (۱۳۵۶/۱/۲۱)؛ ۱۴۱۹۵ (۱۳۵۶/۲/۲۳)؛ ۱۴۲۱۱ (۱۳۵۶/۳/۲۵)؛ ۱۴۲۲۷ (۱۳۵۶/۴/۲۷)؛ ۱۴۲۴۳ (۱۳۵۶/۵/۲۹)؛ ۱۴۲۵۹ (۱۳۵۶/۶/۳۱)؛ ۱۴۲۷۵ (۱۳۵۶/۷/۳)؛ ۱۴۲۹۱ (۱۳۵۶/۸/۵)؛ ۱۴۳۰۷ (۱۳۵۶/۹/۷)؛ ۱۴۳۲۳ (۱۳۵۶/۱۰/۹)؛ ۱۴۳۳۹ (۱۳۵۶/۱۱/۱۱)؛ ۱۴۳۵۵ (۱۳۵۶/۱۲/۱۳)؛ ۱۴۳۷۱ (۱۳۵۷/۱/۱۵)؛ ۱۴۳۸۷ (۱۳۵۷/۲/۱۷)؛ ۱۴۴۰۳ (۱۳۵۷/۳/۱۹)؛ ۱۴۴۱۹ (۱۳۵۷/۴/۲۱)؛ ۱۴۴۳۵ (۱۳۵۷/۵/۲۳)؛ ۱۴۴۵۱ (۱۳۵۷/۶/۲۵)؛ ۱۴۴۶۷ (۱۳۵۷/۷/۲۷)؛ ۱۴۴۸۳ (۱۳۵۷/۸/۲۹)؛ ۱۴۴۹۹ (۱۳۵۷/۹/۳۱)؛ ۱۴۵۱۵ (۱۳۵۷/۱۰/۳)؛ ۱۴۵۳۱ (۱۳۵۷/۱۱/۵)؛ ۱۴۵۴۷ (۱۳۵۷/۱۲/۷)؛ ۱۴۵۶۳ (۱۳۵۸/۱/۹)؛ ۱۴۵۷۹ (۱۳۵۸/۲/۱۱)؛ ۱۴۵۹۵ (۱۳۵۸/۳/۱۳)؛ ۱۴۶۱۱ (۱۳۵۸/۴/۱۵)؛ ۱۴۶۲۷ (۱۳۵۸/۵/۱۷)؛ ۱۴۶۴۳ (۱۳۵۸/۶/۱۹)؛ ۱۴۶۵۹ (۱۳۵۸/۷/۲۱)؛ ۱۴۶۷۵ (۱۳۵۸/۸/۲۳)؛ ۱۴۶۹۱ (۱۳۵۸/۹/۲۵)؛ ۱۴۷۰۷ (۱۳۵۸/۱۰/۲۷)؛ ۱۴۷۲۳ (۱۳۵۸/۱۱/۲۹)؛ ۱۴۷۳۹ (۱۳۵۸/۱۲/۳۱)؛ ۱۴۷۵۵ (۱۳۵۹/۱/۳)؛ ۱۴۷۷۱ (۱۳۵۹/۲/۵)؛ ۱۴۷۸۷ (۱۳۵۹/۳/۷)؛ ۱۴۸۰۳ (۱۳۵۹/۴/۹)؛ ۱۴۸۱۹ (۱۳۵۹/۵/۱۱)؛ ۱۴۸۳۵ (۱۳۵۹/۶/۱۳)؛ ۱۴۸۵۱ (۱۳۵۹/۷/۱۵)؛ ۱۴۸۶۷ (۱۳۵۹/۸/۱۷)؛ ۱۴۸۸۳ (۱۳۵۹/۹/۱۹)؛ ۱۴۸۹۹ (۱۳۵۹/۱۰/۲۱)؛ ۱۴۹۱۵ (۱۳۵۹/۱۱/۲۳)؛ ۱۴۹۳۱ (۱۳۵۹/۱۲/۲۵)؛ ۱۴۹۴۷ (۱۳۶۰/۱/۲۷)؛ ۱۴۹۶۳ (۱۳۶۰/۲/۲۹)؛ ۱۴۹۷۹ (۱۳۶۰/۳/۳۱)؛ ۱۴۹۹۵ (۱۳۶۰/۴/۳)؛ ۱۵۰۱۱ (۱۳۶۰/۵/۵)؛ ۱۵۰۲۷ (۱۳۶۰/۶/۷)؛ ۱۵۰۴۳ (۱۳۶۰/۷/۹)؛ ۱۵۰۵۹ (۱۳۶۰/۸/۱۱)؛ ۱۵۰۷۵ (۱۳۶۰/۹/۱۳)؛ ۱۵۰۹۱ (۱۳۶۰/۱۰/۱۵)؛ ۱۵۱۰۷ (۱۳۶۰/۱۱/۱۷)؛ ۱۵۱۲۳ (۱۳۶۰/۱۲/۱۹)؛ ۱۵۱۳۹ (۱۳۶۱/۱/۲۱)؛ ۱۵۱۵۵ (۱۳۶۱/۲/۲۳)؛ ۱۵۱۷۱ (۱۳۶۱/۳/۲۵)؛ ۱۵۱۸۷ (۱۳۶۱/۴/۲۷)؛ ۱۵۲۰۳ (۱۳۶۱/۵/۲۹)؛ ۱۵۲۱۹ (۱۳۶۱/۶/۳۱)؛ ۱۵۲۳۵ (۱۳۶۱/۷/۳)؛ ۱۵۲۵۱ (۱۳۶۱/۸/۵)؛ ۱۵۲۶۷ (۱۳۶۱/۹/۷)؛ ۱۵۲۸۳ (۱۳۶۱/۱۰/۹)؛ ۱۵۲۹۹ (۱۳۶۱/۱۱/۱۱)؛ ۱۵۳۱۵ (۱۳۶۱/۱۲/۱۳)؛ ۱۵۳۳۱ (۱۳۶۲/۱/۱۵)؛ ۱۵۳۴۷ (۱۳۶۲/۲/۱۷)؛ ۱۵۳۶۳ (۱۳۶۲/۳/۱۹)؛ ۱۵۳۷۹ (۱۳۶۲/۴/۲۱)؛ ۱۵۳۹۵ (۱۳۶۲/۵/۲۳)؛ ۱۵۴۱۱ (۱۳۶۲/۶/۲۵)؛ ۱۵۴۲۷ (۱۳۶۲/۷/۲۷)؛ ۱۵۴۴۳ (۱۳۶۲/۸/۲۹)؛ ۱۵۴۵۹ (۱۳۶۲/۹/۳۱)؛ ۱۵۴۷۵ (۱۳۶۲/۱۰/۳)؛ ۱۵۴۹۱ (۱۳۶۲/۱۱/۵)؛ ۱۵۵۰۷ (۱۳۶۲/۱۲/۷)؛ ۱۵۵۲۳ (۱۳۶۳/۱/۹)؛ ۱۵۵۳۹ (۱۳۶۳/۲/۱۱)؛ ۱۵۵۵۵ (۱۳۶۳/۳/۱۳)؛ ۱۵۵۷۱ (۱۳۶۳/۴/۱۵)؛ ۱۵۵۸۷ (۱۳۶۳/۵/۱۷)؛ ۱۵۶۰۳ (۱۳۶۳/۶/۱۹)؛ ۱۵۶۱۹ (۱۳۶۳/۷/۲۱)؛ ۱۵۶۳۵ (۱۳۶۳/۸/۲۳)؛ ۱۵۶۵۱ (۱۳۶۳/۹/۲۵)؛ ۱۵۶۶۷ (۱۳۶۳/۱۰/۲۷)؛ ۱۵۶۸۳ (۱۳۶۳/۱۱/۲۹)؛ ۱۵۶۹۹ (۱۳۶۳/۱۲/۳۱)؛ ۱۵۷۱۵ (۱۳۶۴/۱/۳)؛ ۱۵۷۳۱ (۱۳۶۴/۲/۵)؛ ۱۵۷۴۷ (۱۳۶۴/۳/۷)؛ ۱۵۷۶۳ (۱۳۶۴/۴/۹)؛ ۱۵۷۷۹ (۱۳۶۴/۵/۱۱)؛ ۱۵۷۹۵ (۱۳۶۴/۶/۱۳)؛ ۱۵۸۱۱ (۱۳۶۴/۷/۱۵)؛ ۱۵۸۲۷ (۱۳۶۴/۸/۱۷)؛ ۱۵۸۴۳ (۱۳۶۴/۹/۱۹)؛ ۱۵۸۵۹ (۱۳۶۴/۱۰/۲۱)؛ ۱۵۸۷۵ (۱۳۶۴/۱۱/۲۳)؛ ۱۵۸۹۱ (۱۳۶۴/۱۲/۲۵)؛ ۱۵۹۰۷ (۱۳۶۵/۱/۲۷)؛ ۱۵۹۲۳ (۱۳۶۵/۲/۲۹)؛ ۱۵۹۳۹ (۱۳۶۵/۳/۳۱)؛ ۱۵۹۵۵ (۱۳۶۵/۴/۳)؛ ۱۵۹۷۱ (۱۳۶۵/۵/۵)؛ ۱۵۹۸۷ (۱۳۶۵/۶/۷)؛ ۱۶۰۰۳ (۱۳۶۵/۷/۹)؛ ۱۶۰۱۹ (۱۳۶۵/۸/۱۱)؛ ۱۶۰۳۵ (۱۳۶۵/۹/۱۳)؛ ۱۶۰۵۱ (۱۳۶۵/۱۰/۱۵)؛ ۱۶۰۶۷ (۱۳۶۵/۱۱/۱۷)؛ ۱۶۰۸۳ (۱۳۶۵/۱۲/۱۹)؛ ۱۶۰۹۹ (۱۳۶۶/۱/۲۱)؛ ۱۶۱۱۵ (۱۳۶۶/۲/۲۳)؛ ۱۶۱۳۱ (۱۳۶۶/۳/۲۵)؛ ۱۶۱۴۷ (۱۳۶۶/۴/۲۷)؛ ۱۶۱۶۳ (۱۳۶۶/۵/۲۹)؛ ۱۶۱۷۹ (۱۳۶۶/۶/۳۱)؛ ۱۶۱۹۵ (۱۳۶۶/۷/۳)؛ ۱۶۲۱۱ (۱۳۶۶/۸/۵)؛ ۱۶۲۲۷ (۱۳۶۶/۹/۷)؛ ۱۶۲۴۳ (۱۳۶۶/۱۰/۹)؛ ۱۶۲۵۹ (۱۳۶۶/۱۱/۱۱)؛ ۱۶۲۷۵ (۱۳۶۶/۱۲/۱۳)؛ ۱۶۲۹۱ (۱۳۶۷/۱/۱۵)؛ ۱۶۳۰۷ (۱۳۶۷/۲/۱۷)؛ ۱۶۳۲۳ (۱۳۶۷/۳/۱۹)؛ ۱۶۳۳۹ (۱۳۶۷/۴/۲۱)؛ ۱۶۳۵۵ (۱۳۶۷/۵/۲۳)؛ ۱۶۳۷۱ (۱۳۶۷/۶/۲۵)؛ ۱۶۳۸۷ (۱۳۶۷/۷/۲۷)؛ ۱۶۴۰۳ (۱۳۶۷/۸/۲۹)؛ ۱۶۴۱۹ (۱۳۶۷/۹/۳۱)؛ ۱۶۴۳۵ (۱۳۶۷/۱۰/۳)؛ ۱۶۴۵۱ (۱۳۶۷/۱۱/۵)؛ ۱۶۴۶۷ (۱۳۶۷/۱۲/۷)؛ ۱۶۴۸۳ (۱۳۶۸/۱/۹)؛ ۱۶۴۹۹ (۱۳۶۸/۲/۱۱)؛ ۱۶۵۱۵ (۱۳۶۸/۳/۱۳)؛ ۱۶۵۳۱ (۱۳۶۸/۴/۱۵)؛ ۱۶۵۴۷ (۱۳۶۸/۵/۱۷)؛ ۱۶۵۶۳ (۱۳۶۸/۶/۱۹)؛ ۱۶۵۷۹ (۱۳۶۸/۷/۲۱)؛ ۱۶۵۹۵ (۱۳۶۸/۸/۲۳)؛ ۱۶۶۱۱ (۱۳۶۸/۹/۲۵)؛ ۱۶۶۲۷ (۱۳۶۸/۱۰/۲۷)؛ ۱۶۶۴۳ (۱۳۶۸/۱۱/۲۹)؛ ۱۶۶۵۹ (۱۳۶۸/۱۲/۳۱)؛ ۱۶۶۷۵ (۱۳۶۹/۱/۳)؛ ۱۶۶۹۱ (۱۳۶۹/۲/۵)؛ ۱۶۷۰۷ (۱۳۶۹/۳/۷)؛ ۱۶۷۲۳ (۱۳۶۹/۴/۹)؛ ۱۶۷۳۹ (۱۳۶۹/۵/۱۱)؛ ۱۶۷۵۵ (۱۳۶۹/۶/۱۳)؛ ۱۶۷۷۱ (۱۳۶۹/۷/۱۵)؛ ۱۶۷۸۷ (۱۳۶۹/۸/۱۷)؛ ۱۶۸۰۳ (۱۳۶۹/۹/۱۹)؛ ۱۶۸۱۹ (۱۳۶۹/۱۰/۲۱)؛ ۱۶۸۳۵ (۱۳۶۹/۱۱/۲۳)؛ ۱۶۸۵۱ (۱۳۶۹/۱۲/۲۵)؛ ۱۶۸۶۷ (۱۳۷۰/۱/۲۷)؛ ۱۶۸۸۳ (۱۳۷۰/۲/۲۹)؛ ۱۶۸۹۹ (۱۳۷۰/۳/۳۱)؛ ۱۶۹۱۵ (۱۳۷۰/۴/۳)؛ ۱۶۹۳۱ (۱۳۷۰/۵/۵)؛ ۱۶۹۴۷ (۱۳۷۰/۶/۷)؛ ۱۶۹۶۳ (۱۳۷۰/۷/۹)؛ ۱۶۹۷۹ (۱۳۷۰/۸/۱۱)؛ ۱۶۹۹۵ (۱۳۷۰/۹/۱۳)؛ ۱۷۰۱۱ (۱۳۷۰/۱۰/۱۵)؛ ۱۷۰۲۷ (۱۳۷۰/۱۱/۱۷)؛ ۱۷۰۴۳ (۱۳۷۰/۱۲/۱۹)؛ ۱۷۰۵۹ (۱۳۷۱/۱/۲۱)؛ ۱۷۰۷۵ (۱۳۷۱/۲/۲۳)؛ ۱۷۰۹۱ (۱۳۷۱/۳/۲۵)؛ ۱۷۱۰۷ (۱۳۷۱/۴/۲۷)؛ ۱۷۱۲۳ (۱۳۷۱/۵/۲۹)؛ ۱۷۱۳۹ (۱۳۷۱/۶/۳۱)؛ ۱۷۱۵۵ (۱۳۷۱/۷/۳)؛ ۱۷۱۷۱ (۱۳۷۱/۸/۵)؛ ۱۷۱۸۷ (۱۳۷۱/۹/۷)؛ ۱۷۲۰۳ (۱۳۷۱/۱۰/۹)؛ ۱۷۲۱۹ (۱۳۷۱/۱۱/۱۱)؛ ۱۷۲۳۵ (۱۳۷۱/۱۲/۱۳)؛ ۱۷۲۵۱ (۱۳۷۲/۱/۱۵)؛ ۱۷۲۶۷ (۱۳۷۲/۲/۱۷)؛ ۱۷۲۸۳ (۱۳۷۲/۳/۱۹)؛ ۱۷۲۹۹ (۱۳۷۲/۴/۲۱)؛ ۱۷۳۱۵ (۱۳۷۲/۵/۲۳)؛ ۱۷۳۳۱ (۱۳۷۲/۶/۲۵)؛ ۱۷۳۴۷ (۱۳۷۲/۷/۲۷)؛ ۱۷۳۶۳ (۱۳۷۲/۸/۲۹)؛ ۱۷۳۷۹ (۱۳۷۲/۹/۳۱)؛ ۱۷۳۹۵ (۱۳۷۲/۱۰/۳)؛ ۱۷۴۱۱ (۱۳۷۲/۱۱/۵)؛ ۱۷۴۲۷ (۱۳۷۲/۱۲/۷)؛ ۱۷۴۴۳ (۱۳۷۳/۱/۹)؛ ۱۷۴۵۹ (۱۳۷۳/۲/۱۱)؛ ۱۷۴۷۵ (۱۳۷۳/۳/۱۳)؛ ۱۷۴۹۱ (۱۳۷۳/۴/۱۵)؛ ۱۷۵۰۷ (۱۳۷۳/۵/۱۷)؛ ۱۷۵۲۳ (۱۳۷۳/۶/۱۹)؛ ۱۷۵۳۹ (۱۳۷۳/۷/۲۱)؛ ۱۷۵۵۵ (۱۳۷۳/۸/۲۳)؛ ۱۷۵۷۱ (۱۳۷۳/۹/۲۵)؛ ۱۷۵۸۷ (۱۳۷۳/۱۰/۲۷)؛ ۱۷۶۰۳ (۱۳۷۳/۱۱/۲۹)؛ ۱۷۶۱۹ (۱۳۷۳/۱۲/۳۱)؛ ۱۷۶۳۵ (۱۳۷۴/۱/۳)؛ ۱۷۶۵۱ (۱۳۷۴/۲/۵)؛ ۱۷۶۶۷ (۱۳۷۴/۳/۷)؛ ۱۷۶۸۳ (۱۳۷۴/۴/۹)؛ ۱۷۶۹۹ (۱۳۷۴/۵/۱۱)؛ ۱۷۷۱۵ (۱۳۷۴/۶/۱۳)؛ ۱۷۷۳۱ (۱۳۷۴/۷/۱۵)؛ ۱۷۷۴۷ (۱۳۷۴/۸/۱۷)؛ ۱۷۷۶۳ (۱۳۷۴/۹/۱۹)؛ ۱۷۷۷۹ (۱۳۷۴/۱۰/۲۱)؛ ۱۷۷۹۵ (۱۳۷۴/۱۱/۲۳)؛ ۱۷۸۱۱ (۱۳۷۴/۱۲/۲۵)؛ ۱۷۸۲۷ (۱۳۷۵/۱/۲۷)؛ ۱۷۸۴۳ (۱۳۷۵/۲/۲۹)؛ ۱۷۸۵۹ (۱۳۷۵/۳/۳۱)؛ ۱۷۸۷۵ (۱۳۷۵/۴/۳)؛ ۱۷۸۹۱ (۱۳۷۵/۵/۵)؛ ۱۷۹۰۷ (۱۳۷۵/۶/۷)؛ ۱۷۹۲۳ (۱۳۷۵/۷/۹)؛ ۱۷۹۳۹ (۱۳۷۵/۸/۱۱)؛ ۱۷۹۵۵ (۱۳۷۵/۹/۱۳)؛ ۱۷۹۷۱ (۱۳۷۵/۱۰/۱۵)؛ ۱۷۹۸۷ (۱۳۷۵/۱۱/۱۷)؛ ۱۸۰۰۳ (۱۳۷۵/۱۲/۱۹)؛ ۱۸۰۱۹ (۱۳۷۶/۱/۲۱)؛ ۱۸۰۳۵ (۱۳۷۶/۲/۲۳)؛ ۱۸۰۵۱ (۱۳۷۶/۳/۲۵)؛ ۱۸۰۶۷ (۱۳۷۶/۴/۲۷)؛ ۱۸۰۸۳ (۱۳۷۶/۵/۲۹)؛ ۱۸۰۹۹ (۱۳۷۶/۶/۳۱)؛ ۱۸۱۱۵ (۱۳۷۶/۷/۳)؛ ۱۸۱۳۱ (۱۳۷۶/۸/۵)؛ ۱۸۱۴۷ (۱۳۷۶/۹/۷)؛ ۱۸۱۶۳ (۱۳۷۶/۱۰/۹)؛ ۱۸۱۷۹ (۱۳۷۶/۱۱/۱۱)؛ ۱۸۱۹۵ (۱۳۷۶/۱۲/۱۳)؛ ۱۸۲۱۱ (۱۳۷۷/۱/۱۵)؛ ۱۸۲۲۷ (۱۳۷۷/۲/۱۷)؛ ۱۸۲۴۳ (۱۳۷۷/۳/۱۹)؛ ۱۸۲۵۹ (۱۳۷۷/۴/۲۱)؛ ۱۸۲۷۵ (۱۳۷۷/۵/۲۳)؛ ۱۸۲۹۱ (۱۳۷۷/۶/۲۵)؛ ۱۸۳۰۷ (۱۳۷۷/۷/۲۷)؛ ۱۸۳۲۳ (۱۳۷۷/۸/۲۹)؛ ۱۸۳۳۹

English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran):

220/14719; 230/7491; 290/8330; 370/9501; 91/293/10110; 91/293/10122; 91/293/10796;
91/293/2366; 91/293/2495; 91/293/2553; 91/293/2565; 91/293/2601; 91/293/2790;
91/293/2822; 91/293/2848; 91/293/2995; 91/297/645; 91/293/9603; 91/293/9618;
91/293/9618.[Persian]

Markaz-e Asnād-e Riāsat-e Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān (Mārjā) (Office of Presidential Documents), Kordestān:

16648; 83062; 100016877. [Persian]

Books

Ehteshami, Manouchehr. (1381/2002). *“Rāh va rāh-sāzi dar Irān”* (Road and road construction in Iran) (vol. 1). Tehran: Enteshārāt-e Dānešgāh-e Āzād.[Persian]

“Emkānāt-e Towse’e-ye San’ati dar Kordestān va Kermānshāhān” (Industrial development facilities in Kurdistan and Kermanshah). (n. d.). [n. p.]: Sāzmān-e Barnāme (Planning and Budget Organization).[Persian]

Ghazagh, Ramzi. (1381/2002). *“Tahlil-e tārixi va jāme’e-šenāsi bar jonbeš-hā-ye siāsi va farhangī-ye Kord: Az avāxer-e sade-ye nuzdahom tā avāset-e sade-ye bištom”* (Historical and sociological analysis of political and cultural movements: From the late nineteenth to the mid-twentieth century). Translated by Mas’oud Izadi. Tehran: ĀzādAndišān.[Persian]

Jalaeipour, Hamidreza. (1372/1993). *“Kordestān: Elal-e tadāvom-e bohrān-e ān pas az enqelāb-e eslāmi, 1358-1370”* (Kurdistan: Causes of the continuation of the crisis after the Islamic Revolution, 1979-1991). Tehran: Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Ministry of Foreign Affairs), Mo’assese-ye ČāpvaEnteshārāt (Printing and Publishing Institute).[Persian]

Kalhor, Mohammad. (1383/2004). *“Zamīne-hā-ye tārixi-ye bohrān-e siāsi dar Kordestān: Az mašrutiat tā pāyān-e jang-e jahāni-ye avval”* (Historical context



of the political crisis in Kurdistan: From constitutionalism to the end of World War I). Tehran: Ānā.[Persian]

“Pišraft-hā-ye Irān dar dōwṛān-e barnāme-ye ‘omrāni-ye sevvom” (Iran’s progress during the Third Development Plan). (1346/1967). Sāzmān-e Barnāmeḥ (Planning and Budget Organization), Daft-e Ettelā’āt va Gozāreš-hā (Office of Information and Reports).[Persian]

Zaki, Mohammad Amin. (1365/1986). *“Kord va Kordestān”* (Kurd and Kurdistan). Translated by Daft-e Tahqiqātva Barresi-hā-ye Ostān-dāri-ye Kordestān (Office of Political Research and Investigations of Kurdistan Governorate). [n. p.]: n. p.[Persian]

Articles

Alam, Mohammadreza. (1393/2014). “Barnāme-ye tajaddod va nowsāzi-ye Irān dar asr-e Rezāšāh-e Pahlavi” (The plan of modernization and renovation of Iran in Reza Shah Pahlavi era). Tahqiqāt-e Tārix-e Ejtemāee. Pažuhešgāh-e ‘Olum-e Ensāni va Motālē’āt-e Farhangī (Research Center of the Humanities and Cultural Studies), 4 (1), (1393 / 2014, Spring & Summer).[Persian]

Mokhtari et al. (1396/2017). “Degarguni-hā-ye sāxtāri-ye šahr-e Sanandaj bātekye bar vižegi-hā-ye ejtemāee-eqtesādi (1320-1357)” (Socio-economic changes in Sanandaj between 1941-1979). *Ganjine-ye Asnād*, 27 (3), (1396 / 2017, Fall).[Persian]

Newspapers and Magazines

Ettelāāt newspaper, issue numbers: 8716 (1334, Tir/1955, July); 8762 (1334/6/7 – 1955/8/30); 8811 (1334/7/11 – 1955/10/4); 8875 (1334/9/15 – 1955/12/7); 8937 (1334/12/12 – 1956/3/3); 10469 (1340/1/15 – 1961/4/4); 10833 (1341/4/6 – 1962/6/27); 11009 (1341/11/7 – 1963/1/27); 11025 (1341/11/28 – 1963/2/17); 11096 (1342/2/30 – 1963/5/21); 11238 (1342/8/16 – 1963/11/8); 11281 (1342/10/13 – 1964/1/4); 12242 (1346/1/12 – 1967/4/1); 12357 (1346/5/24 – 1967/8/15); 12369 (1346/6/7 – 1967/6/29).[Persian]



Irān-e Novin newspaper, issue numbers: 29 (1343/5/20 – 1964/8/11); 31 (1343/5/22 – 1964/8/13).[Persian]

CDs (Compact Discs)

Mašruh-e mozākerāt-e majles-e Šorā-ye Melli (Detailed records of parliamentary debates of the National Consultative Assembly), terms: 18, session 157 (1334/7/16 – 1955/10/9); 18, session 174 (1334/9/2 – 1955/11/24); 19, session 213 (1337/4/10 – 1958/7/1); 19, session 248 (1334/9/25 – 1955/12/17); 19, session 384 (1338/12/3 – 1960/2/23).[Persian]

Interviews

Ghadimi, Tayyeb. (1392/2013). “Goftegu bā xabar-gozāri-ye Tasnim” (Interview with Tasnim News Agency). 1392/6/21 – 2013/9/12.[Persian]

Assessing the Integrity of Digitization of Audiovisual Materials in IRIB Archives

Amir Reza Asnafi¹ | Hamid Ghazizadeh² | Shahrzad Akhavan Behbahani³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: To investigate the state of audio and video archives of IRIB with regard to the infrastructure and the degree of integrity of digitization operations.

Method and Research Design: Views of practicing professionals of 52 IRIB archives were sought in this survey. Data collection tool was a researcher-made questionnaire. Data was analyzed using one-sample t-test and Kolmogorov-Smirnov test.

Findings and Conclusion: The respondents considered overall state of archives and the process of digitization good. The infrastructure, the software, the hardware, security, and protection components were declared in good condition, but not communication. Digital resource management was regarded integrated. However, Audio and video archives of radio and television suffer from relative disparity. It is imperative that managers of IRIB archives meet international standards to remove deficiencies in their operations.

Keywords: Digital archive; Digitizing; Audiovisual; Audio and video, IRIB.

Citation: Asnafi, A., Ghazizadeh, H., Akhavan Behbahani, S. (2020). Assessing the Integrity of Digitization of Audiovisual Materials in IRIB Archives. *Ganjine-ye Asnad*, 30(3), 104-128. doi: 10.22034/ganj.2020.2579

1. Assistant Professor, Department of Information Science and Knowledge Studies, University of Shahid Beheshti, Tehran, I. R. Iran, (Corresponding Author)

aasnafi@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Information Science and Knowledge Studies, PayameNoor University, Tehran, I. R. Iran

ghazi.hamid@gmail.com

3. MA, Information Science and Knowledge Studies, Broadcasting Organization of I.R. Iran, Tehran, I. R. Iran

sh.akhavan@gmail.com

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«119»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2020.2579

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 3, Autumn 2020 | pp: 104-128 (25) | Received: 27, Dec. 2019 | Accepted: 3, Sep. 2020

Archival studies





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

ارزیابی یکپارچگی عملیات رقیمی سازی منابع دیداری-شنیداری در آرشیو سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

امیررضا اصنافی^۱ | حمید قاضی زاده^۲ | شهرزاد اخوان بهبهانی^۳

چکیده:

هدف: هدف پژوهش حاضر شناسایی وضعیت آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما ایران از لحاظ زیرساخت‌ها و نیز مقایسه میزان یکپارچگی عملیات رقیمی سازی آن‌ها با آرشیوهای مطرح دنیا است.

روش/ رویکرد پژوهش: نظرات ۵۲ کارشناس به نمایندگی از ۵۲ آرشیو از زیرمجموعه سازمان صداوسیما ایران است. ابزار اندازه‌گیری پژوهش پرسش‌نامه محقق ساخته است. داده‌ها با استفاده از آزمون t تک‌نمونه‌ای و آزمون کولموگروف-اسمیرنوف تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: تحلیل یافته‌ها نشان داد که در مجموع، آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما ایران در روند رقیمی سازی و در مؤلفه‌های تبدیل و دریافت و ذخیره سازی منابع در آرشیوهای دیداری-شنیداری دارای وضعیت مناسب و مطلوبی هستند. در بخش زیرساخت‌ها، مؤلفه‌های نرم‌افزار، سخت‌افزار، امنیت، و حفاظت در وضعیت مناسبی‌اند؛ ولی شبکه‌های ارتباطی در وضعیت مناسبی نیستند. مدیریت منابع رقیمی وضعیتی مطلوب و مناسب دارد و وضعیت در زمینه یکپارچگی مناسب است. نتایج نشان داد که گرچه آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما با ۹۵ درصد اطمینان با میانگین ۱/۲۵، از یکپارچگی نسبی برخوردارند، ولی ضروری است تا مدیران سازمان، به منظور هم‌سود شدن با آرشیوهای مطرح دنیا، ضمن بررسی وضع موجود و شناسایی نقاط قوت و ضعف در فرایند یکپارچگی آرشیو سازمان، تصمیماتی کاربردی و عملیاتی اتخاذ کنند.

کلیدواژه‌ها: آرشیو دیجیتال؛ آرشیو رقیمی؛ رقیمی سازی؛ دیداری-شنیداری؛ صداوسیما.

استناد: اصنافی، امیررضا، قاضی زاده، حمید، اخوان بهبهانی، شهرزاد. (۱۳۹۹). ارزیابی یکپارچگی عملیات رقیمی سازی منابع دیداری-شنیداری در آرشیو سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران. *گنجینه اسناد*، ۳۰(۳)، ۱۰۴-۱۲۸.

doi: 10.22034/ganj.2020.2579

۱. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی
دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران،
(نویسنده مسئول)
aasnafi@gmail.com

۲. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی
دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
ghazi.hamid@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد علم اطلاعات و
دانش‌شناسی، سازمان صدا و سیما جمهوری
اسلامی ایران، تهران، ایران
shakhavan@gmail.com



گنجینه اسناد

«۱۱۹»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقیمی (DOI): 10.22034/GANJ.2020.2579

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۰، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۹ | صص: ۱۰۴-۱۲۸ (۲۵)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۶ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۳

مطالعات آرشیوی

۱. مقدمه

آنچه بیش از همه در مفهوم رقمی سازی منابع اطلاعاتی اهمیت دارد این است که رقمی سازی تنها به معنی تبدیل منابع نیست، بلکه مدیریت و حفاظت دیجیتال را نیز در خود جای داده است (کاوه، ۱۳۸۹)؛ بنابراین آنچه مدیریت مراکز اطلاع رسانی را با چالش مواجه می کند تغییرات سریع فناوری اطلاعات است که موجب از رده خارج شدن سخت افزارها، نرم افزارها و رسانه ها می شود. به عبارت دیگر چنانچه حفاظت از محتوای ذخیره شده در رسانه ها طبق سیاستی مشخص نباشد، بعد از چند سال، اطلاعات دیجیتال این منابع تقریباً از دست خواهند رفت. طبق مطالب مذکور، در مقاله حاضر وضعیت زیرساخت های رقمی سازی و نیز میزان یکپارچگی عملیات رقمی سازی در آرشیوهای سازمان صداوسیما بررسی می شود تا با تحلیل نقاط قوت و ضعف، با هدف هم سوشدن با آرشیوهای مطرح دنیا، گام هایی مطمئن تر برداشته شود.

در سال های اخیر و با هدف متمرکزسازی مواد آرشیوی، جلوگیری از آسیب به محتوای آرشیوها، دسترس پذیری سریع تر و آسان تر، اطلاع رسانی گسترده تر و فراهم آوری تسهیلات بازیابی بهتر، متخصصان آرشیوهای دیداری-شنیداری در کشور، از جمله در سازمان اسناد و کتابخانه ملی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، وزارت خارجه، آستان قدس رضوی و دیگر مجموعه های غنی از مواد آرشیوی شروع کرده اند به بررسی و عملیاتی کردن طرح رقمی سازی مجموعه خود. در همین راستا متخصصان و مسئولان آرشیو صداوسیما نیز برآن شدند تا پس از بررسی وضعیت حاضر و ارزیابی طرح عظیم دیجیتال سازی، شروع کنند به رقمی سازی آرشیو دیداری-شنیداری این سازمان و از این طریق مجموعه های خود را به اهداف واقعی آرشیوی پویا با فناوری روز نزدیک تر کنند. ولی در این راستا مشخص نیست که آرشیوهای این سازمان، به چه میزان در معیارهای درست و مطلوب باهم یکپارچه اند؟ و اینکه آیا بررسی وضعیت حاضر، ارزیابی طرح های در حال اجرا و تعیین نکات مبهم و اشتباه، سازمان را در رسیدن به نتیجه دلخواه (سهولت در کار سیستم، حفاظت و نگهداری از مواد آرشیوی، افزایش دسترسی کاربران به منابع) و جبران هزینه های اجرایی، یاری خواهد کرد؟ این مقاله در نهایت با شفاف سازی این نقاط، آرشیوهای دیداری-شنیداری ایران را به سمت رویه ای اصلح و یکدست رهنمون می سازد تا مدیران و برنامه ریزان ذی ربط بتوانند حاصل این تحقیق را در تدوین و بازنگری اساس نامه ها و دستورالعمل های رقمی سازی آرشیوهای دیداری-شنیداری در ایران به کار گیرند و تجربیات راه، اساسی برای جلوگیری از دوباره کاری ها و اشتباهات احتمالی قرار دهند.



برای یکپارچگی عملیات رقمی سازی منابع دیداری-شنیداری در آرشیوها، تهیه و تدوین استانداردها، فرایندها و ایجاد خدمات مشترک در سراسر جامعه آرشیوی ضروری به نظر می رسد؛ هم چنین شناخت دقیق نیازمندی ها و زیرساخت های لازم هم برای ایجاد آرشیوهایی تمام دیجیتال اهمیتی به سزا دارد.

هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین میزان یکپارچگی عملیات رقمی سازی در آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران است.

اهداف جزئی تر پژوهش هم عبارت اند از:

۱. بررسی وضعیت آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما در روند رقمی سازی (تبدیل، دریافت، ذخیره سازی و پشتیبان گیری) منابع؛
۲. بررسی وضعیت زیرساخت های رقمی سازی (نرم افزار، سخت افزار، شبکه های ارتباطی و انتقال اطلاعات، حفاظتی، و امنیتی) در آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما؛
۳. بررسی وضعیت مدیریت فایل های رقمی در آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما.

۲. پرسش های پژوهش

پژوهش حاضر با ارائه ۹ پرسش، میزان یکپارچگی عملیات رقمی سازی را در آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران بررسی کرده است. پرسش ها عبارت اند از:

۱. وضعیت موجود تبدیل منابع در روند رقمی سازی آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما چگونه است؟
۲. وضعیت موجود دریافت فایل ها در روند رقمی سازی آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما چگونه است؟
۳. وضع موجود ذخیره سازی و پشتیبان گیری در روند رقمی سازی آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما چگونه است؟
۴. وضعیت زیرساخت نرم افزار آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما چگونه است؟
۵. وضعیت زیرساخت سخت افزار آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما چگونه است؟

۶. وضعیت زیرساخت شبکه‌های ارتباطی و انتقال اطلاعات آرشیوهای دیداری- شنیداری سازمان صداوسیما چگونه است؟
۷. وضعیت زیرساخت حفاظتی و امنیتی آرشیوهای دیداری- شنیداری سازمان صداوسیما چگونه است؟
۸. وضعیت مدیریت رقمی‌سازی آرشیوهای دیداری- شنیداری سازمان صداوسیما چگونه است؟
۹. یکپارچگی رقمی‌سازی در آرشیوهای دیداری- شنیداری سازمان صداوسیما چه اندازه است؟

۳. پیشینه پژوهش

برخی از مطالعاتی که در حوزه پژوهش حاضر در داخل و خارج ایران انجام شده‌اند، عبارت‌اند از:

دژبان (۱۳۸۷) در پایان‌نامه خود با عنوان «طرح پیشنهادی مدیریت مکانیزاسیون سیستم آرشیو دیجیتال تصویری مرکزی صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران» شکل‌گیری آرشیوی دیجیتال را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌است که استانداردهای ابر داده‌ای منابع سمعی-بصری دیجیتال، و تجهیزات و امکانات لازم برای آرشیوداران و کاربران آرشیو مرکزی صداوسیما از نظر اطلاع‌رسانی، حفاظت و نگهداری منابع مطلوب است و زیرساخت‌های نرم‌افزاری، سخت‌افزاری و شبکه‌های مخابراتی با روند رقمی‌سازی، سازگاری اندکی دارند. تاجداران، رضایی شریف‌آبادی و همت‌زاده (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «وضعیت حفاظت در سازمان اسناد و کتابخانه‌های ملی استرالیا، انگلستان، ایالات متحده و کانادا» وضعیت موجود حفاظت و نگهداری از میراث ملی رقمی، و کارایی و امکانات، و کمبودها و نیازهای موجود در حوزه حفاظت رقمی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران را بررسی کرده‌اند. نتیجه تحقیق آن‌ها نشان داده‌است که هرچند سازمان اسناد و کتابخانه ملی، در حوزه حفاظت بر ذخیره‌سازی ایمن به همراه پشتیبان‌گیری تأکید داشته‌است، ولی برای حفاظت منطقی و تدوین برنامه حفاظت، اقدامی خاص نداشته‌است. صمیعی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت حفاظت رقمی در آرشیوهای ملی: راهبردها و استانداردها» از طریق شناسایی راهبردها و شیوه‌های نگهداری، انبارهای رقمی، استانداردها، فرمت‌ها و ابزارهای ذخیره‌سازی، سطوح دستیابی و امنیت به بررسی وضع موجود حفاظت رقمی در آرشیوهای ملی منتخب عضو شورای جهانی آرشیو پرداخته‌است. نتایج پژوهش او حاکی است که رسانه‌های



مغنایسی برخط و تیپ لایبری (Tape Library) و نیز سن ها به دلیل کیفیت و عمر بیشتر و هم چنین ادغام بهتر و میسر ساختن اشتراک تسهیلات پشتیبان، برای ذخیره سازی و حفاظت بلندمدت از پشتیبان ها و اسناد رقمی در آرشیوهای ملی مناسب ترند. رضوی (۱۳۹۳) در پایان نامه خود با عنوان «ارائه الگوی مدیریت منابع ویدئویی دیجیتال سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران بر مبنای مدل مرجع نظام اطلاعاتی آرشیوی باز (او.ای.آی.اس)»، نمای کلی آرشیو دیجیتال، و فرایندهای عملیاتی و پیاده سازی آن برای منابع ویدئویی را بررسی کرده است. نتایج تحقیق او نشان می دهد که شش بخش از الگوی مدیریت منابع ویدئویی شامل دریافت، ذخیره آرشیوی، مدیریت داده، مدیر اجرایی (سرپرستی)، حفاظت و دسترسی، از دیدگاه آرشیویست ها و کارمندان آرشیو مهم ترین عناصر الگو هستند. بکارت^۱ و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیل شکل های بسته بندی اشیای دیجیتال پیچیده، بازنگری اصول ها» بیان کرده اند که طی سال های اخیر تعداد سازمان هایی که اطلاعات دیجیتالی را در دسترس قرار می دهند به طور گسترده افزایش یافته است. این تکامل، توسعه استانداردهای بسته بندی و رمز گذاری باز نمون دیجیتالی اشیای پیچیده (مانند آلبوم های موسیقی دیجیتال یا کتاب های دیجیتالی و آلبوم های عکس) را تشویق می کند. آن ها در مقاله خود، مدل مرجع یکپارچه ای را معرفی کرده اند که بر کیفیت، قابلیت استفاده، رمز گذاری و رفتار اشیای دیجیتالی تأثیر می گذارد.

ورهیول^۲ (۲۰۰۹) در کتابی تحت عنوان «شبکه ای برای حفاظت دیجیتالی فعالیت های جاری، مطالعات تطبیقی بر روی پانزده کتاب خانه ملی»، به بررسی برنامه های رقمی سازی در آن ها پرداخت. طی مطالعه او ساختار کلی حفاظت دیجیتال، قانون و اسپاری مسئولیت ها و ساختار سازمانی، بودجه بندی، انبارهای دیجیتالی و ساختار آن ها، استانداردها و فراداده ها، و راهبرد حفاظت و فعالیت های در جریان در هریک از کتاب خانه ها، واکاوی شد. نتایج نشان داد که کتاب خانه های عضو کنسرسیوم بین المللی حفاظت اینترنت، برای بازبینی و واریسی منابع دیجیتالی، از قواعد حفاظت دیجیتالی استفاده می کنند. نوردلند^۳ (۲۰۱۴) در پایان نامه دکتری خود با موضوع «مرکز پژوهش و توسعه بین المللی به عنوان موردی برای راهبرد حفاظت بلندمدت» به چالش های آرشیویست ها و مدیران اسناد در حوزه مدیریت حفاظت بلندمدت از اسناد دیجیتالی، پرداخت. نتایج حاصل از پژوهش او به تبعیت از مدل مرجع (اُ.ای.آی.اس) برای نگهداری و حفاظت از منابع اطلاعاتی در آرشیوها منجر شد. استیفن و لوردس^۴ (۲۰۱۶) در مقاله ای با عنوان «پروژه رقمی سازی: مطالعه روی مراکز تحقیقی کشور فیلیپین»، چالش های موجود در فرایند رقمی سازی نظیر مسائل حقوقی، انتخاب منابع، نبود بودجه کافی، و نبود کارشناسان متخصص و خبره را شناسایی کردند.

1. Bekaert

2. Verheul

3. Nordland

4. Stephen and Lourdes

طی بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در داخل کشور و خارج از کشور مشخص شد که در زمینهٔ رقی‌سازی، بر مؤلفه‌های دریافت، ذخیره‌سازی و مقولهٔ تبدیل منابع با به‌کارگیری دانش و تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مناسب، و شبکه‌های ارتباطی و سیستم‌های امنیتی و مدیریتی حساب‌شده بر مبنای بهره‌گیری از منابع رقی، بیش‌ازپیش تأکید شده و اثرات این مؤلفه‌ها در فرایند حفظ و نگهداری، کاهش هزینه‌ها، و حفظ کیفیت منابع برای عرضهٔ خدمات بهتر و پاسداری از میراث فرهنگی کشور، به‌وضوح نمایان شده‌است. ولی کمتر پژوهشی به‌صورت یکجا یا به‌طور کلی به همهٔ جوانب رقی‌سازی آن‌هم با نگاه تلویزیونی و برو دگستی پرداخته‌است؛ بنابراین بررسی همه‌جانبهٔ میزان یکپارچگی عملیات رقی‌سازی منابع دیداری-شنیداری در آرشیوهای کل سازمان صداوسیما، موضوعی است که طی پژوهش پیش‌رو واکاوی خواهد شد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر نوع پیمایشی و از نظر هدف کاربردی است و برای گردآوری داده‌های آن، از پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته استفاده شده‌است. این پرسش‌نامه از طریق بررسی وب‌سایت آرشیوهای مطرح در ایران از جمله سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و در خارج از ایران پایگاه‌هایی نظیر ایکا^۱، آرشیو بی.بی.سی^۲، سی.ان.ای^۳، و ان.اف.اس.ای^۴ مدون شده‌است. پرسش‌نامه‌ها از طریق فضای مجازی برای مراکز آرشیو دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما ارسال شدند. پژوهشگر ابتدا استانداردهای تبدیل منابع، دریافت، محمل ذخیره، شیوه‌های ذخیره‌سازی و پشتیبان‌گیری را شناسایی کرد و سپس زیرساخت‌های لازم در زمینهٔ رقی‌سازی از جمله نرم‌افزارها، سخت‌افزارها، شبکه‌های ارتباطی، شرایط امنیتی و حفاظتی موردنیاز، مدیریت لازم برای آرشیو رقی و به‌طور کلی، تمام ملزومات رقی‌سازی در آرشیوهای مطرح دنیا را که پیش‌از ما این فرایند را آغاز و سپری کرده‌اند از طریق مقالات به‌دست‌آمده در این زمینه بررسی کرد. سپس این موضوع را در ۵۲ آرشیو دیداری-شنیداری از زیرمجموعهٔ سازمان صداوسیما (۳۱ مرکز در شهرستان‌ها و ۲۱ آرشیو در تهران) که پاسخگوی پرسش‌ها بودند، ارزیابی کرد. جامعهٔ آماری پژوهش حاضر، ۵۲ مرکز از ۵۴ مرکز آرشیو دیداری-شنیداری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در سطح کشور است؛ چون دو مرکز زنجان و پرس‌تی.وی، به پرسش‌ها پاسخ ندادند و در کل ۵۲ پرسش‌نامه از کل مراکز جمع‌آوری شد. برای تعیین روایی پرسش‌نامه، از روش پنل، متشکل از متخصصان رشتهٔ علم اطلاعات و دانش‌شناسی و مدیرکل آرشیوهای سازمان صداوسیما استفاده شد. ساختار پرسش‌های مربوط به

1. International Council on Archive (ICA)
2. The British Broadcasting Corporation (BBC)
3. Canadian Nurses Association (CNA)
4. National Film & Sound Archive of Australia (NFSA)



کتابداری را مدیران برخی از گروه های علم اطلاعات و دانش شناسی چند دانشگاه و ساختار پرسش های بخش های فنی را کارشناسان فنی شبکه سه، ارزیابی و تأیید کردند. پایایی پرسش نامه از طریق آزمون آلفای کرونباخ تحلیل شد و ضریب پایایی آلفای کرونباخ برای پرسش های پرسش نامه ۰/۸۸ به دست آمد.

برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی استفاده شد و برای تأیید نرمال بودن داده ها از آزمون های کولموگروف-اسمیرنوف تک نمونه ای استفاده شد و تحلیل داده ها هم به کمک نرم افزار spss نسخه ۲۲ انجام شد.

۵. یافته های پژوهش

تعداد نیروی شاغل در آرشیوها	شغل		تعداد نیروی مورد نیاز در آرشیوها
	در الگو	خارج از الگو	
۹۶	۸۳	۲۷	آرشیویست؛ کتابدار
۷۰	۱۰۸	۷۶	کارمند آرشیو
۳۷	۵	۱۶	کارشناس فنی و پشتیبانی
۲۸	۳	۱۰	کارمند فنی
۲۳۱	۱۹۹	۱۲۹	کل مشاغل

جدول ۱

وضعیت نیروی انسانی شاغل و
تعداد نیروی مورد نیاز در آرشیوها
به تفکیک عنوان شغلی

طبق جدول شماره ۱ در مجموع، ۱۹۹ نیرو بدون در نظر گرفتن عنوان شغلی در داخل الگو و ۱۲۹ نیرو در خارج از الگو در آرشیوها مشغول کارند؛ ولی برای آنکه آرشیوها بتوانند کار خود را به نحو مطلوب انجام دهند ۲۳۱ نیرو نیاز است.



وضعیت منابع آنالوگ (قیاسی)		وضعیت تجهیزات تبدیل منابع				
نوع نوار	دارای فراداده	ثابت در سامانه مرکز آرشیوی	استخراج اطلاعات	دیجیتال شده	دیجیتال نشده	تعداد ست تبدیل در حال حاضر
یوماتیک	۴/۱۹۶	۱۱/۲۲۶	۲۷/۵۵۱	۴/۳۹۵	۱۳	۱۷
بتاکم	۳۴۸/۴۳۱	۲۵۱/۵۳۰	۱۹۸/۵۵۲	۲۲۲/۱۰۹	۷۱	۸۴
دیوی کم	۳۹/۸۵۱	۶۵/۵۲۲	۲۲/۲۲۷	۴۴/۰۹۱	۲۸	۳۱
مینی دیوی کم	۱۴/۹۸۳	۷/۴۷۰	۷/۷۵۱	۱۲/۳۰	۱۲	۱۱
ایکس دی کم	۷۰/۸۰۶	۵۱/۸۳۶	۴۱/۲۴۸	۵۱/۱۷۷	۳۷	۲۹
سی دی	۳۸/۵۱۰	۱۴/۹۸۵	۸/۸۵۵	۹/۵۱۰	۱۷	۱۳
دیوی دی	۳۰۱/۶۹۷	۲۶/۷۱۹	۳۵/۴۴۷	۲۹۸/۴۳۳	۳۱	۱۷
کل رسانه ها	۸۱۸/۴۷۴	۴۲۹/۲۸۸	۳۴۱/۶۳۱	۷۴۲/۴۴۵	۲۰۹	۲۰۲

جدول ۲

وضعیت منابع آنالوگ به تفکیک نوع ماده و تجهیزات مورد نیاز

طبق جدول شماره ۲ از مجموع کل رسانه های آنالوگ، تنها ۴۲۹،۲۸۸ رسانه در سیستم ثبت شده است بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به بتاکم و دیوی کم است. هم چنین داده ها نشان می دهد که تعداد ۳۴۱،۶۳۱ ماده تبدیل شده و ۷۴۳،۴۴۵ ماده تبدیل نشده است.

رتبه	شاخص اولویت بندی
۱	طبقه برنامه
۲	نیاز مراجعان
۳	نوع رسانه
۴	موضوع برنامه
۵	تاریخ تولید برنامه
۶	شرایط نگهداری

جدول ۳

اولویت بندی در بخش تبدیل منابع

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که از دیدگاه جامعه پژوهش اولویت تبدیل مواد آنالوگ به دیجیتال به ترتیب عبارت اند از: طبقه برنامه، نیاز مراجعان، نوع رسانه، موضوع برنامه، تاریخ تولید برنامه، و شرایط نگهداری رسانه.



جدول ۴

فرمت دریافت منابع

فرمت	تعداد مرکز	درصد
mov	۸	۱۵/۳۸
Mpeg۲	۱۲	۲۳/۰۷
Mpeg۴	۲۱	۴۰/۳۸
mxr	۲۲	۴۲/۳
avi	۳۰	۵۷/۶۹

طبق جدول ۴ بیش از نیمی از آرشیوها، رسانه‌ها را با فرمت avi و سپس mxr و mpeg4 تحویل می‌گیرند و کمترین فرمت تحویلی mov با ۱۵/۳ درصد اس

جدول ۵

منبع ذخیره سازی

منبع	تعداد مرکز	درصد
External Hard	۱۲	۲۳/۰۷
Storage Server	۲۱	۴۰/۳۸
LTO	۴۸	۹۲/۳

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که اغلب آرشیوها، LTO را برای ذخیره‌سازی منابع رقمی خود انتخاب کرده‌اند. پس از آن ذخیره‌سازی روی سرورهای با فضای ذخیره‌سازی زیاد انجام شده و در نهایت از هارد اکسترنال برای ذخیره‌سازی استفاده شده‌است.

جدول ۶

نرم افزار پشتیبان گیری بر روی ال. تی. او

نرم افزار	تعداد مرکز	درصد
arista	۸	۱۵/۳۸
سلیر	۱۱	۲۱/۱۵
ltfs	۱۵	۲۸/۸۴
سامانه میراث	۲۵	۴۸/۰۷

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که اغلب آرشیوها برای پشتیبان گیری بر روی ال. تی. او از نرم افزار سامانه میراث استفاده می‌کنند.



فیلدهای پر نشده در فراداده توصیفی	فراوانی	درصد فراوانی
زبان؛ پدیدآور؛ کلیدواژه؛ تاریخ تولید؛ مدت برنامه	۱	۱/۹۲
خلاصه	۲	۳/۸۴
ژانر	۴	۷/۶۹
طبقه برنامه	۵	۹/۶۱
شماره راهنما	۶	۱۱/۵۳
توصیفگر؛ وضعیت نشر؛ مجوز پخش؛ رده سنی	۷	۱۳/۴۶
سطح دسترسی؛ پارامترها؛ محل برگزاری	۸	۱۵/۳۸
شاخص	۹	۱۷/۳
تیتراژ مشترک؛ شات لیست	۱۴	۲۶/۹۲
شماره برآورد	۱۵	۲۸/۸۴
تاریخ پخش	۱۶	۳۰/۷۶
تعداد قسمت	۱۹	۳۶/۵۳
منشأ	۲۰	۳۸/۴۶

جدول ۷

وضعیت تکمیل فیلدها در
بخش تکمیل فراداده

نتایج جدول ۷ نشان می دهد که بیشتر پاسخ دهندگان فیلدهای منشأ، تعداد قسمت، تاریخ پخش، و شماره برآورد را پر نمی کنند و اغلب آن ها فیلدهای زبان، پدیدآور، کلیدواژه، تاریخ تولید، مدت برنامه، و خلاصه را پر می کنند.

توصیف وضعیت نرم افزارهای تبدیل در آرشیوهای جامعه پژوهش

نرم افزار	تعداد مرکز	درصد
Final cut	۲	۳/۸۴
matrox	۳	۵/۷۶
premiere	۱۵	۲۸/۸۴
edius	۲۴	۴۶/۱۵

جدول ۸

نرم افزار تبدیل

نتایج جدول ۸ نشان می دهد که اغلب آرشیوها از نرم افزار edius و سپس premiere برای تبدیل منابع خود استفاده می کنند.



توصیف وضعیت نرم افزارهای پالایش در آرشیوهای جامعه پژوهش

نرم افزار	فراوانی	درصد
edius	۲۳	۴۴/۲۳
premiere	۱۵	۲۸/۸۴
After efect	۱	۱/۹۲
Final cut	۱	۱/۹۲

جدول ۹

نرم افزار پالایش

نتایج جدول ۹ نشان می دهد که اغلب آرشیوها از نرم افزار edius و سپس از premiere برای پالایش منابع خود استفاده می کنند.

توصیف مدل سخت افزار دستگاه های پشتیبان گیری بر روی ال.تی.او در آرشیوهای جامعه پژوهش

دستگاه پشتیبان گیری	تعداد مرکز	درصد
sony	۵	۹/۶۱
Tandberg	۱۸	۳۴/۶۱
hp	۳۶	۶۹/۲۳

جدول ۱۰

مدل سخت افزار دستگاه های
پشتیبان گیری بر روی ال.تی.او

نتایج جدول ۱۰ نشان می دهد که اغلب آرشیوها، از تیپ درایور hp^۱ برای پشتیبان گیری خود استفاده می کنند.

توصیف سرعت انتقال در پشتیبان گیری در آرشیوهای جامعه پژوهش

سرعت انتقال در پشتیبان گیری در ساعت	فراوانی	درصد
تا ۵۰۰ گیگابایت	۲۲	۴۲/۳
بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ گیگابایت	۱۱	۲۱/۱۵
از ۷۰۰ گیگابایت تا ۱ ترابایت	۹	۱۷/۳
بین ۱ تا ۱,۵ ترابایت	۵	۹/۶۱

جدول ۱۱

سرعت انتقال در پشتیبان گیری

نتایج جدول ۱۱ نشان می دهد که سرعت انتقال در پشتیبان گیری در اغلب آرشیوها تا ۵۰۰ گیگابایت در ساعت است.

1. TAP DRIVER



توصیف مدل کارت های تبدیل منابع در آرشیوهای جامعه پژوهش

درصد	فراوانی	مدل کارت کیپر
۱/۹۲	۱	Mygica
۲۳/۰۷	۱۲	Matrox
۴۲/۳	۲۲	Blackmagic

جدول ۱۲

کارت تبدیل منابع

نتایج جدول ۱۲ نشان می دهد که اغلب آرشیوها برای تبدیل منابع خود از کارت کیپر Blackmagic استفاده می کنند.

توصیف مدل سرورهای تبدیل منابع در آرشیوهای جامعه پژوهش

درصد	فراوانی	مدل سرور
۷/۶۹	۴	siemens
۷/۶۹	۴	apple
۶۵/۳۸	۳۴	hp

جدول ۱۳

مدل سرور

نتایج جدول ۱۳ نشان می دهد که اغلب آرشیوها در شبکه ارتباطی خود از سرور مدل hp استفاده می کنند.

توصیف انواع کابل ارتباطی شبکه داخلی در آرشیوهای جامعه پژوهش

درصد	تعداد مرکز	نوع کابل
۲۶/۹۲	۱۴	فیبر نوری
۴۰/۳۸	۲۱	catv
۴۲/۳	۲۲	cat6

جدول ۱۴

کابل ارتباطی شبکه داخل

نتایج جدول ۱۴ نشان می‌دهد که بیشتر آرشیوها برای شبکه داخلی خود از کابل کت ۶ و ۷ استفاده می‌کنند و تعداد کمی از آرشیوها از فیبر نوری استفاده می‌کنند.

توصیف انواع رسانه ارتباطی برون شبکه‌ای در آرشیوهای جامعه پژوهش

نوع رسانه	تعداد مرکز	درصد
ماهواره	۲	۲/۸۴
بی‌سیم	۳	۵/۷۶
فیبر نوری	۳۳	۶۳/۴۶

جدول ۱۵

رسانه ارتباطی برون شبکه‌ای

نتایج جدول ۱۵ نشان می‌دهد که رسانه ارتباطی برون شبکه‌ای در اغلب آرشیوها فیبر نوری است.

توصیف انواع دوره‌های گذرانده شده در آرشیوهای جامعه پژوهش

دوره آموزشی	فراوانی	درصد
آشنایی با نرم افزارهای مرمت	۳	۵/۷۶
آشنایی با چرخه کار آرشیو رقمی	۷	۱۳/۴۶
آشنایی با نرم افزارهای تبدیل منابع	۷	۱۳/۴۶
آشنایی با نرم افزارهای تدوین برای پالایش	۱۳	۲۵
آشنایی با پایگاه داده سامانه میراث جام جم	۱۵	۲۸/۸۴
هیچ کدام	۲۸	۵۳/۸۴

جدول ۱۶

دوره های گذرانده شده

نتایج جدول ۱۶ نشان می‌دهد که بیشتر آرشیوها هیچ دوره آموزشی‌ای را برای رقمی سازی نگذرانده‌اند؛ ولی بیشترین دوره گذرانده شده، آشنایی با پایگاه داده سامانه میراث جام جم است.

برای بررسی میزان یکپارچگی آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صدا و سیما در عملیات رقمی سازی، به پرسش‌هایی استناد شد که با طیف سه گزینه‌ای در پرسش‌نامه مطرح شده بودند. در طیف سه گزینه‌ای در پرسش‌نامه با ارزش گذاری ۰ تا ۲، برای پاسخ خیر (۰)، تاحدودی (۱) و بلی (۲) در نظر گرفته می‌شود. متوسط ارزش‌ها عدد ۱ است؛ بنابراین میانگین ارزش‌ها با عدد ۱ مقایسه می‌شود. ۰ نبود یکپارچگی، ۱ متوسط، ۰ تا ۱

حداقل یکپارچگی، ۱ تا ۱/۵ یکپارچگی نسبی، ۱/۵ تا ۲ مناسب و به سمت یکپارچگی کامل، ۲ به عنوان معیار یکپارچگی کامل ارزیابی شده اند.

با همین پیش فرض و مراجعه به جدول ۱۷ می توان نتیجه گرفت که از کل ۵۲ آرشیو بررسی شده، رتبه ۱ الی ۹، آرشیوهای (به ترتیب: کردستان، ایلام، مهاباد، کیش، همدان، صبا، فارس، مستند و کهکیلویه به تعداد ۹ شبکه) مناسب و متمایل به یکپارچگی کامل است. رتبه ۱۰ تا ۳۰ (به ترتیب: لرستان و مازندران، خراسان شمالی، آرشیو مرکزی، اراک و خراسان رضوی و شبکه دو، سیستان و بلوچستان، یزد، شبکه سه، چهارمحال بختیاری و گیلان، گلستان، العالم، خراسان جنوبی، الکوثر و اصفهان، کرمانشاه و آذربایجان غربی، قزوین، اردبیل و خوزستان، آذربایجان شرقی، کرمان، سمنان، سیمای استان ها، خلیج فارس، شبکه خبر، بوشهر و سحر به تعداد ۳۰ شبکه) متوسط اند و یکپارچگی نسبی دارند. رتبه ۳۱ تا ۳۷ (به ترتیب: قم و آبادان، کودک و تأمین برنامه خارجی، آموزش، بسیج، جام جم، شبکه چهار و پنج، و قرآن به تعداد ۱۰ شبکه)، ضعیف اند و در حداقل یکپارچگی اند و رتبه ۳۸ تا ۳۹ (سلامت و نسیم به تعداد ۲ شبکه) بدون یکپارچگی اند. رتبه ۴۰ یعنی شبکه آی فیلم به تعداد ۱ شبکه هم، به هیچ پرسشی از پرسش نامه پاسخ نداده است؛ بنابراین می توان چنین برداشت کرد که اکثر آرشیوهای مورد مطالعه، در یکپارچگی نسبی به سر می برند.

رتبه کلی	میانگین	مدیریت	حفاظت	شبکه های ارتباطی	سخت افزار	تیم افراد	ذخیره سازی	دریافت	تبدیل	تجهیزات	رتبه
۱	۱/۷۹	۲/۰۰	۲/۰۰	۱/۳۳	۱/۷۵	۱/۸۵	۱/۶۰	۱/۷۸	۲/۰۰	کردستان	۱
۲	۱/۶۸	۱/۳۳	۱/۹۰	۱/۶۷	۲/۰۰	۱/۸۵	۱/۲۰	۱/۷۸	۱/۷۱	ایلام	۲
۳	۱/۶۵	۱/۱۱	۲/۰۰	۲/۰۰	۱/۵۰	۱/۶۳	۱/۸۰	۱/۴۴	۱/۷۱	مهاباد	۳
۴	۱/۶۴	۱/۴۴	۱/۳۰	۱/۰۰	۱/۷۵	۱/۹۶	۱/۸۰	۲/۰۰	۱/۸۶	کیش	۴
۵	۱/۶۳	۲/۰۰	۲/۰۰	۲/۰۰	۲/۰۰	۱/۲۶	۱/۰۰	۱/۶۷	۱/۱۴	همدان	۵
۶	۱/۵۸	۱/۵۶	۱/۰۰	۰/۶۷	۱/۵۰	۱/۹۳	۲/۰۰	۲/۰۰	۲/۰۰	صبا	۶
۷	۱/۵۳	۲/۰۰	۲/۰۰	۰/۶۷	۱/۵۰	۱/۵۹	۱/۴۰	۱/۳۳	۱/۷۱	فارس	۷
۸	۱/۵۲	۱/۷۸	۱/۴۰	۱/۰۰	۱/۷۵	۱/۶۷	۱/۲۰	۱/۸۹	۱/۴۳	مستند	۸
۹	۱/۵۰	۱/۲۲	۱/۲۰	۱/۰۰	۱/۸۸	۱/۵۶	۲/۰۰	۱/۵۶	۱/۵۷	کهکیلویه	۹

جدول ۱۷

رتبه بندی میزان یکپارچگی آرشیوهای
مورد پژوهش



ردیف	رتبه	تبدیل	دریافت	ذخیره سازی	نرم افزار	سخت افزار	شبکه های ارتباطی	حفاظت	مدیریت	میانگین	رتبه کلی
۱۰	لرستان	۲/۰۰	۱/۴۴	۲/۰۰	۱/۴۸	۱/۵۰	۱/۰۰	۱/۶۰	۰/۶۷	۱/۴۶	۱۰
۱۱	مازندران	۲/۰۰	۱/۵۶	۰/۴۰	۱/۶۷	۱/۷۵	۱/۳۳	۱/۲۰	۱/۷۸	۱/۴۶	
۱۲	خراسان شمالی	۱/۴۳	۱/۵۶	۰/۶۰	۱/۶۳	۱/۷۵	۱/۶۷	۱/۳۰	۱/۶۷	۱/۴۵	۱۱
۱۳	آرشیو مرکزی	۱/۴۳	۱/۸۹	۱/۰۰	۱/۲۲	۲/۰۰	۱/۳۳	۱/۵۰	۱/۱۱	۱/۴۴	۱۲
۱۴	اراک	۱/۴۳	۱/۷۸	۱/۰۰	۱/۷۰	۱/۶۳	۰/۶۷	۱/۵۰	۱/۶۷	۱/۴۲	۱۳
۱۵	خراسان رضوی	۰/۸۶	۱/۱۱	۰/۸۰	۱/۷۸	۱/۸۸	۱/۳۳	۱/۸۰	۱/۷۸	۱/۴۲	
۱۶	شبهه دو	۲/۰۰	۱/۱۱	۱/۲۰	۱/۴۸	۱/۵۰	۱/۰۰	۱/۶۰	۱/۴۴	۱/۴۲	
۱۷	سیستان و بلوچستان	۱/۵۷	۱/۸۹	۱/۲۰	۱/۳۰	۱/۶۳	۰/۳۳	۱/۸۰	۱/۳۳	۱/۳۸	۱۴
۱۸	یزد	۲/۰۰	۰/۷۸	۱/۴۰	۱/۰۷	۱/۳۸	۲/۰۰	۱/۴۰	۰/۶۷	۱/۳۴	۱۵
۱۹	شبکه سه	۱/۵۷	۲/۰۰	۰/۸۰	۱/۷۰	۱/۶۳	۰/۶۷	۰/۹۰	۱/۳۳	۱/۳۳	۱۶
۲۰	چهارمحال و بختیاری	۱/۷۱	۱/۶۷	۱/۰۰	۱/۶۷	۱/۵۰	۰/۳۳	۱/۶۰	۱/۱۱	۱/۳۲	۱۷
۲۱	گیلان	۲/۰۰	۱/۷۸	۲/۰۰	۰/۵۶	۰/۲۵	۱/۳۳	۱/۶۰	۱/۰۰	۱/۳۲	
۲۲	گلستان	۱/۴۳	۱/۵۶	۱/۲۰	۱/۷۰	۰/۸۸	۱/۰۰	۱/۵۰	۱/۲۲	۱/۳۱	۱۸
۲۳	العالم	۱/۵۷	۱/۸۹	۱/۰۰	۱/۲۲	۱/۵۰	۰/۶۷	۱/۲۰	۱/۴۴	۱/۳۱	۱۹
۲۳	خراسان جنوبی	۱/۴۳	۱/۷۸	۰/۸۰	۱/۴۱	۱/۵۰	۱/۳۳	۱/۲۰	۰/۸۹	۱/۲۹	۲۰
۲۴	الکوتر	۲/۰۰	۲/۰۰	۲/۰۰	۱/۶۰	۱/۴۱	۰/۷۵	-	۱/۵۶	۱/۲۹	۲۱
۲۵	اصفهان	۱/۸۶	۱/۶۷	۰/۴۰	۱/۲۲	۱/۰۰	۱/۳۳	۱/۶۰	۱/۲۲	۱/۲۹	
۲۶	کرمانشاه	۲/۰۰	۱/۴۴	۱/۰۰	۱/۳۳	۱/۲۵	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۲۵	۲۲
۲۷	آذربایجان غربی	۱/۸۶	۱/۵۶	۰/۴۰	۰/۸۱	۱/۶۳	۰/۶۷	۱/۴۰	۱/۶۷	۱/۲۵	
۲۸	قزوین	۰/۵۷	۱/۸۹	۱/۴۰	۱/۰۴	۱/۷۵	۰/۶۷	۱/۴۰	۱/۲۲	۱/۲۴	۲۳
۲۹	اردبیل	۱/۷۱	۱/۵۶	۰/۸۰	۱/۵۹	۱/۵۰	۰/۶۷	۱/۰۰	۱/۱۱	۱/۲۴	

ادامه جدول ۱۷

رتبه بندی میزان یکپارچگی آرشیوهای
مورد پژوهش



ردیف	تیم	تبدیل	دریافت	ذخیره سازی	نرم افزار	سخت افزار	شبکه های ارتباطی	حفاظت	مدیریت	میانگین	رتبه کلی
۳۰	خوزستان	۲/۰۰	۱/۴۴	۱/۶۰	۱/۲۲	۰/۳۸	۱/۳۳	۰/۶۰	۱/۲۲	۱/۲۲	۲۴
۳۱	آذربایجان شرقی	۱/۷۱	۱/۸۹	۱/۴۰	۱/۱۹	۰/۶۳	۰/۳۳	۱/۵۰	۱/۰۰	۱/۲۱	۲۵
۳۲	کرمان	۱/۵۷	۱/۶۷	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۱۳	۱/۰۰	۱/۲۰	۱/۰۰	۱/۲۰	۲۶
۳۴	سمنان	۱/۴۳	۱/۳۳	۱/۶۰	۱/۲۶	۰/۸۸	۰/۳۳	۱/۵۰	۰/۵۶	۱/۱۱	۲۷
۳۵	سیماي استان ها	۱/۴۳	۰/۸۹	۱/۶۰		۱/۷۵	۱/۶۷	۱/۵۰	-	۱/۱۱	
۳۶	خلیج فارس	۱/۷۱	۱/۴۴	۱/۲۰	۱/۰۷	۰/۸۸	۰/۶۷	۱/۳۰	۰/۴۴	۱/۰۹	۲۸
۳۷	شبکه خبر	۰/۱۴	۰/۸۹	۱/۲۰	۱/۰۷	۱/۷۵	۰/۶۷	۱/۴۰	۱/۱۱	۱/۰۳	۲۹
۳۸	بوشهر	۱/۲۹	۱/۰۰	۱/۴۰	۰/۷۸	۰/۶۳	۱/۰۰	۱/۲۰	۰/۷۸	۱/۰۱	۳۰
۳۹	سحر	۱/۵۷	۱/۵۶	۰/۸۰	۰/۳۰	۰/۷۵	۰/۳۳	۱/۲۰	۱/۵۶	۱/۰۱	
۴۰	قم	۱/۷۱	۱/۶۷	۰/۲۰	۰/۰۷	۱/۰۰	۰/۶۷	۱/۶۰	۰/۶۷	۰/۹۵	۳۱
۴۱	آبادان	۱/۱۴	۰/۷۸	۱/۴۰	۱/۴۴	۱/۰۰	۰/۶۷	۰/۷۰	۰/۴۴	۰/۹۵	
۴۲	شبکه کودک	-	۱/۵۶	۰/۶۰	۱/۱۵	۱/۱۳	۰/۶۷	۰/۵۰	۰/۸۹	۰/۹۳	۳۲
۴۳	تأمین برنامه خارجی	۱/۵۷	۱/۱۱	۰/۰۰	۰/۸۵	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۸۹	۰/۹۳	
۴۴	آموزش	۰/۰۰	۱/۷۸	۰/۰۰	۱/۲۶	۱/۲۵	۰/۶۷	۱/۲۰	۱/۲۲	۰/۹۲	۳۳
۴۵	بسیج	۰/۴۳	۱/۷۸	۰/۶۰	۱/۴۸	۰/۷۵	۰/۳۳	۰/۸۰	۰/۶۷	۰/۸۶	۳۴
۴۶	جام جم	۱/۷۱	۱/۲۲	۰/۴۰	-	۱/۱۳	۰/۰۰	۰/۸۰	۰/۸۹	۰/۷۷	۳۵
۴۷	شبکه چهار	۰/۸۶	۱/۴۴	۰/۰۰	۰/۷۸	۱/۰۰	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۷۸	۰/۷۳	۳۶
۴۸	شبکه پنج	۱/۰۰	۱/۳۳	۰/۰۰	۱/۰۷	۰/۳۸	۰/۰۰	۱/۶۰	۰/۴۴	۰/۷۳	
۴۹	قرآن	۲/۰۰	۱/۴۴	۰/۶۰	۰/۰۰	-	۰/۰۰	۰/۲۰	۰/۰۰	۰/۵۳	۳۷
۵۰	سلامت	-	۱/۷۸	-	۰/۱۵	-	۲/۰۰	-	-	۰/۴۹	۳۸
۵۱	نسیم	۱/۱۴	-	۰/۲۰	۱/۰۷	-	-	-	-	۰/۳۰	۳۹
۵۲	آی فیلم	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۴۰

ادامه جدول ۱۷

رتبه بندی میزان یکپارچگی آرشیه های
مورد پژوهش



نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان داد که ۷۴۳,۴۴۵ عدد از منابع آنالوگ موجود در آرشیوهای جامعه آماری، هنوز تبدیل نشده‌اند و برای این کار حدود ۲۰۲ ست (به همان اندازه‌ای که الان ست در آرشیوها موجود است) تبدیل دیگر هم، اعم از یوماتیک، بتاکم و ... نیاز است تا کار تبدیل منابع سریع‌تر به پایان برسد. ترتیب اولویت‌بندی در بخش تبدیل منابع در آرشیوهای دیداری-شنیداری صداوسیما عبارت است از: ۱. طبقه برنامه؛ ۲. نیاز مراجعان؛ ۳. نوع رسانه؛ ۴. موضوع برنامه‌ها؛ ۵. تاریخ تولید؛ ۶. شرایط نگهداری. بیش از نیمی از آرشیوهای جامعه آماری (۵۹/۶ درصد)، منابع فاخر را با پهنای ویژه و به اسم باند بین الملل دریافت می‌کنند. بیش از نیمی از آرشیوها (۵۷/۶ درصد)، منابع را با فرمت avi دریافت می‌کنند. اغلب آرشیوها (۹۲/۳ درصد) از منبع ال.تی.او برای ذخیره سازی استفاده می‌کنند. در حدود نیمی از آرشیوها (۴۸ درصد)، برای پشتیبان‌گیری بر روی ال.تی.او از نرم‌افزار سامانه میراث جام جم بهره می‌برند. حدوداً نیمی از آرشیوها (۴۶/۱ درصد) از نرم‌افزار edius برای تبدیل منابع خود استفاده می‌کنند و از نرم‌افزار Final cut و Total code اصلاً استفاده نشده است.

سرعت انتقال در پشتیبان‌گیری در بیشتر آرشیوها (۴۲/۳ درصد) تا ۵۰۰ گیگابایت در ساعت است و تنها ۹/۶ درصد آرشیوها با سرعت زیاد (بین ۱ تا ۱/۵ ترابایت در ساعت) پشتیبان‌گیری می‌کنند. بیش از نیمی از آرشیوها (۵۳/۸ درصد)، هیچ دوره آموزشی‌ای را برای رقمی سازی نگذرانده‌اند؛ ولی بیشترین دوره گذرانده شده آشنایی با پایگاه داده سامانه میراث جام جم با ۲۸/۸ درصد است.

در پاسخ به پرسش اول تحقیق مبنی بر وضعیت موجود تبدیل منابع در روند رقمی سازی در آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما، باتوجه به میانگین به دست آمده ۱/۳۸ می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت موجود تبدیل منابع در روند رقمی سازی آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما مناسب است و از یکپارچگی نسبی برخوردار است. در این پژوهش مشخص شد که انتقال نوارهای آسیب دیده به بخش مرمت، کمترین میزان عملیاتی شدن را در آرشیوها دارد. در بین پاسخ دهندگان، عملیات مرمت و پالایش از سایر مراحل تبدیل منابع کمتر اهمیت دارد که علی‌رغم موجود بودن دستورالعمل سازمانی در این زمینه عملیاتی نشدن این مرحله را می‌توان ناشی از عواملی نظیر نبود شفافیت در دستورالعمل تبدیل منابع، کمبود نیروی انسانی متخصص، برگزاردن و یا کافی نبودن دوره‌های آموزشی در بخش مرمت و پالایش اطلاعات، و کافی نبودن سیستم‌های سخت‌افزاری بیان کرد.

رقمی سازی، باتوجه به میانگین به دست آمده ۱/۵۹ می توان نتیجه گرفت: وضعیت موجود دریافت منابع در روند رقمی سازی آرشیوهای دیداری-شنیداری در سازمان صداوسیما مناسب است و این روند به سمت یکپارچگی کامل تمایل دارد. همچنین در زمینه ارائه تأیید اولیه به صاحبان اثر بابت رسانه که میانگین نسبی پایینی دارد، پیشنهاد می شود تا این مهم در تدوین دستورالعمل لحاظ شود تا یکپارچگی در این بخش به طور کامل برقرار شود. نتایج پژوهش رضوی (۱۳۹۳) را هم که طی آن به مواردی از قبیل تأیید سلامت فایل برنامه ها و تضمین کیفی و کمی بسته های اطلاعاتی، تعیین دسترس پذیری فایل های رقمی و تکمیل فراداده ها و به روزرسانی آن ها برای رقمی سازی اشاره شده بود می توان با نتیجه پرسش دوم تحقیق حاضر هم راستا دانست.

در پاسخ به پرسش سوم تحقیق مربوط به ذخیره سازی و پشتیبان گیری، باتوجه به میانگین به دست آمده ۱/۱۵ می توان نتیجه گرفت که وضعیت موجود ذخیره سازی و پشتیبان گیری در روند رقمی سازی آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما مناسب است و از یکپارچگی نسبی برخوردار است. درباره تهیه نسخه پشتیبان جای یادآوری است که تخصیص مکانی امن در خارج از ساختمان آرشیو برای امنیت منابع پشتیبان اهمیت بسیاری دارد و ضروری است تا در سیاست گذاری آرشیوها به آن توجه شود. مقایسه نتایج تحقیق حاضر با سایر تحقیقات نشان داد که تاکنون هیچ تحقیق مدونی در زمینه ذخیره سازی و پشتیبان گیری و چگونگی آن در آرشیوهای ایران، ثبت نشده است. برای پاسخ به پرسش چهارم با محوریت وضعیت زیرساخت نرم افزاری آرشیوها، باتوجه به میانگین به دست آمده ۱/۲۶ می توان نتیجه گرفت: وضعیت موجود در زیرساخت نرم افزاری در روند رقمی سازی آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما مناسب است و از یکپارچگی نسبی برخوردار است.

در بخش فراداده، ضرورت ایجاد فیلدهای فراداده حفاظتی (تاریخ مرمت، رقمی سازی، تصویب طرح، ضبط، تصویب برآورد، ارزیابی، بازپخش و تحویل به آرشیو) و نیز ایجاد فیلدهای فراداده مدیریتی (کمپانی یا شرکت تولیدکننده اثر، مجوز دفعات پخش و ...) با ۱/۱۳ کمترین میانگین را داشتند. دو شاخص فراداده حفاظتی و مدیریتی در اغلب استانداردهای فرادادهای نظیر دابلین کور وجود دارند؛ بنابراین لحاظ شدن آن ها در بین فیلدهای نرم افزار ضروری است. پژوهش میرغفوری (۱۳۹۳) با محوریت زیرساخت نرم افزاری آرشیوهای شنیداری و مقایسه آن با استاندارد یاسا، زیرساخت موجود را مناسب ارزیابی کرده و با نتیجه تحقیق پیش رو هم راستاست.

در پاسخ به پرسش پنجم باتوجه به میانگین به دست آمده ۱/۲۶ می توان نتیجه گرفت



که وضعیت موجود زیرساخت سخت افزار در روند رقمی سازی آرشیوهای دیداری- شنیداری در سازمان صداوسیما مناسب است و از یکپارچگی نسبی برخوردار است. ارائه فهرست سخت افزارهای مصوب توسط اداره کل آرشیوهای سازمان برای تبدیل منابع، ذخیره سازی و سایر امور، کمترین میزان اعمال در آرشیوها را به خود اختصاص داده است، بنابراین پیشنهاد تدوین دستورالعملی توسط مدیریت اداره کل آرشیوها در این حوزه بسیار ضروری به نظر می رسد. همچنین با توجه به قابلیت ذخیره سازی و پشتیبان گیری خودکار یا نیمه خودکار که با میانگین پایین گزارش شده است ضروری است تا طراحی نرم افزارهای سخت افزاری برای ذخیره سازی و پشتیبان گیری خودکار یا نیمه خودکار، در دستور کار سازمان قرار گیرد. در پژوهش میرغفوری (۱۳۹۳) هم به نیاز به نرم افزارهای سخت افزاری برای ذخیره سازی و پشتیبان گیری، اشاره شده است و از این حیث پژوهش مذکور با نتیجه تحقیق پیش رو هم سو است.

طی پاسخ به پرسش ششم تحقیق، با توجه به میانگین به دست آمده ۰/۹۳ می توان نتیجه گرفت که وضعیت موجود زیرساخت شبکه های ارتباطی و انتقال اطلاعات در روند رقمی سازی آرشیوهای دیداری- شنیداری سازمان صداوسیما مناسب نیست و ضعیف است. فراهم آوری بستر بازیابی همزمان داده ها بین پایگاه داده (میراث جام جم) سازمان صداوسیما با سایر پایگاه های آرشیوی ناهمگون در سطح ایران (مثل سازمان اسناد و کتابخانه ملی، وزارت خارجه و...) در محیط وب، کمترین میزان را به خود اختصاص داده است. این ویژگی یعنی امکان جست و جوی همزمان در آرشیو سازمان های ناهمگون یکی از استانداردهایی است که برای انتقال داده ها بین آرشیوها و به ویژه بین کتابخانه های دنیا مطرح است، ولی در صداوسیما هنوز به آن توجه نشده است. شاید بتوان یکی از دلایل این سیاست سازمان را موضوع محرمانه بودن برخی از منابع و درکل تمایل نداشتن سازمان به دسترسی عموم به منابع دانست. در این میان، تعیین سطح دسترسی یکی از راهکارهایی است که می توان پیشنهاد داد. نتیجه پرسش ششم با نتایج پژوهش دژبان (۱۳۸۷)، مبنی بر نامناسب بودن زیرساخت مخابراتی، و نبود توان ارائه، انتقال و دریافت تصویر با کیفیت زیاد، هم راستاست.

طی پاسخ به پرسش هفتم تحقیق با توجه به میانگین به دست آمده (۱/۲۹) می توان نتیجه گرفت که وضعیت موجود زیرساخت حفاظت و امنیت در روند رقمی سازی آرشیوهای دیداری- شنیداری سازمان صداوسیما متوسط است، و از یکپارچگی نسبی برخوردار است. نتایج این پرسش با نتیجه تحقیق صمیعی (۱۳۹۵) از لحاظ رعایت امنیت و حفاظت در هریک از اجزای امنیتی نظیر دیوار آتش، و آنتی ویروس هم سویی کامل دارد.

برای پاسخ به پرسش هشتم مقاله با توجه به میانگین به دست آمده ۱/۱۸ می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت موجود در مدیریت فایل‌های رقیمی در آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما متوسط است و یکپارچگی کمتری دارد.

درباره پرسش نهم تحقیق، با توجه به میانگین (۱/۲۵) به دست آمده از بخش‌های مختلف پژوهش در زمینه یکپارچگی آرشیوها، می‌توان نتیجه گرفت که آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما، در وضعیت نسبتاً یکپارچه‌ای هستند. البته باید بیان داشت که هرچند وضعیت موجود در روند رقیمی‌سازی یعنی، تبدیل و دریافت منابع، ذخیره‌سازی و پشتیبان‌گیری، زیرساخت‌های نرم‌افزاری، سخت‌افزاری، امنیت، و حفاظت در آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما مناسب ارزیابی شده‌است، ولی این روند در خصوص زیرساخت شبکه‌های ارتباطی و همچنین مدیریت فایل‌های رقیمی مناسب و قابل تأیید نیست. شایان ذکر است که نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آرشیوهای دیداری-شنیداری سازمان صداوسیما با ۹۵ درصد اطمینان با میانگین ۱/۲۵، در وضعیت نسبتاً یکپارچه‌ای هستند. در این راستا، با اتخاذ تدابیر مناسب از سوی مدیران، می‌توان آینده‌ای روشن و بهتر را برای آرشیو سازمان متصور شد تا بتواند به آرشیوهای دیداری-شنیداری پیشرفته دنیا نزدیک‌تر شود و عملکردی بهتر از گذشته داشته باشد. باید بیان داشت که نداشتن راهبرد لازم و کم‌توجهی به نظام‌هایی که با رشد فن‌آوری در حال منسوخ شدن هستند، موجب اتلاف میراث ملی و منابع آرشیوی می‌شود. توجه به این موضوع، از دیدگاه مدیریتی از ملزومات آرشیو پویاست و پیشنهاد می‌شود تا از سوی مدیران آرشیوها تدابیری برای تعیین استراتژی و راهکاری برای احیای منابع و ممانعت از منسوخ شدن آن‌ها اتخاذ شود.

محدودیت‌های پژوهش

نبود استانداردهای مکتوب در حوزه رقیمی‌سازی منابع دیداری-شنیداری در ایران؛ نبود دستورالعمل‌های مدون در حوزه‌های کاری آرشیو در سازمان‌های ذی‌ربط.

پیشنهادهای

براساس یافته‌های پژوهش موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. تدوین، تکمیل و شفاف‌سازی دستورالعمل‌های روند رقیمی‌سازی و زیرساخت‌های لازم.



۲. تبدیل منابع آنالوگ آرشیوها، با تعیین اولویت بندی در برنامه ها و تعیین زمان بندی در فرایند مهاجرت محتوا تا اولین مرحله آرشیو رقمی.
۳. بررسی زیرساخت های مخابراتی، شبکه داخلی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، گسترش و به روزآوری تجهیزات فنی و ارتباطی برای استفاده در پیوندهای شبکه آرشیو دیجیتال و انتقال داده ها و فایل های تصویری مورد نیاز کاربران از ایستگاه های تعبیه شده در استودیوهای پخش، واحدها و بخش های مختلف.
۴. آموزش مداوم و حین خدمت تطبیقی آرشیو داران، کارکنان و مدیران آرشیو در زمینه مهارت های لازم در جهت بهتر شدن روند رقمی سازی مطابق با رشد فناوری.

منبع

کتاب

- صمیعی، میترا. (۱۳۹۵). *استانداردهای ذخیره و حفاظت در کتابخانه های دیجیتال*. تهران: کتابدار.
- کاوه، گیتی. (۱۳۸۹). *مدیریت آرشیو: کنفرانس رسانه های نوین، فرصت ها و چالش ها با محوریت آرشیو*. تهران: صداوسیما، اداره کل تحقیقات و جهاد خودکفایی.

مقاله

- تاجداران، منصور؛ رضایی شریف آبادی، سعید؛ همت زاده، فاطمه. (۱۳۹۰). «وضعیت حفاظت در سازمان اسناد و کتابخانه های ملی استرالیا، انگلستان، ایالات متحده و کانادا». *فصل نامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۸۸، صص ۱۶۲-۱۸۰.
- صمیعی، میترا. (۱۳۹۰). «مدیریت حفاظت رقمی در آرشیوهای ملی؛ راهبردها و استانداردها». *گنجینه اسناد*، ۲۱(۲)، صص ۱۰۰-۱۱۵.
- میرغفوری، حسنیه سادات؛ حریری، نجلا. (۱۳۹۳). «تحلیل وضعیت دیجیتال سازی منابع شنیداری در آرشیوهای سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با استاندارد یاسا؛ مطالعه موردی: شهر تهران». *گنجینه اسناد*، ۲۴(۱)، صص ۱۲۲-۱۳۸.

پایان نامه

- دژبان، لیل. (۱۳۸۷). «طرح پیشنهادی مدیریت مکانیزاسیون سیستم آرشیو دیجیتال تصویری مرکزی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران». پایان نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.



رضوی، نسیم. (۱۳۹۳). «ارائه الگوی مدیریت منابع ویدیویی دیجیتال سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران بر مبنای مدل مرجع نظام اطلاعاتی آرشیوی باز (او.ای.آی.اس)». پایان نامه کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

منابع لاتین

- Nordland, L. P. (2014). "The Long and short of IT: the international development research center as a case study for term digital preservation strategy". Unpublished thesis master's. University of manitoba. Winnipeg.
- Stephen B. Alayon; Lourdes T. David. (2016). "Digital Curation Projects: A Study of Selected Academic and Research Repositories in the Philippines". *Libres*, 26(1), pp 89-98.
- Bekaert, Jeroen. L.; Hochstenbach, Patrick; De Koning, Emiel; Van de Walle, Rik. (2003). "An analysis of packaging formats for complex digital objects: Review of principles". *International Society for Optics and Photonics, Vol. 5442, pp 324-332. In Internet Multimedia Management Systems IV*, (26 November 2003).
- Verheul, Ingeborg. (2009). *Networking for Digital Preservation: Current Practice in 15 National Libraries*. Munchen: K.G Saur.

English Translation of References

Books

- Kaveh, Giti. (1389/2010). "*Modiriat-e ārsīv: Konferāns-e resāne-hā-ye novin, forsāt-hā va čāleš-hā bā mehvariat-e ārsīv*" (Archive management: Conference of new media, opportunities and challenges, with a focus on archives). Tehran: Sedā va Simā (Islamic Republic of Iran Broadcasting) (IRIB), Edāre-ye Koll-e Tahqiqāt va Jahād-e Xod-kafāyi (IRIB Research and Development) (IRIB R&D). [Persian]
- Samiei, Mitra. (1395/2016). "*Estāndārd-hā-ye zaxireh va hefāzat dar ketāb-xāne-hā-ye dijital*" (Storage and protection standards in digital libraries). Tehran: Ketābdār. [Persian]
- Verheul, Ingeborg. (2009). *Networking for digital preservation: Current practice in 15 national libraries*. Munchen: K.G Saur.



Articles

- Bekaert, Jeroen. L.; Hochstenbach, Patrick; De Kooning, Emiel; & Van de Walle, Rik. (2003). "An analysis of packaging formats for complex digital objects: Review of principles". *International Society for Optics and Photonics (Vol. 5442)(pp. 324-332). In Internet Multimedia Management SystemsIV* (26 November 2003).
- Mirghafoori, HosniehSadat; & Hariri, Najla. (1393/2014). "Tahlil-e vaz'eyat-e dijital-sāzi-ye manābe'-e šenidāri dar āršiv-hā-ye Sāzmān-e Sedā va Simā-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān va moqāyese-ye ān bā estāndārd-hā-ye Yāsā; Motālē-e moredi: Šahr-e Tehrān" (Digitization of IRIB's audio archives: Evaluation against IASA standards). *Ganjine-ye Asnād*, 24(1), pp. 122-138.[Persian]
- Samiei, Mitra. (1390/2011). "Modiriat-e hefāzat-e raqami dar āršiv-hā-ye melli; rāhbord-hā va estāndārd-hā" (Digital preservation management in national archives: Strategies, standards). *Ganjine-ye Asnād*, 21(2), pp. 100-115.[Persian]
- Stephen, B. Alayon; & Lourdes, T. David. (2016). "Digital curation projects: A study of selected academic and research repositories in the Philippines". *Libres*, 26(1), pp. 89-98.
- Tajdaran, Mansour; RezaeiSharifabadi, Saeed; & Hemmatzadeh, Fatemeh. (1390/2011). "Vaz'eyat-e hefāzat dar Sāzmān-e Asnād va Ketāb-xāne-ye Melli-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān va moqāyese-ye ān bā ketāb-xāne-hā-ye melli-ye Ostorāliā, Engelestān, Eyālāt-e Mottahedeh va Kānādā" (Preservation status in the National Library and Archives of I.R. Iran in comparison with the national libraries of Canada, the U.S., the U.K. and Australia). *Motāle'āt-e Meli-ye KetābdārivaSāzmāndehi-ye Ettelā'āt*(Journal of National Studies on Librarianship and Information Organization) (NASTINFO), 88, pp. 162-180. [Persian]

Dissertations

- Dezhban, Leila. (1387/2008). "*Tarh-e pišnahādi-ye modiriat-e mekānizāšion-e system-e āršiv-e dijital-e tasviri-ye markazi-ye Sedā va Simā-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān*" (A proposed model formechanization management of the central digital video archive system of Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB))



[Masters' thesis in Library and information science]. Tehran: Dānešgāh-e Āzād-e Eslāmi (Islamic Azad University), Vāhed-e Tehrān Šomāl (Tehran North Branch).

[Persian]

Nordland, L. P. (2014). *"The Long and short of IT: The international development research center as a case study for term digital preservation strategy"*. Unpublished thesis master's. University of manitoba. Winnipeg.

Razavi, Nasim. (1393/2014). *"Erāe-ye olgu-ye modiriāt-e manābe'-e vidiyoyi-ye dijital-e Sāzmān-e Sedā va Simā-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān bar mabnā-ye model-e marja'-e nezāām-e ettelāāti-ye āršiv-e bāz (O, Ee, Āy, Es)"* (Presenting a pattern for the management of digital video references belonging to the Islamic Republic of Iranian Broadcasting (IRIB) based on the Open Archival Information System (OAIS) reference model). [Masters' thesis in Information science and knowledge management]. Tehran: Dānešgāh-e Āzād-e Eslāmi (Islamic Azad University), Vāhed-e 'Olum va Tahqiqāt (Science and Research Branch). [Persian]





The documentary investigation of Zemmehnamehs in Qajar period

Hasan Zandiyeh¹ | Zohreh Ahmadian²

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: Zemmeh-nameh (obligation letter) is a deed or document that makes one liable to take certain action (mostly payment). This paper examines the structures and contents such documents.

Method and Research Design: 50 such documents held by National Archives of Iran are analysed. Library materials were also consulted to collect data.

Findings and Conclusion: The structure consists of text and margin, each containing special elements. The content bears full name of both parties, the amount of debt or other kind of obligation, payment time and method, terms of contract.

Zemmeh-nameh remained unchanged in content and form throughout the Qajarid era (1789-1925). Only after the introduction of print technology and the beginning of Pahlavi era they were changed both in form and content.

Keywords: Qajarids; Legal Documents; Zemmeh-nameh.

Citation: Zandiyeh, H., Ahmadian, Z. (2020). The documentary investigation of Zemmehnamehs in Qajar period. *Ganjine-ye Asnad*, 30(3), 130-161. doi: 10.22034/ganj.2020.2580

1. Assistant Professor, Department of History, University of Tehran, Tehran, I. R. Iran, (Corresponding Author)

zandiyehh@ut.ac.ir

2. MA in Archival and Manuscript Documents, University of Tehran, Tehran, I. R. Iran

Zahmadian13@gmail.com

Ganjine-Ye Asnad

«119»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2020.2580

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 3, Autumn 2020 | pp: 130- 161 (32) | Received: 17, Jun. 2019 | Accepted: 21, Dec. 2019

Archival studies





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

ساختارشناسی ذمه‌نامه‌های دوره قاجار

حسن زندیه^۱ | زهره احمدیان^۲

چکیده:

هدف: ذمه‌نامه سندی است حاکی از تعهد مدیون به پرداخت وجه نقد یا پرداخت جنس یا تعهد به فعلی معین. ذمه‌نامه‌ها جزو اسناد شرعی و مردمی‌اند و در دوره قاجار در همه سطوح زندگی مردم استفاده می‌شده‌اند و درعین سادگی، ساختاری خاص داشته‌اند. این مقاله نتیجه بررسی ساختارهای شکل و محتوای آنها را گزارش می‌کند.

روش/ رویکرد پژوهش: داده‌ها از ۵۰ ذمه‌نامه - که در آرشیو ملی ایران نگهداری می‌شود - و منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: ذمه‌نامه‌ها اسنادی ساده‌اند که ساختار و محتوای آنها در سراسر دوران قاجار، تغییر مهمی نکرد. از لحاظ ساختار، ذمه‌نامه‌ها دو بخش شامل متن و حاشیه با اجزای مربوطه دارند. محتوای ذمه‌نامه‌ها از نام و شهرت طرفین عقد، مقدار بدهی، زمان تسویه حساب، نحوه پرداخت، شروط ضمن عقد و... تشکیل می‌شود. با ورود صنعت چاپ و با آغاز حکومت پهلوی، این اسناد به‌ویژه از نظر ساختار ظاهری تفاوت‌هایی چشمگیر با ذمه‌نامه‌های دوران قاجار پیدا کردند.

کلیدواژه‌ها: دوره قاجار؛ اسناد شرعی؛ ذمه؛ ذمه‌نامه؛ تمسک‌نامه؛ تمسک‌نامهچه.

استناد: زندیه، حسن، احمدیان، زهره. (۱۳۹۹). ساختارشناسی ذمه‌نامه‌های دوره قاجار. *گنجینه اسناد*.

doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰.۲۵۸۰ | ۱۶۱-۱۳۰(۳)۳۰

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران، تهران،

ایران، (نویسنده مسئول)

zandiyehh@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد اسناد و مدارک آرشیوی و

نسخه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Zahmadian13@gmail.com



گنجینه اسناد

«۱۱۹»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۰.۲۵۸۰

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۰، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۹ | صص: ۱۳۰-۱۶۱ (۳۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲۷ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۳۰

مطالعات آرشیوی

۱. مقدمه

در کشور ایران مطالعه و پژوهش در اسناد و مدارک تاریخی، سابقه‌ای کهن ندارد؛ درواقع مدت زیادی نیست که محققان تاریخ به این نتیجه رسیده‌اند که برای دستیابی به گزارشی منقح و بی‌شائبه از دست‌کاری صاحبان نفوذ، باید از اسناد در پژوهش‌های تاریخی استفاده کرد. اسناد هم، به‌خودی‌خود قابلیت استناد ندارند؛ چراکه با زبان و ادبیات امروزی اندکی بیگانه‌اند و لازم است تا بررسی‌های سندشناسانه بر ماهیت شکلی و محتوایی آن‌ها صورت گیرد تا به‌عنوان داده‌های قابل استفاده، در بررسی‌های تاریخی کارآمد باشند. نگارندگان این پژوهش، با تحقیق در اسناد دوره قاجار مشخصاً به یکی از اسناد شرعی دوره قاجار به‌نام ذمه‌نامه توجه کرده‌اند.

ذمه به معنی تعهد و عهده است. در سند ذمه‌ای، متعهد درمقابل متعهدله، تعهدی را عهده‌دار می‌شود؛ یعنی بر ذمه می‌گیرد؛ خواه این تعهد، پرداخت مبلغی پول باشد یا انجام کاری. این سند حاکی از تعهد مدیون به پرداخت وجه نقد یا پرداخت جنس است؛ مانند سند تعهد پرداخت چند خروار گندم. ذمه‌نامه، نوعی سند شرعی است که برای قرض دادن مقدار معینی از مال قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده، تنظیم می‌شود. از قباله‌ای که شامل داین، مدیون و مورد قرض باشد، با عناوینی از قبیل: «ذمه‌نامه»، «سند ذمه»، «مساعده»، «رسید سهم دیوانی»، «رسید وجه مساعده»، «تمسک‌نامه» و «تمسک‌نامه‌چه» نام برده شده‌است (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷).

ذمه‌نامه، به‌طور عام در تقسیم‌بندی‌ها جزء دسته اسناد مردمی است و به‌طور خاص، یک سند صریح شرعی است. اسناد شرعی اسنادی برآمده از اسناد فقهی‌اند؛ شامل معاملات و احکامی که شخصی ذی‌صلاح مطابق با رسم هر دوره تنظیم می‌کند. ازجمله این اسناد عبارت‌اند از: اجاره‌نامه، شراکت‌نامه، حبس‌نامه، آزادنامه، توبه‌نامه، وصیت‌نامه، نذرنامه، مصالحه‌نامه، اقرارنامه، شهادت‌نامه، اظهارنامه و حکم قضایی، ورقه حکمیه و... به سندی که بین دو نفر و یا دو گروه تنظیم شود و شامل عقد و ایقاعات باشد، سند شرعی می‌گویند. این دسته از اسناد اصطلاحاتی خاص خود دارند؛ هم‌چون ارباب حل و عقد، حاکم شرع، ایجاب، ایقاع، شرط، صیغه، عقد، لازم و... ذمه‌نامه‌ها نیز شرایط و اجزای یادشده را دارا هستند؛ ازاین‌رو جزء اسناد شرعی قلمداد می‌شوند. از طرفی، این اسناد اسنادی مردمی‌اند. اسناد مردمی اسنادی‌اند ناشی از دستاوردهای نظام اجتماعی و لازمه زندگی و روابط روزمره بشری؛ به‌عبارت‌دیگر، اسناد مردمی بیانگر کنش و واکنش مردم در جوامع پویا هستند؛ جوامعی که در آن‌ها انواع تعاملات اجتماعی وجود دارد و اسناد مردمی هم‌زمان با حیات این جوامع و تکامل آن‌ها تولید می‌شوند (حسن‌آبادی، ۱۳۹۳، خرداد، ص ۱۱).



در کنار سایر اسناد به‌جامانده از دوره قاجار، تعداد زیادی ذمه‌نامه وجود دارد که شیوه مرادفات میان تجار و مردم عادی را نشان می‌دهد و می‌تواند منبعی مهم برای شناخت این دوره تاریخی باشد؛ ولی تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی در زمینه سندشناسی ذمه‌نامه‌ها انجام نشده‌است. بنای این پژوهش بر آن است تا ساختارهای شکلی و محتوایی ذمه‌نامه را بررسی کند. برای انجام این پژوهش، ابتدا تعدادی از اسناد موجود در آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران جمع‌آوری شد و پس از خوانش و استنساخ، ساختارهای شکلی و محتوایی آن‌ها بررسی شد که در ادامه به توصیف و تحلیل این ساختارها پرداخته شده‌است. برخلاف اسناد سیاسی، پژوهش بر روی این دسته از اسناد کمتر موردتوجه محققان و مراکز آرشیوی قرار گرفته‌است. انجام تحقیقات بر روی این اسناد، برخلاف ظاهر ساده آن‌ها زمان‌بر است و گاهی به‌لحاظ محتوایی به مطالعات جانبی و بین‌رشته‌ای نیازمند است. اسناد مردمی به‌سبب اصالت وجودی‌شان و به‌سبب این‌که کمتر تحریف شده‌اند، ارزش و اعتباری خاص دارند؛ چون بیانگر گوشه‌هایی از حیات اجتماعی مردم‌اند. ذمه‌نامه‌ها نیز ازجمله این اسنادند که دربردارنده داده‌های ارزشمند فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، درباره زندگی پیشینیان‌اند. پژوهش حاضر، تنها اثری است که به‌صورت مستقل، به بررسی این دسته از منابع ارزشمند تاریخی پرداخته‌است.

۲. ساختار شکلی ذمه‌نامه‌ها

منظور از ساختار شکلی اسناد، بررسی اجزاء و مواد تشکیل‌دهنده آن‌هاست. مشخصات ظاهری یک سند شامل نوع و اندازه و شکل کاغذ، خط، رنگ مرکب، اضافات ترکیبی (تحمیدیه، طغرا، توشیح، و مهر)، فواصل سطور و اندازه حاشیه‌هاست (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۳۳۳).

۲.۱. ساختار متن

ازلحاظ ظاهری، ذمه‌نامه‌ها را می‌توان به دو قسمت متن و حاشیه تقسیم کرد. قائم‌مقامی در کتاب «مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی» درباره متن سند می‌نویسد: «متن یک سند یا اصل سند، شامل شرح مضمون و موضوعی ست که علی‌الاصول سند درباره آن نوشته و تنظیم می‌گردد؛ مانند موضوع اعطای وزارت، واگذاری منصب استیفا و قضاء، فتح‌نامه، وصیت، دادن تیول، سیورغال، اقطاع، مواجب، قبول معافیات و بخشش‌ها، تعیین موقوفات، نکاح و طلاق، اجاره، خرید، فروش و امثال آن‌ها...» (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۱۴۷). در این قسمت، اجزای متن اسناد یعنی کاغذ، سطور، خط و... بررسی می‌شود:



۲.۲. کاغذ

بیشتر ذمه‌نامه‌های بررسی شده، از نظر اندازه، مشابه‌اند و تعداد زیادی از آن‌ها در قطع خشتی به‌نگارش درآمده‌اند؛ ولی در میان آن‌ها، اسنادی نیز به‌چشم می‌خورد که در اندازه‌ای متفاوت با دیگر اسناد تهیه و نگارش شده بودند و از نظر ابعاد و حتی زیبایی و خوانایی خط، با دیگر اسناد، تفاوتی چشمگیر داشتند. در اسنادی که طرفین عقد از پایگاه اجتماعی بالا و یا وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردار بوده‌اند، گاهی ویژگی‌های ظاهری با دیگر ذمه‌نامه‌ها متفاوت و در اندازه‌های بزرگ‌تر و خوش‌خط‌تر از دیگر اسناد تهیه شده‌اند.

در تهیه تمام اسناد بررسی شده از کاغذ فرنگی استفاده شده‌است؛ ضمناً چند نمونه از آن‌ها دارای واترمارک هم هستند. کاغذ فرنگی، مطلقاً کاغذی را گویند که از ممالک اروپا و فرنگ می‌آورده‌اند (افشار، ۱۳۹۰، ص ۱۰۹). از بررسی اسناد مدنظر می‌توان پی برد که در دوران قاجار استفاده از کاغذ فرنگی زیاد رواج داشته‌است.^۱

رنگ بیشتر ذمه‌نامه‌های بررسی شده کرمی و نخودی است؛ ولی تعداد کمی از آن‌ها نیز، به رنگ‌های سبز، آبی، سفید و بعضاً ابری (ابروباد) هستند. ابری به کاغذهایی گفته می‌شود که به‌شکلی ویژه شبیه ابرهای آسمان یا امواج آب، رنگ‌آمیزی شده باشند (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۰، ص ۲۴۰). از ویژگی‌های کاغذهای فرنگی آن است که وقتی در معرض نور قرار گیرند، نقوش و خطوطی [واترمارکی] که با ماشین درون آن‌ها تعبیه شده‌است مرئی می‌شود (مایل هروی، ۱۳۸۰، ص ۲۵۷). البته همه کاغذهای فرنگی، دارای این ویژگی نیستند و در اسناد بررسی شده هم برخی واترمارک داشتند و برخی نداشتند.

۲.۳. سطور (فاصله، انتها و تعداد)

فاصله سطور در ذمه‌نامه‌ها معمولاً با نظمی خاص رعایت شده‌است؛ به‌گونه‌ای که فاصله بین سطر اول و دوم، بیشتر از فاصله سطر دوم و سوم است و فاصله سطر دوم و سوم بیشتر از فاصله سطور بعدی است و به همین ترتیب، فاصله سطور تا انتهای متن کم و کمتر می‌شود؛ ولی در بعضی موارد، از سطر سوم به‌بعد، فاصله بین سطرها، تقریباً باهم برابر است.

محمدبن هندوشاه نخجوانی در دستورالکاتب چنین می‌گوید:

«در مکاتبات، بُعد بین السطور بسیار نگذار[ن]د؛ به‌خلاف احکام که آنجا بُعد بین السطور بیشتر باید و اما در عرضه‌داشت رعایا به ملوک و سلاطین و محاضر و تذکره که نویسند، آن قاعده مطرود نباشد؛ چه مکتوب [را] عریض باید نوشت؛ اما بُعد بین السطور اندک باید و بیاض صدر مکتوب متوسط، تا جمعی که عارض قضایا باشند اسامی خویش

۱. از سده دهم هجری به این‌سو و با گسترش روابط دولت صفوی با اروپاییان، بازرگانی میان ایران و مغرب‌زمین افزایش چشمگیر یافت. در این میان، به‌علت افزایش مصرف کاغذ در ایران، بخشی از کاغذ مصرفی، از آن سرزمین‌ها تأمین می‌شد (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۰، ص ۶۱).



در آخر آن ثبت توانند کرد و شرطنامه را بعد بین‌السطور اندک باید و قطع کاغذ عریض
نشانید» (نخجوانی، ۱۹۷۶، ج ۲، ص ۲۶۴).

باتوجه به مطلب فوق، آرایش سطور در انواع اسناد متفاوت بوده‌است. مثلاً در
مکاتبات، فاصله بین سطور کم بوده؛ ولی در احکام، فاصله بین سطور بیشتر بوده‌است
و در عریضه‌ها، حاشیه بالای مکتوب را برای نوشتن نام کسانی که عریضه از طرف آن‌ها
بوده‌است، خالی می‌گذاشته‌اند.

این فاصله بین سطور، نه تنها در ذمه‌نامه‌ها بلکه در بسیاری از اسناد شرعی و دیوانی
دیگر هم دیده می‌شود. در دیگر انواع اسناد، در فاصله بین سطور، بعضی از اجزای سند
گنجانده می‌شده‌است؛ مانند: پول مورد معامله که به خط سیاق نوشته می‌شده‌است؛ سهم
هریک از افراد طرفین معامله؛ مهر؛ جایگاه شهادت حاکم شرع و متعاقبین و... . در
ذمه‌نامه‌ها در فاصله بین سطر اول و دوم، در بیشتر موارد مطلب یا جزء خاصی از سند
گنجانده نشده‌است و تنها مبلغ قرض را در بالای سطر دوم به خط سیاق نوشته‌اند که
البته برای نوشتن مبلغ قرض، به چنین فاصله‌ای نیاز نیست و چون این فواصل سطور در
بسیاری از اسناد دیده می‌شود، به نظر می‌رسد که این گونه نوشتن اسناد، به نوعی رسم یا
عادت تبدیل شده بوده‌است. البته در اسناد بررسی شده چند استثناء نیز وجود داشت. مثلاً
در سندی در فاصله سطر اول و دوم، اشیایی که مدیون باید تحویل دهد، نوشته شده‌است
(ساکما، ۳۰۵۱۵-۹۹۹) و در سندی دیگر، بین سطر دوم و سوم، مقدار قرض هر یک
از مدیونین، مشخص شده‌است (ساکما، ۲۸۲۳۲-۹۹۹)؛ ولی همان‌طور که گفته شد، این
موارد انگشت‌شمارند و در عموم اسناد مذکور، در فواصل سطور مطلبی نوشته نشده‌است.
هم‌چنین لازم به ذکر است که فواصل سطور، در همه اسناد بررسی شده، به طور یکسانی
رعایت نشده‌است؛ به طوری که در بعضی اسناد، فاصله همه سطور از سطر نخستین تا سطر
پایانی سند، تقریباً باهم برابر است و در بسیاری از موارد، فواصل سطور همچنان که گفته
شد، با یکدیگر متفاوت است.

یکی دیگر از ویژگی‌های ظاهری ذمه‌نامه‌ها که در نگاه اول، نظر بیننده را به خود
جلب می‌کند، گرایش انتهای سطور به سمت بالا است؛ به طوری که در انتهای هر سطر،
کلمات روی یکدیگر سوار شده و هر سطر به سمت بالا کشیده شده‌است. علت این
کار در منابع ذکر نشده‌است؛ ولی از نظر نگارنده ممکن است علل گوناگونی داشته باشد؛
از جمله صرفه‌جویی در مصرف کاغذ؛ چون در این حالت، در هر سطر، تعداد واژه‌های
بیشتری گنجانده می‌شود. البته انتهای سطور، در همه اسناد، به یک شکل نیست. در بعضی
از اسناد، انتهای هر سطر کاملاً به سمت بالا کشیده شده‌است و در بعضی از اسناد دیگر،

این کشیدگی وجود ندارد و فقط یکی دو کلمه آخر، بالاتر از سطر نوشته شده است و یا در بعضی موارد کشیدگی سطور به سمت بالا شیب کمتری دارد. ذمه‌نامه‌های قطع خشتی، غالباً در ۵ تا ۸ سطر تنظیم شده‌اند. درکل، تعداد سطور ذمه‌نامه‌ها معمولاً از ۱۵ سطر تجاوز نمی‌کند؛ یعنی ذمه‌نامه‌ها اسنادی کوتاه هستند. تعداد سطور در هر برگ سند به مواردی چون ابعاد کاغذ، نوع خط، درشتی و ریزی خط کاتب و ارکانی که در سند مطرح می‌شده، بستگی داشته است.

۴.۲. خط

غالب اسناد این پژوهش با خط نستعلیق، شکسته نستعلیق، و شکسته تحریری به نگارش درآمده‌اند. اسناد دوره قاجار را براساس فرم خط به سهولت می‌توان از دوره‌های قبل از آن تفکیک کرد. این اسناد اغلب به خط شکسته نستعلیق و نستعلیق است.^۱ ولی در اسناد مختلف، این خطوط از نظر زیبایی و کیفیت یکسان نیستند. مثلاً بعضی از آن‌ها درشت و واضح (جلی) و بعضی دیگر ریز و کوچک (خفی) نوشته شده‌اند. برخی زیبا و چشم‌نواز و بعضی درهم و ناخوانا نگاشته شده‌اند. در بسیاری موارد که داین و مدیون از طبقه بالای جامعه بوده‌اند، مانند روحانیون، کدخدایان، بزرگان و تجار و یا کسانی که جاهت اجتماعی داشته‌اند مانند حاجیان، اسناد با خطی خوش و زیبا کتابت شده‌اند. البته عوامل زیادی در زیبایی و کیفیت خط مؤثر بوده است؛ مانند کاتب، نوع کاغذ، قلم، مرکب و امید رضایی در این باره می‌گوید:

البته کیفیت خط با کیفیت قلم رابطه‌ای مستقیم و تنگاتنگ دارد. اصحاب قلم در دوره قاجار، از دو نوع قلم «رسمی» و «آهنی» استفاده می‌کردند. کیفیت قلم آهنی از قلم رسمی بیشتر بوده و نوشتن با آن آسان‌تر بوده است؛ با وجود این محرران ملزم بوده‌اند تا اندازه نوک قلم را در طول تحریر سند ثابت و یکدست نگاه دارند (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۳).

۵.۲. ساختار حاشیه

حاشیه ذمه‌نامه‌ها نیز، مانند متن آن‌ها دارای ساختار و اجزای مجزایی است که در ادامه بررسی می‌شود:

۶.۲. تسمیه

اولین نکته‌ای که در ساختار حاشیه بررسی می‌شود، تسمیه است. تسمیه‌ها معمولاً شامل نام و صفات خداوندند و غالباً در بالاترین نقطه حاشیه، در صدر کاغذ، نوشته می‌شوند؛

۱. استفاده از خط شکسته نستعلیق در نوشتن اسناد و بسیاری مقاصد دیگر موجب شد تا منشیان و کاتبان بی‌دلیل چیزهایی به آن بیفزایند و آن را پیچیده کنند که در نهایت برای ساده‌سازی آن تلاش شد. در این زمینه چند سبک تازه پدیدار شد که معروف‌ترین آن‌ها شکسته تحریری از ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، حسن‌علی خان امیرنظام گروسی، و امین‌الدوله بود (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۳).

به‌طوری‌که سایر نوشته‌ها اعم از مطالب مندرج در متن و حاشیه، در زیر عبارت تسمیه نوشته می‌شوند و مطلبی بالاتر از عبارت تسمیه قرار نمی‌گیرد؛ به‌عبارتی دیگر، تسمیه آغازگر سند است. البته از ۵۰ سند بررسی‌شده در این پژوهش ۳۰ سند تسمیه نداشتند. شاید بتوان گفت علت فقدان تسمیه در ذمه‌نامه‌ها، موقتی بودن آن‌ها بوده‌است؛ زیرا در بسیاری از موارد وقتی مدت قرض تمام و بدهی وصول می‌شد، ذمه‌نامه امحاء می‌شد؛ بنابراین، برای جلوگیری از هتک حرمت به نام خداوند، از نوشتن آن خودداری می‌کردند. برخی تسمیه‌های به‌کاررفته در این دسته از اسناد عبارت‌اند از: «هو»، «یا هو»، «بسم‌الله خیرالاسماء» و

۷.۲. سجالات

خبر (گواهی) مکتوب مهور یا مُمضی را «سجل» (تصدیق) گویند. سند، همانند ترازوی دوکفه‌ای، «متن» و «سجل» دارد. قباله را حداقل یک نفر امضاء یا تسجیل می‌کرده‌است (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۷). بنابراین، به هر نوشته و خبری که در حاشیه سند نوشته شده باشد و دارای مهر و یا امضاء باشد سجل می‌گویند؛ ازجمله تأییدیه حاکم شرع، اظهارات و مهر شهود، مهر و گواهی منشیان، و احیاناً حاشیه‌نویسی.

۸.۲. تأییدیه و اظهارات امنای شرع

عرف بوده‌است که اصحاب حل و عقد و اماناء شرع، وقوع عقد را در روی سند، منتهی‌الیه سطر اول بنویسند (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۸). برخی ذمه‌نامه‌ها دارای مهر و اظهارات حاکم شرع‌اند؛ چون در محاضر و دفاتر شرع ثبت شده‌اند و فقیه یا حاکم شرع آن‌ها را تأیید کرده‌است؛ ولی برخی دارای تأیید حاکم شرع نیستند و این دسته از اسناد، بین خود مردم تهیه شده‌اند و به مهر و تأیید طرفین قرارداد و شاهدان رسیده‌اند. اظهارات یا تأییدیه امنای شرع، عمدتاً در بالا و سمت چپ حاشیه ذمه‌نامه‌ها قرار گرفته‌است؛ ولی در بعضی موارد، این رکن از اسناد در جای دیگری از حاشیه مثلاً در قسمت میانی و بالایی حاشیه و یا حتی در مواردی در حاشیه سمت راست و پایین سند قرار گرفته‌است. عبارت مربوط به این رکن، اغلب به‌صورت مایل و خلاف جهت نگارش متن اصلی سند، نوشته شده‌است. اظهارات حاکم شرع معمولاً با عبارات «وقع / قد وقع / وقعت» آغاز می‌شود که در این صورت به آن سجل وقوعی می‌گویند؛ یعنی حاکم شرع، خود بر وقوع عقد اعتراف می‌کند. از آنجاکه اغلب علما، گزارش اعتراف معامل و متعامل را کافی می‌دانسته‌اند، بنابراین صرفاً می‌نوشته‌اند: «اعترفت بالصلح» یا «قد اقرّ الواقف المعظم الیه بجمع ما زیر فیه من المتن و

الهامش» (رضایی، ۱۳۹۰، صص ۱۹-۲۰) که در این صورت آن را سجل اعترافی گویند. اظهارات حاکم شرع، در بعضی موارد با تسمیه آغاز می‌شود. یکی دیگر از نکاتی که در این رکن رعایت شده‌است، ذکر تاریخ است که همه تاریخ‌ها قمری است.

۹.۲. سجل شهود

یکی دیگر از ارکان اصلی سند که جایگاه آن در حاشیه سند است، گواهی و مهر شهود است. سجل شاهد، گواهی حضور اوست که از طریق سمعی و بصری برایش حاصل شده‌است. جایگاه اعتراف و اظهارات شهود در حاشیه سمت راست و بالای اسناد است. هرچه جای مهر و گواهی شهود به اظهارات حاکم شرع نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده موقعیت اجتماعی بالاتر افراد است. تعداد شاهدان در اسناد بررسی شده یکسان نیست. برخی از اسناد را شاهدان زیادی مهر و تأیید کرده‌اند؛ ولی در بعضی اسناد، تعداد شاهدان بسیار اندک است. اظهارات شهود، معمولاً خلاف جهت متن و عمود بر آن نوشته شده‌است. این اظهارات، معمولاً با عبارات «اعترف بمافیه»، «الشاهد علی ذلک»، «شهدت»، «انا من الشاهدين»، «شهد بمافیه»، «اقر بمافیه»، و «اقر المدیون» آغاز می‌شود.

۱۰.۲. مهر

در تمامی اسناد مذکور مهر وجود دارد. درواقع وجود مهر در سند، اعتبار آن به‌شمار می‌آمده و سند بدون مهر فاقد اعتبار بوده‌است و در دوره قاجار مهر وسیله تصدیق سند بوده‌است. محرران در زمان استنساخ، اثر مهر را با عبارات «محل مهر»، «موضع مهر» و «سجع مهر» متذکر شده‌اند. ویژگی‌های ظاهری مهرها شامل شکل و اندازه، سجع و تزیینات و تاریخ است که در ادامه توضیح داده می‌شوند:

الف. سجع مهر

مهرها دو جزء اصلی دارند: «عبارت»، و «سال ساخت (نقر آن‌ها)» (میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۹۳، ص ۲۵). ساختار کلی عبارت در سجع مهرهای اسلامی معمولاً شامل اسم، اسم و شهرت، اسم و اسم نیاکان، القاب جانشین اسم، اسم و لقب، یا مجموعی از این‌هاست. پیشوندهای اجتماعی-مذهبی مانند «سید» و «میرزا» و «حاجی» یا پسوندهایی که اهلیت و نسبت شغلی افراد را می‌رسانند نیز، از جمله مصادیق و اجزای عبارت در مهرنویسی اسلامی محسوب می‌شوند (میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۹۳، صص ۸۴-۸۵). با مطالعه اظهارات شهود و سجع مهرها می‌توان دریافت که در بیشتر موارد، رابطه‌ای بین نام و هویت فرد



و سجع مهر وجود دارد. مثلاً سجع مهری که «نصر من الله و فتح غریب» است متعلق به شخصی است که نامش نصرالله است و یا سجع مهری با عبارت «بود مروّج دین محمدی، جعفر» متعلق به فردی جعفر نام است و یا فردی بانام کریم دارای سجع مهر «إِنَّ رَبِّي غَنِيَّ کریم» است. در بعضی از سجع مهرها نیز، نشانی از نام و هویت صاحب مهر وجود ندارد؛ در این گونه موارد نام فرد را باید از روی اظهاراتش تشخیص داد. گاهی اوقات نیز صاحبان محاکم، نام شاهد را در جایی که باید مهر بزنند، نوشته‌اند؛ از این طریق نیز می‌توان به نام صاحب مهر پی برد. برخی از مهرها فقط حاوی نام مالک مهرند و برخی دیگر حاوی جملات و اصطلاحات دعایی و یا عباراتی‌اند که نشان از خضوع و فروتنی صاحب مهر دارد؛ مانند «الاحقر»، «عبده»، «الرّاجی»، «أَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ».

نقش و سجع هر مهری گویای مقام و طبقه اجتماعی صاحبش است. مهرهای طبقه فرودست، اکثراً کوچک، معمولی و عاری از ظرایف خطاطی و حکاکی است؛ حال آنکه سجع مهر علما، تجار و درباریان، درشت و حاوی ادعیه و آیات و از نظر خط و مهرکشی مبتکرانه است.

ب. تاریخ

یکی از ارکان سجع مهر، تاریخ است که در ذیل حروف تشکیل دهنده متن مهر، چسبیده به لبه پایینی مهر، نقر شده است. البته ذکر تاریخ در مهرها لازم و قطعی نبوده است. اساساً نوشتن تاریخ در محتوای مهرهای متأخر اسلامی پدیده‌ای تازه است و قدیمی‌ترین نمونه‌های شاخص آن، به نیمه قرن هشتم هجری - اندکی بعد از پایان اقتدار ایلخانان در ایران - می‌رسد (میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۹۳، ص ۸۷). تاریخ، در بسیاری از مهرهای اسناد این پژوهش وجود دارد؛ ولی در برخی موارد به علت کیفیت پایین تصاویر، مهرها قابل خواندن نیستند. تاریخ مهر در مواقعی که متن اصلی تاریخ ندارد یا تاریخ تحریر سند آسیب دیده است، بسیار مفید و کارساز است؛ چون سال تقریبی سند را می‌توان از روی آن حدس زد.

ج. شکل

شکل، مهم‌ترین ویژگی ظاهری هر مهر محسوب می‌شود. شکل مهرها، در اسناد ذمه‌نامه در این تحقیق، بیشتر بیضی و بعد از آن مربعی‌اند و در موارد بسیار نادر، شکل محرابی نیز وجود دارد. بیشترین تغییر در شکل مهرها از صفویه تا قاجار در مهرهای مدور انجام شده است. شکل مهر اکثر طبقات اجتماعی در اواخر صفوی تا پایان قاجار، معمولاً بیضی

یا چهارگوش است (میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۹۳، ص ۷۴). مهرهای بزرگ معمولاً مربوط به امنای شرع و طبقات بالای جامعه است و مهرهای کوچک بیشتر مربوط به طبقات پایین جامعه است.

د. خط

نوع خط در بیشتر مهرهای این پژوهش نستعلیق است؛ ولی در مواردی خط شکسته، نسخ و ثلث نیز وجود دارد. در بعضی موارد، مهرها ساده‌ترند و خط آنها کیفیتی کمتر دارد که این دسته از مهرها، مربوط به طبقات پایین جامعه، مانند رعایا و روستاییان است.

ه. تزیینات

ظاهراً استفاده از نقوش تزیینی گیاهی در ترکیب مهرهای متأخر اسلامی ایران از اواخر سده نهم هجری متداول شده است (میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۹۳، ص ۷۸). تزیینات به‌کاررفته در مهرهای این پژوهش بیشتر به‌صورت گل و بوته و یا تزیینات خود خط است. برخی از مهرها نیز، فاقد تزیینات و بسیار ساده و کوچک‌اند که این دسته از مهرها، بیشتر مربوط به طبقات پایین جامعه‌اند.

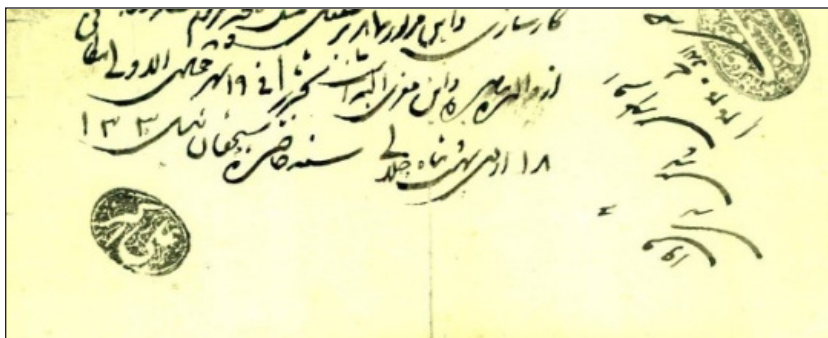
و. جایگاه مهر مدیون

در بیشتر اسناد استفاده‌شده در این پژوهش، مهر مدیون یعنی شخص بدهکار در پایین و انتهای متن سند یعنی در گوشه سمت چپ و پایین حاشیه قرار گرفته است. البته در موارد اندکی مدیون، هم گوشه سمت چپ و پایین حاشیه و هم فاصله بین سطر اول و دوم را مهر کرده است. شکل ۱ و ۲ نمونه‌هایی از جایگاه مهر شخص مدیون در ذمه‌نامه‌ها را نشان می‌دهند.



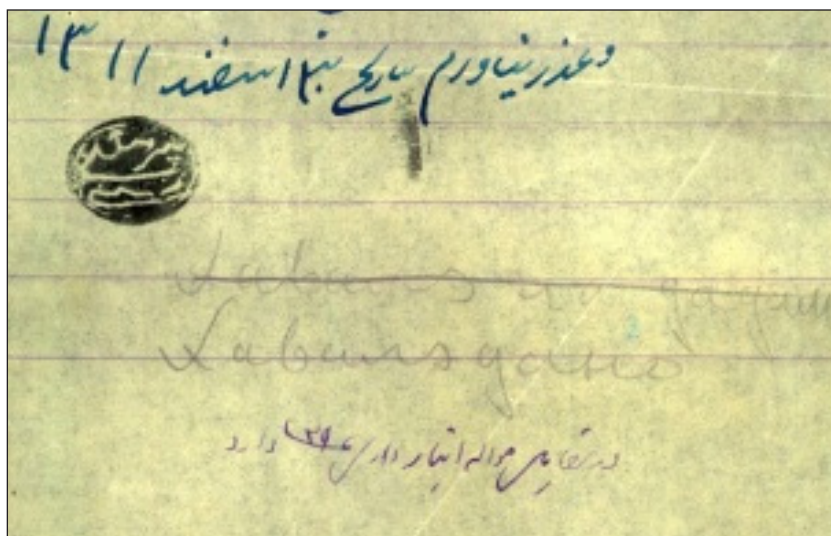
شکل شماره ۱

محل قرار گرفتن مهر



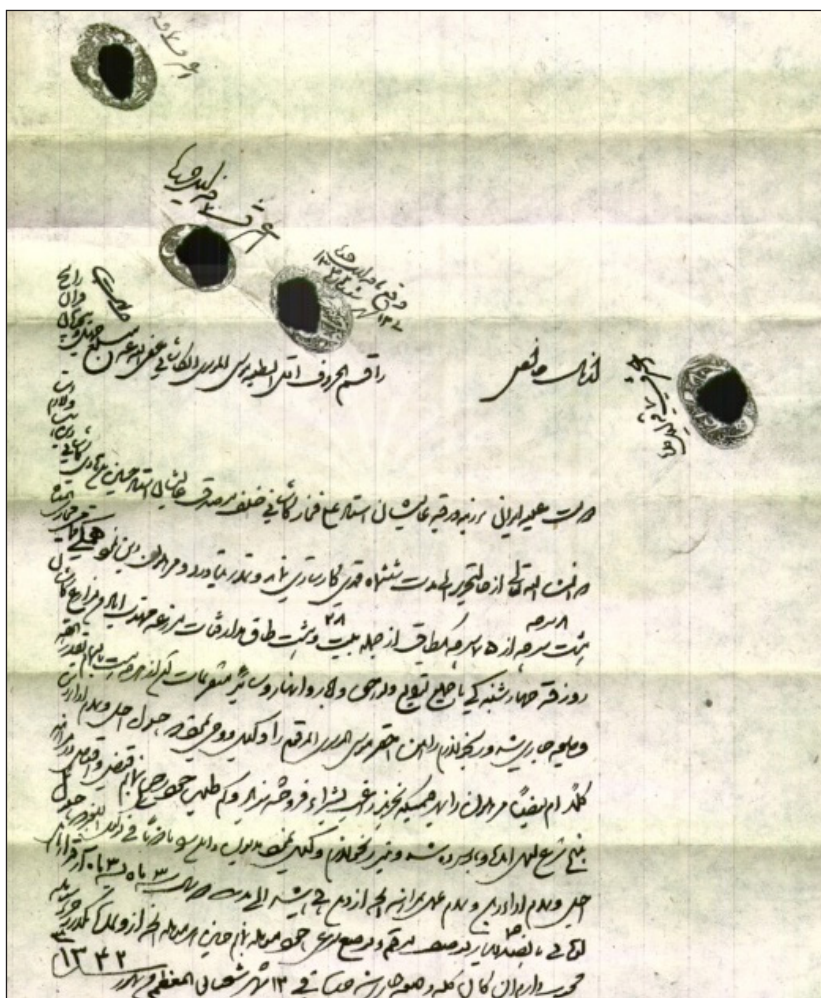
شکل شماره ۲

محل قرار گرفتن مهر



ز. مهرکشی (لاشه‌کردن)

عقودی از قبیل اجاره، رهن و بیع شرط، محدوده زمانی دارند. ذمه‌نامه‌ها نیز چنین‌اند و مشمول محدوده زمانی‌اند. به این معنی که هرگاه قرارداد مطابق ارکان و شروط مندرج در سند خاتمه می‌یافت و مدت قرض تمام می‌شد و مدیون بدهی خود را به داین می‌پرداخت، سند را امحاء می‌کردند؛ ولی بعضی به جای از بین بردن کل سند، سجع مهرها را می‌کشیدند یا می‌سوزاندند؛ در این گونه اسناد مهرکشی شده، جای مهرها سوراخ است. به این معنی که از این پس متعاملین در قبال یکدیگر تعهدی ندارند. نمونه‌ای از اسناد مهرکشی شده در شکل شماره ۳ مشاهده می‌شود (ساکما، ۲۶۳۶۰-۲۹۶).



شکل شماره ۳

ذمه نامه مهرکشی شده

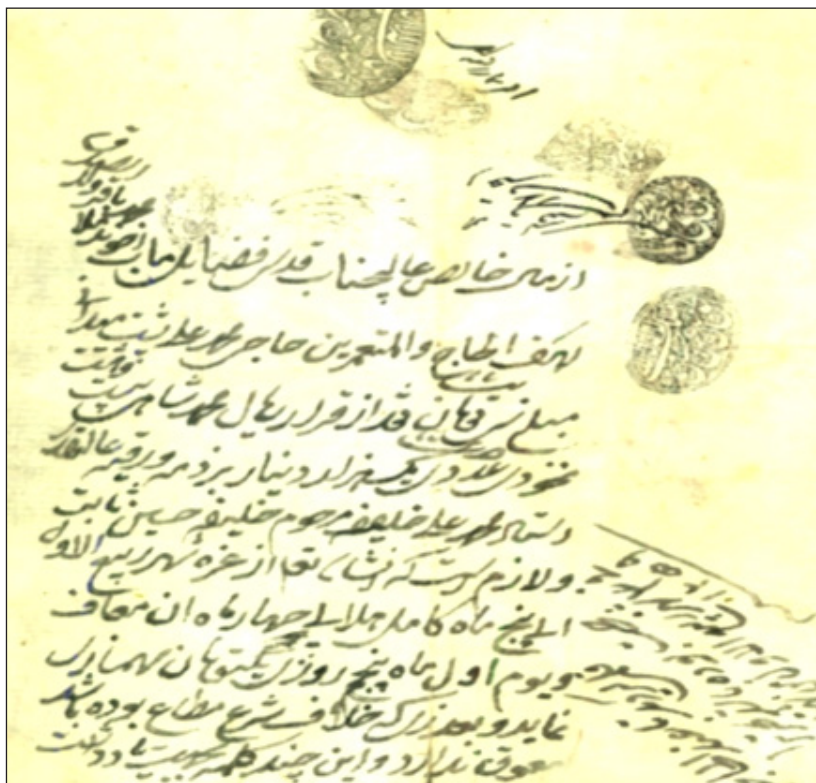
۱۱.۲. ممتاز نویسی

ممتاز نویسی یکی از سنت‌هایی است که از دوره مغول به بعد در سند نویسی در ایران رایج شد. به این معنی که در برخی از اسناد برای نشان دادن احترام اسامی برخی از اشخاص موجود در متن سند را به همراه عناوین و القاب و صفات منتسب به ایشان خارج از متن سند و در حاشیه یا صدر سند می نوشتند. این اسامی، شامل نام‌های خدا، پیامبر، ائمه معصومین، شاهان و شاهزادگان، فقها و مجتهدان و دیگر اشخاصی بوده است که مقام و موقعیت اجتماعی بالایی داشته‌اند.^۱ در اسناد بررسی شده، به جز یک مورد، ممتاز نویسی دیگری مشاهده نشد که در آن نام داین به صورت مجزا از متن و در بالای حاشیه سند نوشته شده است (ساکما، ۲۸۷۵۷-۹۹۹).

۱. شیخ الحکامی در مقاله‌ای با عنوان «ادب ممتاز نویسی و سیر تحول آن در اسناد دوره اسلامی» تصریح می‌دارد: برجسته کردن به وسیله نوشتن برخی کلمات یا نام‌های مرتبط با متن در صدر یا حاشیه اسناد، یکی از سنت‌های دیرپا در اسناد دوره اسلامی ایران است. این سنت، تقریباً در همه اسناد بازمانده از دوره مغول تا پایان قاجار البته با تفاوت‌هایی دیده می‌شود. این کلمات معمولاً از نوع نام‌های مقدس چون نام خدا، پیامبر، ائمه و شیوخ یا نام‌های محترمی چون نام سلطان، و منسوبان سلطان است (شیخ الحکامی، ۱۳۹۰، بهار و تابستان، ۸۴).

۱۲.۲. محل ادامه متن اصلی

کاتبان در بعضی از اسناد به علت طولانی شدن متن سند ادامه متن را در حاشیه راست سند می‌نوشتند. جهت نگارش ادامه متن، در حاشیه سمت راست و معمولاً برعکس جهت نگارش متن اصلی و به صورت مایل و به طرف بیرون سند بوده‌است. شکل شماره ۴ ذمه‌نامه‌ای است که در آن، ادامه متن در حاشیه نوشته شده‌است (ساکما، ۲۷۳۳۳-۹۹۹).



شکل شماره ۴

ادامه متن ذمه‌نامه در حاشیه

۱۳.۲. متمم (تکمله)

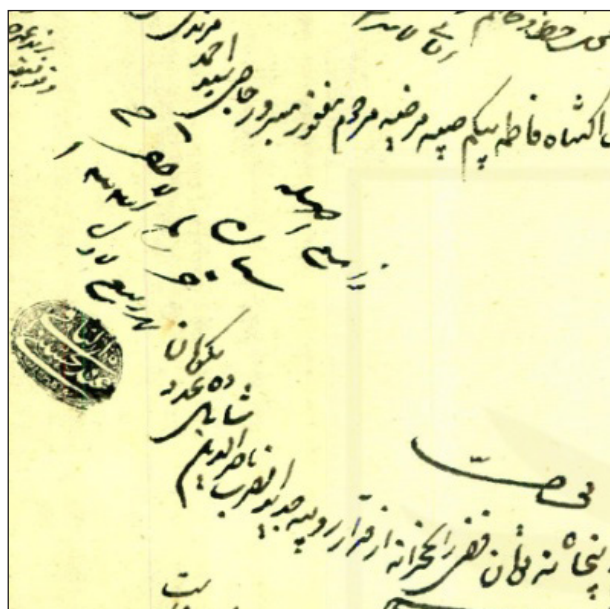
تکمله‌ها عموماً در روی کاغذ و در فضاهای خالی نوشته شده‌اند و در نگاه اول می‌توانند شبیه ادامه متن یا تأییدیۀ شهود باشند. تکمله‌ها اغلب با واژگانی از قبیل: «توضیحاً...»، «توضیح آنکه...» و «توضیح اینکه» شروع شده‌اند و دربردارنده مضمونی کاملاً مرتبط با متن‌اند.

تاریخ‌گذاری متمم‌ها چند گونه است. برخی از آن‌ها با کلماتی همانند «فی التاریخ المتن» یا «فی شهر متن» خاتمه یافته‌اند که بر این دلالت دارند که خواننده به تاریخ انتهای

متن مراجعه کند. ولی چنانچه متمم را چند روز یا چند ماه بعد یا سالی به غیر از زمان تنظیم متن اصلی، رقم زده باشند، لاجرم تاریخی مخصوص به خود دارد. چنین تکمله‌هایی یا با همان واژگان شروع شده‌اند، یا به صورت دقیق‌تر و رسمی‌تر از اصطلاح «مجدداً توضیح می‌شود...» استفاده کرده‌اند. تکمله معمولاً در پایین یا میانه حاشیه راست سند و به صورت مایل نگارش می‌شود.

۱۴.۲. سوادگیری

گاهی اوقات محرران، پس از تحویل اصل سند، بنابه سفارش، یک یا چند نسخه از روی آن استنساخ می‌کردند و روی سند اصلی عبارت «اخذ منه السواد» را درج می‌کردند. به این ترتیب، کسانی که با سند سروکار داشتند، متوجه می‌شدند که از روی آن سند، رونوشت‌هایی تهیه شده است؛ بنابراین، گاهی با اسنادی مواجهیم که نسخه رونوشت یا سوادند. رونوشت‌ها (سوادها)، سجلی مخصوص به خود دارند که فحوای آن مبنی بر تصدیق و تأیید سواد است و به آن سَجَل مطابقه‌ای می‌گویند. این نوع سَجَل معمولاً با عبارات «ذا واصله سیان»^۱، «ذا مع ااصله سیان»، «السواد مطابق لاصله»، «بین ذا واصله طباق و وفاق»، «هذا موافق لاصله الاصل» و یا «سواد با اصل مطابق است»، شناخته می‌شود. در میان اسناد بررسی شده، دو مورد سواد سند وجود داشت (ساکما، ۲۸۱۹۴-۹۹۹) و (ساکما، ۳۱۱۵۷-۹۹۹) که تصویر آن‌ها در شکل‌های شماره ۵ و ۶ آمده است.



۱. این و اصلش یکی است

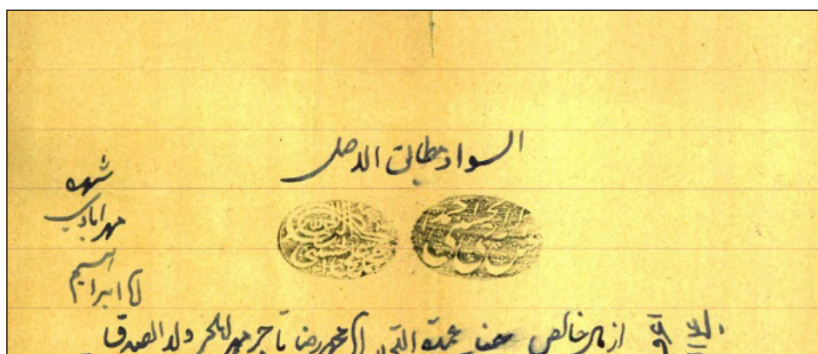
شکل شماره ۵

سواد ذمه نامه



شکل شماره ۶

سواد ذمه‌نامه

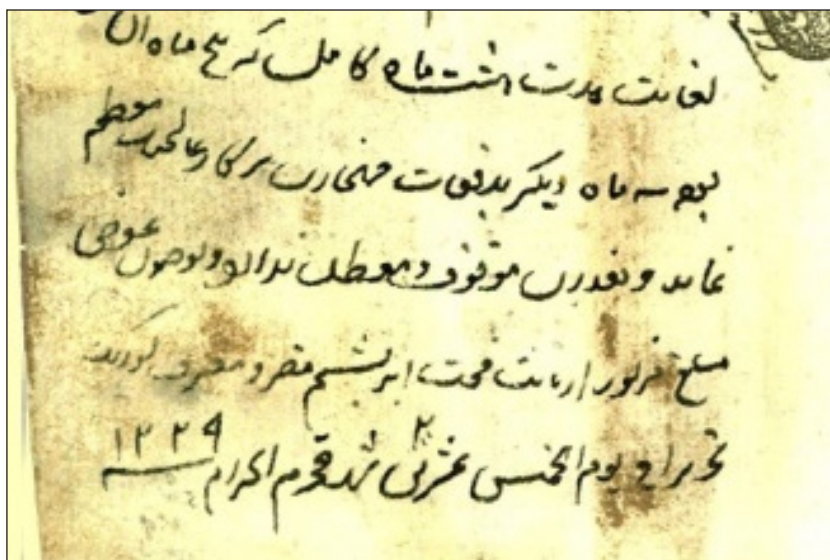


۱۵.۲. دفع نحوست تربیع

دبیری و نویسندگی و نگارش اسناد و فرمان‌ها و مکاتیب در ایران، سابقه‌ای کهن دارد و طی قرون در میان صاحبان این فن، رسوم و آداب فراهم آمده و قوام گرفته‌است که همگی کاتبان کم‌وبیش آن‌ها را رعایت می‌کرده‌اند؛ یکی از این آداب، رعایت قاعده دفع نحوست تربیع است.

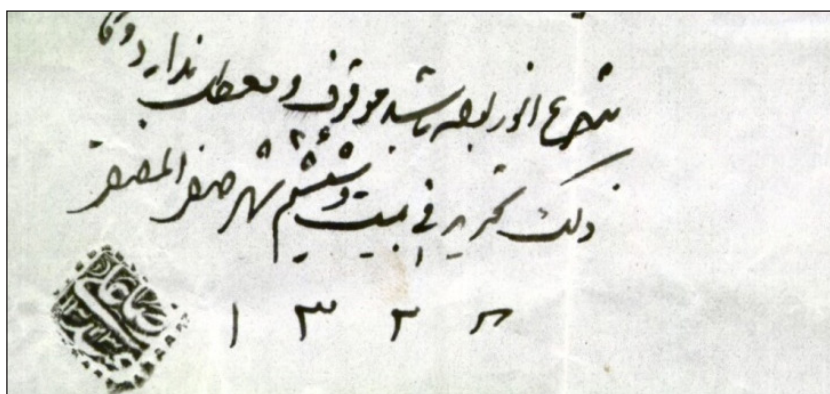
شیخ‌الحکمایی، در مقاله‌ای با عنوان «نحوست تربیع» و تجلی این باور در اسناد دوره اسلامی» به بررسی، ریشه‌یابی و سیر تحول این موضوع در دوره اسلامی پرداخته‌است. او باتوجه به منابع پیشین علل شکستن تربیع را نحوست شکل تربیع، نظر تربیعی و شباهت به قبر یا تابوت، ناقص بودن امور مادی و وقوع اتفاق ناگوار می‌داند. او در این مقاله می‌نویسد: «جداکردن بخش کوچکی از گوشه سمت راست پایین اسناد و یا ایجاد انحراف در اضلاع سند به منظور باطل کردن شکل مربع و دفع نحوست تربیع نجومی، سنتی کهن در اسناد دوره اسلامی است» (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۶-۱۳۸۷، دفتر ۱۳ و ۱۴).

ذمه‌نامه‌ها نیز از قاعده دفع نحوست تربیع مستثنا نبوده‌اند و این قاعده در آن‌ها نیز رعایت شده‌است. در اسناد بررسی شده، دفع نحوست تربیع با برش یا تازدن کاغذ در گوشه سمت راست پایین آن انجام شده‌است؛ البته در یکی از اسناد، گوشه سمت چپ پایین برش داده شده‌است. در برخی اسناد نیز، قاعده دفع نحوست تربیع با ایجاد انحراف در اضلاع سند رعایت شده‌است. در بسیاری از اسناد این پژوهش، به‌علت پارگی گوشه‌های اسناد و یا به دلیل اسکن بودن سند، تشخیص چگونگی برش خوردن ممکن نبود. شکل‌های شماره ۷ و ۸ نمونه‌هایی از رعایت این قاعده در اسنادند.



شکل شماره ۷

نحوست تربیع در ذمه نامه



شکل شماره ۸

نحوست تربیع در ذمه نامه

براساس ارکان و اجزای گوناگونی که در قسمت متن و حاشیه معرفی شد، ذمه نامه‌ها دارای الگویی هستند که در شکل شماره ۹ آمده است:

- شماره ۱: تسمیه؛
- شماره ۲: محل ادامه متن اصلی؛
- شماره ۳: متمم؛
- شماره ۴ و ۵: محل مهر مادیون؛
- شماره ۶: محل مهر و اظهارات شهود؛
- شماره ۷: محل تأیید و مهر امنای شرع؛

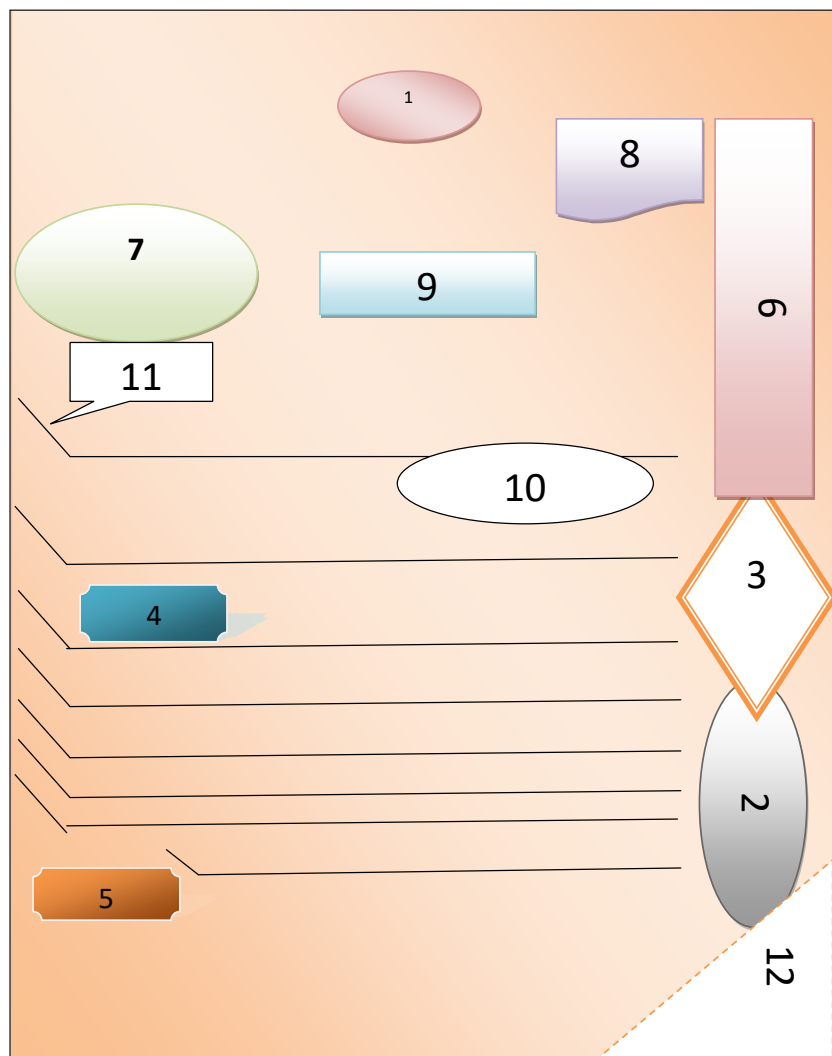
شماره ۸: ممتازنویسی؛

شماره ۹: محل نوشتن عبارات مربوط به سوادگیری؛

شماره ۱۰: محل تعیین مبلغ بدهی به سیاق؛

شماره ۱۱: انتهای سطور؛

شماره ۱۲: محل شکستن نحوست تربیع.



شکل شماره ۹

ساختارشناسی ذمه‌نامه‌ها

۳. ساختار محتوایی ذمه‌نامه‌ها

ذمه‌نامه‌ها جزو دسته اسناد مردمی‌اند که در همه سطوح، در میان خواص و عوام استفاده می‌شده‌اند؛ بنابراین، جزو اسناد خصوصی‌اند. اسناد خصوصی اسنادی‌اند که به معاملات بین اشخاص حقیقی می‌پردازند (برای نمونه خرید و فروش، وثیقه، طلبکاری، بخشش، تحویل کالا و...) (گرونکه، ۱۹۸۴، ص ۷۴). در رابطه با چگونگی تنظیم و نگارش اسناد خصوصی، باید گفت که در گذشته دستورنامه‌هایی به قاضیان و منشیان و سررشته‌داران امور و محرران، آموزش داده می‌شد که در آن، شیوه دقیق تنظیم اسناد به درستی بیان شده بود. از جمله این دستورنامه‌ها که به آن‌ها «شروط» و «وثائق» گفته می‌شود، می‌توان، رساله حدائق الوثائق را نام برد که محمدبن علی ناموس خواری آن را در سده هشتم هجری نگاشته‌است. خواری، کیفیت تنظیم و ساختار قبالات را ده رکن اصلی می‌داند که عبارت‌اند از: عاقدین، معقود علیه، حدود، حقوق، ثمن، صفت عقد، تقابض، درک، لواحق، و اشهاد (گوهری فخرآباد و ثنایی، ۱۳۸۸، صص ۶۷-۶۸). در زمان قاجار نیز، شیوه‌نامه‌هایی برای نگارش عقود مختلف تألیف شده‌است که از آن جمله می‌توان به **وجیزه‌التحریر** تألیف محمدبن سبزه‌علی اصفهانی در سال ۱۲۴۵ق اشاره کرد.

ذمه‌نامه‌ها اسنادی‌اند که در آن‌ها مالی (نقد یا جنس) برای مدتی معین قرض داده می‌شود و قرض‌گیرنده موظف است طبق شرایط مندرج در قرارداد عین مال را به قرض‌دهنده بازگرداند. قرض عقدی است که به موجب آن، یکی از دو طرف مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور، مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد کند و در صورت تعذر رد مثل، قیمت یوم‌الرّد را بدهد (وطنی، ۱۳۶۴، ص ۱۵۸). البته از نظر فقهی، نوع دیگری از قرض وجود دارد که به آن قرض ربوی گفته می‌شود. قرض ربوی یعنی قرضی که قرض‌دهنده مقداری اضافه بر میزانی که به قرض داده‌است بابت ربح آن، از قرض‌گیرنده بخواهد؛ مثلاً صد تومان قرض بدهد و صد و دوازده تومان بخواهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷، ص ۵۳۹).

در این بخش از پژوهش، بخش‌های محتوایی ذمه‌نامه‌ها توضیح داده می‌شود:

۳.۱. از مال خاص (خالص)

ذمه‌نامه‌ها، خطبه و بعدیه ندارند و در واقع محرّر بعد از تسمیه بلافاصله متن اصلی سند و غرض از نگارش آن را با عبارات تقریباً ثابت و یکسانی آغاز می‌کند که می‌توان آن را با عنوان «از مال خاص (خالص)» نام‌گذاری کرد. بیشتر اسناد بررسی شده، با عبارت از مال و از مال خالص، آغاز شده‌اند که در بعضی موارد، بعد از این عبارت، فاصله‌ای به اندازه دو یا



سه واژه، سفید گذاشته شده است و بعد از آن، نام قرض دهنده البته با تمام القاب و صفات و پیشوندهای عرف در زمان قاجار آمده است که به نظر می‌رسد این قسمت بیاض قبل از نام داین (قرض دهنده) برای ادای احترام به او بوده است. به این ترتیب، متن اصلی سند این گونه آغاز می‌شود که از مال چه کسی و به چه مقدار قرض داده می‌شود.

۲.۳. مشخصات کامل متعاقدين

باتوجه به سبک تنظیم و نگارش ذمه‌نامه‌ها، ذکر نام کامل و مشخصات داین و مدیون، از ارکان اصلی اسناد ذمه است. البته محتوای اسناد خصوصی، یعنی مشخصات طرفین معامله، شرح شیء مورد معامله و شرح روند معامله، لزوماً منطبق با قواعد ذکر شده در کتب فن انشاء نیست. محرران و کاتبان، اغلب به صورت مطوّل و با کنار هم چیدن کلمات مترادف به شرح این عناصر می‌پردازند. در اسناد بررسی شده نیز، نام اشخاص طرفین معامله، به همراه نام پدر آنها به کار رفته است و در مواردی که یکی از طرفین معامله زن بوده است، معمولاً نام او به همراه نام همسر و یا نام پدرش آمده است و در بعضی موارد، هم نام پدر، هم نام همسر، و هم نام برادرش ذکر شده است. هم‌چنین اسامی اطراف معامله همراه با پیشوندها و پسوندها و القاب و صفاتی که به آن مشهور و شناخته بوده‌اند، نوشته شده‌اند.

از بیشترین پیشوندهایی که در اسناد بررسی شده به کار رفته است، می‌توان به «آقا»، «خانم»، «حاجی»، «مشهدی»، «کربلایی»، «سید»، «میرزا»، «استاد» و... اشاره کرد. پسوندها نیز، در مواردی مربوط به شغل و حرفه افراد می‌شوند؛ مثل «بازاری‌دوز»، «شعرباف»، «نی‌ساز» و... .

پسوندها گاهی وابستگی جغرافیایی افراد را می‌نمایانند. در اسنادی که نام اشخاص با شهرها و مناطقی که بدان منتسب هستند، ذکر شده است، مانند «ملا میر ندوشنی»، «سید احمد مرندي الاصل اصفهانی مسکن»، «آقامحمد رضا تاجر مهرآبادی»، اشخاص مذکور اصالتاً اهل منطقه جغرافیایی تنظیم سند نیستند؛ و این سستی در سندنویسی است. خواری در حدائق الوثائق در این باره می‌گوید:

«اما نسبت به بلد وقتی نویسند که در غیر شهر خود متوطن باشد» (گوهری فخرآباد و ثنایی، ۱۳۸۸، ص ۸۴).

در اسناد بررسی شده، القاب و عناوینی که برای علما و روحانیون، تجار، سادات، حاجیان و متوفیان به کار رفته است بعضاً عبارت‌اند از: سرکار شریعت‌مدار، قدوة المحققین، قطب‌المجتهدین خداوندگاری‌ام، حجت‌الاسلام، نایب‌الامام آقائی (ساکما، ۲۸۷۵۷-۹۹۹)، جناب مستطاب زبدة الاجلّه والاشراف والاعاظم و الارکان و التجار (ساکما، ۲۸۲۳۲-۲۸۲۳۳).

۹۹۹، جناب مستطاب معدلت السادات العظام (ساکما، ۳۱۱۵۷-۹۹۹)، کھف الحاج و المعتمرین^۱ (ساکما، ۲۷۳۳۳-۹۹۹)، مرحمت پناه جنت و رضوان آرامگاه (ساکما، ۲۵۶۴۷-۲۹۶). در اسناد بررسی شده، عناوین خاصی هم برای بانوان به کار رفته است؛ مانند: علیامخدره عفت و عصمت پناه خدارت و طهارت اکتناه (ساکما، ۲۸۱۹۴-۹۹۹). بعضی از صفات و عناوینی که بعد از نام اشخاص آمده است نیز، عبارت اند از: «طاب ثراه»، «زید توفیقه»، «دام عمره»، «دام اقباله»، «دام ظلّه العالی»، «زید اجلاله العالی»، «دامت برکاته العالی»، «زید عزّه» و... البته در بسیاری از اسناد بررسی شده، به ویژه در اسناد مربوط به طبقات فرو دست و عامه مردم، روش نام گذاری و معرفی افراد با استفاده از نام پدر بوده است. برای نمونه: «کربلایی حسین علی ولد مرحوم حسن علی»، «آقارضا ابن مرحوم آقامشهدی علی اکبر»، «بی بی جان بنت مرحوم آقامیرزا».

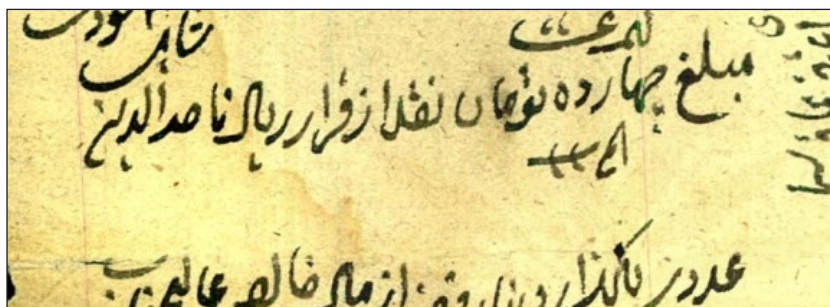
۳.۳. مقدار و مشخصات بدهی (مورد قرض)

ذکر مبلغ بدهی در اسناد ذمه نامه، یکی از ارکان اصلی است و این رکن در همه اسناد بررسی شده وجود دارد و در واقع، اصل سند برای وجود این رکن مهم شکل می گیرد تا داین در زمان مقرر بتواند برای اعاده طلب خود، به آن تمسک جوید. در اکثر ذمه نامه های بررسی شده، سبک و سیاق نگارش اسناد، معمولاً بدین صورت است که بعد از معرفی داین، بلافاصله مبلغ یا میزان بدهی نوشته می شود و در بیشتر موارد، مبلغ مذکور در ابتدای سطر دوم نوشته شده است و در غالب موارد، میزان بدهی به سیاق در بالای مبلغ و نصف بدهی به سیاق در زیر مبلغ ذکر شده است تا کسی نتواند در میزان مبلغ بدهی، خدشهای وارد کند؛ زیرا در سیاق امکان تغییر و جابجایی اعداد، ناممکن و تقریباً صفر است. سیاق شیوه ای است از عددنویسی رمزگونه برای ثبت ارقام نقدی (پول) و جنسی (اوزان کالا) که در گذشته در پهنه کشور ایران و سرزمین های پیرامون آن متداول بوده است و اشخاص، کسبه، تجار، مؤسسه ها و مأموران دیوان های محاسبه تمامی درآمدها و هزینه های جاری جامعه را با این ارقام ثبت و ضبط می کرده اند. ممیزان و حساب رسان زیر نظر مستوفیان بر این دخل و خرج نظارت داشتند (صفی نژاد، ۱۳۸۷، ص ۹). حساب سیاق روشی است در حسابداری قدیمی که تا پایان دوره قاجار، همه امور محاسبات دیوانی و شخصی با آن نوشته می شد و مردم عادی خصوصاً کسبه با آن می نگاشتند (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۱). مستشرقانی که روی اعداد و علائم سیاق بررسی هایی انجام داده اند، در یک موضوع هم نظرند و آن اینکه این اشکال و علائم، از قوه ابتکاری شخص به خصوصی سرچشمه نمی گیرند، بلکه کوتاه شده همان اعداد عربی اند (مرادزاده فرد، روستایی، سروش، ۱۳۹۰، پائیز، ص ۲۵).

۱. معتمر: عمره گزار



شکل شماره ۱۰ نمونه‌ای از تصاویر اسناد این پژوهش است که در آن از خط سیاق برای ذکر مبلغ بدهی استفاده شده است (ساکما، ۲۸۷۳۷-۹۹۹).



شکل شماره ۱۰

سیاق در ذمه‌نامه

۴.۳. ذمه و رقبه

«ذمه» در لغت به معنای عهد، ضمان، و پیمان است (دهخدا، ۱۳۷۲) و کلمات تقبل، ضمانت، عهده و کفالت در مترادف با آن آمده است و در اصطلاح، ذمه عبارت است از تعهد به ادای چیزی یا انجام عملی. «رقبه» نیز مفرد «رقاب» است و معنای لغوی آن «گردن» است (عمید، ۱۳۵۷). وجه تسمیه این اسناد به «ذمه‌نامه» نیز، به همین دلیل است. دو واژه مذکور در تمام ذمه‌نامه‌های بررسی شده به صورت پشت سرهم به کار رفته‌اند. کارکرد عبارت ذمه در اسناد ذمه به این صورت است که کسی را که دین بر گردن اوست یا تعهدی را به عهده گرفته است مشخص می‌کند و این عبارت معمولاً در همه موارد، بعد از ذکر مبلغ یا مقدار بدهی و قبل از نام مدیون (کسی که دین بر عهده اوست) ذکر شده است؛ مانند نمونه زیر:

مبلغ یکصد و سی تومان وجه سفید رواج احمد علی شاهی، ده عدد یک تومان، بر ذمه و رقبه عالی شأن آقامحمدحسین، ولد صدق آقاعلی خالداآبادی، دین ثابت و لازم است (ساکما، ۳۱۱۵۷-۹۹۹).

۵.۳. دین ثابت لازم

عبارت «دین ثابت لازم»، یکی از ارکان اصلی ذمه‌نامه‌هاست و در بیشتر موارد به همین صورت و پشت سرهم و بعد از ذکر نام و مشخصات مدیون و بیان اینکه ذمه و رقبه او (مدیون) مشغول شده، نوشته شده است. بیشتر اسناد بررسی شده در این پژوهش دارای این رکن هستند. این عبارت حاوی مفاهیم فقهی و حقوقی و کاملاً برگرفته از شرع اسلام است؛ که در ادامه توضیح داده می‌شود:

الف. دین

دین از نظر لغوی، به قرض دارای اجل و مهلت معین گفته می‌شود (ثابت، ۱۳۸۱، پاییز). جعفری لنگرودی نیز معنی دین را این‌گونه بیان کرده‌است: «تعهدی که بر ذمه شخصی به‌نفع کسی وجود دارد، از حیث انتساب آن به بستانکار، طلب نامیده می‌شود و از حیث نسبتی که با بدهکار دارد، دین (یا بدهی) نام دارد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷، ص ۳۱۶).

ب. ثابت

معنای «ثابت» در فرهنگ لغت، چنین آمده‌است: «پابرجا؛ استوار؛ آنچه با برهان و دلیل قبول شده‌است؛ مدلل» (عمید، ۱۳۵۷). عبارات استوار، برقرار، پایدار، مستقر، قطعی، محرز و محقق در مترادف با واژه ثابت است.

در ذمه‌نامه‌ها از عبارت «دین ثابت لازم» این معنا مدنظر است: دینی که بر ذمه و رقبه مدیون برقرار است و با اقرار و اعتراف مدیون محرز و محقق شده‌است.

ج. لازم

لازم، در لغت به معنای واجب، ضروری، پیوسته، ثابت و پایدار است (عمید، ۱۳۵۷) و واژه‌های بایست، بایسته، ضروری و فرض در مترادف با آن هستند. در ذمه‌نامه‌ها عبارت «دین ثابت لازم» به معنی دین محقق و واجب و فرض بر ذمه و رقبه مدیون است و در اینجا به این معنی است که دین مدنظر لازم‌الاداست یا واجب‌الاداست؛ زیرا دیون از راه‌های مختلفی از گردن متعهد ساقط می‌شوند که یکی از آنها، ادای دین است و به این ترتیب محرر با آوردن این عبارت در متن سند در واقع بیان می‌کند که مبلغ یا مقدار بدهی، باید از طرف مدیون پرداخت شود تا ذمه او از اشتغال خارج شود.

در ادامه به دو نمونه از این رکن در اسناد ذمه اشاره می‌شود:

- دو مثقال و شش نخود از مال عالی حضرت آقامحمدامین تاجر اصفهانی حق ثابت و دین لازم است بر ذمه العبد الاثم، حاجی محمد خلف مرحوم... (ساکما، ۲۷۱۵۷-۹۹۹).
- مبلغ بیست و نه تومان و پنج هزار فضی^۱ از جنس ریال محمدشاهی^۲ نخودی‌الوزن عددی یک هزار دینار، بر ذمه و رقبه عالی حضرت گرامی منزلت، ملاحسین، خلف ملاامیر ندوشنی، به اقرار شرعی ثابت و لازم است (ساکما، ۲۷۳۱۵-۹۹۹).

۱. نقره‌ای

۶.۳. اقرار و اعتراف شرعی

اقرار در اصطلاح فقهی، به معنای اخبار قطعی به وجود حقی به زیان خود و یا ثبوت حقی برای دیگران آمده است (خویی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۹۶). اعتراف نیز، در معنا با اقرار یکی است و هر دو در اشاره به اثبات و قراردادن چیزی و شناساندن آمده‌اند. اقرار و اعتراف، مفاهیمی برگرفته از تعالیم اسلامی‌اند که در بسیاری از اسناد شرعی مانند مصالحه‌نامه‌ها، مباحثه‌نامه‌ها و... انعکاس یافته‌اند. در بعضی از ذمه‌نامه‌های این پژوهش نیز، عباراتی مشاهده می‌شود که دربردارنده همین محتوا و مضمون است و ذکر این عبارات در اسناد ذمه به مفهوم فقهی و شرعی اسناد اشاره دارد و این که صیغه عقد در حالتی جاری می‌شود که حاوی تمام شرایط شرعی و اسلامی است. برای نمونه:

اقرار و اعتراف صریح صحیح معتبر شرعی نمود (ساکما، ۲۸۷۴۸-۹۹۹).

باقرارها الشرعی ثابت و لازم است (ساکما، ۲۴۸۲۸-۲۹۶).

۷.۳. نحوه بازپرداخت بدهی

نحوه بازپرداخت بدهی، در همه ذمه‌نامه‌ها ذکر شده است. این رکن از قرض‌نامه‌ها، در بیشتر موارد همراه عبارت «کارسازی» و «مهم‌سازی» آمده است. در لغت‌نامه دهخدا، واژه «کارسازی کردن» این گونه معنی شده است: پرداختن؛ ادا کردن مالی را و دینی را؛ دادن نقدی را و نیز ذیل واژه مهم‌سازی در همان لغت‌نامه آمده است: کارسازی؛ پرداخت؛ ادا.

در نحوه بازپرداخت بدهی چگونگی و زمان تسویه حساب مشخص می‌شود. در ذمه‌نامه‌های بررسی شده، نحوه بازپرداخت به چند صورت آمده است:

در بعضی اسناد، پرداخت بدهی عندالمطالبه است. عندالمطالبه صفت اسناد دیون بدون موعد و اجل است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷، ص ۴۷۶)؛ یعنی در این گونه موارد، هرگاه داین مال خود را طلب کند، مدیون موظف است که بدهی خود را در همان زمان پرداخت کند. در بیشتر اسناد، برای پرداخت بدهی دوره‌ای زمانی مشخص شده است که تا آخر آن دوره، مدیون باید بدهی خود را بپردازد. در این موارد معمولاً چگونگی پرداخت، با عبارت «از حال التحریر» آغاز می‌شود.

در بعضی از اسناد نحوه بازپرداخت به صورت اقساط ماهیانه و یا سالیانه است. در این گونه موارد نیز معمولاً از عبارت «قسط الشهور» یا «قسط السنین» استفاده شده است. نحوه پرداخت در برخی موارد نیز، به گونه‌ای است که مدیون تا دوره زمانی مشخصی، از بازپرداخت معاف است و از آن پس باید بدهی خود را طبق توافق به صورت یکجا یا به صورت اقساط پرداخت کند.

مانند نمونه‌های زیر:

- مقدار یک‌صد و هفتاد و یک من و نیم گندم، و سیصد من کاه گندم بر ذمه و رقبه عالی قدر حسن رعیت اسدآباد می‌باشد که عندالمطالبه کارسازی نماید (۲۹۵۴-۹۹۹).
- مبلغ شصت تومان از قرار اشرفی ناصرالدین شاه^۱ ۱۸ نخودی عددی بابت دانه‌ای دو برنج کم به نحو متعارف بر ذمه و رقبه جناب محامد و محاسن آداب آقامحمدعلی تاجر خلف مرحوم مغفور خیرالحاج حاجی محمدابراهیم تاجر کاشانی رحمه‌الله، دین ثابت و لازم‌الاداست که بعون‌الله سبحانه از حین تحریر الی انقضای مدت دو سال تمام به قسط‌السنین، در آخر هر سال، مبلغ سی تومان از دین مزبور موصوف را بلاعذر ادا و مهم‌سازی نماید تا استیفای دین به‌تمامه بشود (ساکما، ۲۶۳۵۹-۲۹۶).

۸.۳. نیاوردن عذر غیرشرعی مدیون

در ذمه‌نامه‌های بررسی شده، پس از مشخص شدن مهلت و چگونگی بازپرداخت بدهی، محرّر با ذکر جمله‌ای کلیشه‌ای و تقریباً یکسان، از مدیون می‌خواهد که برای ادای دین در موعد مقرر، هیچ‌گونه عذر و بهانه بیهوده و غیرشرعی نیاورد و تسویه بدهی را به تعویق نیندازد و یا در آن وقفه ایجاد نکند و سپس حجت را تمام می‌کند. در زیر به چند نمونه اشاره می‌شود:

- از حال تحریر الی مدت مُضی یک ماه تمام هلالی دیگر ادا و کارسازی نماید و به عذری که خلاف شرع بوده باشد، موقوف و معطل ندارد (ساکما، ۳۲۱۷۰-۹۹۹).
- و یوم اول ماه، پنج روزی یک تومان مهم‌سازی نماید و به عذری که خلاف شرع مطاع بوده باشد، معوق ندارد (ساکما، ۲۷۳۳۳-۹۹۹).

۹.۳. مناسبت قلمی (تحریر) کردن

در اسناد ذمه، بعد از این که داین و مدیون به صورت کامل معرفی شدند و مبلغ و یا مقدار قرض مشخص شد و زمان بازپرداخت و نحوه بدهی، طبق توافق طرفین، معین شد و مدیون، اقرار و اعتراف خود را مبنی بر قبول تعهد و شرایط ذمه‌نامه بیان کرد، معمولاً علت یا مناسبت نوشتن این سند بیان می‌شود. این رکن از ارکان ذمه‌نامه، در برخی از اسناد این پژوهش، به کار رفته است و جای آن معمولاً قبل از ذکر تاریخ تحریر سند است. در بیشتر موارد، برای بیان این رکن ذمه‌نامه از اصطلاح «قلمی کردن» استفاده شده است. دهخدا در لغت‌نامه‌اش قلمی و قلمی شدن را این‌گونه معنی کرده است: «قلمی: نوشته شده با قلم و تحریر شده؛ خطی؛ مقابل چاپی»؛ «قلمی شدن و قلمی فرمودن: تحریر شدن و تحریر فرمودن».

۱. اشرفی (تومان طلا) به وزن هجده نخود که چهار نخود بار یعنی نقره در آن داخل کرده‌اند و چهارده نخود طلای خالص داشت [به عیار ۷۷ درصد] (رک: دیانت، ابوالحسن، ۱۳۶۷). فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، ج ۲، ص ۱۰۶.



درواقع هدف محرّر از نوشتن این بخش از ذمه‌نامه این است که حجت را بر مدیون و داین تمام کند تا هریک از آنها برای اعاده حق خویش، اعم از مهلت بازپرداخت بدهی، اعاده طلب به‌طور تمام و کمال، پرداخت به‌موقع اقساط و... به این سند تمسک جویند و طبق شرایط مندرج در سند عمل کنند؛ به همین علت است که به ذمه‌نامه، تمسک‌نامه‌چه (تمسک‌نامه) هم می‌گویند. در ترمینولوژی حقوق ذیل واژه تمسک آمده‌است: «اسم قدیمی سند طلب است (مدرک‌نوشته)، ماده ۲۴۱ قانون جزا» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷، ص ۱۷۸). در زیر نمونه‌ای از این قسمت ذمه‌نامه آورده شده‌است:

این چند کلمه بر سبیل حجت قلمی گردید. تحریراً فی غره شهر رجب‌المرجب من شهر سنه ۱۲۷۰ (ساکما، ۲۸۷۳۷-۹۹۹).

۱۰.۳. تاریخ تحریر

ذکر تاریخ از ارکان سند است. در ذمه‌نامه‌های بررسی‌شده تاریخ تحریر سند، آخرین جزء متن است. همه تاریخ‌ها طبق سال‌شمار هجری قمری است و در قالب یک جمله بیان شده‌است که معمولاً با عبارات «ذلک تحریراً فی...»، «به‌تاریخ...»، «و صیغه جاری شده فی...»، «و کان تحریراً فی...» و... آغاز شده و سپس تاریخ روز و نام ماه و سپس سال آورده شده‌است که به‌جای کلمه ماه، از کلمه شهر و به‌جای واژه سال، از واژه سنه استفاده شده‌است و عدد سال در همه موارد بعد از کلمه سنه و یا داخل آن به‌صورت عدد (و نه به حروف) نوشته شده و در موارد اندکی نام ایام هفته نیز آورده شده‌است. در برخی از این اسناد، این تاریخ با سال‌ها و گاهی ماه‌های جلالی و دوازده‌گانه حیوانی تطبیق داده شده‌است. ماه‌های قمری به‌خاطر تجلیل و احترام معمولاً با صفات ویژه‌ای ذکر شده‌اند؛ مانند: صفرالمظفر، ربیع‌المولود، رجب‌الفرد و... .

۱۱.۳. ظهريه

گفته شد که روی سند به موضوع اصلی عقد و ایقاع اختصاص داشت؛ ولی ظهريه سند نیز، به‌مرور بستر درج بعضی موضوعات خاص شد.

در اسناد بررسی‌شده ۱۸ سند ظهريه دارند. مطالب نگاشته‌شده در ظهريه این اسناد به‌قرار زیر است:

الف- نام و مهر مدیون: در برخی اسناد، ظهريه حاوی نام و یا نام و مهر مدیون است. در سه مورد نیز، قبل از نام مدیون، کلمه «تمسک» نوشته شده‌است. برای نمونه «تمسک ملا محمدجعفر اخوی». تمسک به‌معنای چنگ‌زدن و دست‌انداختن،

دستاویز ساختن، متوسل شدن و نیز به معنای سند و حجت است (عمید، ۱۳۵۷) و عبارات دستاویز قرار دادن، توسل، چنگ زدن و درآویختن در مترادف با آن است. تمسک در فرهنگ لغت عربی-فارسی نیز به معنی التزام، پایبندی و تعهد است. به این ترتیب وقتی در ظاهر سند واژه تمسک قبل از نام مدیون می آید، به این معنی است که این ذمه نامه تعهد شخص مدیون است و مدیون بر خود الزام می دارد که دین خود را که مشخصات و مبلغ و یا مقدار آن در سند اعلام شده است، پرداخت کند.

ب- ذکر تاریخ و نام و مشخصات کسی که اقساط را تحویل داده است: همان طور که قبلاً گفته شد، نحوه بازپرداخت بدهی در بعضی از اسناد به صورت قسط الشهور یا قسط السنین بوده است. در چنین مواردی هر بار که مدیون قسط را پرداخت کرده، مبلغ قسط را با ذکر تاریخ تحویل، در ظاهر سند هم ثبت کرده است. در مواقعی که داین و مدیون از اقشار بالای جامعه بوده اند، اقساط بدهی (طلب) خود را توسط خادم، واسطه یا کارگزاران خویش پرداخت و دریافت می کرده اند؛ در چنین مواردی نام مخدوم نیز، در ظاهر سند، نوشته شده است.

ج- ثبت دفتر شد: در زمان قاجار رسم بر این بود که برات های دیوانی، پس از صدور، به ثبت دفتر مستوفیان می رسیدند. به این معنا که از آن ها رونوشتی برمی داشتند تا در دفتر دیوان باشد. مستوفیان با نگارش عبارت «ثبت دفتر شد»، «ثبت شد» یا «ثبت سر رشته شد» در ظاهر سند، برات را در دفتری ثبت می کردند و در مواقع نیاز به آن رجوع می کردند. پس از ثبت برات، مستوفی یا منشی مسئول پس از بررسی صحت مضمون برات آن را با مهر خود تأیید می کرد و عبارت «ملاحظه شد» را در ظاهر سند می نگاشت (ثمره حسینی و محمدی، ۱۳۹۴، زمستان، ص ۲۳). در میان اسناد بررسی شده، تنها یک مورد ثبت در دفاتر دولتی وجود دارد (ساکما، ۲۷۷۷۹-۹۹۹) که در ظاهر سند با عبارت «ثبت دفتر شد ۳ رجب ۱۳۴۳ صفحه ۴۹۲، نمره ۸» مشخصه ثبت دفتری وجود دارد.

۴. نتیجه گیری

پژوهش حاضر سندشناسی ذمه نامه ها در دوره قاجار است؛ روزگارانی از تاریخ ایران که از تاج گذاری آقامحمدخان قاجار در ۱۲۰۹ق در تهران آغاز شد و با به تخت نشستن رضاخان میرپنج در ۱۳۰۴ش در تهران به پایان آمد.

در این دوره و تا قبل از آشنایی ایرانیان با مظاهر نوین تجارت و نیز تا قبل از تصویب قانون ثبت اسناد در ۱۳۰۲ش، کلیشه اسناد، ساختاری کاملاً سنتی داشت؛ به این معنا که برای نوشتن اسناد از قلم استفاده می کردند. به دلیل نبود صنعت چاپ، ساختار اساسی اسناد



آن دوره با نمونه‌های جدید متفاوت است. نبود تمبر در نمونه‌های سنتی، استیلای مطلق اعداد سیاقیه، پیروی از ادبیات کاملاً سنتی، کوتاه و موجز بودن، استفاده از مهر به جای امضاء برای تأیید و گواهی، و نبود تنوع در این اسناد، از ویژگی‌های بارز ذمه‌نامه‌های این دوره است. هم‌چنین ذمه‌نامه‌ها، تحمیدیه، خطبه و بعدیه ندارند و خالی از هرگونه تزیینات و جدول‌بندی‌اند. در این اسناد، پاراگراف‌بندی به معنای نوین آن و نیز علائم ویرایشی متداول در متون امروزی وجود ندارد و متن به صورت پیوسته و ممتد نگارش شده است. همه ذمه‌نامه‌های این پژوهش را یک یا چند نفر از شهود مهر و تأیید کرده‌اند. جایگاه اظهارات شهود در این دسته از اسناد، در حاشیه سمت راست و حاشیه بالایی است. با بازخوانی و استتساخ اسناد و بررسی سندشناسانه ظاهری و محتوایی ذمه‌نامه‌ها مشخص شد که اسناد ذمه‌نامه، هرچند که ساختار ویژه خود را دارند، ولی اسنادی نسبتاً ساده‌اند که طی دوران حکومت قاجار، هیچ تغییری در ساختارهای بیرونی و درونی آن‌ها روی نداده است. ادبیات به کاررفته در این اسناد کاملاً سنتی است. این اسناد جزء اسناد شرعی قلمداد می‌شوند و مفاهیم به کاررفته در آن‌ها، مفاهیمی ساده است و بعضاً ریشه‌های فقهی و حقوقی دارد.

منبع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ۲۹۶-۲۴۸۲۸؛ ۲۹۶-۲۵۶۴۷؛ ۲۹۶-۲۶۳۵۹؛ ۲۹۶-۲۶۳۶۰؛ ۲۷۱۵۷-۲۷۳۱۵؛ ۲۷۳۳۳-۲۷۷۷۹؛ ۲۸۱۹۴-۲۸۳۳۲؛ ۲۸۱۳۷-۲۸۷۴۸؛ ۲۸۷۵۷-۲۹۵۵۴؛ ۳۰۵۱۵-۳۱۱۵۷؛ ۳۱۱۷۰-۳۲۱۷۰؛ ۳۲۱۷۰-۳۲۱۷۰.

کتاب

افشار، ایرج. (۱۳۹۰). *کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی*. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۶۷). *ترمینولوژی حقوق؛ حاوی اصطلاحات: رشته‌های حقوق، علوم سیاسی و اقتصادی و تاریخ حقوق و رشته‌های مختلف فقه اسلامی*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
خویی، سید ابوالقاسم. (۱۳۹۲). *منهاج الصالحین*. (ج ۲). بیروت: دارالغدیر، للطباعة و النشر و التوزیع.
دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲). *لغت‌نامه دهخدا*. (ج ۱). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
دیانت، ابوالحسن. (۱۳۶۷). *فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها*. (ج ۲). تبریز: نیما.
رضایی، امید. (۱۳۹۰). *درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

صفری آق قلعه، علی. (۱۳۹۰). *نسخه‌شناخت (پژوهشنامه نسخه‌شناسی نسخ خطی فارسی)*. (ایرج افشار، مقدمه‌نویس). تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

صفی‌نژاد، جواد. (۱۳۸۷). *کوششی در آموزش خط سیاق*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

عمید، حسن. (۱۳۵۷). *فرهنگ عمید، فرهنگ مفصل و مصور*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.

مایل هروی، نجیب. (۱۳۸۰). *تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*. تهران: بهارستان، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق. (۱۳۹۳). *آداب مهن‌نویسی در دوره اسلامی (از ایلخانان تا پایان قاجاریه)*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

نخجوانی، محمدبن هندوشاه. (۱۹۷۶). *دستورالکاتب فی تعیین المراتب*. (ج ۲). (عبدالکریم علی‌اوغلی زاده، کوشش گر). مسکو: آکادمی علوم اتحاد شوروی، انستیتوی خاورشناسی، اداره انتشارات دانش، شعبه ادبیات خاور.

وطنی، محمدحسین. (۱۳۶۴). *مجموعه کامل قوانین مدنی-اساسی...*. تهران: فردوسی.

مقاله

ثابت، سیدعبدالحمید. (۱۳۸۱، پاییز). «موضوع‌شناسی بیع دین». *فقه اهل بیت*، شماره ۳۱.

ثمره حسینی، مرضیه؛ محمدی، امین. (۱۳۹۴، زمستان). «تحلیل ساختار برات‌های دیوانی دوره قاجار». فصل‌نامه *گنجینه اسناد*، سال بیست‌وپنجم، دفتر چهارم.

حسن‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۳، خرداد). «اهمیت اسناد مردمی در حفظ هویت تاریخی جامعه». *جام جم*.
<https://jamejamonline.ir/fa/news/676508>

شیخ‌الحکمایی، عمادالدین. (۱۳۸۶-۱۳۸۷). «نحوست تربیع و تجلی این باور در اسناد دوره اسلامی ایران». *نامه بهارستان*، دفتر ۱۳ و ۱۴، سال هشتم و نهم.

شیخ‌الحکمایی، عمادالدین. (۱۳۹۰، بهار و تابستان). «ادب ممتازنویسی و سیر تحول آن در اسناد دوره اسلامی». *پژوهش‌های علوم تاریخی*، دوره ۳، شماره ۱.

گرونکه، مونیکا. (۱۹۸۴). «نگارش اسناد خصوصی در جهان اسلام در سده‌های میانه: نظریه و عمل». (محسن ایمانی، مترجم). *وقف، میراث جاویدان*، سال شانزدهم، شماره ۶۲، (۱۳۸۷).

گوهری فخرآباد، مصطفی؛ ثنایی، حمیدرضا. (۱۳۸۸). «خواری، محمدبن علی ناموس، حدائق الوثائق». *نامه بهارستان*، سال دهم، دفتر پانزدهم.

مرادزاده فرد، مهدی؛ روستایی، محسن؛ سروش، امیر. (۱۳۹۰، پاییز). «سیاق دروازه حسابداری نوین».



English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran):
296-24828; 296-25647; 296-26359; 296-26360; 999-27157; 999-27315; 999-27333; 999-27779; 999-28194; 999-28232; 999-28737; 999-28748; 999-28757; 999-29554; 999-30515; 999-31157; 999-32170.[Persian]

Books

- Afshar, Iraj. (1390/2011). *“Kāqaz dar zendegi va farhang-e Irāni”* (Paper in Iranian life and culture). Tehran: Markaz-e Pažuheši-ye Mirās-e Maktub (Written Heritage Center of Islam & Iran). [Persian]
- Amid, Hassan. (1357/1978). *“Farhang-e Amid, farhang-e mofassal va mosavvar”* (Amid dictionary). Tehran: Mo’assese-ye Enteshārāt-e Amir Kabir. [Persian]
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1373/1994). *“Loqat-nāme”* (Dehkhoda Dictionary) (vol. 1). Tehran: Mo’assese-ye Enteshārāt va Čāp-e Dānešgāh-e Tehrān (Tehran University Institute of Print & Publication). [Persian]
- Dianat, Abolhasan. (1367/1988). *“Farhang-e tārixi-ye sanješ-hā va arzeš-hā”* (Dictionnaire historique des mesures des valeurs) [Historical dictionary of value measures] (vol. 2). Tabriz: Nimā.[Persian]
- GhaemMaghami, Jahangir. (1350/1971). *“Moqaddame-ee bar šenāxt-e asnād-e tārixi”* (An introduction to the recognition of historical documents). Tehran: Enteshārāt-e Anjoman-e Āsār-e Melli (Publications of the Society for the Protection of National Monuments). [Persian]
- JafariLangaroudi, Mohammad Jafar. (1367/1988). *“Terminoloži-ye hoquq; hāvi-ye estelāhāt-e: Rešte-hā-ye hoquq, ‘olum-e siāsi va eqtesādi va tāriḫ-e hoquq va rešte-hā-ye moxtalef-e feqh-e eslāmi”* (Terminology of law). Tehran: Ketābxāne-ye Ganj-e Dāneš.[Persian]
- Khoyi, SeyyedAbolghasem. (1392/2013). *“Menhāj-os-sālehin”* (Menhaj Al-Salehin) [The approach of the righteous] (vol. 2). Beirut: Dār-ol-Qadir, L’Ettēbā’ van-Našr

- vat-Tawzi' (Dar Al-Ghadir, for printing, publishing and distribution).[Persian]
- MayelHeravi, Najib. (1380/2001). *"Tārix-e nosxe-pardāzi va tashih-e enteqādi-ye nosxe-hā-ye xatti"* (History of Islamic codicology). Tehran: Bahārestān, Ketābxāne-yeMajles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]
- Mirza Abolghasemi, Mohammad Sadegh. (1393/2014). *"Ādāb-e mohr-nevisi dar dowre-ye eslāmi: AzIlxānān tā pāyān-e Qājārieh"* (Principles of sealography in Islamic period: From the Ilkhans to the end of the Qajar dynasty). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran).[Persian]
- Nakhjavani, Mohammad Ibn Hendou Shah. (1976). *"Daštur-ol-kāteb fi ta'yin-el-marāteb"* (ХИНДУШАХ НАХЦИВАНИ.ДАСТУР АП-КАИБ ФИ ТАИИИИ АП-МАРАТИБ) [The writer's instructions to determine ranks] (vol. 2). Edited by Abdolkarim Ali Oghlizadeh. Moscow: Ācāдеми-ye 'Olum-e Ettehād-e Šoravi (Academy of Sciences of the Soviet Union), Anstito-ye Xāvar-šenāsi (Institute of Oriental Studies), Edāre-ye Enteshārāt-e Dāneš (Knowledge Publishing Office), Šo'be-ye Adabiāt-e Xāvar (Oriental Literature Branch).[Persian]
- Rezayi, Omid. (1390/2011). *"Darāmadi bar asnād-e šar'ee-ye dowre-ye Qājār"* (Introduction to Shari'a documents from Qajar Iran). Tehran: Pažuhešgāh-e 'Olum-e Ensāni va Motāle'āt-e Farhangi (Research Center of the Humanities and Cultural Studies).[Persian]
- Safari Agh-Ghalē, Ali. (1390/2011). *"Nosxe-šenāxt: Pažuheš-nāme-ye nosxe-šenāsi-ye nosax-e xatti-ye Fārsi"* (A handbook of persian codicology). Introduction by Iraj Afshar. Tehran: Markaz-e Pažuheši-yeMirās-e Maktub (Written Heritage Center of Islam & Iran). [Persian]
- Safinejad, Javad. (1387/2008). *"Kušeši dar āmuzeš-e xat-tesīāq"* (An attempt to teachKhatteSiaq). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran).[Persian]
- Vatani, Mohammad Hossein. (1364/1985). *"Majmou'e-ye kāmél-e qavānin-e madani-asāsi..."* (The complete collection of the civil laws – constitution...). Tehran: Ferdowsi.[Persian]



Articles

- GohariFakhrabad, Mostafa; &Sanayi, Hamidreza. (1388/2009). "Xawāri, Mohammad-ebn-e Ali Nāmus, hadāeq-ol-vasāeq" (Khawari, Muhammad Ibn Ali Namus, gardens of documents). *Name-ye Bahārestān*, 10 (15).[Persian]
- Grunke, Monica.(1984). "Negāreš-e asnād-e xosusi dar jahān-e eslām dar sade-hā-ye miāneh: Nazarieh va amal" (Private dokumente in der Islamischen welt immittelalterschreiben: Theorie und praxis) [Writing private documents in the Islamic world in the middle ages: Theory and practice]. Translated by Mohsen Imani. *Vaqf, Mirās-e Jāvidān*, 16 (62), (1387/2008).[Persian]
- Hassanabadi, Abolfazl. (1393, Xordād/2014, June). "Ahammiat-e asnād-e mardomi dar hefz-e hoviat-e tārixi-ye jāme'e" (The importance of folk documents in preserving the historical identity of society). *Jām-e Jam*. Retrieved from <https://jamejamon-line.ir/fa/news/676508>. [Persian]
- MoradzadehFard, Mehdi; Roustayi, Mohsen; &Soroush, Amir. (1390, Pāyiz/2011, Fall). "Siāq-e darvāze-ye hesābdāri-ye novin" (Siaq, the gateway to modern accounting). *Ganjine-ye Asnād*, 21 (3).[Persian]
- Sabet, SeyyedAbdolhamid. (1381, Pāyiz/2002, Fall). "Mowzu'-šenāsi-ye bay'-e dayn" (Thematics of debt purchase). *Feqh-e Ahl-e Beit*, 31.[Persian]
- Samara-ye Hosseini, Marzieh; & Mohammadi, Amin. (1394, Zemestān/2016, Winter). "Tahlil-e sāxtār-e barāt-hā-ye divāni-ye dowre-ye Qājār" (The structure of government drafts in the Qajaridera). *Ganjine-ye Asnād*, 25 (4).[Persian]
- Sheikh Al-Hokamayi, Emad Al-Din. (1387/2008). "Nohusat-e tarbi' va tajalli-ye in bāvar dar asnād-e dowre-ye eslāmi-ye Irān" (Malevolence of quadrature and its manifestation in Iranian documents). *Nāme-ye Bahārestān*, year 8 & 9, issues 13 & 14.[Persian]
- Sheikh Al-Hokamayi, Emad Al-Din. (1390, Bahār&Tābestān/2011, Spring & Summer). "Adab-e momtāz-nevisi va seir-e tahavvol-e ān dar asnād-e dowre-ye Eslāmi" (Literature on header writing and its developmental process in documents of the Iranian Islamic period). *Pažuheš-hā-ye 'Olum-e Tārixi* (Historical Sciences Studies), 3 (1).[Persian]

Achmetha Castel: the beginning of archives in Iran

Gholamreza Azizi¹ | Emadedin Fayazi² | Ali Akbar Khedrizeh³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: This paper discusses the starting date of the archives (i.e. preserving valuable records) in Iran. In addition, it reviews previous research to show evidence of preserving documents in ancient Iran from the citation, historical, documentary, and historical linguistics points of view, not been covered in previous studies.

Method and Research Design: Library resources were consulted to collect data. Persian sources are compiled, categorized and critically examined.

Finding and Conclusions: Most of the Persian literature reviewed consider the Achaemenids as the beginning of formation of archives in Iran, by relying of the book of Ezra and accepting the views of Jahangir Ghaemmaghami.

Keywords: Ancient Iran; records keeping; history; the book of Ezra; archives.

Citation: Azizi, G., Fayazi, E., Khedrizeh, A. (2020). Achmetha Castel: the beginning of archives in Iran. *Ganjine-ye Asnad*, 30(3), 162-189. doi: 10.22034/ganj.2020.2581

1. PhD student, Department of History, Yadegar -e- Imam Khomeini (RAH) Shahr-e-Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, I. R. Iran

greazizi@gmail.com

2. Assistant professor, Department of History, Yadegar -e- Imam Khomeini (RAH) Shahr-e-Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, I. R. Iran (Corresponding Author)

dr.emadfayazi@gmail.com

3. Assistant professor, Department of History, Yadegar -e- Imam Khomeini (RAH) Shahr-e-Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, I. R. Iran

khedrizeh@yahoo.com

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«119»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2020.2581

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 3, Autumn 2020 | pp: 162- 189 (28) | Received: 19, Jun. 2020 | Accepted: 22, Dec. 2020

Archival studies





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئوی

مقاله پژوهشی

قصر احمتا؛ آغاز آرشئو در ایران

غلامرضا عزیزی^۱ | عمادالدین فیاضی^۲ | علی اکبر خدری زاده

چکیده:

هدف: رفع اشتباه مکرر در گزارش دوره آغازین آرشئو^۴ در ایران و بازشناسی واقعیت تاریخی آن است. در مقاله حاضر تاریخ شروع آرشئو در ایران بررسی شده است و ضمن شناسایی و بررسی پژوهش‌های پیشین، از جنبه‌های اسنادی و استنادی و تاریخی و زبان‌شناسی تاریخی به مواردی از نگهداری اسناد در ایران باستان پرداخته شده است که پیش‌ازین، در تجزیه و تحلیل تاریخ آرشئو در ایران بررسی و ذکر نشده‌اند.

روش/ رویکرد پژوهش: روش پژوهش، روش کتاب‌خانه‌ای مبتنی بر شناخت، توصیف و تحلیل اسناد و سایر داده‌های تاریخی است. در این مقاله منابع اصلی مرتبط با موضوع، شناسایی شده است. تاریخ پیدایش آرشئو در ایران از نظر این منابع گردآوری، و دسته‌بندی شده و منابع فارسی با نگاه بررسی انتقادی بررسی شده است. در این راه، بررسی کیفی پژوهش‌ها در موضوع مدنظر و گستره شمول آن‌ها هم مدنظر است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر مقاله‌ها، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های فارسی بررسی شده در این مقاله، بحث تاریخ آرشئو در ایران را با تبعیت از دکتر جهانگیر قائم‌مقامی و با اشاره به کتاب عزرا به دوره هخامنشی بازگردانده‌اند؛ بدون آنکه برای نقد و بررسی، یا تکمیل این نظر تلاشی بکنند.

کلیدواژه‌ها: ایران باستان؛ نگهداری اسناد؛ تاریخ؛ کتاب عزرا؛ آرشئو.

استناد: عزیزی، غلامرضا، فیاضی، عمادالدین، خدری زاده، علی اکبر. (۱۳۹۹). قصر احمتا؛ آغاز آرشئو در ایران. *گنجینه اسناد*، ۳ (۳)، ۱۶۲-۱۸۹ | ۱۰،۲۲۰۳۴/ganj. ۲۰۲۰، ۲۵۸۱ | doi: ۱۰،۲۲۰۳۴/ganj. ۲۰۲۰، ۲۵۸۱

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

greazizi@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

dr.emadfayazi@gmail.com

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، تهران، ایران

khedrizedeh@yahoo.com

۴. در اینجا منظور نگهداری اسناد ارزشمند است.



گنجینه اسناد

«۱۱۹»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران- پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیک): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰،۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۰، ۲۵۸۱

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۰، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۹ | صص: ۱۶۲-۱۸۹ (۲۸)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۳۰

مطالعات آرشئوی

۱. مقدمه

نخستین بار دکتر جهانگیر قائم مقامی تاریخ آرشیو در ایران را به شیوه‌ای منظم در کتاب ارزشمند مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی مطرح کرده است. پس از او نیز مقاله‌ها، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌هایی، به شیوه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم (موجز یا کمی مفصل) سابقه آرشیو در ایران را بررسی^۱ کرده اند. هرچند برخی از این آثار، اطلاعات تاریخی بیشتری از مطالب قائم مقامی درباره پیشینه آرشیو در ایران در بر داشته اند و مطالبی روزآمدتر داشته اند، ولی تقریباً بیشتر آن‌ها با استناد به کتاب قائم مقامی و بدون مراجعه به منابع اصلی و اولیه، سابقه وجود آرشیو^۲ در ایران را -به نقل از کتاب عزرا که قائم مقامی به آن ارجاع داده است- به دوره هخامنشی بازگردانده اند.

۲. هدف و پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی این مقاله شناخت دوره آغازین آرشیو در ایران و رفع لغزش‌های پیشین در گزارش تاریخی آن است. از منظر دیگر این مقاله می‌کوشد تا عمده نظرات کسانی را که درباره قدمت حفظ و نگهداری اسناد در ایران (در معنی و به عنوان نوعی آرشیو اولیه) سخن گفته اند، نقل کند و بسنجد. براین اساس پرسش‌های اصلی پژوهش به شرح زیر است:

۱. بر اساس کتاب عزرا نخستین اشاره‌ها به نگهداری اسناد در ایران، به چه زمانی بازمی‌گردد؟
۲. محققان معاصر در شناخت این تاریخ چگونه کوشیده اند؟
۳. آیا برداشت قائم مقامی از مطلب منقول از تورات، کامل، درست و دقیق است؟

۳. پیشینه تحقیق

قائم مقامی (۱۳۵۰، ص ۲۸) به عنوان نخستین مطرح کننده و پی جوی «موضوع تاریخ آرشیو در ایران» نوشته است:

در دوره هخامنشی، زیربنای تشکیلات اداری امپراتوری را، بایگانی سلطنتی تشکیل می‌داد. در کتاب تورات، در باب پنجم و ششم از کتاب عزرا، ضمن اشاره به وجود خزانه اسناد و مدارک، عرض حالی از یهودیان به داریوش آمده و نوشته شده است: «پس اگر پادشاه مصلحت داند، در خزانه پادشاه که در بابل است تفحص کنند که آیا چنین است یا نه که فرمانی از کورش پادشاه صادر شده بود...»

و نیز در همان کتاب: «آنگاه داریوش پادشاه فرمان داد تا در کتاب‌خانه بابل که خزانه‌ها

۱. از این جمله، می‌توان این موارد زیر را برشمرد: صوفی، ۱۳۶۶؛ سازمان امور اداری و استخدامی، ۱۳۶۳؛ سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۴، ص ۱۰؛ دیانی، ۱۳۷۷، صص ۳۳-۳۷؛ فدائی عراقی، ۱۳۷۷، صص ۶۲-۶۴؛ دهقانی، ۱۳۷۹؛ بقائی، ۱۳۸۱، صص ۲۸-۳۵؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳، صص ۱۴-۱۵ و ۱۶-۱۷؛ کیانی هفت‌لنگ، ۱۳۸۳؛ رحمانی، ۱۳۸۴، ص ۵۳؛ تازکی، ۱۳۸۴، ص ۱۴؛ صادقیان، ۱۳۸۴، صص ۹۵-۹۶؛ کیانی هفت‌لنگ، ۱۳۸۵، صص ۹۹-۹۹؛ وهابی، ۱۳۹۳، صص ۲۶۹-۲۹۰؛ فتح‌الله‌زاده، ۱۳۹۳، صص ۱۵۰-۱۵۱؛ ترکاشوند، ۱۳۹۴، صص ۱۱۵-۱۱۷.

۲. نه به معنای امروزی واژه، بلکه در معنی محل نگهداری اسناد حکومتی.



در آن موضوع بود تفحص کردند و در قصر احمتا که در ولایت مادیان است طوماری یافت شد و تذکره در آن بدین مضمون مکتوب بود.»

قائم مقامی در ادامه به باب پنجم و ششم و چهارم کتاب عزرا ارجاع داده و اشاره کرده است که به کتاب استر باب ۲ و ۶ و ۱۰ [نیز] رجوع شود. صوفی (۱۳۶۶، ص ۲۹) در پایان نامه خود، به نقل از قائم مقامی، از وجود آرشیو در دوره هخامنشی یاد کرده و در این راه از متون باستانی و شواهد باستان شناسی یاری جسته است؛ ولی فقط به نام بردن از تورات اکتفا کرده و به مطالب کتاب عزرا اشاره نکرده است.

دیانی (۱۳۷۷، ص ۳۳) نیز نوشته است: «قاعده کلی نگهداری اسناد و مدارک، از دیرزمان در ایران رایج بوده است. قدیمی ترین نوشته در این باره کتاب تورات است». هرچند دیانی در یادداشت اول به «تورات، ترجمه فارسی، کتاب عزرا و استر، باب پنجم» و در یادداشت دوم به «همان، باب ششم» ارجاع داده است (۱۳۷۷، ص ۳۷)، ولی ناقص بودن ارجاعات، و ادامه مطلبی که برای تاریخ نگاشته است، این پرسش را به ذهن می آورد که آیا او برای نگارش این مطلب، کتاب مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی را ندیده است؟ فدایی عراقی (۱۳۷۷، صص ۶۲-۶۳) نیز در اثر خویش بانام مقدمه ای بر شناخت اسناد آرشیوی (که برداشتی از عنوان کتاب مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی است) همان مطلب منقول از تورات را با ارجاع به قائم مقامی آورده است.

صمعی (۱۳۸۱، ص ۲۰) در مدخل «آرشیو» در دائرة المعارف کتابداری و اطلاع رسانی، همین مطلب را از کتاب تورات، باب پنجم و ششم کتاب عزرا به نقل از دیانی (۱۳۷۷، ص ۳۳) و فدایی عراقی (۱۳۷۷، ص ۶۲) آورده است.

کیانی هفت لنگ (۱۳۸۵، ص ۹۹۰)، نیز در مدخل «سازمان اسناد ملی ایران» در دائرة المعارف کتابداری و اطلاع رسانی همان مطلب را به نقل از قائم مقامی آورده است.

صادق پور بالانی (۱۳۸۵، صص ۶-۷) نیز نوشته است: «رسم نگهداری اسناد و مدارک در ایران از دیرباز معمول بوده [است] و قدیمی ترین نوشته در این باره کتاب تورات است. در کتاب تورات عرض حال یهودیان به داریوش نوشته شده است و این عرض حال ها در کتاب خانه بابل و قصر احمتا (واقع در ماد) نگهداری می شد.» گرچه صادق پور بالانی در یادداشت شماره ۴ مقاله خود، مستقیم به «کتاب عزرا، باب پنجم» ارجاع داده است، ولی به نظر نمی رسد آن کتاب را دیده باشد؛ چراکه در بین ۵ اثر ذکر شده در فهرست منابع، نشانی از تورات دیده نمی شود و مطلب ذکر شده نیز غلط و درهم ریخته است؛ زیرا نخست این که تورات از یافتن «دستور» کورش (نوشته شده بر طومار) سخن گفته است نه آن گونه که صادق پور بالانی نوشته است: «عرض حال ها» که «در کتاب خانه بابل و قصر احمتا ...

۱. قائم مقامی (۱۳۵۰، ص ۴۲۹) در فهرست منابع خود نشانی دقیق منبع خود را ذکر نکرده و تنها به «تورات، ترجمه فارسی، کتاب های عزرا و استر» اکتفا کرده است.

نگهداری می‌شد» و دوم این که، آیه یا گزاره اصلی شامل «قصر احماتا»، در باب ششم کتاب عزرا آمده است و نه باب پنجم. چون کتاب‌های قائم مقامی (۱۳۵۰) و فدایی عراقی (۱۳۷۷) جزء منابع پنج گانه صادق پور بالانی هستند، به نظر می‌رسد که صادق پور بالانی (۱۳۸۵) نیز مستقیم یا غیرمستقیم از کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی استفاده کرده است. عزیزی (۱۳۸۶، ص ۱۰۶)، نیز به همان مطلب و همان منبع اشاره کرده؛ ولی کوشیده است تا از آن نقل قول استفاده دیگری بکند و آن را به عنوان شاهی برای نگهداری از اسناد در دوران ماد فرض کند.

سودبخش و مروتی (۱۳۸۸، ص ۶۰) نیز به قائم مقامی استناد و از مطلب او استفاده کرده‌اند.

وهابی (۱۳۹۳، ص ۲۸۶) در مقاله خود و ترکاشوند (۱۳۹۴، ص ۱۱۵) در پایان نامه خود از دیگر کسانی هستند که با استناد به دیانی (۱۳۷۷، ص ۳۴) به این مطلب از کتاب عزرا اشاره کرده‌اند.

برخی نویسندگان (برای نمونه: دالوند، ۱۳۸۷، ص ۲۶؛ زارعی، ۱۳۹۶، ص ۲۲) نیز در آثار خود، بدون ارجاع به تورات، به نتیجه‌گیری قائم مقامی -یا نویسندگان ارجاع‌دهنده به او- از مطلب منقول از کتاب عزرا اشاره کرده‌اند و به طور کلی و غیرمستند نوشته‌اند: «اسناد پادشاهی و دولتی هخامنشیان در کتابخانه بابل و خزانه قصر احماتا (همدان فعلی) واقع در ایالت ماد و احتمالاً در جاهای دیگر نیز نگهداری می‌شده است».

همچنان که مشاهده شد، اغلب اشخاصی که به نخستین شواهد از تاریخ باستانی و آرشیو در ایران اشاره کرده‌اند، مطلب خود را مستقیم یا غیرمستقیم از کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی اخذ کرده‌اند. متأسفانه این موضوع نه تنها در مقالات و کتاب‌ها، بلکه در پایان‌نامه‌ها نیز دیده شده است که نویسندگان آن‌ها برای تعیین صحت و سقم مطلب نقل شده به حداقل تلاش لازم برای تحقیق علمی و جست‌وجوی بیشتر دست نزده‌اند. نکته دیگر آن که، متأسفانه قائم مقامی هم نسخه مورد استفاده خود (کتاب عزرا یا بخشی از تورات، به زبان فارسی یا غیر آن) را مشخص نکرده است. این موضوع از آن رو اهمیت دارد که در چند ترجمه فارسی تورات که در مقاله حاضر استفاده شده است، تفاوت‌هایی ظریف با نسخه استفاده شده در کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی (و استفاده‌کنندگان از آن کتاب) دیده می‌شود.

ازسوی دیگر و شاید مهم‌تر از دو نکته قبلی اینکه بیشتر نویسندگان یادشده، به نقل این نکته اکتفا کرده‌اند که سابقه وجود آرشیو در ایران به دوره هخامنشی بازمی‌گردد و برای اثبات یا رد این نظر تلاشی انجام نداده‌اند و مطلبی به آن نیفزوده‌اند.



البته هستند کسانی که در اثر خویش، در ارجاع این مطلب، مستقیماً به کتاب عزرا اشاره کرده‌اند. برای مثال ملایری (۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۱۲) ضمن اشاره به «ثبت فرمان‌ها و نگهداری خلاصه یا نسخه‌ای از آن‌ها» در دیوان‌های ایران از دوران هخامنشی، نوشته‌است: «در تورات به نامه‌ای اشاره شده که رؤسای یهود به داریوش نوشته و درخواست کرده‌اند تا در کتاب‌خانه سلطنتی جست‌وجو شود و فرمانی را که کوروش بزرگ درباره بنای بیت المقدس صادر کرده بیابند و به دستور داریوش جست‌وجو شده و چنین فرمانی را یافته‌اند.» او به تورات (سفر عزرا، اصحاح ۵، بند ۱۷ و اصحاح ۶، بند ۱ و ۲)، ارجاع داده‌است. عزیزی (۱۳۸۶، ص ۱۰۶) نیز با استناد به قائم مقامی به همان مطلب اشاره کرده و نوشته‌است: «معمولاً سابقه وجود آرشیو در ایران، به دوره هخامنشی بازمی‌گردد: ... ولی عزیزی آن مطلب را بهانه‌ای برای طرح بحث سابقه بایگانی و آرشیو سلطنتی در دوران ماد قرار داده‌است. از این رو لازم به نظر می‌رسد که نقل قول قائم مقامی از کتاب عزرا، از جنبه‌های اسنادی و استنادی و تاریخی و زبان‌شناسی تاریخی بررسی شود. برای بررسی بهتر و بازکردن موضوع، شایسته است تا نخست مقدمه‌ای کوتاه درباره عزرا و کتابش بیان شود.

۴. عزرا

عزرا یکی از پیامبران بنی اسرائیل است. اعتقاد سنتی بر این است که او کتاب‌های توارخ و عزرا و قسمتی از نحمیا را نوشته و درواقع تورات را -بعد از آنکه در حمله بخت‌النصر پادشاه بابل به کلی از بین رفته بود- دوباره احیا کرده‌است. در قاموس کتاب مقدس (هاکس، ۱۳۹۴، صص ۶۰۹-۶۱۰)، ذیل مدخل عزرا، درباره او چنین آمده‌است: (لفظ عزرا به معنی کمک و امداد است). او کاهن و هادی معروف عبرانیان و کاتب ماهر شریعت و شخصی عالم و قادر و امین بود و چنان می‌نماید که در بارگاه سلطان ایران درجه و اعتباری تام داشته... به سرکردگی و پیشوائی جماعتی بزرگ از اسیران مراجعه‌کننده به اورشلیم در سال ۴۵۷ قبل از میلاد مسیح روان گشت (عز: ۷) و در اینجا بسیاری از رفتار قوم و نیز پرستش جماعتی از ایشان را اصلاح نموده، کنایسی چند تأسیس نمود که علی‌الدوام تلاوت نوشته‌جات مقدمه و دعا در آنجا مستدام باشد (عز: ۸؛ ۱۰؛ نج: ۸) و عموماً معتقدند که بعد از این وقایع، کتب توارخ و عزرا و قسمتی از نحمیا را تصنیف نمود و تمامی کتب عهد عتیق را -که حال قانون ما می‌باشد- جمع‌آوری و تصحیح فرمود و در این عمل از نحمیا، بلکه هم از ملاکی امداد یافت.

۱. عزیزی (۱۳۸۰، صص ۶۰۷-۶۰۸) به بیان سرگذشت عزیر پرداخته‌است.

مسلمانان او را عَزِيز می خوانند.^۱ عَزِيز در لغت عرب، از واژه عزرا گرفته شده که به صیغه تصغیر درآمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۳۶۱).
در قرآن، علاوه بر آیه ۳۰ سوره توبه که نام عَزِيز در آن ذکر شده است، داستانی هم در آیه ۲۵۹ سوره بقره درباره مرگ شخصی و زنده شدن او بعد از صد سال آمده است که طبق روایات متعدد، این شخص همان عَزِيز پیامبر بوده است (عزیزی، ۱۳۸۰، صص ۶۰۷-۶۰۸).

۵. کتاب عزرا

کتاب عزرا پانزدهمین سفر از اسفار کتاب مقدس و به زبان عبری است و براساس تقسیم بندی مسیحیان، در زمره عهد عتیق محسوب می شود. این کتاب که نوشته عزرائی نبی است، به بیان سرگذشت بازگشت جمعی از یهودیان تبعیدی از ایران به اورشلیم و تجدید بنای معبد مقدس (بیت المقدس)،^۱ ظاهراً در حداصل دوران کوروش دوم، داریوش اول و اردشیر اول می پردازد. هرچند برخی از حضور داریوش دوم و اردشیر دوم در متن کتاب عزرا سخن به میان آورده اند، ولی مشکلات گاه شمارانه چندی وجود دارد که مانع از پذیرش این نظر شده است (بادامچی و فروتن، ۱۳۹۴، ص ۵). به هر روی در این کتاب به چهار شاه هخامنشی اشاره شده است: کوروش (عزرا، ۱: ۲ و ۱: ۷-۸ و ۳: ۷ و ۴: ۳ و ۴: ۵ و ۵: ۱۳-۱۴ و ۵: ۱۷ و ۶: ۳ و ۶: ۱۴)، داریوش یکم (عزرا، ۴: ۵ و ۴: ۲۴ و ۵: ۵ و ۷-۶: ۱ و ۶: ۱۵-۱۲)، خشایارشا (با تلفظ «اَحْشَوْرش»، عزرا، ۴: ۶) و اردشیر یکم (عزرا، ۴: ۷-۸).

مطالب کتاب عزرا را می توان به دو بخش کلی تقسیم کرد (هیل و تورسون، ۲۰۰۷، ص ۹۵۹): بخش اول حکایت بازگشت تبعیدیان (۱: ۱ تا ۲: ۷۰) و بازسازی معبد (۳: ۱ تا ۶: ۲۲) و بخش دوم داستان آمدن عزرا به اورشلیم (۷: ۱ تا ۸: ۳۶) و حل مشکل ازدواج با سایر اقوام توسط او (۹: ۱ تا ۱۰: ۴۴) است.

قسمت ۱: ۱ تا ۴: ۷ و ۶: ۱۹-۲۲ از کتاب عزرا به زبان عبری، و قسمت ۴: ۸ تا ۶: ۱۸ آن به زبان آرامی نوشته شده است. یکی از دلایل اهمیت کتاب عزرا، وجود فرمان های (مناقشه برانگیز) پادشاهان هخامنشی به دو زبان عبری و آرامی در آن است (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: بادامچی و فروتن، ۱۳۹۴، صص ۱-۱۸؛ Grabbe, 2006, PP 531-570).

کتاب عزرا به دلیل اهمیتش در تاریخ و شریعت یهود بارها و بارها منتشر شده و آثار ی فراوان درباره آن به نگارش درآمده است که به برخی از آن ها در این مقاله اشاره شده است. درباره این نکته که کتاب عزرا از چه زمانی در اختیار پارسی زبانان قرار گرفته است

۱. در زمینه بازسازی معبد بنگرید به (بادامچی؛ نوروزی، ۱۳۹۱، صص ۱۳-۳۲).



نمی‌توان به‌طور دقیق سخن گفت. گرچه آگاهی‌های تاریخی از حضور پیروان دین یهود در ایران از پیش از دوران هخامنشیان نشان دارد، ولی نسخه‌های موجود پارسی‌کرده تورات، پیشینه‌ای بسیار جدیدتر را نشان می‌دهند.

قدیمی‌ترین نسخه فارسی کتاب مقدس یهود مشتمل بر قطعاتی از شش نسخه خطی متفاوت از این کتاب است که در گینزه^۱ قاهره کشف شده و عمدتاً مربوط به دوران قبل از مغول است (غلامی جلیسه، ۲۰۱۲، ص ۶۷).

نوروزی (۱۳۹۱، ص ۱۰۵) نسخه اسفار خمسه لندن، معروف به PL را که حدود ۷۰۰ سال پیش (در ۱۵ مارس ۱۳۱۹ م/ ۱۴ محرم ۷۱۹ ق) کتابت شده‌است و در موزه انگلیس نگهداری می‌شود، قدیمی‌ترین نسخه تاریخ‌دار اسفار خمسه به فارسی-عبری معرفی کرده‌است.

از ابتدای قرن شانزدهم میلادی تلاش برای چاپ عهد عتیق به زبان فارسی انجام شد. نخستین متن فارسی چاپ‌شده در جهان، کتاب مقدس تورات است که به چهار زبان و به خط عبری در سال ۹۵۳ ق/ ۱۵۴۶ م در استانبول چاپ شده‌است. ویلیام بروان^۲ و ساموئل باگستر^۳ هم این نسخه را قدیمی‌ترین نسخه چاپی تورات به فارسی معرفی کرده‌اند. این نسخه از ترجمه اسفار خمسه، به زبان فارسی و با حروف عبری نگاشته شده و به «ترا غلوت» معروف است (غلامی جلیسه، ۲۰۱۲، ص ۷۰).

قدیمی‌ترین ترجمه منتشرشده از کتاب عزرا به زبان فارسی که طی این پژوهش دیده شد، در ترجمه‌ای از عهد عتیق آمده که در سال ۱۸۳۸ م/ ۱۲۵۳ ق منتشر شده‌است. حدود دو دهه بعد، در سال ۱۸۵۶ م/ ۱۲۷۲ ق ترجمه‌ای از عهد عتیق، در لندن و به صورت چاپ سریبی منتشر شده‌است.

در سال ۱۹۰۴ ترجمه‌ای از کتاب مقدس به زبان فارسی منتشر و در سال ۱۹۲۵ تجدید چاپ شد (که در این مقاله با عنوان ترجمه قدیمی از آن یاد و به آن استناد خواهد شد).^۴

پس از اشاره به ترجمه فارسی کتاب عزرا، شایسته است تا به سیر تاریخی راه‌یابی مطالب آن کتاب به آثار نویسندگان فارسی‌زبان نیز اشاره شود. چاپ اول کتاب تاریخ/ ایران باستان پیرنیا ظاهراً نخستین کتابی است که به کتاب عزرا استناد کرده‌است. پیرنیا (۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۰۱ و ج ۲، ص ۹۴۹) در اثر خویش به کتاب عزرا و وجود خزانه و کتاب‌خانه در بابل و در ماد اشاره کرده؛ هرچند به دنبال بیان سابقه کتاب‌خانه و بایگانی و آرشیو نبوده‌است.

پس از او نیز اشارات و ارجاعات به کتاب عزرا و موضوع یافت‌شدن طومار در قصر

۱. Ginze

2. British museum

3. William Brown

4. Samuel Bagster

۵. این ترجمه را انتشارات اساطیر در سال ۱۳۸۰ با این مشخصات بازچاپ کرده‌است: کتاب مقدس. (۱۳۸۰). کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید. (فاضل‌خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، مترجمان). تهران: اساطیر. ۲ جلد در یک مجلد.

۶. شایان ذکر است که ایرانیان یهودی ترجمه معروف به فاضل‌خانی را ترجمه‌ای ناقص، دارای مشکل لغوی و بدون تطبیق کامل با اصل عبری تلقی می‌کنند (به نقل از پروفیسور کهن).

احمتا، در منابع فارسی زبان دیده می شود. برای نمونه لوی (۱۳۳۴، ج ۱، ص ۲۵۳) نیز به همان مطلب اشاره کرده است. به دیگر ارجاعات نسبتاً اندک به کتاب عزرا در قسمت پیشینه این پژوهش اشاره شد. ولی در خارج از گستره زبان فارسی مطالعات بیشتری درباره ایرانیان در تورات و به ویژه در کتاب عزرا، انجام شده است. برای نمونه: (Fensham, 1982; Graham, 1998; Lipschits and Oeming, eds. 2006; Throntveit, 1992; van Wijk-Bos, 1998; Watts, 2001).

از نگاه این مقاله، اهمیت کتاب عزرا به دلیل اشاره هایی است که در آن به وجود اسناد در ایران باستان و حفظ و نگهداری آن ها شده است - البته نه به مفهوم و ساختار امروزی بایگانی و آرشیو یا مرکز اسناد، بلکه معادل مفهوم امروزی محل نگهداری اسناد ارزشمند - و مشخصاً از محلی به نام قصر احمتا - که بر مخزن آرشیوی یا اسنادی دلالت دارد - نام برده شده است.

۶. قصر احمتا: بایگانی، کتاب خانه، خزانه یا آرشیو؟

یکی از نکات مهم مطرح شده در کتاب عزرا، اشاره این کتاب به آرشیو و منابع آرشیوی در ایران باستان - در مفهوم محل نگهداری اسناد ارزشمند - است. براساس این متن، محققان معاصر تقریباً یک سخن بر این عقیده اند که از داریوش شاه درخواست شده بود تا دستور دهد «آرشیو» را برای جست و جوی فرمان کوروش بکاوند. داریوش نیز به ساتراپ تاتانای فرمان داد تا آرشیو بابل را به دنبال این فرمان جست و جو کند. این سند در اکباتان یافت شد؛ شهری که اقامتگاه تابستانی پادشاهان هخامنشی^۱ بود (Grabbe, 1998, P21) یا همچنان که پیش از این گفته شد: «... در قصر احمتا که در ولایت مادیان است...».

اما مقصود از «قصر احمتا در ولایت مادیان» کجاست؟ این عبارت در قدیمی ترین ترجمه فارسی از کتاب عزرا (صص ۸۹۲-۸۹۳؛ بند ۲ فصل شش)، به صورت «احمتا» در بارگاه کشور مادیان^۲ ثبت شده است.

در قاموس کتاب مقدس (هاکس، ۱۳۹۴، ص ۲۰، ذیل احمتا)، این واژه به صورت اکماتا (به جای اخمتا و با تلفظ انگلیسی)^۳ ثبت شده و درباره آن آمده است:

شهری در ایالت مدی. وقتی که یهودیان گفتند که سیروس [کوروش] فرمانی بر مضمون آنکه آن ها را اجازت برای بنای هیکل داده بود، دشمنان شان برای تحقیق به بابل فرستاده شدند تا در صحت مسئله تحقیقات به عمل آرند. داریوش فرمان داد تحقیقات کنند. اداره ضبط مراسلات که خزینه هم در آنجا بود اولین جایی بود که در تحت تفتیش درآمد؛ ولی عبث و بی فایده بود. دنباله تحقیقات و کاوش ها کشیده شد تا آنکه فرمان را در

۱. تعداد این آثار نسبتاً زیاد است و در اینجا فقط به تعداد اندکی که استفاده شده اند اشاره شده است.

2. Pedersen, 1998

3. Tattenai

۴. گراب (Grabbe, ۱۹۹۸, P21) در زیرنویس این قسمت از کتابش پیشنهاد داده است تا به Xenophon, Anabasis ۳, ۵, ۱۵ Cyropaedia (۸, ۶, ۲۲) رجوع شود.

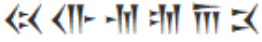
۵. البته در اصل عبری کتاب این واژه به صورت احمتا ثبت شده است.

۶. با تشکر از پروفیسور کهن برای بیان این نکته

اکماتا شهری که در ایالت مادی بود در قصر یافتند (عزرا، باب ۶:۵ الی ۶:۲۰). شکی نیست که ایرانی و پایتخت مادی و خزینه نقود اکماتا همان اکباتان محل ییلاقی پادشاهان دولتی بود. این شهر همدان حالیه است.

بنابراین اکماتا (صورت به اشتباه ثبت شده در قاموس کتاب مقدس، به جای احمنا)، همان «أَحْمَنَّا»ی نوشته شده در ترجمه قدیمی فارسی تورات است که آن هم به غلط به جای «احمنا» (صورت به کاررفته در اصل عبری کتاب عزرا) ثبت شده است.

ولی «أَحْمَنَّا» چیست و چگونه به ترجمه فارسی راه یافته است؟
باتوجه به برخی ترجمه های عربی تورات^۱، این چنین به نظر می رسد که واژه أَحْمَنَّا، صورت عربی شده احمناست که در برخی ترجمه ها به این شکل نیز به کار رفته است. در قاموس الكتاب المقدس نیز، ذیل مدخل أَحْمَنَّا/أَحْمَنَّا نوشته شده است که این اسم صورت آرامی هگمتانه است که در ترجمه عربی کتاب مقدس، دو جا به صورت احمنا آمده است (قاموس الكتاب المقدس، دائرة المعارف الكتابية المسيحية)^۲.

واژه معادل «احمنا»، در فارسی باستان به صورت:  (Ha^mgmātāna-) به کار رفته است که بعدها به هگمتانه و همدان تبدیل شده است. معادل واژه فارسی باستان -Ha^mgmātāna، در آرامی به صورت ܐܚܡܢܐ، در ایلامی باستان به صورت ag-ma-da-na، در اکدی به صورت a-ga-ma-ta-nu، و در یونانی (در اثر هروdot) به صورت Ἀγβάτανα و در نوشته های آریستوفان و آیسخولوس (یا ایشیل) به صورت Ἑκβάτανα (اکباتان) به کار رفته است (Kent, 1950, p212).

۱. برای نمونه تفسیر سفر عزرا؛ الأصحاح السادس:

<https://www.coptstoday.com/Archive/Detail.php?id=544>

۲. قاموس الكتاب المقدس؛ دائرة المعارف الكتابية المسيحية: شرح كلمة أَحْمَنَّا/أَحْمَنَّا: اسم آرامی من الاسم الفارسی القديم «هگمتانا» Ecbatana و هی عاصمة میدیا Media و قد وجد بها درج مکتوب فيه أمر كورش ببناء الهيكل في أورشليم (عزرا ۲:۶)؛ و اسمها باليونانية أكبتانا و ... أحمنا Achmetha كانت عاصمة أستياجس Astyages، والتي أخذت عن طريق الأمبراطور الفارسی سيروس Cyrus الأعظم ... وقد ذكرت أحمنا في الكتاب المقدس في (سفر عزرا ۲:۶) باسم «أحمنا»:

https://st-takla.org/Full-Free-Coptic-Books/FreeCopticBooks-002-Holy-Arabic-Bible-Dictionary/01_A/A_109.html

۳. در عربی هم به همین صورت ܐܚܡܢܐ با تلفظ ahmetha است (به نقل از پروفیسور کهن).

۷. کاوش در بابل، یابش در ماد

پس از بحث درباره معنی احمنا، بازمی گردیم به بررسی محتوای مطلب. «پس اگر پادشاه مصلحت داند، در خزانه پادشاه که در بابل است تفحص کنند... آنگاه داریوش پادشاه فرمان داد تا در کتابخانه بابل که خزانه ها در آن موضوع بود تفحص کردند و در قصر احمنا که در ولایت مادیان است طوماری یافت شد و...» (کتاب عزرا به نقل از قائم مقامی، ۱۳۵۰، ص ۲۸).

از این مطلب چنین برداشت می شود که خزانه پادشاه که در کتابخانه بابل قرار داشته جست و جو شده است؛ ولی مشخص نیست چرا طومار در قصری در ولایت ماد پیدا شده است؟ جالب است که هیچ یک از منابعی که در بخش آغازین این مقاله از آن ها یاد شد و از کتاب قائم مقامی استفاده کرده اند -از جمله خودش- به این نکته اشاره نکرده اند و از کنار آن گذشته اند. ولی قبل از همه آن ها لوی (۱۳۳۴، ج ۱، ص ۲۵۳) در نقل ترجمه

این قسمت از کتاب عزرا، قدری متفاوت عمل کرده است. او در ترجمه حرف ربط بین بندهای ۱ و ۲ فصل ششم، به جای «واو عطف»، از حرف ربط هم‌پایه ساز «ولی» استفاده کرده و در واقع، ظاهراً چنین برداشت کرده است که در این بند نوعی تناقض معنایی وجود دارد و به نوعی آن را اصلاح کرده است:

آنگاه داریوش پادشاه فرمان داد تا در کتاب‌خانه بابل که خزانه‌ها در آنجا بود تفحص کردند؛ ولی در قصر احتما (همدان) که در ولایت ماد است، طوماری یافت شد و تذکره‌ای که در آن بدین مضمون مکتوب بود...

گرچه این تغییر، مسئله را حل می‌کند، ولی این گفته با اصل متن برابر نیست و الحاقیه‌ای مبتنی بر تفسیری جدید تلقی می‌شود.

درمقابل، برخی محققان (به نقل از: Fensham, 1982, p128) بر این نظرند که در اینجا بابل اصطلاحی گسترده‌تر از نام یک شهر است؛ یعنی متن به نام استان و نه به نام شهر اشاره می‌کند.

از طرف دیگر، براساس نوشته‌های گزنفون به نقل از: (Grabbe, 1998, P21) کوروش، زمستان را در بابل به سر می‌برد، بهار را در شوش و تابستان را در اکباتان؛ بنابراین ممکن است جست‌وجو براساس دستور داریوش از شهر بابل آغاز شده باشد، ولی سرانجام این فرمان در اکباتان کشف شده باشد.

به ادامه متن و موضوع کتاب‌خانه بابل بازگردیم. برای بررسی دقیق‌تر مسئله، فصل پنجم، بند ۱۷، (صص ۸۹۲-۸۹۳) و فصل ششم، بندهای ۱ و ۲، (ص ۸۳۹) از کتاب عزرا را بازمی‌خوانیم:

۵^(۱۷): پس حال اگر به مَلِک خوش آید در خزانه‌خانه^۱ مَلِک که در بابل است تفحص کرده شود که آیا چنین باشد که از کورش مَلِک فرمانی به خصوص بنامودن این خانه خدا در اورشلیم صادر گردیده است و مَلِک، مراد خود را درباره این کار به ما بفرستد.

۶^(۱۸): آنگاه داراؤس مَلِک فرمان داد که در کتاب‌خانه، جایی که خزینه‌های بابل محفوظ بود تفحص کرده شود. ۶^(۱۹): و در اَحْمِثا در بارگاه کشور مداین طوماری یافت شد و در آن تذکره [ای] بدین مضمون نوشته بود. ۶^(۲۰): در سال...

در ترجمه‌ای جدیدتر (کتاب مقدس ترسایان: عزرا، ۲۰۰۳، ص ۲۲) چنین آمده است: ۶^(۱۸): آنگاه داریوش پادشاه، دستور داد تا در خانه‌خزانه‌ها، جایی که بایگانی را در بابل اقرار می‌دادند، تحقیقاتی به عمل آورند. ۶^(۱۹): و در اکباتان، دژی که در ایالت ماد است، طوماری یافتند که بر آن چنین نوشته شده بود: یادداشت^۵.

۱. در ترجمه‌ای دیگر (کتاب مقدس ترسایان: عزرا، ۲۰۰۳، ص ۲۱) به جای «خزانه‌خانه»، ترکیب «خانه‌خانه‌ها» آمده و اشاره شده است که «منظور، آن بخش از کاخ سلطنتی است که اشیاء قیمتی و بایگانی پادشاهان نگهداری می‌شد» (کتاب مقدس ترسایان: عزرا، ۲۰۰۳، ص ۲۲، زیرنویس d).
۲. «کلمه «بابل» در معنای کلی، احتمالاً بر تمام سرزمین دلالت دارد» (کتاب مقدس ترسایان: عزرا، ۲۰۰۳، ص ۲۲، زیرنویس f).
۳. «تحت اللفظی: «در خانه کتاب‌های خزانه‌های به امانت گذاشته شده» (کتاب مقدس ترسایان: عزرا، ۲۰۰۳، ص ۲۲، زیرنویس e).
۴. «تحت اللفظی: «احتمالاً»، یعنی اکباتان یا همان هگمتانه (کتاب مقدس ترسایان: عزرا، ۲۰۰۳، ص ۲۲، زیرنویس g).
۵. «تحت اللفظی: «یادگار» یا «یادنامه» که دلالت دارد بر سندی که در بایگانی نگهداری می‌شود» (کتاب مقدس ترسایان: عزرا، ۲۰۰۳، ص ۲۲، زیرنویس h).



در ترجمه‌ای انگلیسی از همین بندها آمده‌است:

٦^(۱): THEN King Darius made a decree, and they searched the archives where the documents were stored in Babylon. 6⁽²⁾: But it was in Ecbatana, the capital in the province of Media, that a scroll was found on which this was written: "A record". (Holy Bible: NRSV, 2009, p611).

همچنان که مشاهده می‌شود در ترجمه فارسی کتاب عزرا، فصل ششم، بند ۱، عبارت «کتاب‌خانه جایی که خزینه‌های بابل» و در ترجمه‌ای دیگر «خانه‌خزانه‌ها، جایی که بایگانی را در بابل» آمده‌است؛ در صورتی که در انگلیسی، این عبارت به آرشیو the archives where the documents were stored in Babylon ترجمه شده‌است. در ترجمه‌های انگلیسی دیگری از همین بند به آرشیو سلطنتی بابل (van Wijk-Bos, 1998, p13, p30)، و حتی آرشیو اکباتان (Blenkinsopp, 2001, p45) اشاره شده‌است. ترجمه عهد عتیق از همین بند نیز به آرشیو سلطنتی که مدارک^۱ در آن نگهداری می‌شوند، اشاره دارد^۲ (Holy Bible: NRSV, 2009, p611).

استفاده از واژه‌های کتاب‌خانه، آرشیو سلطنتی و خزانه در ترجمه‌های انگلیسی و فارسی کتاب عزرا، ضرورت خوانش متن عبری را پیش آورد.

موضوع را با استاد پروفسور گوئل کهن در میان گذاشتم و از ایشان درخواست کردم تا موضوع را با متن اصلی عبری مقایسه کنند. نتیجه بررسی مقایسه‌ای فارسی، انگلیسی و عبری نشان داد که در اصل بند به زبان عبری: **בְּבֵית סֵפֶרֶן דִּי גִּבְרִיָּא** آمده‌است: Search was made in the house of the rolls, where محل طومارهای موجود در آرشیو در گنجینه.

(**בְּבֵית סֵפֶרֶן**): کتاب‌خانه (یا محل نگهداری طومارها). تورات خطی هنوز هم در کنیسه‌های یهودیان به صورت طومار یا صحیفه یکپارچه به صورت رول در محل یا اتاق ویژه‌ای به عنوان مقدس‌ترین مکان کنیسه نگهداری می‌شود.

در اصل بند به زبان عبری: **דִּי גִּבְרִיָּא מְהַבְּרִין תְּמָה** به کار رفته‌است: «در جا یا محلی که خزانه‌ها (گنجینه‌ها) نگهداری می‌شود».^۳ پولاسکی (Polaski, 2012, p46, note 27) نیز با استناد به واژه‌های هم‌ریشه با واژه آرامی به کار رفته در کتاب عزرا **דַּכְרָנַיָּא** [Dachrannaya] (فصل ۴، بند ۱۵) و **דִּכְרֻנָּה** [Dichrunna] (فصل ۶ بند ۲) و با اشاره به فصل ۶، بند ۱ کتاب استر **סֵפֶר הַדְּבָרִים הַיְמִיִּם**: کتاب ثبت وقایع تاریخ [روزگار]، نتیجه گرفته که این واژه در معنای آرشیو به کار رفته‌است.

1. documents

۲. کوگان و دیگران در توضیحات بند سه تا پنج این فصل، در زیرنویس (Coogan & other, ۲۰۱۸, p۶۸۳) به نکته‌ای مهم اشاره کرده‌اند که نسخه یافت‌شده از فرمان کوروش در قصر احمنا که بر ابعاد و ساخت بنا تأکید دارد، نسخه آرشیوی فرمان بوده‌است؛ در مقابل نسخه عمومی آن که در بندهای یک تا چهار فصل اول کتاب عزرا به آن اشاره شده‌است و ادعان دارند که رابطه بین این دو نسخه مشخص نیست.

۳. ترجمه مقایسه‌ای انگلیسی، فارسی و عبری، از پروفسور گوئل کهن است.



نکته دیگری در بند پانزدهم فصل چهارم کتاب عزرا (ص ۸۹۰)، آمده است که از نظر بررسی آرشو در این دوران اهمیت دارد: «تا آنکه در کتاب تواریخ اجدادت تفتیش کرده شود»^۱.

در ترجمه انگلیسی هم به «سالنامه‌های نیاکان» اشاره شده است:

So that a search may be made in the annals of your ancestors. You will discover in the annals that this is a rebellious city ... (Holy Bible: NRSV, 2009, p610).

در ترجمه‌ای دیگر (کتاب مقدس ترسیان: عزرا، ۲۰۰۳، ص ۱۹)، عبارت «یادنامه پدرانت» آمده است.

مترجمان فارسی کتاب عزرا (۲۰۰۳، ص ۱۹، زیرنویس x)، با ارجاع به بند ۲۳ فصل دوم و بند نخست فصل ششم کتاب استر، منظور از یادنامه را «گزارش‌های قدیمی درباره» دانسته‌اند.

ریپکا (۱۳۸۱، صص ۴۷-۴۸) نیز با اشاره به کتاب استر در این باره نوشته است: به شهادت کتاب استر در بخش عهد عتیق کتاب مقدس [تورات]، در درباره ایران باستان وقایع‌نویسی معمول بود.^۲ پادشاه اخشوروش^۳ (خشایارشا؟) چون خوابش نمی‌برد دستور داد برایش کتاب تاریخ (سفر هزیکرونوت^۴) بخوانند. کتاب مقدس این نام را با کلمات دبیره حیامیم^۵ [דְּבִירֵי הַיָּמִים] که به آن اضافه کرده است «کتاب تذکره تواریخ ایام»^۶ معنی می‌کند. اولین تسمیه‌ای که به عمل آمد، به‌طور شگفت‌انگیزی، نام یونانی این گونه نوشته‌ها را در روزگار ساسانیان به‌خاطر می‌آورد که آگاتیاس^۷ آن را خاطرات شاهانه^۸ نامیده است. شاید عنوان قدیمی سالنامه‌های شاهی تا زمان ساسانیان به‌جای مانده بوده است.

ولی منظور از تواریخ اجداد، یادنامه پدران، دبیره حیامیم، تذکره تواریخ ایام، خاطرات شاهانه یا سالنامه‌های شاهی، در تورات/کتاب عزرا و کتاب استر دقیقاً چیست و با کتاب‌خانه و آرشو چه ارتباطی دارد؟

برای پاسخ به این پرسش بهتر است دیگر بار به منبع اصلی مراجعه کنیم. اصل بند ۱۵ از فصل ۴ در کتاب عزرا به زبان عبری چنین است: לִי בְּמֶלֶךְ בְּסֶפֶר דְּכִנְיָא דִּי בְּאֶחָדָא:

that search may be made in the book of the records of your fathers

عبارت בֵּית סֶפֶרִיא دو بار در این بند آمده است. بار دوم چنین است: אֲתִנְשָׁכָּח בְּסֶפֶר דְּכִנְיָא אֲתִנְדַּע:

so you shall find in the book of the records, and learn that

کتاب سوابق یا دفتر کل ثبت موجودی‌ها (یا همان بانک اطلاعاتی امروزی که با

۱. یزدان‌پرست لاریجانی (۱۳۹۰، ص ۹۷) این کتاب‌ها را درآمدی بر خدای‌نامه‌ها یا شاه‌نامه‌های دوران بعد دانسته است.
۲. ریپکا (۱۳۸۱، ص ۴۷، زیرنویس ۵) در این قسمت شواهدی از کتاب استر به این شرح نقل کرده است: «پس این امر را تفحص نموده صحیح یافتند و هر دوی ایشان را بر دار کشیدند و این قصه در حضور پادشاه در کتاب تواریخ ایام مرقوم شد» (استر، فصل ۲، بند ۲۳)؛ و: «در آن شب خواب از پادشاه برفت و امر فرمود کتاب تذکره تواریخ ایام را بیاورند تا آن را در حضور پادشاه بخوانند» (استر، فصل ۶، بند ۱)؛ و نیز: «آیا در کتاب تواریخ ایام پادشاهان مادی و فارس مکتوب نیست؟» (استر، فصل ۱۰، بند ۲).

3. Achasweros
۴. کتاب خاطرات [یا ثبت وقایع/ رویدادها]: sefer hazzichronot [در واقع سفر هزیکرونوت סֶפֶר הַזִּכְרוֹנוֹת صحیح است] (به نقل از پروفیسور کهن).
۵. دبیره حیامیم dire hayyamim به زبان عبری به معنای [ایمان] وقایع [روزانه] (هریک از روزهاست) (به نقل از ریپکا، ۱۳۸۱، ص ۴۷، زیرنویس ۸).
۶. کمی قبل به نقل از ریپکا (۱۳۸۱، ص ۴۷، زیرنویس ۵) به این نکته اشاره شد.
۷. آگاتیاس Agathias ملقب به Scholastikos، شاعر و مورخ یونانی از مردم آسیای صغیر (۵۲۶-۵۸۲ م) در جوانی به ادبیات پرداخت و اشعاری عاشقانه (Erotika) سرود؛ سپس، متوجه تاریخ‌نویسی شد. کتاب تاریخش شامل پنج جلد است. مأخذش برای توصیف جنگ‌های ایران وقایع‌نامه‌های ایرانی بوده که سرگوس مترجم برای او تهیه و ترجمه کرده است. (آخر این بخش «نوشته‌های یازمین دوران ساسانیان») مأخذ از مقاله "Reitzenstein" در Paulys Real-Encyclopaedie ج ۱/۱، ص ۴۸-۴۷ (به نقل از ریپکا، ۱۳۸۱، ص ۴۷-۴۸، زیرنویس).
8. basilika apomnemeumata



استفاده از آن، فرآیند جست‌وجو یا سرچ را انجام می‌دهیم؛ در واقع در متن عبری کتاب عزرا، واژه סֵפֶר: SEFER با تلفظ فونتیکی (séfer)، اسم مذکر به معنی «کتاب» است. واژه دیگری که در این ارتباط در کتاب عزرا آمده است، خزانه است. در بند ۱۷ فصل پنجم در ترجمه فارسی «خزانه پادشاه» و در ترجمه‌های انگلیسی عبارات in the king's treasure house و in the royal archives آمده است. در اصل بند به زبان عبری عبارت הַבַּיִת הַלְלוֹתָ דֵּי מְלָכָא به کار رفته است.^۱

בֵּית یا בֵּית در زبان عبری به معنی خانه است. הַבַּיִת: گینزیا در زبان عبری کلاسیک به معنای خزانه یا گنجینه و آرشیو است. شایان ذکر است که در زبان عبری مدرن از صورت عبری شده واژه فرانسوی آرشیو، یعنی «אַרְכִיב» Arkiv یا «אַרְכִיון» Arkion نیز استفاده می‌شود.^۲

در قاموس کتاب مقدس (هاکس، ۱۳۹۴، ص ۲۰)، ذیل مدخل احمتا همین واژه به اداره ضبط مراسلات ترجمه شده است. در بند ۲۰ فصل هفتم کتاب عزرا (ص ۸۹۶) آمده است: «و بقیه ضروریات خانه خدایت که بر تو لازم است که بدهی از خزینه خانه ملک بده؛ و در ترجمه‌ای جدیدتر از این بند (کتاب مقدس ترسایان: عزرا، ۲۰۰۳، ص ۲۶)، آمده است:

و آنچه که باز برای خانه خدایت لازم است و برعهده‌ات می‌باشد که تهیه کنی، آن را به هزینه خزانه سلطنتی تهیه خواهی کرد.

And whatever else is required for the house of your God, which you are responsible for providing, you may provide out of the king's treasury (Holy Bible: NRSV, 2009, p613).

اصل بند به زبان عبری این چنین است: הַבַּיִת הַלְלוֹתָ דֵּי מְלָכָא: از خزانه سلطنتی.

۸. قصر احمتا خزانه شاهان هخامنشی یا مادی؟

پیش از این درباره برداشت دیگری که می‌توان از این متن داشت صحبت شده است (عزیزی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶)؛ ولی لازم است برای تکمیل آن بحث و مقاله حاضر، این موضوع بار دیگر با شواهد و برداشت‌هایی تازه بررسی شود. آنچنان که از کتاب عزرا برمی‌آید، دست کم یکی از خزانه‌هایی که در آن اسناد نگهداری می‌شده، در حوزه جغرافیایی ماد قرار داشته است و دست کم از زمان کورش هخامنشی فعال بوده است. اطلاعات دیگر نیز بر این موضوع صحه می‌گذارد. برای نمونه آگاهی‌هایی موجود است که در هر سه پایتخت امپراتوری هخامنشی یعنی شوش، بابل و اکباتان، آرشیو سلطنتی وجود داشته است

۱. ترجمه فارسی لغات عبری از پروفیسور گوئل کهن است.
۲. گنج در فارسی و کنز در عربی.
۳. ترجمه مقایسه‌ای انگلیسی، فارسی و عبری از پروفیسور گوئل کهن است.

و می‌دانیم که نویسنده کتاب استر، در آرشیو سلطنتی شوش کار می‌کرده است (Sayce, 1889, p104). هم‌چنین از طریق آگاهی‌هایی که توسط کتزیاس (کتسیاس)^۱، پزشک دربار داریوش دوم و پسر و جانشین او اردشیر دوم (خدادادیان، ۱۳۷۶، ص ۱۴۵)، به‌دست ما رسیده است می‌دانیم در این آرشیوها اسنادی بر کاغذهای پوستی (پارشمن) وجود داشته است (Sayce, 1889, p104) و اسنادی که در این آرشیوها نگهداری می‌شده از لحاظ موضوعی متنوع بوده است. برای مثال کتزیاس بیان کرده است که نام پادشاهان آشور را از آرشیوهای سلطنتی پارسی به‌دست آورده است (Fried, 2012, p18).

پس شواهد تاریخی و گواهی‌های عرضه‌شده فوق از مورخان دوران باستان، بر وجود آرشیو سلطنتی در سرزمین ماد و در شهر هگمتانه در دوران شاهان هخامنشی دلالت دارند؛ ولی این شواهد به‌تنهایی نمی‌توانند تأییدی بر وجود آن آرشیو در دوران مادها باشند؛ در اینجا ناگزیر باید از شواهد دیگری مدد گرفت.

براساس گفته هروودوت (۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۸۰) -که کتابش را در حدود سال ۴۴۰ پیش از میلاد نوشته است- رسم دیوکس/دیاکو (۷۰۱-۶۵۵ ق.م) پادشاه ماد، چنین بود که «خلاصه مرافعات را کتباً برای او به قصر می‌فرستادند و او برای هر کاری که به او مراجعه می‌شد، پس از قضاوت، حکمی صادر می‌کرد و پس می‌فرستاد». پس در سرزمین ماد استفاده از خط و نوشته رواج داشته است؛ ولی این نکته هم بر وجود آرشیو و نگهداری اسناد دلالت ندارد.

درباره احماتا، اکماتا، اکباتان یا هگمتانه پیش از این صحبت شد. بازهم بنابه گواهی هروودوت (۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۸۷) می‌دانیم یکی از خزانه‌های مهم دوران مادها، خزانه سلطنتی اکباتان بوده است:

وقتی دیوکس... سلطه خود را مستقر یافت، مادها را مجبور کرد شهری واحد برای خود بسازند و تمام کوشش خود را در آن به‌کار اندازند و دیگر توجهی به دهکده‌های قدیم خود نداشته باشند. چون در این امر نیز مادها از او پیروی کردند، او به ساختن قلعه‌ای وسیع و مستحکم دست زد که حصارهایی متمرکز از داخل گرد آن قرار داشت. این همان قلعه‌ای است که امروز اکباتان نامیده می‌شود.

طرز قرار گرفتن این حصارها طوری بود که هریک از آن‌ها فقط به اندازه دندان‌های خود از حصار مقدم، بلندتر بود. وضع طبیعی این نقطه -که به‌صورت تپه‌ای مجزا از دیگر قسمت‌هاست- تا اندازه‌ای به پیش‌آمد این وضع کمک کرده است. باین حال، این طرز ساختن حصار تا اندازه زیادی عمداً چنین انجام شده است.

جمعاً تعداد هفت حصار موجود است و کاخ شاهی و خزاین پادشاه در داخل آخرین

1. Ktesias (Ctesias)

۲. خدادادیان، ۱۳۷۶، ص ۱۲۹.



حصار قرار دارد. طول طویل‌ترین این حصارها با طول حصار آتن برابر است. این پنج حصار هریک دندانه‌هایی به رنگ‌های مختلف دارند که چنین است: حصار اول به رنگ سفید، حصار دوم به رنگ سیاه، حصار سوم ارغوانی، حصار چهارم آبی و حصار پنجم سرخ نارنجی‌رنگ؛ و اما دو حصار آخر، یعنی حصار ششم و هفتم یکی نقره‌ای‌فام و دیگری طلایی‌رنگ است.

نوشتار هروودوت هم تأکیدی است بر وجود خزانه پادشاهی ماد در درونی‌ترین قسمت باروها و حصارهای هفت‌گانه؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد می‌توان شروع نگهداری اسناد و مدارک را در محلی معین در ایران، فراتر از دوران هخامنشی و به دوران مادها^۱ بازگرداند.

۹. نتیجه‌گیری

باتوجه به نکات مطرح‌شده به‌طور خلاصه باید خاطر نشان کرد:

«به مفهوم دقیق کلمه»، هر سه مفهوم، یعنی، هم اصطلاح آرشیو (ארכיון, ארכיון, בית) هم اصطلاح کتاب‌خانه (בית ספר) و هم اصطلاح دفتر کل ثبت اطلاعات^۲ (בספר דכר)؛ به‌عنوان شاهی بر وجودشان در ایران باستان، به‌طور مجزا در کتاب عدرا آمده‌اند.

نکته دیگر آنکه تقریباً همه نویسندگان یادشده در آغاز این مقاله، به‌تبعیت از قائم‌مقامی سابقه وجود آرشیو در ایران را به دوره هخامنشی بازگردانده‌اند؛ بدون آنکه برای راستی‌آزمایی نظر او تلاشی بکنند و یا دست‌کم به منبع اصلی (یعنی کتاب عدرا به زبان عبری و حتی به زبان انگلیسی یا فارسی محدودی که وجود دارد) مراجعه کنند! دیگر آنکه تقریباً هیچ‌یک از این افراد به منبعی غیر از کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی یا ارجاعات منتج از آن مراجعه نکرده‌اند و یا دست‌کم ارجاعی مستقیم یا دقیق به منبعی دیگر نداده‌اند. باتوجه به آن‌که اغلب این افراد، در رشته‌ای غیر از تاریخ تحصیل کرده‌اند، آیا می‌توان نتیجه گرفت که ناآشنایی با روش تحقیق در تاریخ (به‌ویژه نقد درونی و بیرونی رویدادها) در کاستی‌های مطرح‌شده، دخیل بوده است؟

پژوهش‌آتی

آنچه گفته شد با تکیه بر منابع نوشتاری تاریخی درباره وجود آرشیو در دوران هخامنشی است که تداومی از دوران ماد بوده است. شواهدی باستان‌شناختی مانند کشفیات هفت‌تپه و تل‌ملیان از نگهداری اسناد نزد عیلامیان -پیش از تثبیت حکومت مادها- نیز موجود است که خود می‌تواند موضوع پژوهش‌های بعدی درباره تعیین محل‌های نگهداری، تشریح موضوع

۱. پیش‌ازاین، عزیزی (۱۳۸۶، ص ۱۰۶) هم با دلایل و شواهدی کمتر این را حدس زده بود.
۲. یا بانک اطلاعاتی به‌مفهوم کنونی.

اسناد و مدارک، و شواهد تاریخی دال بر نگهداری اسناد و مدارک در سرزمین ایران باشد.

تشکر

از زحمات استاد فروتن جناب آقای پروفسور گوئل کهن، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

منبع

کتاب

- پیرنیا (مشیرالدوله)، حسن. (۱۳۷۵). *ایران باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم*. (ج ۱ و ۲). تهران: دنیای کتاب.
- خدادادیان، اردشیر. (۱۳۷۶). *آریایی‌ها و مادها*. تهران: اصالت انتشار.
- دیانی، محمدحسین. (۱۳۷۷). *مقدمه‌ای بر آرشو*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ریپکا، یان. (۱۳۸۱). *تاریخ ادبیات ایران: از دوران باستان تا قاجاریه*. (عیسی شهابی، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۳). *کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران*. (سیدمهدی تقوی، ناظر). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری انتشارات تماشاگران و مؤسسه فرهنگی هنری عصر توسعه دانش، صص ۱۴-۱۵ و ۱۶-۱۷.
- سازمان امور اداری و استخدامی. (۱۳۶۳). *لزوم و اهمیت آرشو ملی و مرکز بایگانی راکد کشور*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران (تکثیر مجدد).
- عزیزی، یوسف. (۱۳۸۰). *داستان پیامبران یا قصه‌های قرآن از آدم تا خاتم*. تهران: انتشارات هاد.
- فدائی عراقی، غلامرضا. (۱۳۷۷). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشو*. تهران: سمت.
- قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- کتاب مقدس. (۱۳۸۰). *کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید*. (فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، مترجمان). تهران: اساطیر، ۱۳۸۰، جلد ۲ در یک مجلد.
- کتاب مقدس. (۲۰۰۳). *کتاب مقدس ترسایان (ترجمه خاص): عزرا*. (مقدمه و توضیحات طبق ترجمه بین‌الکلیسایی کتاب مقدس؛ سطح عالی). بی‌جا: بی‌نا. عنوان انگلیسی: TARSAYAN BIBLE (Literal Persian Translation). Introduction, notes & margin: TOB. (2003).
- لوی، حبیب. (۱۳۳۴). *تاریخ یهود ایران*. (ج ۱). تهران: کتاب‌فروشی یهودا بروخیم.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. (ج ۷). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ملایری، محمدمهدی. (۱۳۷۹). *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*. (جلد ۶). تهران: توس.



هاکس، جیمز. (۱۳۹۴). *قاموس کتاب مقدس*. (چ ۴). تهران: انتشارات اساطیر.

هرودوت. (۱۳۸۲). *تاریخ هرودوت*. (ج ۱). (چ ۲). (هادی هدایتی، مترجم و حاشیه‌نویس). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

هیل، توماس؛ تورسون، استیفان. (۲۰۰۷). *تفسیر کاربردی عهد قدیم*. (داود کاظمیان، مترجم). ناشر: David C. Cook، محل نشر: Colorado Springs, U.S.A.

یزدان‌پرست لاریجانی، محمدحمید. (۱۳۹۰). *ایران و ایرانیان در متون مقدس: اوستا، تورات، انجیل، قرآن و حدیث*. تهران: اطلاعات.

مقاله

بادامچی، حسین؛ فروتن، کیان. (۱۳۹۴). «مسأله اعتبار فرمان‌های آرامی شاهان هخامنشی در کتاب عزرا». *مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ*، سال ششم، شماره ۲۳، بهار، صص ۱-۱۸.

بادامچی، حسین؛ نوروزی، ایمان. (۱۳۹۱). «تحلیل روایت یهودیان از بازسازی معبد یهودیه در عهد هخامنشیان». *مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ*، سال سوم، شماره ۱۱، بهار، صص ۱۳-۳۲.

بقائی، محمد. (۱۳۸۱). «نگاهی به آرشیو و عملکرد آن در ایران». *کتاب ماه کلیات*، شماره ۵۸-۵۹ (مهر و آبان ۱۳۸۱)، صص ۲۸-۳۵.

تازکی، محمدرضا. (۱۳۸۴). «آرشیو، تاریخ و جایگاه آن در ایران». *روزنامه قدس*، (۹ مهر ۱۳۸۴)، ص ۱۴.

دهقانی، موسی‌رضا. (۱۳۷۹). «تاریخچه آرشیو در ایران». گزارش چاپ‌نشده سازمان اسناد ملی ایران، صص ۱۲-۱۳.

رحمانی، عنایت‌الله. (۱۳۸۴). «تاریخچه آرشیو در ایران». فصل‌نامه یاد، شماره ۷۷، ص ۵۳.

سازمان اسناد ملی ایران. (۱۳۷۴). «آشنایی با سازمان اسناد ملی ایران». فصل‌نامه گنجینه اسناد، سال پنجم، (بهار و تابستان)، ص ۱۰.

سودبخش، لیلا؛ مروتی، مرضیه. (۱۳۸۸). «آرشیو و آرشیویست در منابع مرجع». در: *آرشیو، کتاب‌خانه و موزه: وجوه اشتراک و افتراق*. (دکتر سعید رضایی شریف‌آبادی و نگین نکومنظری، کوشش‌گران). تهران: کتابدار. صص ۵۳-۶۶.

صادق‌پور بالائی، فاطمه. (۱۳۸۵). «تاریخچه آرشیو در ایران». *پیام بهارستان*، شماره ۵۸، صص ۶-۱۱.

صادقیان، نادعلی. (۱۳۸۴). «مرکز بایگانی راکد کل کشور، شمعی ناپایدار در تشکیلات اداری ایران». فصل‌نامه گنجینه اسناد، سال ۱۵، دفتر ۴، شماره پیاپی ۶۰ (زمستان)، صص ۹۵-۹۶.

صمیعی، میترا. (۱۳۸۱). «آرشیو». در: *دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*. (ج ۱). (عباس حری، ویراستار). تهران: سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی ایران، ص ۱۹.

عزیزی، غلامرضا. (۱۳۸۶). «نمونه‌هایی از سرگذشت آرشیو در ایران». *گنجینه اسناد*، شماره ۶۵، بهار، صص ۱۰۵-۱۲۰.

غلامی جلیسه، مجید. (۲۰۱۲). «ترجمه‌های چاپی کتاب مقدس به زبان فارسی تا قرن بیستم میلادی». *ایران‌نامه*، سال ۲۷، شماره ۴، صص ۶۲-۷۷.

فتح‌اله‌زاده، فرحناز. (۱۳۹۳). «رویکردی جدید به ضرورت تدوین نظام ملی آرشیوی در کشور». در: *مدیریت آرشیو و اسناد، جلد اول: مجموعه مقالات دومین همایش ملی آرشیوی (آرشیو برای همه)*. (ندا رسولی، کوشش گر). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. صص ۱۴۷-۱۶۸.

کیانی هفت‌لنگ، کیانوش. (۱۳۸۳). «تاریخچه آرشیو در ایران». *عصر اقتصاد*، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۳. کیانی هفت‌لنگ، کیانوش. (۱۳۸۵). «سازمان اسناد ملی ایران». در: *دائرة المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*. (ج ۲). (فریبرز خسروی، ناظر؛ ابراهیم افشار، سرویراستار؛ با همکاری سودابه نوذری). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، صص ۹۹۰-۹۹۲.

نوروزی، حامد. (۱۳۹۱). «معرفی و بررسی برخی ویژگی‌های اسفار خمسه لندن (PL): قدیمی‌ترین ترجمه تاریخ‌دار تورات به خط فارسی عبری». *پژوهش‌های ایران‌شناسی*. س ۲، ش ۲، صص ۱۰۵-۱۲۳. وهابی، فتانه. (۱۳۹۳). «آرشیو در ایران (بررسی تاریخچه‌ای)». در: *آرشیو و آرشیوداری: مجموعه مقاله‌های نخستین همایش ملی آرشیوی (آرشیو برای همه)*. (غلامرضا عزیزی، کوشش گر). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. صص ۲۶۹-۲۹۰.

پایان‌نامه

ترکاشوند، فتانه. (۱۳۹۴). «ارائه الگوی پیشنهادی برای تدوین اصطلاح‌نامه آرشیو ملی ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، گرایش اطلاع‌رسانی. استاد راهنما: دکتر فریبرز خسروی. استاد مشاور: دکتر فهیمه باب‌الحوائجی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی.

دالوند، معصومه. (۱۳۸۷). «بررسی ویژگی محتوایی وب‌سایت‌های آرشیوهای ملی جهان و نظرات صاحب‌نظران آرشیو در ایران به منظور ارائه الگوی بهینه وب‌سایت آرشیو ملی جمهوری اسلامی ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه شهید چمران، اهواز. استاد راهنما: دکتر عبدالحسین فرح‌پهلوی؛ اساتید مشاور: دکتر سعید رضایی شریف‌آبادی و دکتر عبدالحمید معرف‌زاده.

زارعی، مریم. (۱۳۹۶). «امکان‌سنجی ایجاد آرشیو در دفتر بررسی سوانح و حوادث سازمان هواپیمایی کشوری». استاد راهنما: دکتر معصومه کربلا آقائی کامران. استاد مشاور: دکتر سعید رضایی شریف‌آبادی. گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی. پایان‌نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته مطالعات آرشیوی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا (س).



صوفی، ژاله. (۱۳۶۶). «تاریخچه، اهداف، وظایف و تشکیلات سازمان اسناد ملی ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران. استاد راهنما: ماندانا صدیق بهزادی.

منابع لاتین

- Blenkinsopp, Joseph. (2001). "Was the Pentateuch the Civic and Religious Constitution of the Jewish Ethnos in the Persian Period?". In: *Persia and Torah: The Theory of Imperial Authorization of the Pentateuch*. (James W. Watts, Editor). Atlanta: Society of Biblical Literature.
- Coogan, Michael David; Marc Zvi Brettler, Carol A. Newsom & Pheme Perkins. (2018). *The New Oxford Annotated Bible: New Revised Standard Version- An Ecumenical Study Bible*. Oxford University Press; Fully revised fifth edition.
- Fensham, F.(Frank) Charles. (1982). *The books of Ezra and Nehemiah*. Grand Rapids, Mich.: Eerdmans.
- Fried, Lisbeth s. (2012). "Ezra's Use of Documents in the Context of Hellenistic Rules of Rhetoric". In: *New perspectives on Ezra-Nehemiah: history and historiography, text, literature, and interpretation*. (Kalimi, Isaac, editor). Winona Lake, Indiana Eisenbrauns.
- Grabbe, Lester L. (1998). *Ezra-Nehemiah*. Routledge: London and New York. (Taylor & Francis e-Library, 2005. e-book ISBN 0-203-98155-3).
- Grabbe, Lester L. (2006). "The "Persian Documents" in the Book of Ezra: Are They Authentic?". In: *Judah and the Judeans in the Persian period*. (Oded Lipschits and Manfred Oeming, editors). Winona Lake, Indiana, Eisenbrauns. PP 531-570.
- Graham, M. Patrick. (1998). "The "Chronicler's History" (Ezra, Nehemiah, Chronicles)". In: *The Hebrew Bible today: an introduction to critical issues*. (Steven L. McKenzie and M. Patrick Graham, editors). (pp 201-216).
- Holy Bible*: NRSV (New Revised Standard Version). (2009). by Harper Bibles, Harper One; Catholic edition (2009-11-20). ASIN: B019TLAI52.
- Kent, Roland G. (Grubb). (1950). *Old Persian: grammar, texts, lexicon*. American oriental society, New Haven.
- Lipschits, Oded and Manfred Oeming. eds. (2006). *Judah and the Judeans in the*



- Persian Period*. Winona Lake, Indiana, Eisenbrauns.
- Polersen, Olof. (1998). *Archives and libraries in the ancient Near East, 1500-300 B.C.* CDL Press, Bethesda, Maryland.
- Polaski, don. (2012). "Nehemiah: Subject of the Empire, Subject of Writing". In: *New perspectives on Ezra-Nehemiah: history and historiography, text, literature, and interpretation*. (Kalimi, Isaac, editor). Winona Lake, Indiana Eisenbrauns.
- Sayce, Archibald Henry. (1889). *An Introduction to The Books of Ezra, Nehemiah & Esther*. London: The Religious Tract Society.
- Throntveit, Mark A. (1992). *Ezra-Nehemiah: Interpretation: a Bible commentary for teaching and preaching*. John Knox Press, Louisville, Kentucky.
- Van Wijk-Bos, Johanna W. H. (1998). *Ezra, Nehemiah, and Esther*. Westminster John Knox Press, Louisville, Kentucky.
- Watts, James W. Editor. (2001). *Persia and Torah: The Theory of Imperial Authorization of the Pentateuch*. Atlanta: Society of Biblical Literature.

منابع اینترنتی

- قاموس الكتاب المقدس؛ دائرة المعارف الكتابية المسيحية. شرح كلمة أَحْمَنًا | أَحْمَتًا. في:
https://st-takla.org/Full-Free-Coptic-Books/FreeCopticBooks-002-Holy-Arabic-Bible-Dictionary/01_A/A_109.html
- فكري، انطونيوس. تفسير الكتاب المقدس العهد القديم سفر عزرا السادس. في:
<https://www.coptstoday.com/Archive/Detail.php?Id=544>

English Translation of References

Books

- Azizi, Yousof. (1380/2001). "*Dāstān-e payāmbārān yā qesse-hā-ye Qor'ān az Ādam tā Xātam*" (Stories from Quran). Tehran: Enteshārāt-e Hād. [Persian]
- Coogan, Michael David; Marc Zvi Brettler; Carol A. Newsom; & Pheme Perkins. (2018). *The new Oxford annotated Bible: New revised standard version- an ecumenical study Bible*. Oxford University Press; Fully revised fifth edition.
- Dayyani, Mohammad Hossein. (1377/1998). "*Moqaddame-ee bar ārsīv*" (Introduc-



- tion to archive). Mashhad: Dānešgāh-e Ferdowsi-ye Mašhhd (Ferdowsi University Mashhad).[Persian]
- FadaeiAraghi, Gholamreza. (1377/1998). *“Moqaddame-ee bar šenāxt-e asnād-e āršivi”* (An introduction to archival documents). Tehran: SAMT(Sāzmān-e Motālēe va Tadvin-e Kotob-e ‘Olum-e Ensāni-ye Danešgāh-hā) (The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities). [Persian].
- GhaemMaghami, Jahangir. (1350/1971). *“Moqaddame-ee bar šenāxt-e asnād-e tārixī”* (An introduction to historical documents). Tehran: Entešārāt-e Anjoman-e Āsār-e Melli (Publications of the Society for the Protection of National Monuments).[Persian]
- Hale, Thomas; & Thorson, Stephan. (2007). *“Tafsīr-e kārbordi-ye ahd-e qadīm”* (The applied oldtestament commentary). Translated by Davoud Kazemian. USA, Colorado Springs: David C. Cook.[Persian]
- Herodotus. (1382/2003). *“Tārix-e Herodot”* (Histoires d’ Herodote) [History of Herodotus] (vol. 1) (2nd ed.). Translated and annotated by Hadi Hedayati. Tehran: Mo’assese-ye Entešārāt va Čāp-e Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran Press) (UTP).[Persian]
- Hawkes, James W. (1394/2015). *“Qāmus-e ketāb-e moqaddas”* (Persian Bible dictionary) (4th ed.). Tehran: Entešārāt-e Asātīr.[Persian]
- Holy Bible*: NRSV (New Revised Standard Version). (2009). by Harper Bibles, Harper One; Catholic edition (2009-11-20). ASIN: B019TLAI52.
- Kent, Roland G. (Grubb). (1950). *Old Persian: Grammar, texts, lexicon*. American oriental society, New Haven.
- “Ketāb-e Moqaddas” (Holy Book). (1380/2001). *“Ketāb-e moqaddas, ahd-e atiq va ahd-e jadid”* (The new testament of our lord and saviour Jesus Christ) (2 volumes in one book). Translated by Fazel Khan Hamedani, William H. Glenn, & Henry Merton. Tehran: Asātīr.[Persian]
- “Ketāb-e Moqaddas” (Holy Book). (2003). *“Ketāb-e moqaddas-e tarsāyān (tarjome-ye xās): Azrā”* (Tarsayan Bible (Literal Persian Translation)) [Introduction, notes

- & margin are according to the inter-church translation of the Bible; excellent level]. [n. p.]: n. p.[Persian]
- Khodadadian, Areshir. (1376/1997). "*Āriā-yi-hā va Mād-hā*" (Aryans and Medes). Tehran: Esālat-e Tanšir.[Persian]
- Levy, Habib. (1339/1960). "*Tārix-e yahud-e Irān*" (The comprehensive history of the Jews of Iran) (vol. 1). Tehran: Ketāb-foruši-ye YahudāBeroxim (YahudaBerokhim Bookstore). [Persian]
- Lipschits, Oded and Manfred Oeming. eds. (2006). *Judah and the Judeans in the Persian period*. Winona Lake, Indiana, Eisenbrauns.
- MakaremShirazi, Naser. (1374/1995). "*Tafsir-e nemouneh*" (A commentary on the holy Quran) (vol. 7). Tehran: Dārol-Kotobol-Eslāmīeh.[Persian]
- Malayeri, Mohammad Mehdi. (1379/2000). "*Tārix va farhang-e Irān dar dōwrān-e enteqāl az asr-e Sāsāni be asr-e Eslāmi*" (Iranian history civilization and culture) (6 volumes). Tehran: Tus.[Persian]
- Pedersen, Olof. (1998). *Archives and libraries in the ancient Near East, 1500-300 B.C.* CDL Press, Bethesda, Maryland.
- Pirnia (Moshir Al-Dowleh), Hassan. (1375/1996). "*Irān-e bāstān yā tārix-e mofassal-e Irān-e qadīm*" (The ancient Iran) (vol. 1 & 2). Tehran: Donyā-ye Ketāb.[Persian]
- Rypka, Jan. (1381/2002). "*Tārix-e adabiāt-e Irān: Az dōwrān-e bāstān tā Qājārieh*" (Dejiny Perske a Tadzickeliteratury) [History of Iranian Literature]. Translated by Isa Shahabi. Tehran: Enteshārāt-e 'Elmi va Farhangi (ElmiFarhangi Publishing Co.).[Persian]
- Sayce, Archibald Henry. (1889). *An introduction to The Books of Ezra, Nehemiah & Esther*. London: The Religious Tract Society.
- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran). (1383/2004). "*Ketāb-e Ketābxāne-ye Melli-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān*" (National library of Islamic Republic of Iran) (pp. 14-15 & 16-17). Supervised by Seyyed Mehdi Taghavi. Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran) in partnership with Enteshārāt-e Tamāšāgarān va

- Mo'assese-ye Farhangi Honari-ye Asr-e Towsèe-ye Dāneš.[Persian]
- Sāzmān-e Omur-e Edāri va Estexdāmi (State Administrative and Recruitment Organization). (1363/1984). *"Lozumvaahammiat-e āršiv-e mellivamarkaz-e bāygāni-ye rāked-e kešvar"* (Necessity and importance of the National Archive and the Inactive Archives Center of the country). Tehran: Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran) (Reproduction).[Persian]
- Throntveit, Mark A. (1992). *Ezra-Nehemiah: Interpretation: A Bible commentary for teaching and preaching*. John Knox Press, Louisville, Kentucky.
- Van Wijk-Bos, Johanna W. H. (1998). *Ezra, Nehemiah, and Esther*. Westminster John Knox Press, Louisville, Kentucky.
- Watts, James W. (Editor). (2001). *Persia and Torah: The theory of imperial authorization of the Pentateuch*. Atlanta: Society of Biblical Literature.
- YazdanparastLarijani, Mohammad Hamid. (1390/2011). *"Irān va Irāniān dar motun-e moqaddas: Avestā, Towrāt, Enjil, Qor'ān va hadīs"* (Iran and Iranian in sacred scriptures: Avesta, the old and new testament, the Quran and hadith). Tehran: Ettelā'āt.[Persian]

Articles

- Azizi, Gholamreza. (1386/2007). "Nā-nemude-hā-yi az sargozašt-e āršiv dar Irān" (Little-known facts about the establishment of archives in Iran). *Ganjine-ye Asnād*, 65, Spring, pp. 105-120.[Persian]
- Badamchi, Hossein;& Forootan, Kian. (1394/2015). "Mas'ale-ye e'tebār-e farmān-hā-ye Ārāmi-ye šāhān-e Haxāmaneši dar ketāb-e Azrā" (The issue of Achaemenidkings' Aramaic mandates' credibility in the book of Ezra). *Motāle'āt-e Tārix-e Farhangi; Pažuheš-nāme-ye Anjoman-e Irāni-ye Tārix* (Cultural History Studies), 6 (23), pp. 1-18.[Persian]
- Badamchi, Hossein & Nowrouzi, Iman. (1391/2012). "Tahlil-e ravāyat-e Yahudiān az bāzsāzi-ye ma'bad-e Yahoudieh dar ahd-e Haxāmanešiān" (Analysis of Jews' narration on the reconstruction of the Jewish temple in the Achaemenid era). *Motāle'āt-e Tārix-e Farhangi; Pažuheš-nāme-ye Anjoman-e Irāni-ye Tārix*



- (Cultural History Studies), 3 (11), pp. 13-32.[Persian]
- Baghaei, Mohammad. (1381/2002). "Negāhi be āršiv va amalkard-e ān dar Irān" (A look at the archive and its functioning in Iran). *Ketāb-e Māh-e Kolliāt*, 58-59 (Mehr&Ābān 1381 / October & November), pp. 28-35.[Persian]
- Blenkinsopp, Joseph. (2001). "Was the Pentateuch the civic and religious constitution of the Jewish Ethnos in the Persian period?". In: *Persia and Torah: The theory of imperial authorization of the Pentateuch*. (James W. Watts, Editor). Atlanta: Society of Biblical Literature.
- Dehghani, Mousa Reza. (1379/2000). "Tārix-če-ye āršiv dar Irān" (History of archives in Iran). Unpublished report by *Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān (Sākmā)* (National Library and Archives of Iran), pp. 12-13.[Persian]
- Fathollahzadeh, Farahnaz. (1393/2014). "Ruykardi jadid be zarurat-e tadvin-e nezām-e melli-ye āršivi dar kešvar" (A new approach to the need to develop a national archival system in the country). In Neda Rasouli (Ed.), *"Modiriat-e āršiv va asnād, jeld-e avval: Majmou'emaqālāt-e dovomin hamāyeš-e melli-ye āršivi (āršiv barāye hameh)"* (Archive and Document Management, Volume I: Proceedings of the Second National Archival Conference (archive for all)) (pp.147-168). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran).[Persian]
- Gholami Jaliseh, Majid. (2012). "Tarjome-hā-ye čāpi-ye ketāb-e moqaddas be zabān-e Fārsi tāqarn-e bistom-e milādi" (Printed translations of the Bible into Persian up to the twentieth century). *Irān-nāmeḥ*, 27 (4), pp. 62-77.[Persian]
- KianiHaftlang, Kianoush. (1383/2004). "Tārix-če-ye āršiv dar Irān" (History of archives in Iran). *Asr-e Eqtesād*, 17 Ordibehešt 1383 / 6 May 2004.[Persian]
- KianiHaftlang, Kianoush. (1385/2006). "Sāzmān-e asnād-e melli-ye Irān" (National Library and Archives of Iran). In Ebrahim Afshar (Ed.), *"Dāvera-tol-ma'āref-e ketābdāri va ettelā-resāni"* (Encyclopedia of library and information science) (vol. 2) (pp. 990-992). Supervised by Fariborz Khosravi. In partnership with Soudabeh Nowzari. Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran).[Persian]



- Nowrouzi, Hamed. (1391/2012). "Mo'arrefi va barresi-ye barxi vižegi-hā-ye asfār-e xamse-ye Landan (PL): Qadimi-tarintarjome-ye tārix-dār-e Towrāt be xat-e Fārsi-Ebri" (Introductory analysis of some features of London's Pentateuch (PL): The oldest dated translation of Torah in Persian-Hebrew script). *Pažuheš-hā-ye Irān-šenāsi* (Journal of Iranian Studies), 2 (2), pp. 105-123. [Persian]
- Polaski, don. (2012). "Nehemiah: Subject of the empire, subject of writing". In: *New perspectives on Ezra-Nehemiah: History and historiography, text, literature, and interpretation*. (Kalimi, Isaac, editor). Winona Lake, Indiana Eisenbrauns.
- Rahmani, Enayatollah. (1384/2005). "Tārix-če-ye āršivdar Irān" (History of archives in Iran). *Fasl-nāme-ye Yād*, 77, p. 53. [Persian]
- Sadeghian, Nadali. (1384/2006). "Markaz-e bāygāni-ye rāked-e koll-e kešvar, šam'-eenāpāydār dar taškīlāt-e edāri-ye Irān" (Inactive archives center, unstable candle in Iran administrative organization). *Ganjine-ye Asnād*, year 15, issue number 4, serial number 60 (Zemestān / Winter), pp. 95-96. [Persian]
- SadeghpourBalani, Fatemeh. (1385/2006). "Tārix-če-ye āršiv dar Irān" (History of archives in Iran). *Payām-e Bahārestān*, 58, pp. 6-11. [Persian]
- Samiei Mitra. (1381/2002). "Āršiv" (Archive). In Abbas Horri (Ed.), *"Dāvera-tolma'āref-e ketābdāri va ettelā'-resāni"* (Encyclopedia of library and information science) (vol. 1) (p. 19). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran). [Persian]
- Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran). (1374/1995). "Āšnāyi bā Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān" (Introduction to the National Archives Organization of Iran). *Ganjine-ye Asnād*, 5 (Bahār & Tābestān / Spring & Summer), p. 10. [Persian]
- Soudbakhsh, Leila & Morevvati, Marzieh. (1388/2009). "Āršiv va āršivist dar manābe'-e marja" (Archives and archivists in reference sources). In Saeed Rezaei Sharifabadi & Negin Nekumanzari (Eds.), *"Āršiv, ketābxāneh va muzeh: Vojuh-e ešterāk va ešterāq"* (Archives, libraries and museums: Aspects of commonality and differentiation) (pp. 53-66). Tehran: Ketābdār. [Persian]
- Tazoki, Mohammadreza. (1384/2005). "Āršiv, tārix va jāygāh-e ān dar Irān" (Archive,

its history and place in Iran). *Ruznāme-ye Qods*, (9 Mehr 1384 / 30 September 2005), p. 14.[Persian]

Vahhabi, Fattaneh. (1393/2014). “*Āršiv dar Irān: Barresi-ye tārix-če-ei*” (Archives in Iran: Historical review). In Gholamreza Azizi (Ed.), “*Āršiv va āršiv-dāri: Majmou’emaqāe-hā-ye noxoštīn hamāyeš-e melli-ye āršivi (āršiv barāye hameh)*” (Archives and archiving: Proceedings of the first national archival conference (archive for all) (pp. 269-290). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran).[Persian]

Dissertations

Dalvand, Ma’soumeh. (1387/2008). “*Barresi-ye vižegi-ye mohtavāyi-ye websāyt-hā-ye āršiv-hā-ye melli-ye jahān va nazarāt-e sāheb-nazarān-e āršiv dar Irān be manzur-e erāe-ye olgu-ye behine-ye websāyt-e āršiv-e melli-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān*” (Investigating the content of the websites of the National Archives in the world and the opinions of archival experts in Iran in order to provide an optimal model of the website for the National Archives of the Islamic Republic of Iran)[Masters’ thesis in Library and information science]. Supervised by Dr. Abdolhossein FarajPahlou. Advised by Dr. Saeed Rezaei Sharifabadi & Dr. Abd Al-Hamid Mo’arrefzadeh. Dānešgāh-e Šahid Čamrān-e Ahvāz (Shahid Chamran University of Ahvaz). [Persian]

Soufi, Zhaleh. (1366/1987). “*Tārix-če, ahdāf, va zāyef va taškīlāt-e Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān*” (History, goals, duties and organization of the National Archives of Iran) [Masters’ thesis]. Supervised by Mandana SedighBehzadi. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran).[Persian]

Torkashvand, Fattaneh. (1394/2015). “*Erāe-ye olgu-ye pišnahādi barāye tadvin-e eštelāh-nāme-ye āršiv-e melli-ye Irān*” (Providing a proposed model for compiling the terminology of the National Archives of Iran) [Masters’ thesis in Information science and knowledge management]. Supervised by Dr. Fariborz Khosravi. Advised by Dr. Fahimeh Bab Al-Havaeji. Tehran: “Dānešgāh-e Āzād-e Eslāmi” (Islamic Azad University), “Vāhed-e ‘OlumTahqiqāt” (Science and Research



Branch), Faculty of Humanities and Social Sciences, Department of Information Science and Knowledge Management. [Persian]

Zareei, Maryam. (1396/2017). "*Emkān-sanji-ye ijād-e āršiv dar dafter-e barresi-ye savāneh va havādes-e sāzmān-e ha vā peymāyi-ye kešvari*" (Setting up an archive for the Iranian Civil Aviation Office of Air Accidents: A feasibility study) [Master's thesis in Archival studies]. Supervised by Dr. Ma'soumeh Karbala Aghaei Kamran. Advised by Dr. Saeed Rezaei Sharifabadi. Tehran: "Dānešgāh-e Az-Zahrā" (Alzahra University), Faculty of Psychology and Education, Department of Information Science and Knowledge Studies. [Persian]

Online sources

Fekri, Antonius. "Tafsirol-ketāb el-moqaddas el-ahd el-qadimsafar-o Azrā as-sādes" (). Retrieved from https://st-takla.org/Full-Free-Coptic-Books/FreeCopticBooks-002-Holy-Arabic-Bible-Dictionary/01_A/A_109.html.

"Qāmusol-ketāb el-moqaddas; Dāera-tol-ma'ārefol-ketābia-tol-masihiah"(). "Šarh-e kalame-ye Ahmathā | Ahmatā" (Dictionary of the holy book; Encyclopedia of Christian Biblical Knowledge. Explanation of the word Achmethā|Achmetā). Retrieved from <https://www.coptstoday.com/Archive/Detail.php?Id=544>.

Table of contents

Ganjineh-Ye Asnad

(Peer-reviewed Journal)

Vol.30, No.3, (Autumn 2020)

Ser.No: 119

ISSN: 1023-3652

E-ISSN: 2538-2268

Historical Research

Historical, Political, Economic, Cultural, and Social Developments of Iran under the Reigns of Reza Shah Pahlavi (1925-1941) as Reflected in Postal Stamps of the Time\ **Seyyede Fathollah Fathi, Bagher Ali Adelfar, Abdolrafi Rahimi, Mohsen Bahramnejad** 6-28(23)

The Role of Social Security Commission in 1960s Land Reform of Iran\
Seyyed Mahmoud Sadat Bidgoli 30-53(24)

Ettehadieh Company: From Currency Exchange to Engagement in Foreign Trade\
Soheila Torabi Faresani 54-78(25)

Failure of Development Programs in Kurdistan Province of Iran (1949-1973)\
Seyed Asghar Aghamirzaee, Manizheh Sadri, Ismail Hassanzadeh, Mansoor Heyderi 80-103(24)

Archival Studies

Assessing the Integrity of Digitization of Audiovisual Materials in IRIB Archives \
AmirReza Asnafi, Hamid Ghazizadeh, Shahrzad Akhavan Behbahani 104-128(25)

The documentary investigation of Zemmehnamehs in Qajar period\
Hasan Zandiyeh, Zohreh Ahmadian 130-161(32)

Achmetha Castel: the beginning of archives in Iran\
Gholamreza Azizi, Emadedin Fayazi, Ali Akbar Khedrizeh 162-189(28)

English Abstracts \ **Ebrahim Afshar-Zanjani**

Ganjine-ye Asnad

Historical Research & Archival Studies Quarterly

Vol.30, No.3, Autumn 2020

(119)

E-ISSN: 2538-2268 | ISSN: 1023-3652

A peer-reviewed journal published by the National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran

Editor-in-Chief:

Saeed Rezaei Sharifabadi, PhD srezaei@alzahra.ac.ir

Managing Editor:

Golamreza Azizi greazizi@gmail.com

Executive Officer: Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli, PhD m.sadat@yahoo.com

Editorial Board:

Terry Eastwood, Professor, University of British Columbia, Canada.

Ray Edmondson, OAM, B.A. Dip Lib Phd, Australia.

Gholamreza Fadaei, Professor, University of Tehran, Iran.

A.Hossein Farajpahlou, Professor, Shahid Chamran University, Iran.

Saeed Rezaei Sharifabadi, Professor, Alzahra University, Iran.

Hossein Mirjafari, Professor, University of Isfahan, Iran.

Morteza Nouraei, Professor, University of Isfahan, Iran.

Mohammad Bagher Vosoghi, Professor, University of Tehran, Iran.

Fariborz Khosravi, Associate Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

Narges Neshat, Associate Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

S. Amirmasoud Shahramnia, Associate Professor, University of Isfahan, Iran.

Robabeh Motaghedi, Assistant Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

ganjineh.nlai.ir | Email: ganjinehasnad@gmail.com | Tel: 9821 26405621

Address: Iran National Archives, Kosha St, Haqani High way, Tehran, Iran

Index by: Google scholar, Research gate, ISC, SID & Iran Journal

